



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

محمد نوری



انجمن ناشنوا و نیم شنوا
ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

نویسنده:

محمد نوری

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی
۱۲	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۷	فهرست
۲۷	مقدمه
۳۰	فصل اول: زندگی نامه
۳۰	اشاره
۳۲	تاریخ زندگانی
۳۲	اشاره
۳۲	تولد و تحصیلات
۳۳	سال آخر دبیرستان و شرکت در تظاهرات
۳۶	سوابق کاری و مسئولیت ها
۳۶	اشاره
۳۸	جوان گرایی
۳۹	تنوع و تکثیر کاری
۴۱	زبان اشاره به عنوان کار ویژه
۴۱	تجربه گزینی و کارآیی
۴۳	اخلاق و رفتار
۴۵	محیط تحصیل ابتدایی
۴۷	مقبولیت و جذابیت
۴۷	پشت دیوار سکوت
۴۹	دنیای سکوت
۵۱	دبستان کر و لال ها

۵۳	باغچه بان انسان نمونه
۶۲	خدمتگزاران اجتماع
۷۰	نتیجه گیری
۷۱	زندگانی من
۷۱	اشاره
۷۱	کارنامه و سرنوشت
۸۳	گزارش حوادث
۹۰	خاطراتی از ششم بهمن سال ۱۳۵۷
۹۱	خاطرات اعظم محمودی
۹۴	سالشمار زندگی
۱۰۴	فصل دوم: فعالیت ها و خدمات از منظر اسناد
۱۰۴	اشاره
۱۰۶	مهارت آموزی
۱۱۲	تشکل و سازماندهی
۱۱۲	اشاره
۱۱۲	انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق
۱۱۲	اشاره
۱۱۲	گزارش ویژه
۱۱۴	اهداف شفق
۱۱۶	انجمن خانواده ناشنوایان ایران
۱۱۶	اشاره
۱۱۸	اهداف انجمن
۱۲۰	روش اجرایی
۱۲۲	خط مشی
۱۲۶	جایگاه در توسعه انجمن
۱۲۷	آموزش کارمندان بهزیستی

۱۲۸	طراحی و مهندسی فعالیت های انجمن
۱۲۸	رایزنی و ارتباط با مسئولان و مقامات
۱۳۰	ارتباطات
۱۳۱	گسترده‌گی ارتباطات
۱۳۵	آدرس
۱۳۶	زبان اشاره
۱۳۶	اشاره
۱۳۶	تدریس زبان اشاره
۱۳۶	اشاره
۱۳۷	تعلیم در آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد
۱۳۹	آموزش در اندرزگاه مادر
۱۴۰	آموزش شنوا سنج ها
۱۴۲	گسترش آموزش زبان اشاره
۱۴۳	پژوهش و تألیف در زمینه زبان اشاره
۱۴۶	رابط و مترجم
۱۴۶	اشاره
۱۴۶	تربیت رابط
۱۴۹	فرهنگ سازی
۱۴۹	اشاره
۱۵۴	گسترش اجتماعی سوادآموزی
۱۵۸	نتیجه گیری
۱۵۹	فعالیت های مدنی و فرهنگی
۱۵۹	اشاره
۱۵۹	استفاده از همه ظرفیت ها
۱۶۱	هفته جهانی و روز جهانی ناشنویان
۱۶۴	مأموریت های بهزیستی

۱۷۰	نتیجه گیری
۱۷۱	خبر و همکاری با سیما
۱۷۱	اشاره
۱۷۱	نگاهی به مدارک و اسناد
۱۷۳	شیوه اجرای اخبار ناشنویان
۱۷۷	نتیجه گیری
۱۸۰	گستره ایرانی فعالیت ها
۱۸۰	اشاره
۱۸۰	آذربایجان شرقی
۱۸۲	بایلسر
۱۸۳	تهران
۱۸۴	خوزستان
۱۸۵	همدان
۱۸۶	نتیجه گیری
۱۸۷	مقبولیت عمومی
۱۸۷	اشاره
۱۸۷	تشکل های مردمی
۱۸۸	مراکز دولتی
۱۹۸	فصل سوم: گفت و گو
۱۹۸	اشاره
۲۰۰	وضعیت ناشنویان ایران
۲۱۳	نقش تلویزیون در جامعه و فرهنگ ناشنویان
۲۱۷	فعالیت در اخبار ناشنویان
۲۲۱	وضعیت زبان اشاره در ایران و جهان
۲۲۵	مجمع هم اندیشی سازمان های مردم نهاد
۲۲۷	مسابقه قرآنی ناشنویان

۲۳۰	نشست ناشنویان در نمایشگاه قرآن
۲۴۹	فصل چهارم: میراث مکتوب
۲۴۹	اشاره
۲۵۱	کتاب
۲۵۱	اشاره
۲۵۱	فرهنگ زبان اشاره فارسی - ۱۳۵۹
۲۵۳	آشنایی با اشارات ناشنویان - ۱۳۶۳
۲۵۵	آیا کودک شما نمی تواند بشنود؟ - ۱۳۶۷
۲۵۷	مجموعه اشارات ناشنویان - ۱۳۶۸
۲۵۹	کریایی و اشتغال معلولین - ۱۳۶۹
۲۶۰	زبان اشاره فارسی - ۱۳۷۴
۲۶۳	سالنامه به زبان اشاره - ۱۳۷۶
۲۶۴	آموزش خیاطی برای ناشنویان
۲۶۷	زبان آموزی به کودک ناشنوا - ۱۳۷۷
۲۶۸	اشارات ابزار اندازه گیری و جوشکاری - ۱۳۷۷
۲۶۹	اشارات سیم کشی برق ساختمان و تراشکاری - ۱۳۸۳
۲۷۰	ثمینه باغچه بان - ۱۳۹۶
۲۷۱	مقاله و جزوه
۲۷۱	اشاره
۲۷۱	مشکلات جوانان ناشنوا: ضرورت خانه فرهنگی
۲۷۱	اشاره
۲۷۱	نامه به معاونت توانبخشی
۲۷۱	متن مقاله
۲۷۷	گزارش عملکرد انجمن خانواده ناشنویان ایران
۲۸۱	فعالیت گروهی و بهبود کیفیت زبان اشاره
۲۸۴	تاریخ پنجاه ساله ما و آینده فدراسیون

۲۸۷	گزارش عملکرد آموزش زبان اشاره
۲۸۸	گزارش مأموریت به شیراز جهت آموزش زبان اشاره
۲۹۱	پایان نامه
۲۹۱	اشاره
۲۹۱	آموزش قالیبافی - ۱۳۸۳
۲۹۴	مصاحبه و میزگرد
۲۹۵	روزنامه نگاری
۲۹۵	اشاره
۲۹۵	دست نوشته های غیر منتشره
۲۹۶	فصل پنجم: مأموریت و جهانگردی
۲۹۶	اشاره
۲۹۸	گزارش کلی
۲۹۸	تاریخچه حضور ایران در مجامع بین المللی ناشنوایان
۲۹۸	اشاره
۳۰۰	عضویت ایران
۳۰۰	انواع جلسه های فدراسیون
۳۰۰	کنگره های فدراسیون و حضور ایران
۳۰۲	مجامع عمومی فدراسیون
۳۰۴	نشست های جوانان ناشنوا
۳۰۶	تعامل و روابط
۳۰۷	سفر به کره جنوبی
۳۱۰	مجمع عمومی ناشنوایان در هندوستان
۳۱۰	اشاره
۳۱۰	مجمع عمومی ۱۳۷۳
۳۱۰	حضور و فعالیت نمایندگان ایران
۳۱۲	سفر به ژاپن جهت آموزش

- ۳۱۵ سفر به سنگاپور
- ۳۱۵ اشاره
- ۳۱۵ گزارش سفر
- ۳۱۷ لیست اسامی تیم فوتسال ناشنوایان
- ۳۱۸ سفر به ایالات متحده امریکا
- ۳۲۰ سفر به ترکیه
- ۳۲۰ اشاره
- ۳۲۰ گزارش سفر
- ۳۲۲ اهداف این دوره از کنگره
- ۳۲۳ تصاویر
- ۳۲۳ اشاره
- ۳۲۵ سیر عمر
- ۳۴۰ درباره مرکز

جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی/محمد نوری

مشخصات نشر: قم: توانمندان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.: مصور.

شابک: ۳۵۰۰۰۰ ریال: ۵-۲۶-۶۲۱۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: محمودی، رضا، ۱۳۳۷ -

موضوع: ناشنویان -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع: Deaf -- Iran -- Biography

شناسه افزوده: نوری، محمد، ۱۳۴۰ شهریور-، گردآورنده

شناسه افزوده: دفتر فرهنگ معلولین

رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ ج۵/۲۳۹۵ HV

رده بندی دیویی: ۴۵۱۲۰۹۲/۱۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۱۶۴۴۰

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com

www.DataDisability.com , www.Tavanmandan.com

info@handicapcenter.com

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

مقدمه. ۱۱

فصل اول: زندگی نامه. ۱۳

تاریخ زندگانی... ۱۵

تولد و تحصیلات... ۱۵

سال آخر دبیرستان و شرکت در تظاهرات... ۱۶

سوابق کاری و مسئولیت ها ۱۸

جوان گرایی.. ۱۹

تنوع و تکثیر کاری.. ۲۰

زبان اشاره به عنوان کار ویژه ۲۱

تجربه گزینی و کارآیی.. ۲۱

اخلاق و رفتار. ۲۲

محیط تحصیل ابتدایی.. ۲۳

مقبولیت و جذابیت... ۲۴

پشت دیوار سکوت... ۲۴

دنیای سکوت... ۲۵

دبستان کر و لال ها ۲۶

باغچه بان انسان نمونه. ۲۷

خدمتگزاران اجتماع. ۳۲

نتیجه گیری.. ۳۶

زندگانی من... ۳۷

کارنامه و سرنوشت... ۳۷

گزارش حوادث... ۴۳

خاطراتی از ششم بهمن سال ۱۳۵۷. ۴۸

خاطرات اعظم محمودی.. ۴۹

سالشمار زندگی... ۵۲

ص: ۵

فصل دوم: فعالیت ها و خدمات از منظر اسناد. ۵۷

مهارت آموزی... ۵۹

تشکل و سازماندهی... ۶۵

انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق.. ۶۵

گزارش ویژه ۶۵

اهداف شفق.. ۶۶

انجمن خانواده ناشنوایان ایران. ۶۷

اهداف انجمن.. ۶۸

روش اجرایی.. ۶۹

خط مشی.. ۷۰

جایگاه در توسعه انجمن.. ۷۲

آموزش کارمندان بهزیستی.. ۷۳

طراحی و مهندسی فعالیت های انجمن.. ۷۴

رایزنی و ارتباط با مسئولان و مقامات.. ۷۴

ارتباطات.. ۷۶

گسترده گی ارتباطات.. ۷۷

آدرس... ۸۰

زبان اشاره. ۸۱

تدریس زبان اشاره ۸۱

تعلیم در آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد ۸۱

آموزش در اندرزگاه مادر. ۸۳

آموزش شنوا سنج ها ۸۴

گسترش آموزش زبان اشاره ۸۶

پژوهش و تألیف در زمینه زبان اشاره ۸۷

رابط و مترجم. ۸۹

تربیت رابط.. ۸۹

فرهنگ سازی... ۹۱

گسترش اجتماعی سوادآموزی.. ۹۶

نتیجه گیری.. ۱۰۰

فعالیت های مدنی و فرهنگی... ۱۰۱

استفاده از همه ظرفیت ها ۱۰۱

ص: ۶

هفته جهانی و روز جهانی ناشنوایان. ۱۰۳

مأموریت های بهزیستی.. ۱۰۵

نتیجه گیری.. ۱۱۱

خبر و همکاری با سیما ۱۱۲

نگاهی به مدارک و اسناد ۱۱۲

شیوه اجرای اخبار ناشنوایان. ۱۱۳

نتیجه گیری.. ۱۱۵

گستره ایرانی فعالیت ها ۱۱۷

آذربایجان شرقی.. ۱۱۷

بابلسر. ۱۱۹

تهران. ۱۲۰

خوزستان. ۱۲۱

همدان. ۱۲۲

نتیجه گیری.. ۱۲۳

مقبولیت عمومی... ۱۲۴

تشکل های مردمی.. ۱۲۴

مراکز دولتی.. ۱۲۵

فصل سوم: گفت و گو. ۱۳۵

وضعیت ناشنوایان ایران... ۱۳۷

نقش تلویزیون در جامعه و فرهنگ ناشنوایان... ۱۴۹

فعالیت در اخبار ناشنویان... ۱۵۲

وضعیت زبان اشاره در ایران و جهان... ۱۵۵

مجمع هم اندیشی سازمان های مردم نهاد. ۱۵۸

مسابقه قرآنی ناشنویان... ۱۶۰

نشست ناشنویان در نمایشگاه قرآن... ۱۶۳

فصل چهارم: میراث مکتوب... ۱۷۳

کتاب.... ۱۷۵

فرهنگ زبان اشاره فارسی - ۱۳۵۹. ۱۷۵

آشنایی با اشارات ناشنویان - ۱۳۶۳. ۱۷۷

آیا کودک شما نمی تواند بشنود؟ - ۱۳۶۷. ۱۷۹

مجموعه اشارات ناشنویان - ۱۳۶۸. ۱۸۱

ص: ۷

- کاریابی و اشتغال معلولین - ۱۳۶۹. ۱۸۳
- زبان اشاره فارسی - ۱۳۷۴. ۱۸۴
- سالنامه به زبان اشاره - ۱۳۷۶. ۱۸۷
- آموزش خیاطی برای ناشنوایان. ۱۸۸
- زبان آموزی به کودک ناشنوا - ۱۳۷۷. ۱۹۱
- اشارات ابزار اندازه گیری و جوشکاری - ۱۳۷۷. ۱۹۲
- اشارات سیم کشی برق ساختمان و تراشکاری - ۱۳۸۳. ۱۹۳
- ثمینه باغچه بان - ۱۳۹۶. ۱۹۴
- مقاله و جزوه. ۱۹۵
- مشکلات جوانان ناشنوا: ضرورت خانه فرهنگی.. ۱۹۵
- نامه به معاونت توانبخشی.. ۱۹۵
- متن مقاله. ۱۹۵
- گزارش عملکرد انجمن خانواده ناشنوایان ایران. ۱۹۸
- فعالیت گروهی و بهبود کیفیت زبان اشاره ۲۰۱
- تاریخ پنجاه ساله ما و آینده فدراسیون. ۲۰۳
- گزارش عملکرد آموزش زبان اشاره ۲۰۵
- گزارش مأموریت به شیراز جهت آموزش زبان اشاره ۲۰۶
- پایان نامه.. ۲۰۹
- آموزش قالبیافی - ۱۳۸۳. ۲۰۹
- مصاحبه و میزگرد. ۲۱۱

روزنامه نگاری... ۲۱۲

دست نوشته های غیر منتشره ۲۱۲

فصل پنجم: مأموریت و جهانگردی.. ۲۱۳

گزارش کلی... ۲۱۵

تاریخچه حضور ایران در مجامع بین المللی ناشنویان... ۲۱۵

عضویت ایران. ۲۱۶

انواع جلسه های فدراسیون. ۲۱۶

کنگره های فدراسیون و حضور ایران. ۲۱۶

مجامع عمومی فدراسیون. ۲۱۷

نشست های جوانان ناشنوا ۲۱۸

تعامل و روابط.. ۲۱۹

سفر به کره جنوبی... ۲۲۰

ص: ۸

مجمع عمومی ناشنویان در هندوستان... ۲۲۳

مجمع عمومی ۱۳۷۳. ۲۲۳

حضور و فعالیت نمایندگان ایران. ۲۲۳

سفر به ژاپن جهت آموزش..... ۲۲۵

سفر به سنگاپور. ۲۲۷

گزارش سفر. ۲۲۷

لیست اسامی تیم فوتسال ناشنویان. ۲۲۸

سفر به ایالات متحده امریکا ۲۲۹

سفر به ترکیه.. ۲۳۱

گزارش سفر. ۲۳۱

اهداف این دوره از کنگره ۲۳۲

تصاویر. ۲۳۳

سیر عمر. ۲۳۵

ص: ۹

آقای رضا محمودی در دی ماه ۱۳۳۷ متولد شد. اما بعداً تشخیص داده شد که ناشنوای مادرزاد است. دقیقاً امسال شصت بهار از زندگی اش گذشته است و به مناسبت شصت سالگی او جشن نامه حاضر تقدیم می گردد.

ناشنوایان به آقای محمودی علاقه دارند، زیرا ایشان با تمام وجود در خدمت جامعه ناشنوایی ایران بوده و خدمات ارزنده ای تاکنون ارائه کرده است. کتاب حاضر از یک نظر کارنامه ایشان هم هست. و نشانگر تلاش ها و فعالیت های او است. او از شاگردان مرحوم باغچه بان و ثمینه باغچه بان و در آموزشگاه کر و لامل های باغچه بان (آموزشگاه ناشنوایان باغچه بان کنونی) تحصیل کرده است و تربیت آنها در ایشان مؤثر بوده؛ صفات اخلاقی مثل خودکار و خودجوش بودن، مدام به فکر جامعه هدف بودن و بدون چشم داشت مادی تلاش کردن؛ تمام عمر پاک زیستن و به جای زراندوزی و تشکیل زندگی تجملاتی و پر زرق و برق، دائم درصدد تربیت افراد و افزودن بر جامعه باسوادان و فرهیختگان از باغچه بان به محمودی منتقل شده است.

یکی از صفات زیبا و محاسن اخلاقی او این است که در سخت ترین شرایط لبخند ملیح بر لب دارد و تاکنون او را عصبانی، عبوس، آشفته و پریشان ندیده ایم. همواره با حوصله و بردباری، درایت و شکیبایی و متفکرانه به حل مشکلات می پردازد.

اما کتاب حاضر که تألیف آن، حدود دو سال طول کشید و شاید دست تقدیر این گونه بوده که برای شصتمین سالگرد آقای محمودی منتشر گردد، گویای بخشی از فعالیت های ایشان است، زیرا گزارش همه فعالیت ها و تمام فضائل و محاسن ایشان به اصطلاح مثنوی هفتاد من کاغذ می خواهد و کتاب بسیار قطور و حجیم خواهد شد. از این رو تلاش کردیم مهم ترین نکات و مطالب را از دست ندهیم و بیاوریم؛ در فصل هایی مثل آلبوم عکس به حداقل اکتفا نماییم. زیرا فقط عکس های ایشان چند صد صفحه است ولی از بین آنها چند قطعه مهم تر انتخاب شد. از طرف دیگر عدم دسترسی نخبگان جامعه به اسناد و مدارک ایشان سزاوار نیست، از این رو درصدد هستیم اسناد و مدارکی که در این کتاب نیامده، در سایت دفتر فرهنگ معلولین و نیز CD و کتاب منتشر و در اختیار عموم قرار گیرد.

همزمان با این کتاب دو اثر دیگر از آقای محمودی در حال آماده شدن است: یکی سفرنامه ایشان است که درباره شش سفر خارجی ایشان، یک جلد کتاب آماده شده و در حال ویرایش و نهایی شدن است. یک جلد هم آلبوم عکس ایشان است. تصاویر تاریخی و مهمی دارد که در یک جلد جمع آوری شده و مشغول نهایی کردن آن هستیم. بنابراین میراث فرهنگی و علمی آقای محمودی در سه جلد با عنوان میراث ماندگار عرضه خواهد شد.

همگان می دانند رضا محمودی یک بخش از تاریخ ناشنوایی ایران است؛ او صفحه گویای تحولات این جامعه و خود تاریخ رخدادهای است. تلاش شده این جنبه از زندگانی ایشان به خوبی و مبرهن و شفاف باشد. البته اگر کم و کاستی دارد، حتماً ما را از راهنمایی ها و نقدهای خود بی نصیب نفرمایید؛ به علاوه اگر سند و مدرکی در اختیار دارید که نیاورده ایم، مرحمت کنید و سهمی در تکمیل این مجموعه داشته باشید.

طی مدتی که به تألیف این کتاب اشتغال داشتیم، خود استاد محمودی صادقانه کمک کرد و لازم است از ایشان تشکر نمایم و در واقع خود ایشان را مؤلف این کتاب بدانیم. نیز از خانم مرجانه جلالمت همسر مکرم ایشان هم باید تشکر کنیم که صبورانه و با شکیبایی مساعدت نمودند و در مراحل مختلف به ویژه در ویرایش تلاش مقبولی داشت. این کتاب را مجدداً اخیراً مطالعه و نکات سودمندی تذکر داد. خانم جلالمت به دلیل اطلاعات خوبی که دارند توانستند راهنمایی های مناسبی داشته باشد.

رضا محمودی از افرادی نیست که بیرون گود بنشیند و طلبکارانه مدعی باشد، بلکه در هر رخدادی همراه با جمع کوشا بوده؛ با سختی ها، کمبودها و مشکلات موجود همپای جمع بوده است. او را انسانی بی ریا، بی ادعا اما شخصیتی پر مایه و پر بار، فکور و دلداری، عاشق، هنرمند و خلاق یافتیم. از چند سال قبل، در رفتارش دقت داشتیم و بالاخره تصمیم گرفتیم، او را آن گونه که هست به جامعه معرفی کنیم. مهم ترین انگیزه ام در معرفی او، نیاز جامعه ناشنوایان به چنین انسان هایی است. خلأها و کمبودها در جامعه ناشنوایی بسیار است اما فقدان شخصیت های پر کار و کم ادعا؛ دلسوز و خلاق، اجتماعی و جذاب؛ با تدبیر و راهنما بیشتر احساس می شود. به دلیل همین مشکلات، متأسفانه جامعه ناشنوایی، چند پاره و متشتت شده و نیاز به رهبر و مدیری که همگان را زیر چتر خود تجمیع کند، ضرورتی مبرم است.

آقای محمودی در چند زمینه فعالیت گسترده داشته و سرفصل اهم کارهایش عبارت اند از:

- همکاری با سازمان رفاه و بعداً با بهزیستی به عنوان کارشناس امور ناشنوایان

- آموزش و تدریس زبان اشاره

- همکاری با سازمان صدا و سیما و فعالیت در اخبار ناشنوایان

- پژوهش و توسعه زبان اشاره

- همکاری با نهادهای مردمی در زمینه فرهنگ و جامعه ناشنوایان

ایشان حدود چهار سال فعالیت مداوم و پیگیر داشته و تأثیرش در پیشرفت جامعه و فرهنگ ناشنوایی بر کسی پوشیده نمی باشد. اما متأسفانه اولاً اسناد و مدارک درباره فعالیت هایش اندک و در مواردی فاقد مدارک است؛ دوم اینکه هنوز شخصیت ایشان تاریخی نشده و دست مایه موضوعات مختلف پژوهشگران نگردیده است. امیدواریم این کتاب فتح بابی باشد و در سال های آتی با اسناد و مدارک جدید و نیز تحلیل های منتشره درباره ایشان مواجه شویم.

در پایان لازم است از حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی نماینده آیت الله العظمی سیدعلی سیستانی مدظله تشکر
نماییم که با توصیه ها و توجهات خویش، همواره راهنما بوده اند.

محمد نوری

زمستان ۱۳۹۷

ص: ۱۲

فصل اول: زندگی نامه

اشاره

ص: ۱۳

آقای رضا محمودی که بعد از این، با نام های رضا یا محمودی و بدون القاب و عناوین یاد می شود، چون دارای شرافت ذاتی و صفات عالی انسانی است و به الفاظ مدحی و تکریمی نیاز ندارد، از چهره های مشهور در جامعه هدف است

زندگی رضا دارای ابعاد متنوع و متطور و پیچیده است. زیرا فعالیت های گسترده در رسیدن به اهداف بلند جامعه ناشنوایی داشته است. اما به دلیل کمبود اسناد و مدارک نمی توانم همه ابعاد زندگی او را تبیین کنم ولی درصدد گزارش اهم رخدادهای و مهم ترین سرفصل های حیات او هستم. این فصل شامل گزارشی از مهم ترین رویدادهای زندگی رضا محمودی است که در سه مبحث تنظیم شده است:

۱- تاریخ زندگانی

۲- زندگانی من

۳- سالشمار زندگی

مبحث نخست، گزارش من درباره اهم حوادث زندگی او است. در اینجا گزینشی کار کرده ام و مقطع هایی از زندگی او را برجسته ساخته و توضیح داده ام.

مبحث دوم در واقع زندگانی خودنوشت خودش است. این مبحث هم کامل نیست و به نظر خودش جاهایی از زندگی اش را معرفی و برجسته نموده است.

اما مبحث سوم به صورت کرونولوژی و فعالیت هایش را به ترتیب سنوات معرفی می کنم.

اما با علم به اینکه گزارش حاضر کامل و همه رخدادهای زندگی اش را پوشش نمی دهد، این فصل تدوین شده است. امید است اسناد و مدارک کافی جمع آوری شود و در آینده بتوانیم گزارش جامع تر عرضه کنیم. البته گزارش حاضر هم سودمند است و اهم رخدادهای زندگانی ایشان را معرفی می نماید.

آقای محمودی در بهزیستی و در سیما با خانم فاطمه آقامحمد همکار بوده است. و کتاب درباره خانم آقامحمد دارای مطالبی است که با کتاب آقای محمودی ارتباط نزدیک دارند. از این رو پژوهشگران جهت تکمیل برخی مباحث می توانند به کتاب خانم آقامحمد مراجعه کنند.

رضا محمودی انسانی پرکار و تلاشگر و فعال بوده است. اسم او در بسیاری از رخدادهای مرتبط به ناشنوایان دیده می شود. او از نسل سوم ناشنوایان در دوره جدید است. باغچه بان نسل نخست؛ ثمینه و همکارانش نسل دوم و شاگردان ثمینه، مثل آقای محمودی، نسل سوم هستند.

اساساً فهم و درک تاریخ تحولات ناشنوایان ایران بدون رضا محمودی ممکن نیست؛ زیرا در بسیاری از حوادث حضور داشته یا علت پویایی برخی رخدادهای بوده است. اکنون دوره های مختلف زندگی اش را معرفی می کنم.

تولد و تحصیلات

رضا محمودی در ۱۹ دی ماه ۱۳۳۷ متولد شد و اکنون (۱۳۹۷) شصت بهار از عمرش گذشته است. نام پدرش احسان اله است. او در سال ۱۳۴۵ به آموزشگاه باغچه بان پا گذاشت و ثبت نام شد. شش سال دوره ابتدایی را با موفقیت پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۵۱ گواهی ششم ابتدایی را دریافت کرد.

دوره سیکل را هم در آموزشگاه کر و لال های باغچه بان گذراند و در سال ۱۳۵۴ فارغ التحصیل شد. مدتی مردد بود به چه رشته ای برود و مسیر زندگی اش چگونه باشد تا اینکه راه و ساختمان را انتخاب کرد و در هنرستان نظام مافی تهران شروع به تحصیل نمود.

وزارت آموزش و پرورش برای دانش آموزانی که علاقه بیشتر به دروس عملی و حرفه ای و فنی داشتند در مقابل دبیرستان ها، هنرستان ها را دایر و برنامه ریزی کرده بود؛ تا رشته های عملی مثل ساختمان، برق و موسیقی را آموزش بدهند. این دانش آموزان زودتر وارد جامعه و جذب بازار کار می شدند.

اما هنرستان نظام مافی منسوب به رضاقلی نظام مافی (۱۲۴۶-۱۳۰۳ش) او از رجال مهم اواخر دوره قاجار بود و مدتی والی خوزستان و چند منطقه دیگر بود. بخشی از زمین های او در تهران را به ساخت آموزشگاه حرفه ای ناشنوایان نظام مافی اختصاص دادند و بعدها به هنرستان نظام مافی تغییر یافت و اسم او روی این هنرستان ماند.

رضا چون ناشنوا بود، به سختی در هنرستان پذیرش شد و جزء اولین گروهی بود که به اسم تلفیقی تحصیل کردند و فارغ التحصیل شدند. تلفیقی به روشی برای آموزش و پرورش معلولین در مدارس عادی گفته شده است. تلفیق یعنی معلولین در مدرسه عادی تحصیل می کنند و برای آنان معلم ویژه تدارک دیده می شود. چون هنرستان و دبیرستان ویژه معلولان نبود آنان باید در مدارس عادی تحصیل می کردند، اما مدیریت مدارس مانع می شدند. تا اینکه شیوه تلفیقی در سال ۹۰ رسماً پس از چند سال ارزیابی و اجرا با امضای وزیر لازم الاجرا شد. رضا محمودی و عده ای دیگر از

ناشنوایان اولین افرادی بودند که به همین شیوه که در هنرستان و رشته راه و ساختمان درس خواندند و فارغ تحصیل شدند.

لازم به یادآوری است در رشته های هنرستانی، راه و ساختمان از بهترین رشته ها بود. بالاخره او در سال ۱۳۵۷ یعنی سال پیروزی انقلاب اسلامی، دیپلم گرفت.

رضا در خردادماه درسش در هنرستان تمام شد و چند ماه بعد یعنی مهرماه به تحصیل در مقطع کاردانی رشته معماری اقدام نمود. اما به دلیل فضای انقلابی چند ماه مدارس و مراکز آموزشی تعطیل شد اما در بهمن ماه ۵۷ انقلاب پیروز شد و در سال ۱۳۵۸ با جدیت دوره کاردانی را در انستیتو تکنولوژی انقلاب اسلامی در تهران ادامه داد و بالاخره در ۱۳۶۳ فارغ تحصیل شد.

از ۶۳ تا ۷۳ ادامه تحصیل را رها کرد و با مدرک فوق دیپلم امور خود را می گذارند و البته در این دوره مجال هم برای ادامه تحصیل وجود نداشت. چون بر اثر انقلاب فرهنگی، مراکز آموزش عالی تعطیل شده بود و فضای انقلابی گری و جنگ تحمیلی، رغبت ادامه تحصیل را در افراد به وجود نمی آورد. اما در سال ۱۳۷۳ در مقطع لیسانس در رشته صنایع دستی در دانشگاه هنر تهران پذیرفته شد و پایان نامه اش را در قالی بافی نوشت و دفاع کرد.

سال آخر دبیرستان و شرکت در تظاهرات

رضا به هنگام پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیست ساله و سال آخر متوسطه دریافت دیپلم و دوره سرنوشت ساز برایش بود. او مثل همه مردم که در انتظار روزهای بهتر و زندگی بهتر بودند و تحت تأثیر فضایی که انقلاب اسلامی را زمینه ساز بهترین ها می دانستند، همراه عموم مردم در انقلاب شرکت کرد. زیرا بر این باور بودند که پس از این مردم و جوانان هیچ غمی نخواهند داشت و ایران گلستان خواهد شد.

هر روز در تهران تظاهرات و راهپیمایی بود و رضا با دیگر جوانان در این رخدادها شرکت می کرد. اما در ششم بهمن ماه تیر می خورد و مجروح می شود. خودش در این باره چنین گفته است:

خاطراتی از ششم بهمن سال ۱۳۵۷: بنده در سن بیست سالگی با یکی از دوستانم در صبح روز ششم بهمن سال ۱۳۵۷ برای پیشواز امام خمینی همراه با چندین نفر از طبقات مختلف مردم به طرف چهار راه ولیعصر (چهار راه پهلوی سابق) در حال حرکت بودیم. در این موقع خبر بسته شدن فرودگاه و عدم بازگشت امام خمینی به وطنمان به گوشمان رسید، شروع به اعتراض کردیم و با یک گروه از مأموران در وسط خیابان آزادی (شاهرضا سابق) نرسیده به تقاطع آزادی و صبا روبرو شدیم. تیراندازی هوایی مأموران تبدیل به تیراندازی به سوی ما شد. در حال فرار کردن بودم در یک لحظه احساس کردم که دیگر نمی توانم به دویدن خودم ادامه بدهم. زیرا یک تیر از مسلسل مأموران ویژه که به مأمورین گارد معروف بودند پس از اصابت بر زمین به ران پای راستم اصابت کرده و از آنجا رد شده و در ران پای چپم مانده بود. خون بسیار جاری بود و همان جا نقش بر زمین شده بودم. در خیابان هر طرف مجروحین سینه خیز خود را به گوشه ای می کشیدند و برای رهایی از حمله های بعدی گاردی ها به گوشه ای پناه می بردند.

با کمک چند جوان ابتدا مرا در پشت وانت بار گذاشته تا به جای امنی ببرند؛ دقایقی بعد دوباره مرا با چند مجروح دیگر در داخل آمبولانس گذاشته و به بیمارستان امام خمینی (هزار تختخوابی سابق) هدایت کردند. در این زمان بی هوش شده و چیزی نفهمیده بودم.

کیهان مجله ۸

تهران، جمعه چگونه به خون نشست

جزئیات فاجعه خونین تهران در جمعه

تهران در صحنه فاجعه و در پی حمله به آمبولانسها و بیمارستانها، در حالی که آمبولانسها در حال حرکت بودند، در خیابانهای تهران به خون نشستند. در این صحنه، آمبولانسها در حال حرکت بودند و در خیابانهای تهران به خون نشستند. در این صحنه، آمبولانسها در حال حرکت بودند و در خیابانهای تهران به خون نشستند.

هزاران مجروحان

در تهران، جمعه چگونه به خون نشست. در این صحنه، هزاران مجروحان در بیمارستانها و آمبولانسها در حال حرکت بودند. در این صحنه، هزاران مجروحان در بیمارستانها و آمبولانسها در حال حرکت بودند.

کتاب گناهان

در تهران، جمعه چگونه به خون نشست. در این صحنه، هزاران مجروحان در بیمارستانها و آمبولانسها در حال حرکت بودند. در این صحنه، هزاران مجروحان در بیمارستانها و آمبولانسها در حال حرکت بودند.

چند ساعت بعد از به هوش آمدن متوجه شدم که جای زخم پاهایم را بخیه کرده و یک تیر فشنگ داخل ران پای چپم مانده، مرا رها کرده و در کنار مجروحان دیگر گذاشته اند. همان شب با کمک برادر بزرگم (علی) که آن موقع دکتر رادیولوژی بیمارستان بود، به بیمارستان (سعادت آباد) منتقل و تیر فشنگ مانده در ران پایم را خارج کردند. یک هفته در همان بیمارستان بستری شدم. کارکنان، دکترها و پرستاران به من لقب «مرد انقلابی ناشنوا» دادند.

در مدت بستری در بیمارستان یکی از دوستان همکلاسی ام به نام قدیر حسن خانی به عنوان همراه و یار خوریم در کنارم بود و هیچ لحظه ای تنهایم نگذاشت.

نام اینجانب در کنار مجروحان و کشته شدگان معترض در صفحه هشتم روزنامه کیهان مورخ ۸ بهمن ماه ۵۷ چاپ شده است.

اشاره

رضا از هر نظر مورد توجه ریاست آموزشگاه باغچه بان، خانواده باغچه بان و به ویژه خانم ثمینه باغچه بان بود و از نظر اخلاق، تعهد و وظیفه شناسی و پشتکار او را قبول داشتند. از این رو بعد از اخذ دیپلم به عنوان معلم در آموزشگاه کر و لال های باغچه بان مشغول به کار شد. خانم ثمینه از او دعوت کرد تا از ابتدای سال تحصیلی ۵۶-۵۷ یعنی در مهرماه ۱۳۵۶ به تدریس بپردازد.

استخدام به عنوان معلم در زمانی که فقط ۱۹ ساله بود موفقیت بزرگی در زندگی رضا بود. پس از این راه های موفقیت به روی او گشوده شد و مسئولیت های بیشتری را بر عهده گرفت. مهم این بود که از ابتدا در مراکز اصلی ناشنوایی کشور مسئولیت داشت؛ یعنی در جاهایی که موجب رشد بیشتر و مضاعف می گردید او حضور داشت.

ریاست سازمان ملی رفاه ناشنوایان در سال ۱۳۵۷ از او دعوت کرد تا به عنوان رابط (مترجم) و به عنوان عضو کمیته زبان اشاره با آن سازمان همکاری کند و رضا هم پذیرفت. وظیفه او جمع آوری اشارات برای تدوین کتاب زبان اشاره بود. هنوز این وظیفه را ادامه داده و طی چهل سال همواره با گروه زبان اشاره همکاری داشته است. از این رو دعوت سازمان رفاه در سال ۵۷، حادثه سرنوشت ساز دیگر در زندگی اش بود.

او در سال ۱۳۵۸ ریاست خانه فرهنگی جوانان ناشنوایان ایران را پذیرفت. حضور او در کنار چهره های نخبه و فرهیخته موجب شد بیشتر به تألیف و نویسندگی و پژوهش به عنوان یک حرفه و یک وظیفه بپردازد. و چند سال به تحقیق و تألیف و امور پژوهشی در عرصه ناشنوایی و به ویژه زبان اشاره پرداخت. در سال ۱۳۵۹ تمام وقت های اضافی خود را برای کتاب فرهنگ زبان اشاره فارسی گذاشت این کتاب توسط سازمان ملی رفاه ناشنوایان در سال ۱۳۵۹ منتشر شد.

در سال ۵۹ در تدوین و نشر کتاب مهمان های ناخوانده همکاری داشت و تا چندین سال بعد پژوهش و تألیف در عرصه زبان اشاره را ادامه داد، در عین حال تدریس زبان اشاره را هم داشت.

به منظور گسترش امور فرهنگی ناشنوایان، خانه فرهنگی ناشنوایان شفق را در فرهنگسرای شفق در یوسف آباد در سال ۱۳۷۶ با کمک جوانان ناشنوا راه اندازی کرد اما این مرکز بیش از یک سال دوام نیاورد و تعطیل شد.

رضا تقریباً در همه مراکز ناشنوایی که در تهران تأسیس شده، نقش داشته است؛ یا مؤسس آنها بوده یا در اداره امور بعضی از آنها همکاری داشته، برای مثال از سال ۱۳۷۲ عضو هیئت مدیره کانون ناشنوایان ایران شد و یا از سال ۱۳۸۶ نایب رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران شد.

از مسئولیت های بسیار مهم دیگرش که تأثیر اساسی در زندگی اش داشت، اخبارگویی ناشنوایان در شبکه دو سیمای جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۰ بود. کارش از هر نظر مهم و مؤثر و مورد تأیید مسئولین سیما بود. از این رو ۲۳ سال

کارش تداوم یافت و تا سال ۹۳ با سیما به منظور سامان دهی و ارتقای حرفه خبری سیمای ایران همکاری نمود. او با دل و جان و با تمام وجود تلاش کرد تا این پست سازمانی به خوبی مدیریت شود. در این کار با کسانی مثل فاطمه آقامحمد همکاری صمیمانه داشت. هر چند مسئولین آن گونه که باید قدر هنرش و کارش را ادا نکردند ولی به دلیل عشق و علاقه به میهن و ناشنویان ایران بسیار کوشید. امیدواریم روزی برسد، مورخین و همه میهن

ص: ۱۸

دوستان به وظیفه شناسی و اهمیت تلاش های رضا محمودی و فاطمه آقامحمد و دیگرانی که بیشتر از یک کارمند عادی بلکه با تمام وجود تلاش می نمودند را به جامعه و نسل های بعد معرفی کنند.

جوان گرایی

رضا عاشق خدمت است اما خدمت به جوانان را بیشتر دوست می دارد. در سال ۱۳۶۶ وقتی بیست و نه ساله بود. طرحی برای احیای خانه فرهنگی جوانان ناشنوا داد. و در سمینار بررسی مسائل ناشنوایان شرکت کرد و در مورد مشکلات جوانان ناشنوا و نیاز آنان به محلی مناسب سخنرانی کرد. وقتی دید هدفش تحقق نیافت متن سخنرانی اش را همراه نامه ای برای آقای میرخانی معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور فرستاد و روی خواسته اش و ضرورت ایجاد محل مناسبی برای تجمع ناشنوایان اصرار ورزید.

اما در سخنرانی اش در سمینار بررسی مسائل ناشنوایان روی اوقات فراغت جوانان به ویژه ناشنوایان انگشت گذاشت. استدلال کرد که به هنگام اوقات فراغت اغلب مردم با گفت و گو یا دیدن و شنیدن رادیو و تلویزیون، وقت فراغتشان را به پایان آورده و خستگی جسمی و روحی خود را به پایان می رسانند. اما ناشنوا در خانه نه می تواند رسانه گوش دهد و نه با اهل خانه می تواند گفت و گو نماید؛ لذا باید برای او محلی ایجاد کنیم تا با دوستانش و با وسایلی که برای او مهیا می کنیم مثلاً فیلم های زیرنویس دار، بتواند اوقاتش را به پایان رسانده و خستگی اش را بیرون کند. متأسفانه به این پیشنهاد محمودی حتی جواب کوتاه هم ندادند؛ مثلاً بگویند بررسی می شود یا به چشم بررسی می کنیم و از این گونه جواب ها. از آن پیشنهاد ۳۱ سال می گذرد، میرخانی معاونت توانبخشی رفت و بعد از او چند نفر دیگر آمدند و رفتند ولی به چنین خواسته ای که در واقع خواست عمومی ناشنوایان و خانواده های آنان بود عکس العمل و اهمی نداشتند.

برای ثبت در تاریخ کپی نامه ایشان به آقای میرخانی را می آورم:

برادر میرخانی، معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی کشور

سلام علیکم

با احترام: بنا به درخواست نامه شماره ۱۱۷۳۵/۸۴۰ مورخ ۱۸/۴/۶۶ متن سخنرانی ایراد شده در سمینار بررسی مسائل ناشنوایان در مورد مشکلات جوانان ناشنوا و نیاز آنها به مرکز مناسب و هدف از تأسیس خانه فرهنگی جوانان ناشنوا جهت اطلاع ایفاد می گردد.

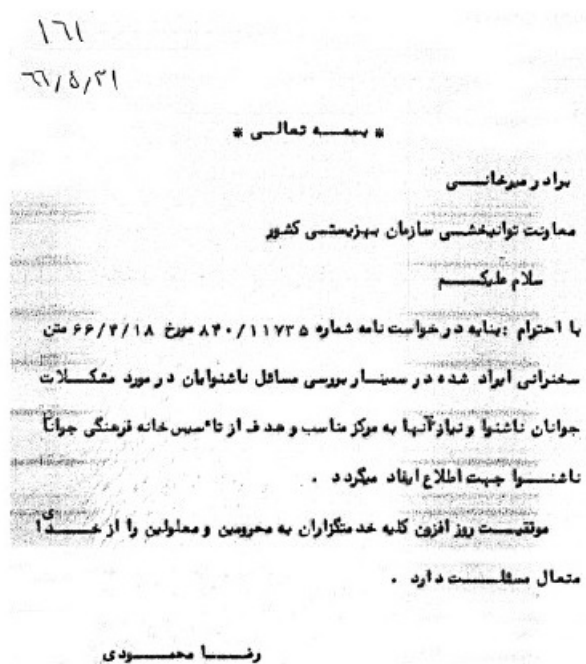
موفقیت روز افزون کلیه خدمتگزاران به محرومین و معلولین را از خدای متعال مسئلت دارد.

رضا محمودی

نوع و تکثیر کاری

رضا محمودی از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۷ که بازنشسته شده همزمان با چند اداره مهم دولتی همکاری داشت: بهزیستی، صدا و سیما، آموزش و پرورش استثنایی.

در آموزش و پرورش استثنایی به تدریس زبان اشاره، معلمی گری و مشاوره به دانش آموزان؛ در صدا و سیما به اطلاع رسانی و خبررسانی ناشنوایان و در بهزیستی به عرصه پژوهش و تألیف می پرداخت. یعنی همزمان سه وظیفه مهم مرتبط به ناشنوایان را به پیش می برد، آن هم در سال های نخست پیروزی انقلاب اسلامی که وضعیت ادارات به هم ریخته و بسیاری از نیروها جابجا شده یا پست های خود را ترک کرده و رفته بودند.



علاوه بر ادارات دولتی، رضا با همه مراکز و تشکل های مردمی فارغ از طرز فکر یا خط سیاسی آنها همکاری داشت، چون پیشرفت ناشنوایان و خدمت به فرهنگ و جامعه ناشنوایی برایش اصالت داشت؛ از این رو هر جا سفره کار و تلاش گسترده بود، رضا هم در کنارش حضور داشت اما نه برای اهداف شخصی و افزایش مال و درآمد یا رسیدن به پست و مقام بلکه صرفاً برای یاری و خدمت. به همین دلیل رضا پس از چهل سال تلاش مداوم، دارایی هایی بسیار اندک و کمتر از یک شهروند متوسط دارد. اگر دست پاک، خالص و خدا ترس نبود و اگر در پی ثروت و مکننت بود به آسانی می توانست میلیاردها دارایی داشته باشد.

اما در عوض تاریخ ایران و تاریخ ناشنوایی از او به عنوان یک اسطوره، یک فرهیخته با شرافت و کسی که در راه انسانیت ناشنوایان خودش و زندگی اش را ایشار کرد تا ناشنوایان به رفاه و خوشبختی، به اشتغال پایدار، به ارتباطات انسانی با زبان اشاره برسند؛ یاد می کند.

او در سال ۱۳۸۷ از سازمان بهزیستی بازنشسته شد ولی خودش را کنار نکشید و نرفت در کناری به زندگی آرام خود پردازد؛ بلکه بیشتر از گذشته به میدان آمد و بر تلاش های خود افزود.

به طوری که هم اکنون در بسیاری از نشست ها و مراسم در شهرهای مختلف ایران او را می بینیم. اما سمت ها، خدمات و فهرست کارهایش در سالشمار زندگی او به تفصیل معرفی شده و در آخر همین فصل می آید.

زبان اشاره به عنوان کار ویژه

تاریخ مثل آینه شفاف انسان ها را نشان می دهد. امیرکبیر، ناصرالدین شاه و هزاران شخصیت دیگر در تاریخ معرفی شده و تاریخ تمام زوایای زندگی و فعالیت ها، اخلاقیات و افکار آنان را با همه ریزه کاری ها و جزئیات نشان می دهد. در جامعه ناشنویان و جامعه معلولین افرادی هستند که گاه با مخفی کردن، اعمال و رفتار خود، فکر می کنند از دست تاریخ می توانند فرار کنند؛ اما مسلم بدانند، هیچ کس و هیچ اعمالی از دست تاریخ نمی تواند مخفی بماند. وقتی به تاریخ معاصر ناشنویان نگاه می کنیم، اسم چند نفر را می نگریم که برای زبان اشاره بسیار کوشیده اند و احیا و ارتقا و رشد زبان اشاره ایرانی مدیون این افراد است: رضا محمودی، محسن لوح موسوی و سید رضا قلی شهیدی در رأس این گروه قرار دارند. البته نمی خواهم از همه آنها نام ببرم ولی در نسل آغازگر این سه فرد برجسته تر می باشند. به طوری که اگر رضا محمودی و محسن لوح موسوی و رضا قلی شهیدی را از زبان اشاره ایران برداریم تقریباً چیزی از این زبان نمی ماند. از این رو یکی از کار ویژه ها و مسئولیت های رضا، زبان اشاره بوده است.

او و همکارانش در عرصه زبان اشاره، اقداماتی برای فرهنگ سازی؛ دسترس پذیری، تعمیم و بالاخره ماندگاری و تداوم داشته اند؛ همچنین با تدریس و آموزش زبان اشاره و نیز با پژوهش و تألیف کتاب درباره جنبه های مختلف زبان اشاره و نیز برای فرهنگ سازی زبان اشاره گام های بی نظیری برداشتند. و زبان اشاره پارسی و ایرانی را به یک فرهنگ غنی و پایدار تبدیل کردند.

خدمت و اقدام دیگرش، تعمیم زبان اشاره به علوم و فنون و حرفه های مختلف بوده تا پیش از تلاش های محمودی، زبان اشاره فارسی بسیار محدود و تعداد اشارات آن محدود بود. ولی پس از اقدامات ایشان و همکارانش، زبان اشاره در خیاطی، در گلدوزی، برق و راه ساختمان و ده ها رشته دیگر گسترش یافت. در واقع دسترسی ناشنویان در رشته های مختلف به زبان اشاره راحت تر و سهل تر گردید.

اقدام سوم محمودی و همکارانش پایدارسازی و ایجاد تداوم زبان اشاره بود. آنان با جمع آوری اشارات از لابه لای متون مردمی و درج آنها در کتب متعدد و نشر کتاب های مختلف توانستند زبان اشاره را پایدار و تداوم دار نمایند.

فهرست مجموعه از اقدامات رضا در سه زمینه فرهنگ سازی، دسترس پذیری و پایداری زبان اشاره ایرانی در سالشمار زندگانی ایشان در همین فصل آمده است.

تجربه گزینی و کار آبی

رضا در مهد و در اصلی ترین پایگاه ناشنوایی یعنی در آموزشگاه کر و لال های باغچه بان و نزد مجرب ترین مربیان یعنی خانواده باغچه بان تعلیم و تربیت یافت؛ آنگاه در مراکز مردمی در کنار

نخبگان و با همکاری با آنان بر تجربه های خود افزود. نیز با مشارکت در نهادهای دولتی و تعامل با این نهادها، اشکالات و آسیب ها را شناخت و تلاش کرد قوت ها و مسیر صحیح پیشرفت ناشنوایان را درک کند.

دیگر ویژگی مهم رضا اهتمام به انتقال تجارب و دستاوردهای جهان مدرن بود. او رسیدن به سعادت و خوشبختی را بدون اخذ دستاوردهای جهان مدرن ممکن نمی داند، و با باور به اینکه در همه زمینه ها تلاش می کنیم به فناوری مدرن دسترسی پیدا کنیم، در ماشین سازی، در خودروسازی، در جاده سازی، در چاپ و نشر و غیره تلاش می کنند به تکنولوژی جهان مدرن برسند، در امور ناشنوایی هم تلاش کرد به فناوری مدرن دست یابد. از این رو بار سفر بست و سفرهای متعدد به ژاپن و کشورهای دیگر رفت. سفرنامه های رضا خواندنی و زیبا است. هر چند کمتر به محتوای آنها توجه شده و پژوهشگران به تجزیه و تحلیل این سفرنامه ها پرداخته اند. بنده درصدد هستم روی این سفرنامه ها از نگاه تجربه گزینی و اخذ فناوری مدرن کار پژوهشی و علمی انجام دهم. اساساً سفر و سفرنامه ها در اواسط دوره قاجاریه موجب تحول در جامعه معلولین شد. امیرکبیر با یک گروه از مأمورین دولتی جهت پیگیری مسائل حقوقی قرارداد ترکمانچای و گلستان به روسیه رفتند و به صورت تصادفی مراکز و مدارس معلولیتی را دیدند و متوجه شدند معلولین هم مثل افراد عادی می توانند تحصیل کنند، کار کنند و شغل و کسب درآمد داشته باشند. سپس دیده های خود را در سفرنامه هایشان آوردند و وقتی این مطالب در ایران منتشر شد، تحولات آغاز گردید.

محمودی هم با رفتن به کشورهای پیشرفته سعی کرد مشاهدات و فناوری های ناشنوایی را به داخل ایران انتقال دهد. البته اگر آموزش های توجیهی و ویژه دیده و هدف دار کار کرده بود، شاید نتایج و ثمرات سفرهایش بیشتر بود. ولی همین که توانسته یافته های خود را مکتوب کند و انتقال دهد خودش خدمت بزرگی است. در بخش سفرنامه ها اطلاعات تفصیلی به سفرهای محمودی را می آورم.

بنابراین تحصیل در آموزشگاه باغچه بان، سفر به بلاد پیشرفته، همکاری با فرهیختگان در مراکز و نهادها باعث شد تا از نظر فکری و عملی کارآیی و کارآمدی داشته باشد. از این رو در مقام رایزنی و مشاوره توانسته خلاقیت ها و نظرات سودمند و مؤثری ارائه کند. توانایی های او در این زمینه قابل توجه است.

اخلاق و رفتار

راستی آیا فکر کرده اید چرا رضا محمودی را همه یا اکثر قریب به همه دوست دارند؟ همه از او به نیکی یاد می کنند؟ همه او را در جلسات دعوت می کنند؟ همه از او استدعا و خواهش می کنند در مؤسسه آنان عضو شود و در هیئت مدیره یا هیئت امنای مرکزشان حضور داشته باشد؟

پاسخ این پرسش ها، را می توان در اخلاقیات او یافت؛ چون انسان پاک و ایثارگر است؛ خودخواه نیست؛ خوبی ها را برای شخص خودش نمی خواهد بلکه جامعه هدف و آمال و نیازهای ناشنوایان برایش مهم است و درصدد رفع نیازهای آنان است؛ اخلاق نیک و انسان مدارانه دارد؛ بی جهت خودش را مطیع شریعت نشان نمی دهد و به قول معروف جانماز آب نمی کشد و در خفا اعمال ناشایست انجام نمی دهد؛ ظاهر و باطن او یکی است؛ با افراد صادق و رو راست و مثل کف دست

است؛ چابلس و مداح نیست؛ دو بر هم زن و منافق و چند چهره نیست؛ خیر و برکتش به همه می رسد؛ ممسک و دست تنگ و در جیب دوخته نیست؛ دست و دل باز است؛ دلش مثل دریا همه اخبار را در خود دارد ولی در جهت منافع شخصی اش از آنها بهره نمی گیرد.

گاه با سوز دل از اختلافات داخل جامعه هدف می گوید و با آه دل آرزو می کند که این اختلافات پایان یابد و همه در یک مسیر برای موفقیت خدمت کنند.

من در عمل بارها او را سنجیده ام و طی سی سالی که با گروه های مختلف ناشنوایی کار کرده ام، او را از هر نظر برترین فرد در جامعه ناشنوایان یافته ام. به خود او هم چند بار گفته ام.

مهم ترین عامل در تربیت او خانواده باغچه بان بوده است. این خانواده که در خوبی ها چیزی کم ندارند، محاسن اخلاقی خود را به رضا منتقل کرده اند. رضا همیشه لبخند ملیحی بر لب دارد و در سخت ترین شرایط کاری، خودش را نمی بازد و با صبوری و شکیبایی به حل مشکلات می پردازد.

مناسب بود نهادهای دولتی و مراکز مردمی قدردان زحمات او می بودند و تاکنون نشست هر چند کوچکی در تکریم و تعظیم یا حداقل قدردانی و سپاسگزاری او برپا می کردند. امید است شصت سالگی او را در دی ماه ۱۳۹۷ از دست ندهند و شاهد مجلس زیبایی در بزرگداشت او باشیم.

محیط تحصیل ابتدایی

رضا محمودی مثل دیگر کودکان در محیطی تحصیل کرد که بسیار تحت تأثیر آن بود و این محیط تا چندین دهه بعد در رفتار و فعالیت هایش مؤثر بوده است. اینجا، همان مدرسه یا آموزشگاه باغچه بان است. او از کودکی بچه ای شیرین و دارای اخلاق و رفتار جذاب و مقبول بود. از سال نخست دبستان (او در سال ۱۳۴۴ به مدرسه باغچه بان پا گذاشت) مورد توجه مدیر مدرسه خانم ثمینة باغچه بان قرار گرفت. علاقه خانم ثمینة به رضا هنوز ادامه دارد.



بالاخره رضا بخشی از پیشرفت ها و موفقیت هایش مدیون مدرسه باغچه بان و توجه معلمان و مدیریت آن مدرسه به او است. تصویر زیر نشان دهنده علاقه ثمینة به رضا و تلاش خانم ثمینة برای یاد دادن زبان اشاره به او است.

عکس فوق همیشه مورد توجه بوده و گویای صمیمیت بین معلم و شاگرد است. این ارتباط هنوز بین خانم ثمینه باغچه بان و رضا محمودی برقرار است و طرفین بسیار به یکدیگر علاقه مندند.

من ندانم به نگاه تو چه رازی است نهران

که من آن راز تو را دیدن و گفتن نتوان

با علاقه و هیجان فراوان با یکدیگر گفتگو می کنند، گفتگویی که با زبان نگاه و حرکات سر و دست صورت می گیرد - در اینجا نگاه ها گویاتر از زبان ما و شنواتر از گوش های ماست و ساکنان این «دنیای خاموشی» از انسان های سالم حساس تر هستند. آنها احساس ها، عقده ها، غم ها و شادی هایشان را با سکوت به یکدیگر منتقل می کنند. به منظور شناخت تربیت و اخلاقیات رضا باید سری به محیط تحصیلی او بزنیم و بررسی کنیم در چه مدرسه و آموزشگاه هایی تحصیل کرده است.

پشت دیوار سکوت

به منظور شناخت مدرسه باغچه بان به عنوان جایی که رضا محمودی در آنجا تربیت شده و شاکله و شخصیتش شکل گرفته، چند مطلب از همان دوره یعنی از حدود چهل و پنجاه سال قبل درباره آن مدرسه می آورم. اولین مطلب نشست و میزگردی با برخی معلمان و مدیران و دانش آموزان مدرسه باغچه بان است که با عنوان «پشت دیوار سکوت» در پنجشنبه ۱۳ خردادماه ۱۳۴۴ در روزنامه کیهان منتشر شده است.

دنیای کر و لال ها، دنیایی خالی از صداهای ناهنجار قرن ماست. به جای دو نعمت که طبیعت از آنان دریغ کرده، خداوند دو نعمت بزرگتر به آنها ارزانی داشته است، این دو نعمت بزرگ آرامش و سکوت است. اینجا سکوت هست، ولی تاریکی نیست. زبان نیست، ولی چشم می گوید و دست می جوید. در اینجا لطف و صفا و مهر و وفا با قلب هایی سرشار از عشق و دوستی حکم فرماست... در اینجا عشق ها در نهایت پاکی و صداقت ابراز می شود.

پرسش و پاسخ: نخستین سؤالی بود که در بحث میزگرد دختران و پسران کلاس ششم دبستان کر و لال های باغچه بان مطرح شد: آیا می خواهید همسران مثل خود شما کر و لال باشد، یا یک فرد شنوا را به همسری انتخاب می کنید؟

پسرها و دخترها چنانکه اشاره شد با ایما و اشاره به این پرسش پاسخ گفتند. نظرات آنها را که در پاسخ سؤال فوق بیان شده می آورم:

یکی از پسرها گفت: نه! من دلم نمی خواهد زنم کر و لال باشد. ما ناچاریم در جامعه زندگی کنیم و او باید نقصی را که در وجود من هست جبران کند و در جنجال زندگی با سر و زبان دارها یار و یاور من باشد.

اما یکی دیگر از دخترها گفت: من مردی را ترجیح می دهم که مثل خودم باشد او را به یک مرد شنوا ترجیح می دهم و به او

قانع هستم، زیرا طبیعتاً با من مهربان تر خواهد بود. مرا فریب نخواهد داد و از آسایش روحی بیشتری برخوردار خواهم بود.

ص: ۲۴

دو دختر دیگر با جملاتی شبیه همین ها به سؤال مزبور، پاسخ گفتند و چند دختر دیگر با تکان دادن سر نظر دوستان خود را تأیید کردند. به طوری که در مجموع نظر همه دخترها، تقریباً یکسان بود.

یکی از پسرها - ما مجبوریم در خارج از خانه کار کنیم، تا بتوانیم چرخ زندگی را بچرخانیم، هنگامی که پس از یک روز کار خسته کننده، با اعصابی فرسوده به خانه باز می گردیم، اگر هرچه زنگ بزنیم، زنی که در خانه است صدای زنگ را نشنود، کفرمان بالا خواهد آمد... و همین طور است در مورد زنگ تلفن و سایر موارد...

ناهید (یکی از دخترها) گفت: اینکه چیز مهمی نیست! مثل بیمارستان ها، بالای سر در اطاق چراغ می گذاریم، به جای صدای زنگ نور چراغ را خواهیم دید. آخر چشم ما که می بیند!

کامران رحیمی (یکی دیگر از پسران) گفت: من برای این می خواهم زن شنوا بگیرم که وقتی عصبانی می شوم و به او فحش می دهم، با جواب تند و تیزی روحم را تسکین دهد. می خواهم اگر پیش آمد با او دعوا کنم و شاید در موارد لزوم کتکی هم به او بزنم. من به جنجال به فریاد احتیاج دارم!

همه دخترها با هم گفتند: عجیب است!

این یک نمونه از پرسش و پاسخ و گفت و گو در مدرسه باغچه بان در سال ۱۳۴۴ است. نکات فراوان از این گفت و گوی می توان آموخت: مثل شفافیت و سخن دلشان را بدون پرده پوشی و دوگانگی می گفتند؛ دوم پرداختن به مسائل عینی و مبتلا به زندگی ناشنویان اهمیت داشت. بالاخره چنین کارهایی در این دوره مرسوم و متداول نیست.

دنیای سکوت

به منظور کاوش و بررسی در دنیای خاموشی آنهایی که در این دنیا زندگی می کنند از اولین دبستان ویژه کر و لال ها که در سال ۱۳۱۲ به کوشش آقای جبار باغچه بان تأسیس شده است بازدید کردیم.

بحث میزگردی که در بالا از نظر خوانندگان گذشت در جریان همین بازدید در گرفت. آنگاه بررسی علل کری و لالی و پس از آن به خصوصیات روحی و اخلاقی، عقده ها و درد دل های آنان که پشت دیوار سربی سکوت به سر می برند پرداختیم و رپرتاژ این هفته ما ره آوردی است از همین بازدید و بررسی.

علل کری و لالی: عواملی که باعث می شود کودکی کر و لال گردد عبارت اند از: ضربات وارد به مغز، بیماری های عفونی، زایمان های شدید مادر و بالاخره هم خونی پدر و مادر و عوامل دیگر.

در ایران کری و لالی کودکان بیشتر به علت هم خونی پدر و مادر است زیرا مردم عقیده دارند که «عقد دختر عمو و پسر عمو را در آسمان ها بسته اند» در صورتی که دختر عمو و پسر عمو با هم هم خون هستند و بچه آنها ممکن است معیوب به دنیا بیاید. ضمن بررسی خود به این نکته برخوردیم که پدران و مادران بیشتر کودکان کر و لال پسر عمو، دختر عمو هستند.

عصیان کر و لال‌ها: کودکان کر و لالی که از خانواده‌های بالاتر و مرفه‌تر هستند عاصی‌تر از کودکانی هستند که از طبقات پایین اجتماع برخاسته‌اند و با کوچک‌ترین ناملایماتی بزرگ‌ترین اندوه‌ها را احساس می‌کنند.

خانم ثمینہ باغچه بان مدیر داخلی دبستان می‌گفت: یک بار دختر نقاشی به خاطر حساسیت زیاد از حد خود تصمیم به خودکشی گرفت و ما تلاش زیادی به کار بردیم تا موفق شدیم او را از این کار منصرف کنیم.

دختر دیگری کینه عجیبی نسبت به مادرش احساس می‌کرد و چون مادر صدای خوبی داشت و هر شب آواز می‌خواند، دختر او را در کر و لالی خود مقصر می‌دانست و با آن که او به علت ابتلا به منتزیت کر و لال شده بود همیشه به مادرش می‌گفت: من از تو نفرت دارم از بس تو دنبال تفریح و خوش گذرانی خودت بوده‌ای من به این نقص مبتلا شده‌ام!

خانم ثمینہ باغچه بان می‌گوید: ازدواج دختر عمو و پسر عمو به هیچ وجه صلاح نیست، زیرا به علت هم‌خونی کودکی که هر دو زن از یک نقص برخوردار باشند ممکن است کر و لال به دنیا آید. در اروپا این نوع ازدواج‌ها به ندرت انجام می‌گیرند. ولی دختران و پسران کر و لال با هم ازدواج می‌کنند. زیرا از یک آسایش روحی و جسمی واقعی تری برخوردار می‌شوند. مرد شنوا برخلاف آنکه می‌گویند زن لال خوب است طاقت زن لال را ندارد و چنان در آزار و اذواء او می‌کوشد و او را شکنجه می‌دهد که زندگی برای او غیر قابل تحمل می‌شود.

با وجود این ازدواج کر و لال‌ها با اشخاص سالم به نفع سلامت نژاد کر و لال‌ها است به شرط آنکه اشخاص سالم گذشت داشته باشند. به خصوص که در مورد دختران لال که خانواده آنها به علت نقصی که دختر دارد چندان اهمیتی به موقعیت داماد نمی‌دهند و از هیچ‌گونه کمک مادی و معنوی به آنان دریغ نمی‌کنند.

ازدواج کر و لال‌ها: «الکساندر گراهام بل» مخترع تلفن زنی کر و لال داشت و به خاطر او بود که چند نوع تلفن اختراع کرد. چون می‌خواستند با هم ارتباط پیامی داشته باشند. زوج‌های کر و لال چون همدرد هستند. همسران خوب و مهربانی می‌شوند.

دو نفر از شاگردان سابق دبستان باغچه بان به نام آقای رضاقلی شهیدی و خانم مهین رئیس روحانی در سال ۱۳۳۷ با هم ازدواج کردند. اکنون دختر پنج ساله‌ای به نام شبنم دارند.

این دختر ناشنوا به خاطر اینکه بتواند با پدر و مادر خود صحبت کند در دبستان باغچه بان مشغول آموزش زبان کر و لال‌ها است. (۱)

دبستان کر و لال‌ها

اولین دبستان ویژه کر و لال‌های تهران در سال ۱۳۱۱ با کوشش آقای جبار باغچه بان تأسیس یافت. اکنون این دبستان در یوسف آباد و به نام خود آقای باغچه بان نامیده می‌شود. و مجموعاً ۱۶۶ نفر دانش آموز دارد که ۷۵ نفر اینها دختر و ۹۱ نفرشان پسر هستند. آنان به طور مختلط در کلاس‌های این دبستان درس می‌خوانند. کوچک‌ترین آنها شش ساله و بزرگ

ترینشان ۱۶ ساله است.

ص: ۲۶

۱- روزنامه کیهان، ۱۳ خرداد ۱۳۴۴.

در این دبستان سه متخصص وجود دارد خانم ثمینه باغچه بان مدیر داخلی دبستان، آقای محمود پاکزاد و آقای پرویز حقیقت که تحصیلات عالی و تخصصی خود را در ممالک خارج به پایان رسانیده اند.

مشکلاتی که اولیاء دبستان باغچه بان و دانش آموزان با آن روبرو هستند در مرحله اول نداشتن گوشی است که سازمان برنامه تعهد کرده است در سال آینده در اختیار دانش آموزان بگذارد.

در مرحله دوم مشکل تربیت معلم مخصوص برای کودکان کر و لال است زیرا که برای تربیت این گونه معلمین جز خود آقا و خانم باغچه بان هیچ مرکز دیگری در ایران وجود ندارد.

از شاگردان این مدرسه شهریه دریافت نمی گردد ولی آنها که دستشان می رسد هر ماهه مبلغی به عنوان اعانه می پردازند. وزارت آموزش و پرورش تعدادی معلم مجانی در اختیار این مدرسه گذاشته و ماهیانه مبلغ ۱۵ هزار ریال بابت هزینه نهار ۲۰ معلم و ۳۰ شاگرد می پردازد.

کودکان کر و لال در ساختن و پرداختن کارهای دستی و هنری نیز مهارت به سزایی دارند انواع و اقسام کوزه و گلدان های گلی که به نحو جالبی روی آن نقاشی کرده بودند.

آقای محمود پاکزاد دبیر راهنمای دبستان باغچه بان و آموزشگاه حرفه ای کر و لال ها گفت: «همه تلاش ما بر این مبناست که کاری کنیم تا اجتماع این کر و لال ها را بهتر بشناسد و به آنان به صورت یک انسان واقعی که هیچ تفاوتی جز یک نقص شنوایی با انسان های معمولی ندارند نگاه کند.» (۱)

باغچه بان انسان نمونه

به منظور شناخت محیط فرهنگی و اجتماعی و به ویژه وضعیت درسی و آموزشی ناشنوایان ایران در دهه پنجاه مطلب دیگری می آورم. این مطلب به قلم محمدباقر صدیقی و درباره باغچه بان است که در مجله دنیای علم درج شده است. صدیقی مدرسه باغچه بان را به تفصیل معرفی کرده است. اکنون نوشته آقای صدیقی را می آورم:

در اجتماعی که همه مردم تلاش فراوان می کنند تا هرچه بیشتر از وسایل زندگی مادی بهره مند شوند و جای نرم و غذای مطبوع به دست آورند و شهرت و پول نصیبشان شود، باغچه بان در ۴۲ سال پیش به راهی رفت که شوایتزرها رفته اند.

او به یاری انسان های محرومی شتافت که اجتماع آنها را نمی پذیرفت زیرا طبیعت آنها را کر آفریده و لال کرده بود. این موجودات انسانی نه تنها در اجتماع جایی نداشتند، بلکه در خانواده و نزد پدر و مادرشان هم آن چنان که باید مقبول نبودند.

جبار باغچه بان خواست که آنها را به اجتماع بازگرداند و تلاش فراوان کرد تلاشی که محرک آن فقط عاطفه و انسانیت بود و بس.

او نه به خاطر پول و نه برای مقام، تنها برای خاطر قلب پاک و روح بلند انسانی خود به کودکان کر و لال نزدیک شد. و پس

از زحمات بسیار روشی را ابداع کرد تا به این طریق با آنها آشنا شود.

او ۴۲ سال در این راه تلاش کرده و برای اینکه این راه همیشه پیموده شود فرزندان خود را هم به این امر بزرگ تشویق کرده و برای تعلیم و تربیت کر و لال ها به نحو شایسته ای بار آورده است.

ص: ۲۷

۱- . روزنامه کیهان، ۱۳ خرداد ۱۳۴۴، ص ۱۰ و ۱۱.

ثمینه باغچه بان و خواهرش که تحصیلات عالی دارند، مؤسسه باغچه بان را اداره می کنند و از مدت ها قبل جهت پیشرفت امور این مؤسسه تلاش شرافتمندانه ای را آغاز کرده اند تلاشی برای زندگی بهتر جهت کر و لال ها.

همه مردم حاضر نیستند به کودک کر و لالی که زبان چالپوسی ندارد، کمک کنند ولی فرزندان برومند باغچه بان با دوندگی فراوان کمک هایی از مؤسسات دولتی و اشخاص نیکوکار جمع آوری می کنند و در حقیقت یک نوع گدایی می کنند. لکن گدایی آنها به خاطر انسانیت است.

من وقتی به این مؤسسه تمیز و آبرومند رفته و قیافه های شاگردان کر و لال باغچه بان را دیدم در عین حال که متأثر شده بودم با مسرت و امید به آینده این کودکان آنجا را ترک کردم.

وظیفه خود می دانم که به عنوان یک فرد اجتماع از این همه مهر و عاطفه انسانی جبار باغچه بان و فرزندان و آموزگاران شایسته آموزشگاه کر و لال های باغچه بان سپاسگزار باشم. (۱)

آموزشگاه باغچه بان

رضا محمودی تا دوره متوسطه در آموزشگاه باغچه بان تحصیل کرده، علاوه بر دانش، اخلاق هم آموخته و انسان خود ساخته ای شده که سال ها در خدمت فرهنگ و جامعه ناشنویان بوده است و اقدامات و فعالیت های چشمگیر داشته است. مطلبی درباره این آموزشگاه باغچه بان در سال ۱۳۴۵ منتشر شده که قابل توجه است.

فاطمه پهلوی در ۱۶ خردادماه ۱۳۴۵ دیداری از مدرسه باغچه بان داشت. مشروح گزارش این دیدار که گویای وضع این مدرسه در آن دوره است در مجله دنیای علم آمده است.

اظهارات خانم ثمینه باغچه بان: من از طرف پدرم و عموم شاگردان این آموزشگاه و همکاران گرامم مقدم شاهدخت فاطمه پهلوی را که با تشریف فرمایی خود ما را سرافراز فرموده اند صمیمانه خوش آمد می گویم. و اجازه می خواهم که گزارش مختصری درباره تعلیم و تربیت کر و لال ها و وضع این آموزشگاه به عرض برسانم.

روی هم رفته بیش از چهار قرن از آغاز تعلیم و تربیت کر و لال ها در جهان نمی گذرد و قبل از آن افراد کر و لال در هر کشوری یکسان بار محرومیت اجتماعی را به دوش می کشیدند. تا اینکه به تدریج مریبان به امکان تعلیم و تربیت آنها پی بردند و خورشید زندگی کر و لال ها پس از قرن ها تیرگی طلوع نمود.

تعلیم و تربیت کر و لال ها تأثیر مستقیمی در بهبود زندگی اجتماعی ایشان داشت و به تدریج قوانینی به نفع این طبقه محروم وضع گردید و تعلیم و تربیت کر و لال ها از حقوق مسلم آنها شناخته شد.

در اثر مطالعات و تجربیاتی که در زمینه روش های مختلف تعلیم و تربیت به عمل آمد و همچنین در نتیجه پیشرفت های صنعتی که در ایجاد و تکامل گوشی ها حاصل شد، راه زندگی اطفال کر و لال هموارتر گردید، و فاصله بین فرد و کر و شنوا اندک تر شد.

۱- . مجله دنیای علم، سال نهم، تیرماه ۱۳۴۵، ص ۴.

هنگامی که سخن از گویا شدن کر و لال ها به میان می آید اغلب آن را معجزه می پندارند. ولی در واقع تعلیم و تربیت کر و لال ها معجزه نیست بلکه توفیقی است که با کوشش و رنج و صبر و تحمل متقابل شاگرد و معلم حاصل می شود. و یکی از دشوارترین و تخصصی ترین رشته های آموزش و پرورش است.

اکنون اگر ما به تاریخچه آغاز این امر مهم فرهنگی در ایران توجه کنیم می بینیم که ستاره نیک بختی هموطنان کر و لال ما از چهل سال قبل در شهر تبریز درخشیدن آغاز کرده است در آن هنگام سه نفر کودک کر و لال در باغچه اطفال در شهر تبریز با خواهران و برادران شنوای خود ثبت نام کرده بودند وضع خاص این اطفال توجه جبار باغچه بان را جلب کرد و تصمیم گرفت که به آنها سخن گفتن بیاموزد و آنها را باسواد کند. و تصمیم خود را نیز عملی نمود و در پایان سال این سه طفل در حضور رئیس فرهنگ و رجال شهر تبریز خواندن و نوشتن و حرف زدن را امتحان دادند و به این ترتیب تعلیم و تربیت کر و لال ها در کشور ما بنیان گذارده شد.

پس از آن در سال ۱۳۱۲ یعنی ۳۳ سال قبل جبار باغچه بان در تهران مدرسه ویژه کر و لال ها را تأسیس نمود.

از آنجایی که هر کار تازه ای در بدو امر با مشکلاتی روبرو می شود، در راه توسعه و پیشرفت این مدرسه نیز فراز و نشیب بسیار بود ولی با حمایت خاندان سلطنتی و افراد فرهنگ پرور و خیر همواره مشکلات حل شده و این دبستان به سود اطفال کر و لال کشور همواره رو به ترقی بوده است. به طوری که دبستانی که در سی و سه سال پیش در یک اتاق کوچک با سه، چهار نفر شاگرد کر و لال تأسیس یافته بود و تنها معلم و کارمند آن شخص باغچه بان بود امروز مدرسه ای بزرگ و مجهز گشته است و با نهایت افتخار به عرض می رسانم که نه تنها این آموزشگاه مرکز تربیت معلم برای دبستان های جدید تأسیس کر و لال ها در سراسر کشور است بلکه این مؤسسه اکنون شهرت بین المللی یافته و همواره از طرف مقامات رسمی بین المللی روش کار و پیشرفت آن مورد تأیید و تشویق قرار گرفته است.

تا سال ۱۳۳۶ این دبستان متأسفانه جای معینی نداشت و هر روز ناچار از محلی به محلی می رفت و گذشته از آن بار سنگین کرایه خانه بر بودجه بسیار ضعیف آن تحمیل بزرگی بود تا اینکه در سال ۱۳۳۶ با پشتیبانی شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیہ جمعیت حمایت کودکان کر و لال ساختمان قدیم این آموزشگاه که در ضلع شمالی همین منطقه واقع است ساخته و به دست مبارک ایشان افتتاح شد.

و در ظل توجهات آن والاحضرت فرهنگ پرور روز به روز بر وسعت آموزشگاه و تعداد شاگردان افزوده شد تا اینکه در سال گذشته سازمان برنامه برای تأمین کلاس کافی ساختمان جدید را بنا کرد و کلیه وسایل آن را فراهم نمود و اکنون باعث افتخار ماست که این بنا به دست فاطمه پهلوی که مهر و عنایت ایشان شامل حال شاگردان این آموزشگاه گردیده است افتتاح می یابد. این آموزشگاه اکنون ۱۹۳ شاگرد دارد که در ۲۳ کلاس تحت نظر ۴۲ نفر دبیر و آموزگار و کمک آموزگار و دبیر راهنما مشغول تحصیل می باشند.

هر چند که لازم است تعلیم و تربیت کودکان کر و لال از خردسالی آغاز شود ولی متأسفانه به علت نبودن وسایل کافی ما به ناچار کودکان را از شش، هفت سالگی می پذیریم. برنامه کار این مدرسه همان برنامه رسمی وزارت آموزش و پرورش است که برای انطباق با احتیاجات این کودکان مختصر تغییری در آن داده شده است. علاوه بر اجرای برنامه رسمی فرهنگ لب خوانی و تلفظ و زبان آموزی به مواد درسی کودکان اضافه شده. شاگردان در کلاس هایی که بیش از ۸ تا ۱۰ نفر شاگرد ندارد مشغول تحصیل هستند و در هر کلاسی یک نفر آموزگار با یک کمک آموزگار به تدریس مشغول هستند. آموزگاران و کمک آموزگاران با راهنمایان تعلیماتی جلسات هفتگی دارند که در طی این جلسات مسائل و دشواری های تدریس مورد بحث قرار می گیرد. برنامه های ماهیانه و سالیانه تنظیم می شود.

پیشرفت تحصیلی شاگردان و مخصوصاً تلفظ شاگردان بستگی مستقیم به حساسیت شنوایی آنها دارد و تربیت و استفاده از این حساسیت یکی از ارکان آموزش و پرورش کر و لال هاست به این جهت برای کلیه کلاس های این آموزشگاه سازمان برنامه گوشی های دسته جمعی تهیه نموده است و به این ترتیب در سال آینده، همه کلاس ها مجهز به گوشی دسته جمعی خواهند بود و به این ترتیب این نقص کار نیز رفع خواهد شد. شاگردان کلاس ششم این آموزشگاه در امتحانات نهایی وزارت آموزش و پرورش شرکت می کنند و اغلب موفق به اخذ گواهینامه می شوند اکنون فارغ التحصیلان این آموزشگاه در ادارات دولتی و ملی و در کارگاه های صنعتی و در آموزشگاه حرفه ای مشغول کار هستند و گروهی نیز در کشورهای خارجی به آموختن حرفه مشغول اند و همچنین دو نفر از فارغ التحصیلان ما در کالج گالات در آمریکا به تحصیل خود ادامه می دهند.

امید است اکنون که با توجهات خاص شاهنشاه آریامهر فرمان تجدید سازمان آموزش و پرورش کشور و پیکار با بی سوادی صادر گردیده است.

و با توجه خاصی که جناب آقای دکتر هدایتی وزیر محترم آموزش و پرورش به امر تعمیم سواد دارند مدارس کافی در کلیه استان های کشور تأسیس شود تا در ظل توجهات شاهزادگان فرهنگ پرور در تحصیل بر روی عموم کودکان کر و لال ایرانی باز شود و همه فرزندان عزیز ما از موهبت تعلیم و تربیت برخوردار شوند.

اکنون از حضور والاحضرت فاطمه پهلوی تقاضا دارم که برای تشویق از آموزگاران و شاگردان این آموزشگاه هدیه هایی را که جمعیت حمایت کودکان کر و لال برای تشویق این افراد تهیه نموده است به ایشان لطف بفرمایند.

شاگردان دبستانی که از دست والاحضرت فاطمه پهلوی به دریافت جایزه نائل شدند.

شبم شهیدی گروه ابتدایی. الهه قاسمی شاد گروه ابتدایی. هلن لای کلاس دوم.

هلیدا میناسیان کلاس دوم.

زهرا اسدی کلاس دوم.

امیرحسین نجمی کلاس سوم

نادره درکانی کلاس سوم.

اردشیر مجاوریان کلاس سوم.

ص: ۳۰

مجید رضاخان کلاس چهارم.

محسن موسوی کلاس پنجم.

خانم آموزگاران فرنگیس ارجمندی و خانم توراندخت ادیب رضانی به دریافت گلدان نقره مفتخر گشتند.

سخنرانی رئیس هیئت مدیره انجمن حمایت کر و لال ها: خانم ها آقایان برای چاکر بسی مایه مباهات و افتخار است که از طرف خود و جمعیت کودکان کر و لال تشریف فرمایی شاهزاده نیکوکار و سایر مدعوین محترم را به مناسبت افتتاح رسمی دبستان کر و لال باغچه بان خیر مقدم عرض نمایم.

چون هدف مؤسس این دبستان و کارکنان آن جمعیت حمایت کودکان کر و لال که اینجانب افتخاراً به نمایندگی عریضی می نمایم صرفاً جنبه خدمت به خدا و خلق داشته و نسبت به آن تبلیغ و انتشاری (که مرسوم زمان ما است) به عمل نیامده شاید خدماتی که شده از نظر عموم مکتوم مانده است لذا با کسب اجازه از حضور والاحضرت شاهدخت اختصاراً شمه ای از تأسیس این دبستان و جمعیت به عرض می رسانم: اصولاً از زمانی که در دنیای شرقی نظر اشخاص نیکوکار متوجه تربیت طبقات محروم (یعنی کسانی که طبیعت در حق آنها ظلم کرده و به واسطه نقص عضوی از قبیل چشم و گوش و زبان و غیره درب سعادت را بر روی آنها بسته) گردید بیش از نیم قرن نمی گذرد و اقدامات اساسی که از طرف جمعیت های خیریه و جوامع بشری در کشورهای پیشرفته به عمل آمده اکثراً در نیم قرن اخیر بوده است. بی نهایت موجب مباهات است که در ایران عزیز ما نیز که از نظر فرهنگ و اخلاق و ادب حق بزرگی به گردن دنیا دارد همزمان با کشورهای مرفعی مردی به نام جبار باغچه بان نهضت تربیت و کمک به طبقات محروم را در ۴۰ سال قبل شروع کرد.

این مرد با دست خالی و از صفر شروع کرد و به نتیجه رسید زیرا ایمانی استوار داشت و می دانست که در سایه کار و کوشش و خدمت به خلق در ایران هم می توان هلن کلر به وجود آورد.

جبار باغچه بان با متدهای آموزشی خاص خود که عمری روی آنها تجربه نموده بود اطفال کر و لال را مورد آزمایش و تفقد قرار داد و در شهرهای تبریز و شیراز و بالأخص تهران به خدمات فرهنگی خود ادامه داد. ابتدا شاگردانش تعداد معدودی بودند سپس کلاس کوچکی شد بعد دبستانی و امروز مؤسسه و مرکز تربیتی بزرگی که به دست شاهدخت افتتاح یافت به وجود آمده که امید می رود آقای جبار باغچه بان پس از سال ها کوشش انفرادی متوجه شدند که برای فردای ایران ده ها باغچه بان تربیت نماید.

به اصطلاح دست تنها صدا ندارد لذا مبتکر تأسیس جمعیت حمایت کودکان کر و لال شدند و در ۲۲ سال قبل جمعیتی تحت ریاست شاهدخت شمس پهلوی تشکیل یافت و عده زیادی از رجال نیکوکار - دانشمندان و فرهنگیان عضویت جمعیت را قبول و از راه پرداخت شهریه و غیره مساعدت های ذی قیمتی نمودند.

اینجانب وقتی رئیس اداره فرهنگی ارتش بودم و مسئولیت باسواد کردن افراد ارتش را به عهده داشتم با این مرد شریف آشنا شدم و در ارتش با متد باغچه بان توانستیم در ظرف پنج سال صد هزار نفر را باسواد کنیم که گواهی نامه سالمندان از وزارت

فرهنگ دریافت داشتند. بر اثر مشاهده خدمات ذی قیمت و ایمان قوی آقای باغچه بان بنده بعد از افتخار بازنشستگی نیز

ص: ۳۱

دعوت ایشان را دایر به همکاری ادامه دادم و اینک از طرف هیئت مدیره و اعضاء جمعیت حمایت کودکان کر و لال و کارکنان دبستان از توجه خاندان سلطنتی و تشریف فرمایی شاهدخت فاطمه و سایر مدعوین که به منظور تشویق خادمان و عطوفت به محرومان به این کانون تربیتی تشریف فرما شده اند سپاسگزاری می نمایم.

امروز وضع این کانون فرهنگی و ساختمان آبرومند آن که به همت اولیاء سازمان برنامه انجام یافت و توسعه روزافزون سازمان آن و موقعیت بین المللی آن به نحوی است که بدون مساعدت مالی و معنوی و حمایت مستقیم وزارت فرهنگ قائم بالذات نخواهد بود.

اگر اشاره به موقعیت بین المللی دبستان کردم نظرم نبود که غلوی کرده باشم چندی قبل یکی از افسران شریف فرزند کر و لال خود را برای یافتن کانون آموزشی مناسبی در سراسر آمریکا (مترقی ترین کشور دنیا) گردش داده بود و با وجود تکامل وسایل تکنیکی و مادی مؤسسات مزبور نتیجه زیادی نگرفته بود و در آنجا آدرس دبستان باغچه بان را که آن افسر در وطن خود اسمش را هم نشنیده بود به او داده بودند که مراجعه کرد و نتیجه گرفت و روزی در همین محل سپاسگزاری نمود.

وجود این گونه مؤسسات مفید فرهنگی و این همه دانشگاه ها و کانون های علم و معرفت که آبروی میهن ما است همه مدیون همت توانا و فکر روشن بین شخصیت هایی است که در راه ترقی و نوسازی و اعتلا نام بلند ایران دقیقه ای آرام و قرار ندارند. (۱)

خدمتگزاران اجتماع

مطلبی با عنوان «خدمتگزاران اجتماع را بشناسید» درباره مدرسه باغچه بان و ویژگی های آن در مجله دنیای علم منتشر شد که گویای وضعیت این مدرسه در سال ۱۳۴۴ است. این مقاله برای شناخت مدرسه باغچه بان بسیار سودمند است و به قلم آقای مسعود شکوهی است.

نیکوکاری: نظام اجتماع بر پایه نیکي و به اتکا افراد خیر و نیکوکار استوار است.

در گوشه و کنار شهر ما انسانی هایی زندگی می کنند که طالب خوشبختی و سعادت دیگران هستند و برای آنها زشت و زیبا، ثروتمند و فقیر، فرقی ندارد و همواره خدمت به مردم را هدف خود قرار داده اند بی آنکه منتظر پاداش و تشویقی باشند. کار خود را با عشق و علاقه دنبال می کنند.

مجله دنیای علم می خواهد چنین افرادی را به شما خوانندگان گرام معرفی کند و برای دنبال کردن همین برنامه بود که روز یکشنبه مدرسه کر و لال های باغچه بان در یوسف آباد رفتیم. به ساختمان نوسازی وارد شدیم و با مدیره آموزشگاه برخورد نمودیم و سپس به اتفاق از این مؤسسه نیکوکاری دیدن کردیم.

در اینجا منظور ما تشریح وضعیت سازمانی این مؤسسه نیست و چندان توجهی به این مطلب نداریم بلکه می خواهیم عشق و علاقه و هدف انسانی را تشریح کنیم که در میان این همه کارهای گوناگون و پر سود که ممکن است آدمی را به ثروت و

مقام برسانند، فردی از افراد این مملکت در چهل و چهار سال پیش که دنبال کردن هر کاری، اعم از معامله زمین و یا تشکیل احزاب و جمعیت های سیاسی، امکان فراوان داشت که در اجتماع مادی امروز ما موفق و معروف شود. راه انسانیت را در

ص: ۳۲

۱- . مجله دنیای علم، سال نهم، شماره ۴، تیرماه ۱۳۴۵، ص ۴-۵.

پیش گرفت راهی که نه ثروت و نه مقام به دنبال داشت! راهی که پیمودنش بس دشوار و اجر مادی آن صفر بود.

واقعاً حیرت انگیز است که مردی در میان این همه مظاهر فریبنده، با قلبی مملو از احساس و محبت به یاری و کمک محرومین خلقت بشری برود و چه باشکوه است روح انسانی که خوشبختی خود را در سعادت دیگران جستجو می کند و لذت و خوشی خود را در آسایش دیگران می یابد.

مقام چنین انسانی بالاتر از مقام همه افراد است. این شخص آقای جبار باغچه بان انسان نمونه شهر ما است ایشان در سال ۱۳۰۶ در شهر تبریز هنگامی که هنوز مردم نوشتن و خواندن و حرف زدن کر و لال ها را با چشم ندیده و امکان آن را باور نداشتند آقای جبار باغچه بان در کودکی که به نام باغچه اطفال تأسیس کرده بود کلاسی برای تعلیم کر و لال ها دایر و به سه طفل کر و لال نوشتن و خواندن و حرف زدن آموخت.

در آخر سال در حضور عده زیادی از مردم و اجله فرهنگ و علمای خارجی و داخلی این سه طفل خواندن و نوشتن و حرف زدن را امتحان دادند و این عمل در نظر مردم مانند معجزه ای جلوه کرد.

چون در آخر سال محل پست ایشان تغییر یافت این کار مدت شش سال متوقف ماند. آقای باغچه بان در سال ۱۳۱۲ در شهر تهران در یک اطاق محقری مجدداً به تعلیم و تربیت پنج نفر طفل کر و لال بنای دبستان فعلی را گذاشت و در آخر سال این پنج نفر طفل در حضور وزیر فرهنگ وقت آقای علی اصغر حکمت امتحان دادند چون نتیجه رضایت بخش بود از آن تاریخ وزارت فرهنگ بدون در نظر گرفتن تشریفات این بنگاه جدید را به عنوان دبستان کر و لال ها رسماً قبول کرد و در شمار یکی از دبستان های ملی محسوب داشت و مبلغ چهارصد ریال ماهانه اعانه مقرر نمود.

هدف و مرام این دبستان: هدف دبستان از بدو تأسیس پذیرفتن اطفال کر و لال به طور مجانی و بدون در نظر گرفتن ملیت و مذهب و وضع مالی ایشان، تعلیم سواد ابتدایی و آماده کردن آنها برای حرفه و صنعتی بوده است و تاکنون با نهایت شجاعت مرام خود را تعقیب کرده و می کند علاوه بر این گاهی برای شاگردان مستمند لوازم تعلیم و پوشاک تهیه می کند و حتی به نام بیشتر از سی نفر اطفال بی بضاعت در صندوق پس انداز بانک ملی حساب باز کرده مرتباً ماهانه مبلغ ۵۰ ریال به حساب آنها می ریزد.

پیشرفت دبستان و احتیاجات روزافزون آن: چون این دبستان از بدو تأسیس دائماً در حال پیشرفت و توسعه بود احتیاجات مادی و معنوی آن نیز به همان نسبت افزایش می یافت که تمام این احتیاجات را در سه کلمه (محل «لوازم» آموزگار متخصص) می توان خلاصه کرد.

لذا آقای باغچه بان پس از ده سال در سال ۱۳۲۲ برای تأمین احتیاجات مزبور عده ای از فرهنگ دوستان محترم پایتخت را دعوت و جمعیتی به نام (جمعیت حمایت کودکان کر و لال و کور) تأسیس نمود. مدت ده سال نیز به این طریق گذشت و دبستان که در این مدت دائماً در حال توسعه و نیازمندی های آن رو به افزایش بود به وجود یک حامی مؤثری احتیاج داشت در سال ۱۳۳۲ بر حسب اقدامات یکی از هیئت مدیره جمعیت، نظر حمایت شاهدخت والاحضرت شمس پهلوی ریاست عالی

شیر و خورشید سرخ ایران به این دبستان جلب گردد و معظم له از آن تاریخ ماهی مبلغ ده هزار ریال به طور دائم برای این دبستان اعانه مقرر فرمود و نیز بنای فعلی دبستان به تصمیم و اراده ایشان و

ص: ۳۳

کمک های نقدی نیکوکاران در سال ۱۳۳۴ گذاشته شد و در سال ۱۳۳۶ دبستان از تهران به این محل جدید انتقال یافت که امروز یکصد و پانزده طفل کر و لال در این دبستان تحصیل می کنند و ده نفر کارمند دولتی و چهارده نفر کارمند ملی در این دبستان مشغول انجام وظیفه هستند.

تشکیلات کلاسی: شاگردان در این دبستان از شش سالگی پذیرفته می شوند تا ۱۶ سالگی در این دبستان می مانند. اکنون ۱۹۹ شاگرد موجود بنا بر استعداد طبیعی و سن و قوه تحصیلی به ۱۲ گروه تقسیم و هر گروه به دست معلمی سپرده شده است و مطابق برنامه مصوب وزارت فرهنگ تعلیم می یابند. مواد درسی فعلی بالاترین کلاس این دبستان در حدود سال چهارم دبستان های معمولی می باشد. و کارهای حرفه ای آنها فعلاً عبارت است از خیاطی، کش بافی، نقاشی و ماشین تحریر و منبت کاری.

وضعیت اداری: از نظر تعلیم به طوری که در تمام کشورهای متمدنی معمول است هر شش نفر طفل کر و لال باید در یک کلاس و تحت نظر یک معلم تعلیم شوند ولی در این دبستان نظر به کمبود معلم متخصص، در کلاس ها هشت و ده گاهی دوازده نفر شاگرد به دست یک آموزگار سپرده می شوند. به علت دوری محل دبستان از شهر غذای اطفال در خود دبستان تهیه و داده می شود البته به عده ای از این اطفال مجاناً غذا داده می شود و پولی که از عده دیگر گرفته می شود ناچیز می باشد بنابراین وزارت فرهنگ از سال تحصیلی ۱۳۳۸ بابت غذای سی نفر شاگرد و بیست نفر کارمند ماهانه مبلغ پانزده هزار ریال اعانه می پردازد و مجموعاً روزانه در حدود یکصد و چهل نفر از این دبستان تغذیه می شوند شاگردان هر روز صبح سر ساعت ۸ از توپخانه با اتوبوسی که با مساعدت شرکت واحد در اختیار این دبستان گذاشته شده است به دبستان می آیند و ساعت سه مجدداً با همان اتوبوس به توپخانه برمی گردند. و از آنجا به خانه های خود می روند.

وضع مالی فعلی دبستان: طبق مقررات دبستان نظر به مخارجی که تعلیم و تربیت یک شاگرد کر و لال با وضع فعلی دارد هر طفل باید بابت غذا و ایاب و ذهاب و شهریه در ماه مبلغ ۱۵۰۰ ریال به دفتر دبستان بپردازد.

با این ترتیب ملاحظه می کنید که باغچه بان یک فرد معمولی نیست و بهتر است همه با هم او را «انسان» خطاب بکنیم عمل او سرمشقی است برای همه و راه او راه همه مردم است.

باغچه بان در طول زندگانش کودکانی را که در نتیجه قهر طبیعت از حس شنوایی و نطق و بیان محروم شده اند، در آغوش پر مهر و محبت خود جای می دهد و با حوصله و زحمت فراوان بین خود و کودک کر و لال زبان مشترکی به وجود می آورد تا به این وسیله همدیگر را بشناسند و با هم درد دل کنند و آن وقت طفل محروم از او می خواهد که به او هم مانند سایر بچه ها درس بدهند و زبانش را باز کنند و باغچه بان راهی پیدا می کند و آرزویش را برآورده می کند.

کودکان کر و لال تحصیل می کنند دبستان و دبیرستان را به اتمام می رسانند و اکنون قدم به دانشگاه گذارده اند و این افتخاری بزرگ برای باغچه بان عزیز است و در اینجا بهتر است نامه یکی از شاگردان کر و لال باغچه بان را بخوانیم که در آمریکا مشغول تحصیل است.

حضور مدیر محترم دبستان کر و لال ها باغچه بان: پس از عرض سلام و احوالپرسی امیدوارم گرم ترین و دورترین سلام مرا بپذیرید امیدوارم همیشه در کار و زندگی شاد و خرم بوده باشید دریافت

ص: ۳۴

نامه تان موجب خوشحالی من گردید. الحمدلله من خوشحالم که من می توانم انجمن فارغ التحصیلان و کلوپ محصلین کر و لال ایران و آمریکایی با همکاری مدیرم تشکیل بدهم. شما مایلید که من برای شما کاری انجام بدهم خبر بسیار مهمی است که من خوب می دانم که شما یک ساختمان مدرن و بزرگ دیگر ساخته اید. مدرسه ای که من تحصیل می کنم و تمام مدرسه های آمریکا دارای کلوپ و دارای یک سالن بزرگی است که تمام بچه ها در اوقات بیکاری یا اوقات تعطیلی در کلوپ جمع می شوند دختر و پسران با هم صحبت می کنند و شادی می کنند. و یک سالن بزرگی که من می دانم شما دارید برای سینما است خیلی خوب است پسران و دختران می توانند یک روزی با هم یک نمایش تشکیل داده و به بچه ها نمایش بدهند مثلاً یک فیلم بازی می کنند یا تئاتر نمایش می دهند بسیار خوب است. من هنوز نمی دانم انجمن فارغ التحصیلان را من در کجا تشکیل دهم. مدیر گرامی همان طور شما اطلاع دارید که من برای اولین بار یک دانشجوی کر و لال هستم که در آمریکا تحصیل می کند و اجازه ورود به کالج گالات داده شد، که من به زودی به واشنگتن می روم. برای اولین بار در میان دانشجویان کر و لال خارجی پرچم ایران را در دست می گیرم مبارزه می کنم من اولین دانشجوی ایرانی هستم که در کالج گالات تحصیل می کنم اسم من در مجله ها به زودی چاپ می شود که من در امتحان ورودی به کالج که در ماه مارچ آینده شروع می شود شرکت می کنم. امیدوارم در این امتحان با معدل خوب قبول شوم سپس به مدت ۶ سال در کالج گالات رشته مهندسی راه و ساختمان خواهم خواند.

خواسته ها و گزارش: تمام بچه های آمریکایی حق ندارند بدون دعا کردن غذا بخورند باید صبح ها و ظهرها و شب ها قبل از اینکه می خواهند غذا بخورند همه بچه ها می ایستند و یک از پسر یا دختر می رود سر یک میز می ایستد و با اشاره دعا می کند و بعد از آن همه با هم غذا می خورند.

مدیر گرامی من دلم خیلی می خواد که به من قدری کمک کنی از تو خیلی خواهش دارم چند عکس از مدرسه شما که در کلاس و هم در اطاق ها و درس گرفته شده باشد برایم بفرستید چون مدیر مدرسه من از من خواهش کرده که می خواهم از کارهای مدرسه شما جويا شوم ما هم به زودی عکس هایی درباره مدرسه ام برایتان می فرستیم خیلی متشکر و ممنونم ان شاءالله من هم بتوانم پس از پایان تحصیلاتم در آمریکا با همکاری شما یک کالج برای کر و لال ها بسازیم. از قول من به آقای باغچه بان عزیز و مهربان و پروانه خانم و تمام آموزگاران و دبیران مدرسه خیلی سلام برسان مرا به آموزگاران جدید معرفی کن هرچه شما می خواهید من می توانم انجام بدهم. همان طور که شما اطلاع دارید قبلاً یک دانشجوی ایرانی به نام «ایرج شوهاتی» در این مدرسه تحصیل می کرده ولی متأسفانه نتوانست به کالج برود به ایران برگشت اکنون در شرکت نفت مشغول کار است آیا شما او را می شناسید؟ حالا من می خواهم شکست او را جبران کنم، اگر خدا بخواهد به تمام همکلاسی هایم و دوستانم خیلی سلام برسان امیدوارم همیشه همه شما در کار و تحصیل موفق باشید. اگر خدا بخواهد، من به کمک شما پیام.

در بین کسانی که به این مؤسسه کمک مادی می کنند. نام آقای تجدد که در رأس بانک بازرگانی قرار دارند. بیشتر به چشم می خورد و ایشان بنا به اظهار مدیره آموزشگاه به کسر بودجه این مؤسسه همیشه کمک می کنند و ما در این مورد از هموطن رئوف و مهربان خود بسیار سپاسگزاریم و به این

وسيله توجه اولياء وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه تهران را برای کمک معنوی و شرکت ملی نفت را برای کمک مادی و تأمین دستگاه های فنی لازم به این مطلب جلب می کنیم. در شماره های بعد نحوه تعلیم کر و لال ها و برنامه فعلی و آینده این مؤسسه را تشریح خواهیم کرد. (۱)

نتیجه گیری

در مجموع پنج سند قدیمی در این مبحث آوردم؛ عمداً از اسناد قدیمی که در سال های حضور و حیات مرحوم جبار باغچه بان منتشر شده، انتخاب کردم تا واقعیت ها و رخداد های جامعه آن روز را بهتر نشان دهد و ما بهتر بشناسیم.

به هر حال رضا در چنین محیطی پرورش یافته است. شخصیت، رفتار های اجتماعی و اخلاقیات فردی رضا ریشه در پرورش یافتن در آن محیط دارد.

ص: ۳۶

۱- . مجله دنیای علم، دوره جدید شماره ۲، بهمن ۱۳۴۴، ص ۸-۹ و ۲۱.

من و نسل همراه من به نسل دهه پنجاهی یا نسل انقلاب معروف اند؛ اینان کسانی هستند که بین ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۲ متولد شده اند و در دوره حوادث انقلاب در سال ۱۳۵۷ جوانان پرشور بودند. اغلب افراد این نسل و از جمله خود من، رخداد‌های بسیاری را دیدیم و چشیدیم ولی به فکر نوشتن گزارش نبودیم. چون آن قدر حوادث زیاد بود که و آن چنان سرگرم بودیم که چنین وظیفه ای به ذهن ما خطور نمی کرد. به هر حال از دو سال قبل که بحث نوشتن زندگانی و تجاربیم به میان آمده بسیار کوشیدم حوادث به یاد بیاورم و بنویسم. مطالبی که در این بخش ملاحظه می فرمایید، هر چند مختصر است ولی گزارش صادقانه وقایع می باشد.

کارنامه و سرنوشت

من در زمستان سرد ۱۰ دی ماه سال ۱۳۳۷ در محل شاهپور تهران به دنیا آمدم. پدرم احساس الله خیاط زحمتکش بود که خدایش او را رحمت کند. شناسنامه اش صادره از کرکبود طالقان بود. مادرم عصمت منتظر حقیقی، فداکار و از خود گذشته بود و شناسنامه اش صادره از تهران بود. خانواده ما دارای سه برادر و یک خواهر است و من چهارمین فرزند خانواده هستم.

علت ناشنوایی ام مادرزادی است در سن ۶ ماهگی مادر عزیزم اولین کسی بود که متوجه ناشنوایی ام شده بود. او با تلاش فراوان و بدون وقفه و راهنمایی های دکتر و مشاوران آن زمان و مدد افراد خانواده ام حرف زدن و به دست آوردن اعتماد به نفس را به من آموخت. خداوند او را غریق رحمت واسع و همه نوع برکات خود گرداند. به جرأت می گویم، آنچه دارم به خاطر زحمات او است و آنچه ندارم از کم کاری خودم است.

در سال ۱۳۴۳ در سن ۶ سالگی به آموزشگاه کر و لال های باغچه بان واقع در سید جمال الدین اسدآبادی (یوسف آباد) رفتم آن زمان جبار باغچه بان وقتی وارد حیاط مدرسه می شد من با بچه های دیگر ناشنوا دور او جمع می شدیم. وی دست های پر برکت و با مهربانی بر روی سرم و دیگران نوازش می کرد.

متأسفانه بعد از زیارت اول بیش از یک سال نتوانستم او را ببینم. البته در دیدار اول او را نشناختم و بعد از مدتی دریافتم که او مرد بزرگی، خورشید خاموشان، پدر ناشنوایان و بنیانگذار آموزش ناشنوایان ایران بود. روحش شاد.

در آموزشگاه کر و لال های باغچه بان که بعدها به نام آموزشگاه ناشنوایان باغچه بان تغییر نام یافت، تحت نظر آموزش خانم ثمینه باغچه بان و خواهرش خانم پروانه باغچه بان، معلمان خوب و دلسوز تا کلاس سوم متوسطه گذراندم. خاطرات زیادی از این آموزشگاه دارم و اکنون هم با یادآوری این خاطرات زنده و شارژ می شوم و این آموزشگاه را خانه دوم خودم احساس می کردم. تعطیلات عید و تابستان به علت دوری از هموعانم و دست اندرکاران خوب آن مدرسه برایم عذاب آور بود.

در تعطیلات تابستان بیشتر وقت ها در مغازه پدرم واقع در خیابان باب همایون خیاطی کار می کردم. پدرم می گفت کار فنی خیاطی را یاد بگیر، اگر خدای نکرده در سن بزرگی بیکار شدی می توانی از راه خیاطی درآمدی داشته باشی. اکنون هر زمان

و هر جایی که سوزن خیاطی در

ص: ۳۷

دستم باشد و یا کار کوچک خیاطی انجام می دهم به یاد پدرم می افتم و برایشان درود می فرستم. روحش شاد.

در تاریخ تیرماه ۱۳۹۶ مادر عزیزم، پس از چهارده ماه زمین گیری، از دست دادم و در مرداد ماه ۱۳۹۷ برادر بزرگوارم که جای پدرم بود در کشور فرانسه از دست دادم.

این مصیبت های بزرگ برایم تألم آور و دردناک بوده است. روحشان شاد.

مشخصات

نام: رضا محمودی

نام پدر: احسان الله

شناسنامه: ۱۲۹۴

تاریخ تولد: ۱۹ دی ماه ۱۳۳۷

تأهل: متأهل

تعداد فرزند: یک

کد ملی: ۰۰۴۱۵۵۷۳۴

علت ناشنوایی: مادرزادی

همراه: (۰۹۱۲۴۰۵۶۸۷۰) MS

ایمیل: REZA.VERDI@GAMIL.COM

تحصیلات

۱. اخذ گواهی نامه ششم ابتدایی از آموزشگاه کر و لال های باغچه بان در خرداد ۱۳۵۱.

۲. اخذ گواهی نامه دوره سیکل از آموزشگاه کر و لال های باغچه بان در سال ۱۳۵۴.

۳. اخذ دیپلم فنی راه و ساختمان از هنرستان نظام مافی (اولین گروه فارغ التحصیلان هنرستان به صورت تلفیقی) در سال ۱۳۵۷.

۴- اخذ مدرک فوق دیپلم (کاردانی) معماری از انستیتو تکنولوژی انقلاب اسلامی تهران در سال ۱۳۶۳.

۵. اخذ مدرک لیسانس (کارشناسی) صنایع دستی از دانشگاه هنر تهران ارائه پایان نامه با عنوان آموزش قالیبافی به افراد ناشنوا با زبان اشاره در سال ۱۳۸۳.

خدمات

۱. دبیر اولین جشنواره فرهنگی و هنری ناشنوایان ایران در فرهنگسرای اندیشه از ۱۲ تا ۱۶ اسفندماه سال ۱۳۷۳.

۲. دبیر برگزاری نمایشگاه آثار هنری ناشنوایان در فرهنگسرای شفق مهرماه ۱۳۶۷.

۳. دبیر برگزاری نمایشگاه آثار هنری ناشنوایان در نگارخانه لاله مهرماه ۱۳۷۷.

ص: ۳۸

۴. همکاری در برگزاری مراسم هفته جهانی ناشنوایان در سالن اجتماعات وزارت کار و امور اجتماعی توسط سازمان بهزیستی کشور در مهرماه ۱۳۷۹.

۵. دبیر و همکاری در برگزاری مراسمات هفته جهانی ناشنوایان از طرف انجمن خانواده ناشنوایان ایران در مهرماه سال های ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸.

۶. همکاری در برگزاری نمایشگاه آثار هنری ناشنوایان از طرف انجمن خانواده ناشنوایان ایران در سال های ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸.

۷. همکاری با دفتر فرهنگ معلولین در برگزاری اولین مسابقات قرآنی ناشنوایان استان قم در شهر مقدس قم در بهمن ۱۳۹۶.

۸. همکاری با دفتر فرهنگ معلولین در برگزاری غرفه قرآنکده توانمندان در بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم در مصلاهی امام خمینی (ره) تهران اواخر بهار ۱۳۹۷.

تألیفات

۱. کتاب فرهنگ زبان اشاره فارسی برای ناشنوایان از انتشارات سازمان ملی رفاه ناشنوایان سال ۱۳۵۹.

۲. کتاب آشنایی با اشارات ناشنوایان از انتشارات سازمان بهزیستی کشور سال ۱۳۶۳.

۳. کتاب مجموعه اشارات ناشنوایان (جلد اول) از انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال ۱۳۶۸.

۴. کتاب زبان اشاره فارسی (جلد دوم) از انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال ۱۳۷۶.

۵. کتاب زبان اشاره فارسی ۳ (جلد سوم) از انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال ۱۳۷۸.

۶. کتاب ثمینه باغچه بان خادم فرهنگ و جامعه از انتشارات دفتر فرهنگ معلولین سال ۱۳۹۷.

همکاری در آماده سازی کتاب

من در زمینه بررسی، جمع آوری اشارات و نظارت بر طراحی اشارت کتاب های زیر همکاری داشته ام:

۱. کتاب داستانی مهمان های ناخوانده از انتشارات سازمان ملی رفاه ناشنوایان سال ۱۳۵۹.

۲. آموزش خیاطی برای ناشنوایان از انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال ۱۳۷۴.

۳. زبان آموزی به کودک ناشنوا از انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال ۱۳۷۷.

۴. لغت نامه اشارات فنی ناشنوایان (سیم کشی برق ساختمان و تراشکاری) از انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

سال ۱۳۸۴.

۵. لغت نامه اشارات فنی ناشنویان (ابزار اندازه گیری و رشته جوشکاری) از انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال ۱۳۸۴.

ص: ۳۹

۶. تهیه و آماده سازی تقویم سالانه به زبان اشاره از انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷.

مشاوره در تهیه کتاب

۱. آیا کودک شما نمی تواند بشنود؟ از انتشارات معاونت طرح و برنامه سازمان بهزیستی کشور ۱۳۶۷.

۲. روشنگر تاریکی ها (زندگی نامه جبار باغچه بان و همسرش) از نشر چیستا سال ۱۳۸۹.

۳. نگاهی بر محصولات توانبخشی ویژه افراد با اختلالات شنوایی چاپ انجمن خانواده ناشنوایان ایران ۱۳۸۹.

۴. اشاره ورزی با نوزادان و نوپایان از نشر چیستا سال ۱۳۹۵.

۵. بسته آموزشی فارسی اول دبستان به زبان اشاره سال ۱۳۹۷.

دست نوشته های چاپ نشده

۱. گزارش مأموریت سفر به کشور کره جنوبی سال ۱۳۷۱ با همکاری خانم ایران بهادری.

۲. گزارش مأموریت سفر به کشور هند سال ۱۳۷۳ با همکاری خانم ایران بهادری.

۳. گزارش مأموریت سفر به کشور ژاپن سال ۱۳۸۰.

۴. ترجمه کتابچه نگاهی به تاریخ پنجاه ساله فعالیت های فدراسیون ناشنوایان ژاپن سال ۱۳۸۰.

۵. ترجمه کتابچه خدمات ارتباط گری (رابطی) ژاپن سال ۱۳۸۰.

۶. جمع آوری اطلاعات و مجلات محصولات کمک توانبخشی ناشنوایان و پیگیری ترجمه و چاپ آن سال ۱۳۸۸.

۷. تنظیم و تهیه جزوات دوره آموزش زبان اشاره کوتاه مدت و بلند مدت.

۸. گزارش مأموریت به استانبول جهت شرکت در هفدهمین کنگره بین المللی فدراسیون جهانی ناشنوایان در استانبول ترکیه ۶

تا ۱۱ مرداد ۱۳۹۴.

آموزش و تدریس

۱. تدریس زبان اشاره در دانشکده های علوم توانبخشی و علم و صنعت به دانشجویان دوره های گفتار درمانی و شنوایی

شناسی.

۲. تدریس زبان اشاره در فرهنگسراهای مختلف جهت علاقه مندان آزاد.

۳. تدریس زبان اشاره در انجمن خانواده ناشنوایان ایران، فرهنگسراهای مختلف و مکان های مختلف جهت علاقه مندان آزاد و تربیت رابط (مترجم زبان اشاره ناشنوایان).

۴. تدریس زبان اشاره در تهران و شهرهای مختلف جهت کارشناسان و مددکاران بهزیستی برای تسهیل ارتباط با افراد ناشنوای آن شهرها.

۵. تدریس زبان اشاره به گروه سرود آوای نگاه انجمن خانواده ناشنوایان ایران برای اجرای سرود در جاهای مختلف.

ص: ۴۰

۶. تدریس زبان اشاره (مکالمات و ارتباط اولیه با ناشنوایان) ویژه کارشناسان و معلمان اداره آموزش و پرورش استثنایی به مدرسان زبان اشاره سراسر کشور دی ۱۳۹۶.

۷. تدریس زبان اشاره به شرکت کنندگان دوره آموزش تربیت مدرس روش های نوین آموزش و ارزشیابی دانش آموزان با نیازهای ویژه (معلمان با مهارت های چندگانه) آموزش و پرورش استثنایی استان های فارس مردادماه و کردستان شهریورماه ۹۷.

۸. تهیه جزوه زبان اشاره و آموزش آن به نیروهای ناجا ۱۳۹۷.

مشارکت و حضور در کنگره ها و دوره های آموزشی

۱. شرکت در کنگره ناشنوایان آسیا و اقیانوسیه در کشور کره جنوبی (سئول) با عنوان نماینده ناشنوایان ایران از ۱۸ تا ۲۶ آوریل ۱۹۹۲ مطابق با ۲۹ فروردین تا ۶ اردیبهشت سال ۱۳۷۱.

۲. شرکت در ششمین کنگره نمایندگان فدراسیون آسیا و اقیانوسیه در کشور هند (دهلی نو) با عنوان نماینده ناشنوایان ایران از ۱۶ تا ۱۸ دسامبر سال ۱۹۹۴ مطابق با ۲۵ تا ۲۷ آذر سال ۱۳۷۳.

۳. شرکت در ششمین دوره آموزش مدیریت جامعه ناشنوایان آسیا و اقیانوسیه در کشور ژاپن (اوساکا) با دعوت فدراسیون ناشنوایان ژاپن مهرماه سال ۱۳۷۹ مطابق با اکتبر سال ۲۰۰۰ (اولین ناشنوای ایرانی در این دوره) به مدت ۵۰ روز.

۴. اعزام با عنوان مترجم زبان اشاره بین المللی ناشنوایان همراه با رئیس فدراسیون ورزشی ناشنوایان ایران و بازیکنان ناشنوا به اولین مسابقات فوتسال ناشنوایان آسیا در کشور سنگاپور به مدت ۱۰ روز در آبان و آذرماه ۱۳۸۹.

۵. شرکت در هفدهمین کنگره بین المللی فدراسیون جهانی ناشنوایان در استانبول ترکیه ۶ تا ۱۱ مرداد ۱۳۹۴.

۶. شرکت در مراسم نخستین همایش یاوران حسینی علیه السلام ناشنوای سراسر کشور توسط هیئت مذهبی یا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ناشنوایان قم به عنوان داور مسابقات گروه سرود به زبان اشاره و رابطین سراسر کشور در شهر مقدس قم آذر ۹۵.

۷. مسئول کمیته داوری نخستین مسابقه قرآنی ناشنوایان (قم، بهمن ۱۳۹۶).

۸. شرکت در مراسم دومین جشنواره فرهنگی و مذهبی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط هیئت مذهبی یا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ناشنوایان قم به عنوان داور مسابقات گروه سرود به زبان اشاره و رابطین سراسر کشور در شهر مقدس قم اردیبهشت ۹۷.

۹. شرکت در مراسم دومین جشنواره فرهنگی و مذهبی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان داور مسابقات گروه

سرود به زبان اشاره و رابطین سراسر کشور در شهر مقدس قم اردیبهشت ۹۷.

۱۰. مسئول کمیته ناشنویان در قرآنکده توانمندان (غرفه معلولین در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، خرداد ۱۳۹۷).

ص: ۴۱

۱۱. شرکت در مراسم دهمین دوره جشنواره فرهنگی و مذهبی امام رضا علیه السلام ویژه ناشنوایان سراسر کشور به عنوان داور مسابقات اجرای رابطین سراسر کشور در شهر مقدس مشهد مرداد ۹۷.

۱۲. شرکت مداوم در کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره

سوابق کاری و مسئولیت ها

۱. استخدام در آموزشگاه کر و لال های باغچه بان به عنوان معلم ناشنوایان با پیشنهاد خانم ثمینه باغچه بان در مهرماه سال ۱۳۵۶.

۲. استخدام در سازمان ملی رفاه ناشنوایان (که بعدها در سازمان بهزیستی کشور ادغام شد.) به عنوان رابط ناشنوایان و عضویت در کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره، همکاری در جمع آوری زبان اشاره و تدوین کتاب های زبان اشاره از مهرماه سال ۱۳۵۷.

۳. بازنشستگی از سازمان بهزیستی کشور با عنوان کارشناس برنامه ریزی نیروی انسانی در مهرماه سال ۱۳۸۷.

۴. رئیس خانه فرهنگی جوانان ناشنوایان ایران از سال ۱۳۵۸ به مدت دو سال.

۵. عضو اصلی هیئت مدیره کانون ناشنوایان ایران از سال ۱۳۷۲ به مدت چهار سال.

۶. عضو فعال خانه فرهنگی ناشنوایان شفق از سال ۱۳۷۶ به مدت یک سال.

فعالیت ها و مسئولیت های از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵

۱. نایب رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲.

۲. محقق و مدرس زبان اشاره.

۳. مسئول کمیته آموزش زبان اشاره و رابطین انجمن خانواده ناشنوایان ایران.

۴. مسئول آماده سازی و تکثیر دی وی دی آموزش زبان اشاره ناشنوایان انجمن خانواده ناشنوایان ایران.

۵. مسئول کمیته های ناشنوایان چند معلولیتی، پیشگیری و توانبخشی و مشاوره خانواده و جوانان ناشنوای انجمن خانواده ناشنوایان ایران از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵.

۶. عضو هیئت تحریریه نشریه آوای نگاه انجمن خانواده ناشنوایان ایران.

۷. گوینده تصویری اخبار ناشنوایان شبکه دو صدا و سیما از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۳.

۸. مشاور راهنما دانشجویان دانشگاه ها و مراکز عالی آموزشی در زمینه ناشنوایان جهت تهیه پایان نامه های مربوط و غیره.

۹. شرکت در جلسات مختلف ارگان های دولتی و غیر دولتی با عنوان نماینده تام الاختیار انجمن خانواده ناشنوایان ایران از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵.

۱۰. رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵.

ص: ۴۲

پُست ها و مسئولیت های کنونی

۱. عضو هیئت امنای انجمن خانواده ناشنویان ایران.
۲. عضو هیئت امنای انجمن خانواده ناشنویان استان آذربایجان غربی.
۳. عضو هیئت امنای مدیره انجمن خانواده ناشنویان شهریار.
۴. عضو هیئت مؤسس انجمن خانواده ناشنویان استان اصفهان.
۵. عضو اصلی کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره.
۶. جمع آوری و بررسی اشارات لغات خبری، مذهبی، شهرهای مختلف ایران و ورزشی.
۷. جمع آوری و بررسی کتب زبان اشاره خارجه. (۱)
۸. مشاور حرفه ای - افتخاری در دفتر فرهنگ معلولین
۹. عضو کمیته تهیه بسته آموزشی فارسی اول دبستان به زبان اشاره در آموزش و پرورش استثنایی

گزارش حوادث

خانم ثمینه باغچه بان فرزند جبار باغچه بان است. و بنیان گذار آموزش ناشنویان در ایران و تا سال ۱۳۵۷ مدیر مدارس باغچه بان و همچنین مدیرعامل سازمان ملی رفاه ناشنویان ایران بود.

در سال ۱۳۵۶ پس از دریافت مدرک تحصیلی دیپلم از هنرستان نظام مافی در خانه فرهنگی جوانان ایران واقع در خیابان فلسطین کنونی (کاخ قبلی) به من پیشنهاد کرد در آموزشگاه ناشنویان باغچه بان واقع در میدان کلانتری (جمال الدین اسدآبادی کنونی) به عنوان معلم رشته خدمات برای هنرجویان ناشنوا مشغول به کار شدم. سپس عضو گروه زبان اشاره با مدیریت خانم جولیا سمیعی که محل کار آن در سازمان ملی رفاه ناشنویان بود، شدم.

خانم ها فاطمه آقامحمد و ایران بهادری و آقایان رضا قلی شهیدی، محسن لوح موسوی و کامران رحیمی عضو گروه زبان اشاره بودند.

روش جمع آوری و یکسان سازی اشارات کشوری

روش کار جمع آوری اشاره ها این طور مقرر شد ابتدا کلمات مربوط و لغات ضروری مثل واژه های خانواده را می نوشتیم سپس از ناشنویان اشاره آن را می پرسیدیم؛ نیز باید آقای شهیدی به عنوان استاد زبان اشاره رایج نظر می داد و تأیید می کرد. در مرحله بعد، آن اشاره را ثبت می کردیم.

با همکاری گروه زبان اشاره به خانه فرهنگی جوانان ناشنوای ایران واقع در خیابان فلسطین کنونی که مخصوص جمع شدن جوانان و خانواده های ناشنوایان می رفتیم. کلمات و اشارات را برای افراد ناشنوا آنجا اجرا می کردیم اگر تأیید می شد در جلسه بعد مطرح می کردیم. در این جلسه با

ص: ۴۳

۱- . این متن را به تاریخ دی ماه ۱۳۹۷ به پایان رساندم، رضا محمودی.

حضور افراد گروه اشاره آن را تأیید و کلمه را در دفتر، یادداشت می کردیم. نیز توضیحات لازم درباره چگونگی اشاره آن نوشته می شد. به این شکل کلمات بر اساس اشارات رایج جمع آوری و ثبت می شد.

به پیشنهاد خانم جولیا سمیعی و آقای سید رضاقلی شهیدی برای گسترش بیشتر زبان اشاره، قرار شد نیروی جوان بگیریم، از این رو من آقایان مرتضی پیروزی و حبیب تهرانی زاده را معرفی کردم.

تأسیس مدرسه باغچه بان شماره ۳ و روش ارتباط کلی

زمین این مدرسه توسط آقای تراب اهدا شده بود و در خیابان دولت قرار داشت. ثمینه باغچه بان با روش ارتباط کلی آموزش به بچه ها را آغاز کرد. یعنی از شیوه های گفتاری، لب خوانی، شنیداری، اشاره و غیره استفاده می شد. بنابراین دانش آموزان ناشنای این مدرسه همه با این روش آموزش می دیدند.

یکی از روزها همراه با خانم ثمینه باغچه بان و افراد گروه زبان اشاره برای بازدید به این مدرسه رفتیم. در آنجا یک دختر کوچولوی ناشنای زیبارویی برای من یک داستان به زبان اشاره گفت. آن قدر هیجان زده شدم و اشک در چشم هایم جمع شد. که وصف ناپذیر است. پیش خودم گفتم چرا در دوره کودکی ما چنین امکاناتی نبود و در آن دوره نتوانستم مثل او حتی یک جمله کوتاه و درست بیان کنم. مدیریت مدرسه از اوقات دانش آموزان به خوبی استفاده می کرد، حتی در زنگ تفریح بچه ها کتاب را برمی داشتند و برای یکدیگر توضیح می دادند و این کار را با علاقه بسیار انجام می دادند.

اشاره سازی برای کلمات فاقد اشاره

این کار ادامه داشت تا اینکه متوجه شدیم لغات بسیار اساسی هست که اشاره ندارد. از این رو جلسات تدوین اشارات را توسعه دادیم تا در مورد آنها هم تصمیم گیری شود. ضمن آنکه هر کلمه ای که اشاره نداشت با الفبای گویای باغچه بان می گفتیم اما هدف اساسی این الفبا برای ایجاد صوت و گفتار بود که الفبای دستی فارسی را با توجه به فرم نوشتن آن در گروه تصویب و برای ساخت برخی اشارات از آنها استفاده می کردیم. اما اسامی و کلماتی که اشاره نداشت با الفبای گویای باغچه بان بیان می شد. ناگفته نماند که برخی اشارات رایج و متداول هم استفاده اش صورت خوشی نداشت، مانند (معلم) که زدن خط کش در کف دست بود. این اشارات هم به پیشنهاد گروه تغییر داده می شد مثلاً اشاره آموزش و آدم، برای کلمه معلم تصویب شد. کم کم برای آموزش اشارات جزوه های ساده تدوین شد. نیز اشاره های جدید را در جملات مختلف به کار می بردیم و به افرادی که در ارتباط با ناشنوایان بودند، آموزش می دادیم.

روش کار این گونه بود که ابتدا برای کلمات جدید با توجه به زبان فارسی و مفهوم و محتوای هر واژه، اشاره پیشنهاد می شد. آنگاه روی این پیشنهادات بحث می شد و در مرحله بعد رأی گیری می شد. البته بعضی از روزها پس از ساعت ها بحث و گفتگو و جدال روی پیشنهادات، اشاره خاصی تصویب نمی شد. چون اشاره ای مورد توافق نبود؛ یعنی آن اشاره معنی و مفهوم کلمه را نمی رساند.

سمینار چهار روزه به مناسبت پنجاهمین سالگرد آموزش ناشنوایان در ایران با همت خانم باغچه بان در تاریخ ۱۳۵۵ در ساختمان وزارت کشاورزی آن زمان واقع در بلوار کشاورزی با حضور مهمانان از کشورهای مختلف برگزار شد. من هم به عنوان همکار دعوت شدم و فعالیت می کردم.

مهمانان و سخنرانان تجربیات خود را ارائه می کردند و توسط خانم ها ایران بهادری و فاطمه آقامحمد و اعظم شفیعی برای حاضرین ناشنوا با زبان اشاره ترجمه می کردند. سمینار باشکوهی و پربار بود.

تدوین فرهنگ زبان اشاره فارسی

بالاخره تصمیم گرفته شد تا لغات جمع آوری شده در کتابی به نام فرهنگ زبان اشاره فارسی چاپ شود. برای این کتاب چهار ناشنوا به نام خانم ها: الهه قاسمی شاد و شعله صداقت و از آقای محسن لوح موسوی و اینجانب استفاده می شد. شیوه کار این گونه بود که ابتدا کارشناسان با دست اشاره را نشان می دادند. سپس از آنها عکس گرفته می شد. در مرحله بعد از روی عکس ها نقاشی کشیده می شد. در آن موقع امکانات بسیار محدود بود، ما با قلم ریز و مرکب سفید روی تصاویر سیاه و با مرکب سیاه روی تصاویر سفید کار می کردیم. نیز با استفاده خط کش و شابلون، شکل های مختلف حرکات دست را با فلش طراحی می کردیم.

این کار را ادامه می دادیم تا اینکه متأسفانه خانم جولیا سمیعی با دو فرزندش در سانحه هواپیما در پایگاه جی تهران درگذشت. اجساد آنان در قبرستان مسیحیان در تهران، خیابان پیروزی به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد. او پایه گذار زبان اشاره به صورت یکسانی در ایران بود.

پس از فوت خانم سمیعی خانم باغچه بان، خانم آقامحمد را مسئول گروه کرد و با همکار جدید خانم الهه افضلی کار را ادامه دادیم تا اینکه اعتراضات مردم نسبت به عدم آزادی در کشور آغاز شد و هر روز بیشتر می شد. خانم باغچه بان گفت هر طور شده کتاب را تمام کنیم چون فردا هیچ چیز مشخص نیست.

روزها در زیرزمین مدرسه باغچه بان یوسف آباد کار را ادامه دادیم. کلمات باقی مانده را عکاسی و فلش ها را روی تصاویر می کشیدم بعد آقای پیروزی نیز به من کمک می کرد. روزهای شلوغی بود. زمان برگشت مردم معترض در خیابان ها بودند لاستیک و غیره آتش می زدند من به سختی به خانه می رسیدم. امکانات رفت و آمد هم به راحتی امروزه نبود. به رغم این مشکلات نزدیک به یک هزار لغت را تمام کردیم. تا اینکه تعطیلی ها گسترش یافت و ادامه کار بسیار مشکل بود.

خانم باغچه بان، آقای احمد فتوحی را به جای خود به عنوان مدیرعامل سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران معرفی کرد. آقای فتوحی کارهای خانم باغچه بان را ادامه داد. نخستین کتاب با نام فرهنگ زبان اشاره در سال ۱۳۵۹ به چاپ رسید. البته کتاب داستان میهمانان ناخوانده را خانمی آمریکایی به نام دبورا هلم تصویر آرایی کرد و تمام کارهای صفحه بندی قطع کتاب و در هر صفحه تصویری از موضوع داستان را نقاشی کرده و در زیر تصویر کلمات اشارات را با همکاری بنده و گروه کشیده بود.

بنابراین به هنگام پیروزی انقلاب این کتاب هم آماده چاپ بود. و بعداً با کتاب فرهنگ

ص: ۴۵

زبان اشاره فارسی اقدام شد. پس از پیروزی انقلاب در بهمن ۱۳۵۷، کار خود را ادامه دادیم، ولی کشورمان مورد حمله دولت عراق قرار گرفت ضمناً سازمان های حمایتی در یک سازمان به نام سازمان بهزیستی ادغام شد.

در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی هم در مدرسه ناشنوایان معلم و هم در سازمان عضو گروه زبان اشاره فعالیت می کردم تا اینکه دولت جمهوری اسلامی اعلام کرده هر کارمندی باید در یک جا کار کند و داشتن دو شغل را ممنوع کرد. خانم باغچه بان پرسید، در کدام یک از این دو کار مشغول می شوی؟ برای تصمیم گیری وقت خواستم تا جواب بدهم. با پدر و مادرم که سال ها با جان و دل زحمت مرا کشیده بودند، در میان گذاشتم، آنها فکر کردند و گفتند هر جایی که خانم باغچه بان کار می کند تو هم پیش او برو؛ چون به این روش مطمئن هستیم آینده خوبی خواهی داشت. سازمان ملی رفاه ناشنوایان را انتخاب کرده و عضو اصلی گروه توسعه زبان اشاره شدم که بعدها با چند سازمان دیگر در سازمان بهزیستی کشور ادغام شده و با حکم رابط ناشنوا استخدام شدم.

تشکیلات جدید سازمان

سازمان بهزیستی تشکیلات جدیدی بود که با ادغام چند نهاد قبلی در سال ۱۳۵۹ به دستور شورای انقلاب شکل گرفت. در ساختار جدید، ما در گروه آموزش و پژوهش قرار گرفتیم و خانم بهناز نسوادرانی مدیر آن بخش شد و خانم الهه قاسمی شاد با مادرش خانم طاهره محمدپور به گروه ملحق شدند همه در یک طبقه بودیم و با هم کار می کردیم. آماده چاپ می شد.

در این مدت هم روی کتاب زبان اشاره دیگری کار می کردیم از ابتدا کلمات را بررسی و آقای منصور استخری که استاد زبان فارسی در دانشگاه بود با ما همکاری می کرد تا لغات از نظر معنی و مفهوم و ریشه آن کلمات درست انتخاب شود. خانم آقا محمد به علت گرفتاری داشتن دو فرزند خردسال و همسرش که در نیروی هوایی خدمت می کرد و به منطقه جنگی دزفول اعزام شده بود، مجبور شد، اجازه بگیرد و مسئولیت خود را ترک کند. خانم ایران بهادری هم به تازگی پس از گذراندن دوره بورسیه از آمریکا برگشته بود و مسئولیت کار این گروه را به عهده گرفت.

برنامه برای هفته جهانی ناشنوایان

به هفته جهانی ناشنوایان نزدیک می شدیم، قرار شد جمع ما خودی نشان دهیم و مراسم را به خوبی اجرا کنیم. هر کس مسئولیتی گرفت و در مجموع مراسم هفته جهانی ناشنوایان بسیار زیبا برگزار گردید.

تأثیر و کارکرد زبان اشاره در سیما

کار ما در سیما اهمیت داشت و پخش خبر و برنامه ها با زبان اشاره ضمن آنکه فرهنگ ناشنوا را معرفی می کرد حداقل آنکه جامعه با فرهنگ ناشنوا آشنا تر می شدند. و هر کسی با زبان اشاره صحبت می کرد دیگر خجالت نمی کشید سطح آگاهی مردم بالا و بینش آنها از توانمندی ناشنوا تغییر کرده بود.

بنده به دلیل تشکیلات اداری با توجه به مدرک تحصیلی ام از گروه جدا شده و در ستاد بهزیستی در دفتر آموزش و پژوهش سازمان بهزیستی مشغول به کار شدم. از طرف معاونت توانبخشی برای آموزش دوره کوتاه مدت ۵۰ روز به دعوت فدراسیون ناشنوایان ژاپن به این کشور اعزام شدم و از مأموریت گزارشی کامل به دفتر روابط بین المللی دادم. تجربه خوبی را کسب کردم. سال بعد آقای روزبه قهرمان فرد فعال ناشنوا برای گذراندن این دوره را به معاونت توانبخشی پیشنهاد داده بودم.

راه اندازی آموزش زبان اشاره در چندین مرکز از قبیل دانشگاه علوم توانبخشی، فرهنگسرای بانو و فرهنگسرای شفق از اقدامات اینجانب است. برای این کلاس ها، متن درسی، استاد و امکانات نیاز بود و با تلاش فراوان توانستم بالاخره راه اندازی کنم.

سپس در اجرای رابطی در صدا و سیما، خانم های فاطمه غلامی، شیدا صدر دانش، فرشته بایقره و چند تن دیگر را جهت همکاری به آقای جعفری نیا و خانم آقامحمد معرفی کردم.

در بخش خبر ناشنوایان از روز تأسیس تاکنون در روزهای پنجشنبه در استودیو بخش فنی ضبط و در روزهای جمعه از شبکه دو پخش می شد. پس از سردبیران خبر ناشنوایان به ترتیب آقای جعفرنیا، خانم ایران بهادری، آقای بنی هاشمی و در پایان خانم آقامحمد و بنده با همکاری آقایان محسن موسوی و مرتضی پیروزی به عنوان گویندگان تصویری به زبان اشاره و آقایان مرتضی حیدری، سید حسین حسینی، محسن سعیدی، نورمحمدی به عنوان گویندگان که متن خبر را می خواندند، کار می کردیم. آقای موسوی چند سال بعد به علت مشکلاتی تصمیم گرفت به کارش ادامه ندهد.

نیروی جدید

ضمناً مدت زیادی بود که در مورد عدم استفاده از نیروهای بازنشسته صحبت می شد و من و همکاران قدیمی باید کار را ترک می کردیم پس از مشورت با سردبیر و پیگیری، آقای کیخسرو و رنگرز را معرفی کردیم. البته این پروسه با پیگیری های فراوان نزدیک به یک سال طول کشید چون سازمان استخدام نیروی جدید را نمی پذیرفت. بالاخره با حمایت مسئولان پخش موفق شدیم او را در پست سابق تثبیت کنیم. چون خبر ناشنوایان، جایی مهم و مؤثر در جامعه و فرهنگ ناشنوایان است. و وجدانمان آسوده نبود؛ به ویژه برای گویندگی تصویری باید فرد با تجربه و دلسوز منصوب می شد.

در پایان

خلاصه از فعالیت ها و کارهایم را طی چهار دهه گزارش دادم. اگر می دانستم روزی می خواهم درباره خودم بنویسم و تجارب خود را در اختیار نسل های آتی بگذارم، با دقت و حتی روزانه می نوشتم. از این رو به نسل جوان که در جایی مشغول به کار هستند، توصیه می کنم روزانه، حوادث و رخدادها و تجارب خود را بنویسند.

ص: ۴۷

اینجانب در سن بیست سالگی با یکی از دوستانم در صبح روز ششم بهمن سال ۱۳۵۷ برای شرکت در مراسم استقبال از امام خمینی همراه با چندین نفر از طبقات مختلف مردم به طرف چهارراه ولیعصر (چهارراه پهلوی سابق) در حال حرکت بودیم. در این موقع خبر بسته شدن فرودگاه و عدم بازگشت امام خمینی به وطنمان به گوشمان رسید، شروع به اعتراض کردیم و با یک گروه از مأموران در وسط خیابان آزادی (شاهرضا سابق) نرسیده به تقاطع آزادی و صبا روبه رو شدیم. تیراندازی هوایی مأموران تبدیل به تیراندازی به سوی ما شد. در حال فرار کردن بودم، اما در یک لحظه احساس کردم که دیگر نمی توانم به دویدن خودم ادامه بدهم، زیرا یک تیر از مسلسل مأموران، پس از اصابت بر زمین از ران پای راستم رد شده و در ران پای چپ مانده بود. (۱) خون زیاد جاری شده بود و همان جا نقش بر زمین شده بودم. در خیابان هر طرف مجروحین سینه خیز خود را به گوشه ای می کشیدند و برای رهایی از حمله های مأموران گارد به گوشه ای پناه می بردند.

با کمک چند جوان ابتدا مرا در پشت وانت بار گذاشته تا به جای امنی ببرند؛ سپس و دقایقی بعد، مرا با چند مجروح دیگر با آمبولانس به بیمارستان امام خمینی (هزار تخته‌خوابی سابق) هدایت کردند. در این هنگام بی هوش شده و چیزی نفهمیده بودم.

چند ساعت بعد از به هوش آمدن متوجه شدم که جای زخم پاهایم را بخیه کرده و یک تیر فشنگ داخل ران پای چپ مانده است، ولی مرا رها کرده و در کنار مجروحان دیگر گذاشته بودند. همان شب با کمک برادر بزرگم علی که آن موقع دکتر رادیولوژی بیمارستان بوده و چند نفر دیگر مرا به بیمارستان شهید مدرس فعلی (سعادت آباد قبلی) منتقل و تیر فشنگ مانده در ران پایم را خارج کردند. یک هفته در همان بیمارستان بستری بودم. تا حدی معروف شده بودم و کارکنان، دکترها و پرستاران به من لقب مرد انقلابی ناشنوا دادند.

در مدت بستری در بیمارستان یکی از دوستان و همکلاسی ام بنام قدیر حسن خانی به عنوان همراه و یار خوبم در کنارم بود و هیچ لحظه ای تنهایم نگذاشت.

نام اینجانب در کنار مجروحان و کشته شدگان معترض در صفحه هشتم روزنامه کیهان مورخ ۸ بهمن ماه ۵۷ چاپ شده است.

ص: ۴۸

۱- . وقتی گلوله به جای سفت می خورد به اصطلاح کمانه می کند یعنی برمی گردد. کمانه کردن یک اصطلاح نظامی است.

اعظم محمودی ساکن امریکاست، رضا را خیلی دوست می داد و علاقه ذاتی به او دارد. توصیه ها و نگاه های خواهرانه اعظم به محمود زیبا است، خوب او را شناخته و ویژگی ها و اخلاقیات او را بیان می کند.

یک راه شناخت معلولان به ویژه ناشنوایان، خاطرات اعضای خانواده است. ناشنوایان چون کمتر می نویسند و سخن و گفتار هم ندارند، بنابراین دانستن دنیای آنان بسیار سخت است؛ اما والدین به ویژه مادر و بعد از آنها، خواهر اطلاعات و معرفت خوبی نسبت به یک ناشنوا دارند. اما متأسفانه خانواده ها کمتر درباره عضو ناشنوای خانواده خود نوشته یا گفته اند، گفته های اعظم از نوادر نوشته ها در این زمینه است. در این متن نگاه مردم به ناشنوایی، تلقی نسل قبل به سوادآموزی و تحصیل ناشنوایان معرفی شده و به همین دلیل متن با ارزشی است.

از این رو چاپ می کنیم تا هم تشکر از ایشان باشد و هم نمونه ای برای دیگر خانواده ها باشد.

با اجازه از آقای محمودی و با اجازه از سرکار خانم اعظم محمودی، می توان متن محاوره ای و گفتاری این خاطره را تبدیل به متن نوشتاری کرد. چون این کتاب اهمیت دارد و افرادی در خارج می خواهند به آن مراجعه کنند و ممکن است اصطلاحات و سبک نگارش عامیانه فارسی را ندانند. برای نمونه کلمه هایی مثل بشی و چشم یعنی (بشوی و چشم) شود خوب است چون معمولاً متوجه نمی شوند. به هر حال لازم است این متن کلاً بازنویسی شود البته محتوی عوض نشود.

از وقتی رضا به دنیا آمد اولین بار فهمیدیم که ناشنوا هستی آن روز یادمه که مامان قبل از اینکه ۸ ماه بشی مامان فهمید که تو نمی شنوی بعد تو رو برده دکتر، دکتر معاینه کرد بعد گفته بود که تو از کجا فهمیدی که این ناشنوا است مامان می گفت که مثلاً چهار دست و پا راه می رفت جلو می رفت بعد مامان از پشت سر (دنبال مامانم می رفتی و جلوتر می رفت و از پشت سرش صدا می کرد) هر چه صدا می کرد رضا رضا که تو برگردی تو بر نمی گشتی اون جهتی که مامان رفته بود تو می رفتی مامان فهمیده بود که نمی شنوی و هشت ماهه بود برد دکتر. دکتر گفته بود که او نمی شنوه بعد از معاینه باز هم گفته از کجا فهمیدی بعد توضیح داده

من یادمه مامان از دکتر برگشته بود ... دکتر گفته بود او نمی شنوه و کمی می شنوه باهش بلند بلند حرف بزنی از روی لب و دهن می فهمه به همه توضیح داد که عیبی نداره بک مدرسه ناشنوا است می تونه بزرگ بشه.

وقت مامان حامله بود شوکه شده بود خواب دیده بود از پشت بام یک کاسه روی لبش می افته و همین جوری روی لب خون می ریخت. دکتر گفته به علت این شوکه پرده قلب بچه رو پاره کرده خون کثیف و تمیز با هم قاطی میشه به اضافه یک جای دیگر ناقص بشه ممکنه به چش یا گوش بخوره حالا که پیش اومده.

یادمه مامان اومد خونه در زیرزمین خونه قدیمی داشتیم فرش هم داشتیم دور تا دور همه نشسته بودند خاله ها هم بودند همه گریه می کردند خیلی ناراحت بودند تصویرشون توی ذهن من است همه داره گریه می کردند از اون به بعد مامان در واقع یک جوری شکسته شد همش فکر می کرد باید به رضا کمک کند بعد آقاجون یادم نیست روز اول بهش چی گفت اون عکس العملی یادم نیست یادمه از اون به بعد یک جوری زندگی همه خانواده تحت تأثیر قرار گرفته بعد از هر کاری برسه به رضا مثلاً- یادمه آقاجون گفته اگر می خواهی بیایی سر قبرم بری رضا رو ببری سینما رضا خیلی بهره می برد. من وقتی دختر بودم رضا ناشنوا به بقیه می گفت به این دو تا کمک کنید بابای من خیلی ناراحت شد که و یک جوری فکر می کنه شکسته شده خیلی براش سخت بود بعداً من یادمه رضا دل درد داشت هی می گفت تبی تبی طفلک مثل بچه مظلوم خیلی آروم وقتی تو مریض می شوی همه ما دیوونه می شدیم تبی تبی یادمه نمی تونستی بگی دلم درد می کنه نمی دونستیم چی می خواستی.

یادمه وقتی مدرسه می رفتی بابابزرگ من به آقاجون می گفت تو مردی که خر بچه کر و لایل میذاری مدرسه ولش کن خودش بزرگ میشه و میره. آقاجون قبول نکرد مدرسه باغچه بان رو پیدا کرد یادمه تو می رفتی اونجا توی مشق هایت می نوشتی یک جمله بود بغلش جواب و همین جوری می نوشتی و حفظ می کردی.

ما هیچ کدوممون زبان اشاره یاد نگرفتیم و بلد نبودیم چون فکر می کردیم باید روبرو حرف بزیم یا داد بزیم اصلاً ما هممون خانواده من به خصوص مامان بلند حرف می زنیم به هوای اینکه رضا بشنود اون موقعی که مامان حمید حامله شد خیلی ناراحت بود می گفت که بعد از رضا دیگه نباید حامله بشم حتی می خواسته کورتاژ کنه رفته دکتر که کورتاژ کنه دکتر مشخصات آقاجون رو پرسید بعد به مامان قرص داده بود گفته بود برو قرص ها را بخور تا بچه بیافتد بعداً فهمیده بود که همه ویتامین بوده (خنده) بچه نیافتاد بعد حمید به دنیا اومد فکر می کنم که حمید رو یک مقداری ول کرده بود.

حمید کوچولو بود مامان رضا رو می بردند مدرسه باغچه بان مامان تو را در مغازه لحاف دوزی توی حسن آباد می داشت تا اتوبوس می آمد میره مدرسه و برگشتن هم همین طور بعد یادم نیست کجا بودم بعد از مدرسه آمده بودم مامان حمید را می داشت خونه غذا و غذا می گذاشت جلوی حمید تنها توی خونه فکرشو تصور کنم دیوونه می شم بچه رو تنها می ذاره میره حسن آباد تو رو بیاره.

وقتی تو از مدرسه می آمدی مغازه خسته بودی همان جا روی صندلی خوابیده بودی مامان بیشتر ناراحت می شد تا چند ماه همین کار را تکرار می کرد.

آقاجون خیلی افتخار می کرد که رضا بچه ناشنوا فوق دیپلم گرفته لیسانس گرفته و کار می کنند زندگی داره زن گرفته بعدها به بابابزرگ گفت قبلاً گفته بودی مردیکه خر بچه ناشنوا میداری مدرسه حالا دیدی رضا چی شد.

دکتر قبلاً گفته بود پرده ای توی قلب ممکنه باز بشه و رضا از بین ببره و ممکنه بسته بشه تا ۱۸ سالگی معلوم میشه. بعداً معلوم شد اینکه بسته شد و مشکل حل شد زن و بچه بزرگ داره.

یادم نیست توی دوره دانشگاهی تو اینجا نبودم اما مرحله مرحله می فهمیدم که فوق دیپلم گرفتی و لیسانس گرفتی چو من اینجا نبودم از طریق مامان خبردار می شدم یادمه آقاجون به مامان گفت ما باید پشتیبانی رضا باشیم یادمه مامان تعریف می کرد در یک نمایشگاهی بود خاله ها می آمدند تو سخنرانی می کردی مامان خیلی خوشحال بود همه بهش می گفتند دیدی تو این قدر غصه رضا رو خوردی دیدی که موفق شده.

از عقیده خودم چون با تو نمی تونم با تلفن صحبت کنم با رضا درد دل کنم که بفهمم بعد از اینکه با مرجانه ازدواج کرد از طریق مرجانه راحت تر بود در ضمن من رضا رو دو بار دوست درم (خنده) یکی واسه اینکه خودشون و یک دیگر خیلی شبیه آقاجونه مثل آقاجون دست ها رو میداره پشتش و راه میره خیلی طبیعت را دوست داره مثل آقاجون مهربان و قلب پاک و صادق این همه را حس می کنم.

رضا آمده لس آنجلس در حیاط خونه می دیدم انگار آقاجون را می دیدم پشت سرش و راه رفتن و به درخت ها نگاه کردن عین آقاجون بوده (خنده) من دو بار دوست دارم یکی برادرمه و یکی شکل بابامه.

یک خاطره مامان ما همه خونه خانم جون (مادربزرگ) بودیم برنامه کرده بودیم ما همه خونه خانم جون بودیم بعد خاله زهرا خاله کوچیکه مامان نبود من و خاله زهرا بودیم خاله مسئول مواظب بچه های کوچیک بود نمی دونم چی شد که مامان آمده بود خونه نگاه کرد گفت رضا کو ما همین جوری موندیم که نمی دونیم کجاست با هم رفتیم توی حیاط حالا- یادم بیفته وحشت می کنم دیدم که رضا دمرو روی آب حوض افتاده یادمه لباس هایش روی آب می دیدم و تکونی نمی خورد و حالت شناور روی آب موند بعد مامان چکار کرد اول با دو دست زد روی سر خاله زهرا بعد دوید رفت از چند پله ها پرید یکهو رضا را از آب حوض برداشت و با دو دست همین جوری نگهداشت یک غوغایی شده بود همسایه بغلی اومد اسمش رو یادم نیست مامان جیغ و داد و فریاد می زد همسایه رضا رو دمرو روی دوشش گذاشت و دور حیاط دوید که بیشتر تکون بدهد و آب از دهنش بیرون می اومد و روی پشتش می ریخت که رضا استفراغ کرد این قدر تکون داده این قدر مامان با ما دعوا کرد این قدر غصه خوردیم این چند روزه آخر ما را نبخشید می گفت من رضا رو گذاشتیم پیش شما

فکر می کنم دو ساله بودی کوچولو بودی که می شد تو بغل گذاشت.

۱۳۳۷ تولد

۱۳۳۸ تشخیص دادن ناشنوایی توسط مادر در سن ۶ ماهگی

۱۳۴۳ ورود به آموزشگاه کر و لال های باغچه بان و گذراندن دوره آمادگی با مدیریت جبار باغچه بان

۱۳۴۴ آغاز آموزش کلاس اول ابتدایی در آموزشگاه کر و لال های باغچه بان

۱۳۴۵ درگذشت جبار باغچه بان بنیانگذار آموزش ناشنوایان ایران

۱۳۵۱ اخذ گواهینامه ششم ابتدایی از آموزشگاه کر و لال های باغچه بان

۱۳۵۲ تأسیس کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره در سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران

۱۳۵۳ اخذ گواهینامه دوره سیکل از آموزشگاه کر و لال های باغچه بان

۱۳۵۳ ورود و ثبت نام در رشته راه و ساختمان در هنرستان نظام مافی

۱۳۵۴ اخذ گواهینامه دوره سیکل از آموزشگاه کر و لال های باغچه بان

۱۳۵۴ ثبت نام در رشته راه و ساختمان در هنرستان نظام مافی

۱۳۵۶ اتمام دوره اولین گروه فارغ التحصیلان روش تلفیقی در هنرستان نظام مافی و دریافت دیپلم فنی

۱۳۵۶ آغاز همکاری با آموزشگاه کر و لال های باغچه بان با عنوان معلم به پیشنهاد خانم ثمینه

۱۳۵۶ سمینار اولین همایش آموزشی و رفاهی ناشنوایان به مناسبت پنجاه سال خدمات باغچه بان

۱۳۵۷ آغاز همکاری با مدرسه باغچه بان و شروع به آموزگاری و تدریس

۱۳۵۷ درگذشت جولیا الیور سمیعی بنیانگذار کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره

۱۳۵۷ اتمام دوره متوسطه به عنوان اولین گروه فارغ التحصیلان به روش تلفیقی در هنرستان نظام مافی و اخذ دیپلم فنی

۱۳۵۷ استخدام در سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران

۱۳۵۷ آغاز همکاری با کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره و عضویت

۱۳۵۷ شرکت در تظاهرات و گلوله خوردن و مجروح شدن

۱۳۵۷ آغاز پژوهشگری در زبان اشاره

۱۳۵۸ آغاز فعالیت فرهنگی با همکاری جوانان ناشنوا

۱۳۵۸ ریاست خانه فرهنگی جوانان ناشنوی ایران

۱۳۵۹ تألیف کتاب "فرهنگ زبان اشاره فارسی برای ناشنویان"

ص: ۵۲

۱۳۵۹ همکاری در بررسی و جمع آوری اشارات کتاب داستانی "مهمان های ناخوانده"

۱۳۵۹ کارمند بهزیستی شدن با ادغام سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران در سازمان بهزیستی

۱۳۶۰ پیوستن به کانون ناشنوایان

۱۳۶۰ ورود به انجمن خانواده ناشنوایان

۱۳۶۱ تولد فرزند پویان محمودی

۱۳۶۲ آغاز تدریس زبان اشاره به دانشجویان گفتاردرمانی و شنوایی شناسی دانشکده علوم توانبخشی

۱۳۶۳ اخذ مدرک فوق دیپلم (کاردانی) معماری از انستیتو تکنولوژی انقلاب اسلامی تهران

۱۳۶۳ تألیف کتاب "آشنایی با اشارات ناشنوایان"

۱۳۶۴ تعطیلی خانه فرهنگی جوانان ناشنوای ایران

۱۳۶۴ مسئول رابطان انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۶۵ نایب رئیس در هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۶۶ درگذشت پدر عزیز احسان اله محمودی

۱۳۶۶ مسئول آماده سازی و تکثیر DVD آموزش زبان اشاره ناشنوایان در انجمن خانواده

۱۳۶۷ همکاری در تهیه کتاب "آیا کودک شما نمی تواند بشنود؟"

۱۳۶۷ مسئول کمیته ناشنوایان چند معلولیتی انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۶۸ تألیف کتاب "مجموعه اشارات ناشنوایان (جلد اول)"

۱۳۶۸ مسئول کمیته پیشگیری و توانبخشی انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۷۰ گوینده تصویری اخبار ناشنوایان شبکه دو صدا و سیما

۱۳۷۱ شرکت در کنگره ناشنوایان آسیا و اقیانوسیه در کشور کره جنوبی (سئول)

۱۳۷۱ همکاری در تهیه گزارش سفر به کشور کره جنوبی

۱۳۷۲ عضویت در هیئت مدیره کانون ناشنویان ایران

۱۳۷۳ دبیر اولین جشنواره فرهنگی و هنری ناشنویان (فرهنگسرای اندیشه ۱۲ تا ۱۶ اسفند)

۱۳۷۳ شرکت در ششمین کنگره نمایندگان فدراسیون آسیا و اقیانوسیه در کشور هند (دهلی نو)

۱۳۷۳ همکاری در تهیه گزارش سفر به هند

۱۳۷۳ شروع کارشناسی در صنایع دستی در دانشگاه هنر تهران با رتبه سه رقمی کنکور

۱۳۷۴ همکاری در بررسی و جمع آوری اشارات کتاب "آموزش خیاطی برای ناشنویان"

۱۳۷۵ عضویت در تحریریه نشریه آوای نگاه انجمن خانواده ناشنویان ایران

ص: ۵۳

۱۳۷۶ آغاز گوینده اخبار ناشنویان شبکه دو صداوسیما

۱۳۷۶ تألیف کتاب "زبان اشاره فارسی (جلد دوم)"

۱۳۷۶ همکاری در بنیانگذاری خانه فرهنگی ناشنویان شفق در فرهنگسرای شفق تهران

۱۳۷۶ دبیر برگزاری نمایشگاه آثار هنری ناشنویان در فرهنگسرای شفق

۱۳۷۷ تهیه و آماده سازی تقویم سالانه به زبان اشاره

۱۳۷۷ همکاری در بررسی و جمع آوری اشارات کتاب "زبان آموزی به کودک ناشنوا"

۱۳۷۷ دبیر برگزاری نمایشگاه آثار هنری ناشنویان در نگارخانه لاله مهرماه ۷۷

۱۳۷۸ تألیف کتاب "زبان اشاره فارسی ۳ (جلد سوم)"

۱۳۷۸ تعطیلی خانه فرهنگی ناشنویان شفق در فرهنگسرای شفق تهران

۱۳۷۹ برگزار کننده مراسم هفته جهانی ناشنویان در سالن وزارت کار با همکاری سازمان بهزیستی

۱۳۷۹ شرکت در دوره آموزش مدیریت جامعه ناشنویان آسیا و اقیانوسیه در ژاپن (اوساكا)

۱۳۸۰ تهیه گزارش سفر به کشور ژاپن

۱۳۸۰ ترجمه و تهیه کتابچه نگاهی به تاریخ پنجاه ساله فعالیت های فدراسیون ناشنویان ژاپن

۱۳۸۰ ترجمه و تهیه کتابچه خدمات ارتباط گری ژاپن

۱۳۸۰ مشاوره به خانواده و جوانان ناشنوا

۱۳۸۳ دفاع از پایان نامه با عنوان آموزش قالبیابی به افراد ناشنوا با زبان اشاره

۱۳۸۳ اخذ مدرک لیسانس (کارشناسی) صنایع دستی از دانشگاه هنر تهران

۱۳۸۴ همکاری در بررسی و جمع آوری اشارات کتاب سیم کشی برق ساختمان و تراشکاری

۱۳۸۴ همکاری در بررسی و جمع آوری اشارات کتاب ابزار اندازه گیری و رشته جوشکاری

۱۳۸۵ درگذشت برادر کوچک حمید محمودی

۱۳۸۵ همکاری در برگزاری مراسم هفته جهانی ناشنوایان انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۸۵ همکاری در برگزاری نمایشگاه آثار هنری ناشنوایان انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۸۶ نایب رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۸۶ مسئول کمیته آموزش زبان اشاره و رابطین انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۸۶ مسئول آماده سازی و تکثیر DVD آموزش زبان اشاره در انجمن

۱۳۸۶ مسئول کمیته ناشنوایان دارای معلولیت دیگر انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۷۶ مسئول کمیته پیشگیری و توانبخشی انجمن خانواده ناشنوایان ایران

ص: ۵۴

- ۱۳۸۶ همکاری در برگزاری مراسم هفته جهانی ناشنوایان انجمن خانواده ناشنوایان ایران
- ۱۳۸۶ همکاری در برگزاری نمایشگاه آثار هنری ناشنوایان انجمن خانواده ناشنوایان ایران
- ۱۳۸۷ بازنشسته سازمان بهزیستی کشور با عنوان کارشناس برنامه ریزی نیروی انسانی
- ۱۳۸۷ همکاری در برگزاری مراسم هفته جهانی ناشنوایان انجمن خانواده ناشنوایان ایران
- ۱۳۸۷ همکاری در برگزاری نمایشگاه آثار هنری ناشنوایان انجمن خانواده ناشنوایان ایران
- ۱۳۸۸ دبیر برگزارکننده هفته جهانی ناشنوایان از طرف انجمن خانواده
- ۱۳۸۸ همکاری در برگزاری نمایشگاه آثار هنری ناشنوایان از طرف انجمن خانواده
- ۱۳۸۹ همکاری در تهیه کتاب "نگاهی بر محصولات توانبخشی ویژه افراد با اختلالات شنوایی"
- ۱۳۸۹ آغاز آموزش زبان اشاره در انجمن جهت علاقه مندان آزاد و تربیت رابط
- ۱۳۸۹ تدریس زبان اشاره در دانشکده علوم توانبخشی در دوره های گفتاردرمانی و شنوایی شناسی
- ۱۳۸۹ همکاری در تهیه کتاب "روشنگر تاریکی ها (زندگی نامه جبار باغچه بان و همسرش)"
- ۱۳۸۹ آغاز تدریس زبان اشاره در دانشگاه علم و صنعت
- ۱۳۸۹ تدریس زبان اشاره به کارکنان بهزیستی همدان، اهواز و گرگان
- ۱۳۸۹ اعزام به کشور سنگاپور با عنوان مترجم اشاره جهت مسابقات فوتسال ناشنوایان
- ۱۳۸۹ آغاز تدریس زبان اشاره در فرهنگسرای بانو جهت علاقه مندان آزاد
- ۱۳۸۹ آغاز تدریس زبان اشاره در فرهنگسرای شفق جهت علاقه مندان آزاد
- ۱۳۸۹ تربیت رابط (مترجم زبان اشاره ناشنوایان)
- ۱۳۸۹ تنظیم جزوات دوره آموزش زبان اشاره کوتاه مدت و بلندمدت
- ۱۳۸۹ مشاوره به دانشجویان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی جهت پایان نامه
- ۱۳۹۰ مشاور ارگان های دولتی و غیردولتی با عنوان نماینده انجمن خانواده ناشنوایان

۱۳۹۱ آغاز همکاری و مشاور امور ناشنویان با دفتر فرهنگ معلولین

۱۳۹۲ عضو هیئت امنا و هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنویان شهریار

۱۳۹۲ شروع دوره ریاست هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنویان ایران

۱۳۹۲ عضو هیئت امنا و مدیرعامل انجمن خانواده ناشنویان شهر جدید اندیشه

۱۳۹۳ بازنشسته شدن خبرگویی در صداوسیما

۱۳۹۳ همکاری در راه اندازی کارگاه تولیدی حمایتی ناشنویان شهرستان ارومیه

۱۳۹۴ شرکت در هفدهمین کنگره بین المللی فدراسیون جهانی ناشنویان در استانبول

ص: ۵۵

۱۳۹۴ تهیه گزارش سفر به کشور ترکیه

۱۳۹۴ سفر به آمریکا با همراه همسر مرجانه جلال و مادر

۱۳۹۴ نامه به رهبری جهت استفاده از سیما برای مشارکت ناشنوایان

۱۳۹۵ پایان دوره مدیریت هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۹۵ عضو هیئت امنای انجمن خانواده ناشنوایان ایران

۱۳۹۵ عضو هیئت مؤسس انجمن خانواده ناشنوایان استان اصفهان

۱۳۹۵ عضو هیئت امنای انجمن خانواده ناشنوایان استان آذربایجان غربی

۱۳۹۵ دریافت تندیس و لوح تقدیر موسسه موفق از مسئولان سازمان بهزیستی کشور

۱۳۹۵ همکاری در تهیه کتاب "اشاره ورزی با نوزادان و نوپایان"

۱۳۹۵ شرکت در نخستین همایش ناشنوایان سراسری در قم با عنوان داور مسابقات سرود و رابطین

۱۳۹۶ همکاری با دفتر فرهنگ معلولین در برگزاری اولین مسابقات قرآنی ناشنوایان استان قم

۱۳۹۶ درگذشت مادر عزیز عصمت منتظر حقیقی

۱۳۹۶ آغاز در تهیه بسته آموزشی زبان اشاره اول دبستان برای آموزش استثنایی

۱۳۹۶ تهیه راهنمای تدریس زبان اشاره ویژه کارشناسان و معلمان آموزش استثنایی

۱۳۹۶ تهیه راهنمای تدریس زبان اشاره ویژه مدرسان زبان اشاره شهرستانها

۱۳۹۷ شرکت در دومین جشنواره ناشنوایان سراسر کشور در قم با عنوان داور مسابقات سرود و رابطین

۱۳۹۷

مسئول کمیته ناشنوایان قرآنکده توانمندان در بیست و ششمین نمایشگاه قرآن در مصلاهی تهران

۱۳۹۷ درگذشت برادر بزرگ علی محمودی

۱۳۹۷ تدریس زبان اشاره به معلمان با مهارت های چندگانه در شهرهای شیراز، سنندج و گرگان

۱۳۹۷ شرکت در دهمین جشنواره سراسری فرهنگی و مذهبی امام رضا با عنوان داور مسابقات سرود و رابطین

۱۳۹۷ تألیف کتاب "نمینه باغچه بان خادم فرهنگ و جامعه"

۱۳۹۷ تهیه راهنمای تدریس زبان اشاره ویژه نیروهای ناجا

۱۳۹۷ بازنویسی گزارش کنفرانس فدراسیون جهانی ناشنویان در آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) در سئول

ص: ۵۶

فصل دوم: فعالیت ها و خدمات از منظر اسناد

اشاره

ص: ۵۷

معرفی رضا در یک جمله تعریف عبارت است از: رابط و واسطه برای انتقال تجارب و دستاوردها به جامعه ناشنوایان کشور. از این رو در هر جایگاهی قرار می گیرد، تلاش می کند این خط مشی را داشته باشد و این وظیفه را انجام دهد.

رضا محمودی تمامی عمرش را در سازمان بهزیستی به عنوان کارشناس امور ناشنوایان در عرصه آموزش و توانبخشی فرهنگی بوده و مشاغل و سمت های دیگری که تقبل کرده، در واقع شغل دوم او بوده است. البته این مشاغل دوم گاه بسیار اهمیت داشته و در زندگی او از هر نظر مهم است. اهم این مشاغل عبارت اند از:

- آموزش و تدریس زبان اشاره و همکاری با آموزش و پرورش

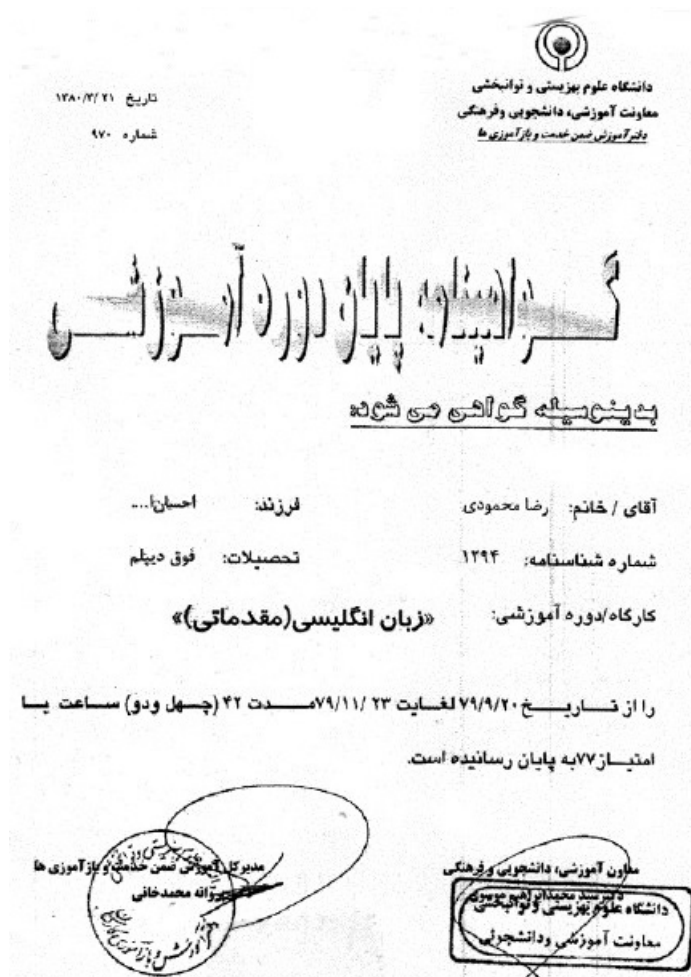
- پژوهش و گسترش علمی زبان اشاره و همکاری با کمیته توسعه زبان اشاره فارسی

- فعالیت در سیما در بخش خبر ناشنوایان

- همکاری با مراکز و نهادهای مردمی - ناشنوایی به عنوان مدیرعامل و غیره

این فصل مستندسازی یا گزارش مستند فعالیت ها و مشاغل و خدمات او طی چهل سال گذشته است. مشهور است که می گویند افراد با ورود به چهل سالگی به کمال و بلوغ می رسند، ایشان هم در سال جاری، از نظر عمر مادرزادی نه بلکه از نظر عمر و سن فعلیتی وارد چهل سالگی می گردد. از این رو باید گفت به بلوغ و کمال و متانت خواهد رسید.

رضا علاوه بر تحصیلات رسمی و مدرسه ای و دانشگاهی، در چندین دوره جهت افزایش مهارت های خود شرکت کرد. اسنادی که در دسترس است نشان می دهد حداقل شانزده کارگاه و دوره آموزشی را گذرانده است. اکنون مهم ترین این دوره ها را معرفی می کنیم.



به منظور تکمیل زبان انگلیسی یک دوره آموزش زبان انگلیسی که در دانشگاه علوم بهزیستی برگزار می شده در سال ۷۹ شرکت کرده و گواهینامه پایان دوره را دریافت نموده است:

محمودی در کارگاه های مهارت آموزی از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ هر سال شرکت کرده و هر سال گواهینامه پایان دوره دریافت کرده است. مدرک زیر مربوط به شرکت در دوره سال ۱۳۸۲ است. گواهی های سنوات بعد مثل همین است فقط تاریخ آن جدیدتر است.

بسمه تعالی

دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی
معاونت آموزشی، دانشجویی و فرهنگی

گواهینامه آموزشی

معاون آموزشی، دانشجویی و فرهنگی

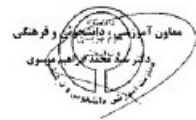
خانم/ آقای: رضا محمودی
فرزند: احسان اله
شماره شناسنامه: ۱۲۱۶
تحصیلات: فوق دیپلم

دوره / کارگاه آموزشی: **گواهی های مهارت آموزی**

گردهمایی کارشناسان آموزش استالها (۱)

به مدت: ۱۷ ساعت

روز تاریخ: ۱۳۸۲/۰۵/۰۴ لغایت ۱۳۸۲/۰۵/۰۵ با موفقیت به پایان رسانیده است.



به منظور افزایش مهارت در کامپیوتر در دوره کارگاه کامپیوتر در سال ۱۳۸۳ شرکت کرده است. این گواهی مربوط به گذراندن این دوره است:

بسمه تعالی

دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی
معاونت آموزشی، دانشجویی و فرهنگی

گواهینامه آموزشی

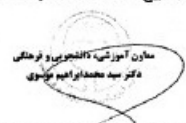
بدینوسیله گواهی می گردد:

خانم / آقای: رضا محمودی
فرزند: احسان اله
شماره شناسنامه: ۱۲۹۲
تحصیلات: فوق دیپلم

دوره / کارگاه آموزشی: **کامپیوتر ICDL**

مهارت ۱: مفاهیم پایه فن آوری اطلاعات (به مدت ۱۲ ساعت)	مهارت ۵: بانک های اطلاعاتی Access (به مدت ۲۶ ساعت)
مهارت ۲: استفاده از کامپیوتر و مدیریت فایل ها (به مدت ۸ ساعت)	مهارت ۶: ارائه مطالب Power Point (به مدت ۲۰ ساعت)
مهارت ۳: ویرایش پردازنده ها Word (به مدت ۲۶ ساعت)	مهارت ۷: اطلاعات و ارتباطات Internet (به مدت ۱۲ ساعت)
مهارت ۴: صفحه گسترده ها Excel (به مدت ۲۶ ساعت)	

روز تاریخ: ۸۲/۰۹/۱۸ لغایت ۸۳/۰۹/۰۹ با موفقیت به پایان رسانیده است.



به منظور افزایش مهارت در کامپیوتر در دوره کارگاه کامپیوتر در سال ۱۳۸۳ شرکت کرده است. این گواهی مربوط به گذراندن این دوره است:

در دوره اخلاق اداری و مناسبات انسانی شرکت و گواهی نامه اش را هم دریافت کرده است:

فصل دوم: فعالیت‌ها و خدمات از منظر اسناد ۶۱

در دوره اخلاق اداری و مناسبات انسانی شرکت و گواهی نامه اش را هم دریافت کرده است:



محمودی حتی در دوره کمک‌های اولیه هم دریغ نکرده و جهت مهارت‌آموزی در این دوره هم شرکت کرده است:



محمودی حتی در دوره کمک‌های اولیه هم دریغ نکرده و جهت مهارت‌آموزی در این دوره هم شرکت کرده است:

در آموزش های بودمانی هم شرکت کرده آن هم چند سال متوالی، مدرک زیر مربوط به سال ۱۳۸۶ است:

۶۲ جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

در آموزش های بودمانی هم شرکت کرده آن هم چند سال متوالی، مدرک زیر مربوط به سال ۱۳۸۶ است:



در دوره فرهنگ و تمدن شرکت کرده، این دوره توسط وزارت کشور در سال ۱۳۸۶ برگزار شده است:



در دوره فرهنگ و تمدن شرکت کرده، این دوره توسط وزارت کشور در سال ۱۳۸۶ برگزار شده است:

در دوره فرهنگ نماز در سال ۱۳۸۶ شرکت کرده است:

در دوره ای که حراست برگزار کرده شرکت است:

فصل دوم: فعالیت‌ها و خدمات از منظر اسناد ۶۳

در دوره فرهنگ نماز در سال ۱۳۸۶ شرکت کرده است:

بسمه تعالی



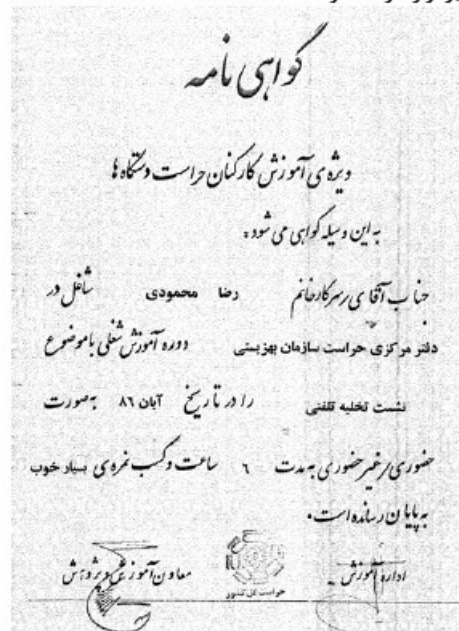
شماره: ۷۰۰۸۶۵۸۹۱۰
تاریخ: ۸۶/۱۲/۲۷

بدینوسیله گواهی می‌شود:

آقای رضا محمودی دارنده شناسنامه شماره ۱۲۹۴ صادره از تهران - فرزند احسان اله شافل در سازمان یفزیستی کشور دوره ترویج و توسعه فرهنگ نماز را بر اساس مجوز شماره ۶۲۳۳۲۲۳۱ مورخ ۸۶/۳/۲۲ معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی نهاد ریاست جمهوری از تاریخ ۸۶/۱۱/۱۶ تا تاریخ ۸۶/۱۱/۱۸ به مدت ۲۸ ساعت را با موفقیت به پایان رسانیده است.

دکتر سید مصطفی کریمی
سرپرست دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش

در دوره ای که حراست برگزار کرده شرکت است:



دوره آموزشی فناوری اطلاعات و مدیریت فایل های کامپیوتری اهمیت بسیار دارد و ایشان این دوره را با موفقیت طی کرده است:

در کارگاه آموزشی مداخله زودهنگام جهت پیشگیری از ناشنوا شدن کودکان شرکت کرده است:

نتیجه گیری

۶۴ جشن نامه فرهیخته ناشنوا، رضا محمودی



در کارگاه آموزشی مداخله زودهنگام جهت پیشگیری از ناشنوا شدن کودکان شرکت کرده است:



گواهی شرکت در کارگاه آموزشی

گواهی میشود سرکار خانم/جناب آقای..... در نشست مداخله زودهنگام کم شنوایی در قرن ۲۱ ام

دو استان تهران، شهر تهران در تاریخ ۹ تیر ماه ۱۳۹۷ حضور داشتند.

Chair of Symposium
Presidential Symposium
دبیر علمی



آقای محمودی در کارگاه ها و دوره های آموزشی بسیار شرکت کرده که گواهینامه و مدارک او در دسترس نیست، اما مواردی که آوردم نمونه هایی است که نشان می دهد او کارمندی وظیفه شناس بوده و همواره در فکر ارتقای مهارتی و خلاقیتی خودش بوده است.

رضا محمودی دارای روحیه جمعی و تفکر منظم تشکیلاتی است. طی چند دهه به این واقعیت دست یافت که بدون تشکیلات و تشکل نمی توان به اهداف مورد نظر در جامعه هدف رسید. طرح و برنامه، نیروی انسانی و امکانات مالی بخشی از عوامل و علل موفقیت است؛ ولی تشکل و تشکیلات هم عامل دیگر و مکمل عوامل پیشین است. از این رو رضا تاکنون چند تشکل ایجاد کرده یا در اداره تشکل هایی همکاری داشته است.

مهم ترین تشکل هایی که در ایجاد آنها مؤثر بوده عبارت اند از: انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق؛ انجمن خانواده ناشنوایان ایران.

اکنون اطلاعاتی درباره این دو تشکیلات عرضه می شود. البته هر یک از اینها دارای ابعاد و فعالیت های گسترده می باشند و لازم است برای هر یک از آنها، کتاب مستقل نوشته شود. البته تألیف کتاب هم در دستور کار است و به زودی تألیف آن شروع می شود. اما اینجا به معرفی شفق و انجمن خانواده از نگاه نقش و جایگاه رضا در این مراکز می پردازم.

انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق

رضا همراه با برخی از ناشنوایان نخبه در دهه هفتاد و هشتاد به این نتیجه رسیدند که جامعه و فرهنگ ناشنوایان نسبت به دهه پنجاه و شصت نه تنها پیشرفت نداشته بلکه وضعیت آن بدتر هم شده است. دوم علت وخامت و نابسامانی وضعیت ناشنوایان را فرهنگی یعنی ناآگاهی، فقدان آموزش و پرورش صحیح، فقدان سازمان های فرهنگی می دانستند. از این رو به این نتیجه رسیدند که تشکیلاتی ایجاد کنند که با اجرای خط مشی صحیح به اصلاح امور ناشنوایان بپردازد. به این دلیل ابتدا انجمن جوانان سیمرغ و پس از آن انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق را در ۱۳۷۶ تأسیس کردند.

گزارش ویژه

مدیریت شفق درباره شرایطی که اقدام به تأسیس این تشکل شد، مطلبی به این شرح منتشر کرده است:

از زمانی که زنده یاد جبار باغچه بان، بانی و پیش قراول آموزش و پرورش ناشنوایان اولین حرکت خود را در جهت توانبخشی افراد ناشنوا شروع کرد قریب به سه چهارم قرن می گذرد و هنوز جامعه ناشنوایان کشورمان با آرمان ها و اهداف نهایی این مرد بزرگ فاصله ای فاحش دارد. برای اهداف عالی باغچه بان عمر طبیعی وی کفایت نکرد و این انسان شریف در بیم و امید ادامه یافتن حرکتش جهان را بدرود گفت و هنوز پس از گذشت ۳۳ سال از خاموشی باغچه بان جامعه ناشنوایان از سال های حیات وی چندان پیش نرفته است.

عدم وجود مدیریت متعصب و کارآمد در امور ناشنوایان و از همه مهمتر افتادن امور محوری ناشنوایان به دست افراد نابلد و غیر متعهد منجر به کند شدن و در مواردی توقف حرکت توانبخشی ناشنوایان گردید. در سال های اخیر با توجه به توسعه فرهنگی جامعه که ابعاد مختلف زندگی افراد را تحت الشعاع قرار داده، جامعه ناشنوایان نیز خواه ناخواه در جبر حرکت جامعه به توسعه فرهنگی متمایل شده است. با بالا رفتن میانگین تحصیلات افراد ناشنوا دیگر رویکردهای سنتی توانبخشی نیز

قادر به ارضاء نیازهای این قشر نبوده و ناشنویان به سرعت متمایل به روش های علمی و جدید شده اند. لیکن به دلیل عدم شناخت کافی از چند و چون بهره برداری از روش های پیشرفته و علمی، عملاً افراد ناشنوا از دستیابی به تکنولوژی های جدید باز مانده اند.

مدتی پیش عده ای از جوانان تحصیل کرده ناشنوا گرد هم آمدند و پس از اینکه دریافتند علل عقب ماندگی ناشنویان کشورمان فقر فرهنگی است با جدیت تصمیم به رفع این معضل گرفتند و پس از اینکه از مراکز مسئول قطع امید کردند، شخصاً تصمیم به انجام فعالیت های فرهنگی برای ناشنویان گرفتند. هر چند که این فعالیت ها به صورت غیر سازمانی و پراکنده انجام شد، ولی گام ارزشمندی جهت رشد فرهنگی ناشنویان و شناساندن حقوق اجتماعی آنان به خودشان و جامعه برداشته شد. این گروه از جوانان ناشنوا که با الهام از حکایت منطق الطیر عطار نام «سیمرغ» را برای خویش برگزیدند در مدت زمانی کوتاه دریافتند که بدون تشکل متمرکز و سازمان یافته راهی بس طولانی و پر نشیب و فراز را پیش روی خواهند داشت. از این رو تصمیم گرفتند فعالیت های خود را در قالب انجمن فرهنگی ناشنویان توسعه دهند. مشکل مکان اولین مشکلی بود که بر سر راه این گروه وجود داشت و این مشکل همچنان باقی بود تا اینکه در مهرماه سال ۱۳۷۶ در جریان برگزاری برنامه های هفته جهانی ناشنویان که گروه «جوانان» آغازگر و متولی آن در کشورمان بود، مسئولین فرهنگسرای شفق که این گروه را از نظر مکانی برای برگزاری این برنامه یاری نمودند ترغیب به استمرار فعالیت های ناشنویان در این فرهنگسرا شدند و بدین وسیله مشکل مکان برای شروع کار انجمن فرهنگی ناشنویان تا حدودی مرتفع شد و در اندک زمانی مقدمات تشکیل انجمن فرهنگی فراهم و فعالیت آن شروع شد. (۱)

اهداف شفق

مهم ترین اهداف تشکیل انجمن شفق توسط بنیانگذاران آن این گونه تبیین و معرفی شده است:

۱- بالا بردن سطح شناخت و آگاهی جامعه نسبت به مسائل فردی و اجتماعی ناشنویان و جذب افراد خیر و علاقه مند برای فراهم کردن زمینه های ترقی جامعه ناشنویان.

۲- پر کردن اوقات فراغت ناشنویان و جلوگیری از راکد ماندن نیروهای مستعد و خلاق.

۳- رفع مشکلات ارتباطی میان افراد ناشنوا و شنوا.

۴- هماهنگ کردن فعالیت های متفرقه (برای ناشنویان) و جلوگیری از چندگانگی در روند فعالیت ها و همسو کردن گروه های فعال.

۵- تشویق و تجلیل ناشنویان موفق و ایجاد انگیزه برای کسب موفقیت های اجتماعی در بین ناشنویان دیگر.

۶- تقدیر از حامیان جامعه ناشنویان و معرفی آنان به عنوان الگویی برای دیگران.

۷- بالا بردن سطح معلومات ناشنویان نسبت به مسائل مربوط به خود و جامعه و جوامع ناشنویان در کشورهای دیگر.

۸- ایجاد الفت و صمیمیت بین افراد ناشنوا و شنوا و جلوگیری از انزوای قشر ناشنویان.

ص: ۶۶

۱- . آوای سکوت، شماره ۳، اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۸.

۹- همکاری با کلیه مؤسسات و مراکز مربوط به ناشنوایان برای تسریع انجام امور ناشنوایان.

برای نیل به این اهداف، مؤسسين انجمن، خط مشی خاصی را معرفی کرده و برنامه های اجرایی زیر را در دستور کار خود دارند:

۱. برنامه های آموزشی شامل: تشکیل کلاس ها و دوره های آموزشی مختلف مانند دستور زبان فارسی و انگلیسی - زبان اشاره - کامپیوتر - کارهای هنری (خط - نقاشی - نمایش و غیره) دینی و مذهبی و آموزش های عمومی در مورد مسائل ناشنوایان از طریق مطبوعات و رسانه ها.

۲. نمایش فیلم های ویژه ناشنوایان و فیلم های عادی با رابط یا زیرنویس فارسی.

۳. برگزاری همایش ها و جلسات عمومی نظیر سمینار - کنفرانس - جشنواره در جهت شناخت و حل مشکلات ناشنوایان.

۴. برگزاری مراسم ویژه نظیر هفته جهانی ناشنوایان - سالروز درگذشت زنده یاد باغچه بان - روز معلم - دانش آموز - دانشجو - روز پدر و مادر - روز جهانی کودک (برای ناشنوایان) مراسم ملی و آئینی نظیر دهه فجر و جشنواره های هنری و فرهنگی.

۵. انجام امور مشاوره ای.

۶. انجام امور فوق برنامه نظیر اردوهای علمی - تفریحی و مسابقات و سرگرمی ها.

۷. استفاده از امکانات و جلب حمایت مؤسسات دیگر در جهت شکوفایی جامعه فرهنگ ناشنوایان(۱).

مؤسسين شفق درصدد بودند با طرح و برنامه جلو بروند. از این رو تجارب پیشین و دستاوردهای دیگر تشکل ها را مطالعه کردند و تلاش کردند حساب شده اقدام نمایند.

با این حال شفق عمر چندان نداشت؛ چون به دلیل نداشتن مکان و جای مناسب مجبور بود در فرهنگسرای شفق استقرار داشته باشد. این محل هم با تعویض شهردار یا معاونت فرهنگی شهرداری یا دیگر مدیران مرتبط به فرهنگسرا دچار مشکل می شد و فشار برای تخلیه زیاد می گردید.

از طرف دیگر بودجه مستقل و کافی برای فعالیت های فرهنگی نداشتند. و اقدامات فرهنگی نیاز به بودجه های بیشتر و ثابت داشت. همه اینها دست به دست هم داد و موجب شد تا شفق عمرش پایدار نباشد.

انجمن خانواده ناشنوایان ایران

اشاره

این انجمن بر اساس گزارش ثمینہ باغچه بان در سال ۱۳۵۱ با هدف گرد هم آمدن و تجمع همسران ناشنوا (زن ناشنوای دارای شوهر یا مرد ناشنوای دارای همسر) تأسیس شد. خانواده های ناشنوا نیاز داشتند در محلی تجمع کرده و به هم اندیشی، گفت و گو و تبادل نظر بپردازند، اما چنین محلی در اختیار نداشتند. آنان البته تشکلی به نام انجمن خانواده های ناشنوا را شکل دادند؛ سپس مطالب خود را مطرح کردند.

جلسات این انجمن ابتدا در تالار اجتماعات مرکز آموزش حرفه ای ناشنوایان تشکیل می شد سپس با مساعدت سازمان رفاه ناشنوایان محلی را اجاره کردند و به آنجا رفتند. (۲)

ص: ۶۷

۱- . مجله آوای سکوت، شماره سوم، اردیبهشت ماه ۷۸، ص ۹.

۲- . بهره ناشنوایان، ص ۱۱۷-۱۱۸.

اعضای هیئت مدیره در سال ۱۳۵۱ انتخاب و سید رضاقلی شهیدی، حسن تقوی و خانم نسرین ظلی به این سمت انتخاب شدند. در سال های بعد به ویژه ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵، رضا محمودی به عنوان عضو هیئت مدیره و رئیس هیئت مدیره بود. البته رضا در سال های قبل و بعد هم سمت هایی در این انجمن داشته است.

ابتدا اسم آن، انجمن خانواده های ناشنوا بود ولی بعداً به انجمن خانواده ناشنوایان ایران تغییر یافت.

رضا محمودی گزارشی درباره این انجمن نوشته است و درباره شکل گیری آن می نویسد:

این انجمن با پیشنهاد گروهی از خانواده های ناشنوا و حمایت سرکار خانم ثمینه باغچه بان دختر گرانقدر زنده یاد استاد جبار باغچه بان مدیرعامل وقت سازمان ملی رفاه ناشنوایان (انجمن خانواده ناشنوایان ایران) بنیان نهاده شد و مورد استقبال پرشور کلیه خانواده های ناشنوا قرار گرفت.

اساسنامه این انجمن پس از بحث و تبادل، به اتفاق آراء تصویب و سپس به معرفی و انتخاب اعضای هیئت مدیره پرداخت که با اکثریت آراء آقایان: سید رضاقلی شهیدی، حسن تقوی و خانم نسرین ظلی به عنوان اعضای هیئت مدیره انجمن برگزیده شدند. بدین صورت انجمن به عنوان سازمان غیر دولتی، غیر سیاسی، غیر انتفاعی و عام المنفعه شکل گرفت و در اداره کل ثبت شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری به شماره ۱۷۲۱ به ثبت رسید.

اولین جلسه مجمع عمومی انجمن خانواده ناشنوایان ایران در تاریخ ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۱ با حضور اعضا و کلیه خانواده های ناشنوا (در حدود ۵۰ نفر) تشکیل گردید و اکنون بیش از ۴۰۰۰ نفر به عضویت پرداختند. (۱)

اهداف انجمن

اهداف تأسیس انجمن خانواده ناشنوایان توسط مدیریت انجمن به این شرح اعلام شده است. در واقع این اهداف هشتگانه، چشم اندازی برای کارها و فعالیت های این انجمن در نظر گرفته شده است:

۱. کوشش در جهت بالا بردن سطح فرهنگ و بینش اسلامی و احیای حقوق شهروندان افراد ناشنوا.

۲. تلاش در جهت برخورداری افراد ناشنوا از امکانات تکنولوژی پیشرفته و تحقق اصل تساوی با افراد جامعه در همه زمینه ها از جمله آموزش، اشتغال، بهداشت، درمان، بیمه و سایر موارد توانبخشی و توانمندسازی در کلیه شئون اجتماعی.

۳. آموزش نیروی انسانی مرتبط به امور ناشنوایان با همکاری سازمان های ذیربط.

۴. برگزاری همایش های علمی و اردوهای تفریحی سیاحتی، زیارتی و گردشگری جهت آشنا ساختن افراد ناشنوا با فرهنگ مردم درون و برون مرزی پس از کسب مجوز از مراجع ذیصلاح.

۵. توسعه ارتباطات علمی و فرهنگی با سازمان های غیر دولتی ناشنوایان جهان و خصوصاً فدراسیون جهانی ناشنوایان.

۱- . جزوه انجمن خانواده ناشنوایان ایران، رضا محمودی.

۶. ارائه آموزش های ازدواج، پیشگیری و مشاوره خانواده به افراد ناشنوا با هماهنگی سازمان های ذیربط.

۷. تأسیس بانک اطلاعاتی، ایجاد شرکت های تعاونی چند منظوره (اشتغال زایی)، تهیه سایت روزآمد و نشریه انجمن، ایجاد نمایشگاه های در ارتباط با دستاوردهای علمی، فرهنگی و هنری و ارائه طرح های خدمات توانبخشی ناشنوایان پس از هماهنگی با سازمان های ذیربط.

۸. ایجاد کمیته های مختلف زیر نظر انجمن و تلاش و برنامه ریزی در جهت تأمین منابع مالی در راستای اهداف مورد نظر انجمن. (۱)

اهداف مزبور بسیار پیشرفته است و هر کدام خود یک برنامه مستقل و گسترده است. مهم این است که این محورها گویای ذهن مبتکر و خلاق نویسنده آنها یعنی رضا محمودی است.

روش اجرایی

این انجمن به تدریج گسترش یافت و در شهرها، شعبه پیدا کرد. البته بهتر است گفته شود شکل هایی که به نام انجمن خانواده ناشنوایان با پسوند مثلاً شیراز یا تبریز یا اصفهان و غیره شروع به فعالیت کرده اند، شعبه تشکیلات مرکزی در تهران نیستند بلکه همسو با آن می باشند. زیرا دفتر انجمن مرکزی در تهران، نمی تواند در امور انجمن های شهرها دخالت کند و تأمین بودجه آنها به عهده تشکیلات مرکزی نیست. از این رو نمی توان گفت انجمن های شهرها شعبه انجمن تهران هستند.

اما انجمن مرکزی در تهران روش اجرایی هشتگانه زیر را برای همه انجمن های شهرها ارسال کرده است؛ این دستورالعمل مبنای همکاری و هماهنگی بین همه انجمن های خانواده است. در عمل هم توانسته بین آنها هماهنگی لازم را ایجاد کند.

۱. تهیه آمار و جمع آوری اطلاعات در همه زمینه ها از افراد ناشنوا (بانک اطلاعات)

۲. مشارکت و همکاری در گسترش فعالیت های علمی، فرهنگی، آموزشی، هنری و غیره.

۳. ایجاد سایت روزآمد و فراگیری به عنوان منبع اطلاعاتی انجمن و داشتن فصلنامه خبری، فرهنگی، هنری و آموزشی پس از کسب مجوز از مراجع ذیصلاح.

۴. تعامل، همکاری و ارتباط مستمر با شعبات انجمن های خانواده ناشنوایان سراسر کشور در جهت کمک به افزایش دانش و مهارت، اطلاع رسانی و برگزاری همایش سالیانه و آموزش مدیریت در جهت بهبودی وضعیت انجمن ها.

۵. ایجاد تفاهم و وحدت و همکاری بین تشکل های فعال غیر دولتی در سطح منطقه و بین المللی به منظور تبادل اطلاعات و استفاده از تجربیات مشترک و عضویت در آنها.

۶. همکاری و تفاهم کامل با سازمان بهزیستی کشور و استان ها در جهت توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و تحقق

زندگی بهتر برای قشر ناشنوا.

۷. فراهم ساختن شرایط و بهره‌گیری بهینه از امکانات و تلاش در جهت افزایش و تقویت منابع مالی در راستای اهداف مورد نظر انجمن.

ص: ۶۹

۱- . جزوه انجمن خانواده ناشنویان ایران، رضا محمودی.

۸. ایجاد شعبات و دفاتر نمایندگی در مراکز استان و شهرها به منظور اجرای اهداف و حمایت از افراد ناشنوی محروم سراسر کشور.

خط مشی

محور فعالیت های انجمن در تهران و شهرها مبتنی بر ده سر فصل زیر است و همه اعضا باید در تحقق این دستورالعمل ها کوشا و فعال باشند. در واقع فعالیت های اجرایی انجمن ها در راستای این اهداف شکل می گیرد.

۱. اهمیت و کاربرد زبان اشاره

امروزه در دنیا با رشد روز افزون آمار ناشنویان رو به افزایش است و گفته می شود افراد کم شنوا یا ناشنوا نیمی از جمعیت جهان را در سال های آینده در بر می گیرند. ناشنویان نیز به نوبه خود از زبان اشاره به عنوان وسیله ارتباطی استفاده می کنند. از این رو یادگیری زبان اشاره نه تنها برای خود ناشنویان، بلکه برای تمامی افراد لازم و ضروری است. زیرا تنها راه ارتباط زبان اشاره می باشد و ناشنویان هم جزئی از اجتماع بوده و با مردم زندگی می کنند. بنابراین لازم است آموزش زبان اشاره به عنوان یک آموزش ضروری و همگانی در جوامع آغاز شود و همه قشرهای جوامع به یادگیری آن اقدام کنند.

۲. وسایل توانبخشی و کمکی

به دلیل فقدان شنوایی، ناشنویان، قادر به شنیدن صدای زنگ در، زنگ تلفن یا صدای گریه کودک یا صدای خواهان کمک نمی باشند. امروزه وسایلی اختراع شده تا به این گروه کمک کند تا متوجه هشدارها و ارتباطات باشند. وسایل کمکی لرزش یا نور یا تصویر را جایگزین صدا می کنند.

۳. گسترش ارتباط در خانواده و جامعه

در خانواده هایی که فردی دچار عارضه شنوایی است؛ دیگران حق ندارند او را از نعمت های دیگر مثل ارتباط محروم سازند. یک فرد ناشنوا همچون دیگران نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است و این کار از طریق زبان اشاره یا راه های دیگر امکان پذیر است. از این رو روش ها و ابزارهای ارتباطی در جامعه ناشنوی باید گسترش یابد و به ارتباط با ناشنوا اهمیت داده شود.

۴. اهتمام رسانه های گروهی در آشنایی مردم با جامعه ناشنویان

رسانه ها به ویژه تلویزیون نقش سازنده ای در آشنایی مردم با جامعه ناشنوا بر عهده دارند. تلویزیون چون محدودیت سنی و غیره نداشته و کلیه افراد می توانند برنامه های آن را مشاهده کنند. از این رو می تواند مشکلات و توانایی های آنان را به مردم معرفی کند. فرهنگ سازی اجتماعی برای ناشنویان یک اصل مهم است.

۵. آسیب شناسی روحی و روانی

انزوا و گوشه گیری ناشنوایان و عدم توانایی در ایجاد ارتباط آنان با دیگران از مشکلات اجتماعی شایع در جامعه هدف است. وقتی یک فرد ناشنوا در جمعی قرار می گیرد که متوجه صحبت دیگران نمی شود و هنگامی که از ایشان درخواست می کند تا برای وی توضیح دهند ولی با جواب سر بالا روبه رو می شود. بنابراین ناخودآگاه و خود به خود از جمع رانده می شود. یا کودکی که در مدرسه به

ص: ۷۰

خاطر نشنیدن جمله معلم یا دانشجوی ناشنوا هنگام عدم درک سخنان استاد مورد استهزاء دیگران قرار می گیرد، و ضربه روحی شدیدی به ایشان وارد می شود. در ارتباط با این مسئله هلن کلر می گوید: اگر از من بپرسند که دوست داری شنوایی ات را از دست بدهی یا بینایی؟

می گویم بینایی ام را. زیرا با فقدان بینایی، ارتباط فقط با طبیعت قطع می شود ولی اگر شنوایی ام را از دست بدهم، ارتباط من با مردم و جامعه از بین می رود.

۶. تحکیم اعتماد به نفس

به جای استهزا و مسخره کردن و دور ساختن ناشنوا از حضور در جمع، لازم است توانایی ها و قوت های ناشنوا برجسته گردد تا حس اعتماد به نفس در آنان گسترش یابد و مشارکت اجتماعی آنان بیشتر شود. نیز با بیان قطعه هایی از زندگی نامه ناشنواییانی که به موفقیت های بزرگ رسیدند مثل ادیسون که برق را اختراع کرد می توان روحیه خود کم بینی، افسردگی و ناتوانی را در آنها از بین برد و آنان را به سمت خلاقیت و کوشش و اعتماد به نفس هدایت کرد.

۷. خدمات درمانی و بیمه

متأسفانه ناشنوایان به دلیل مشکل شنوایی خود نسبت به معلولین دیگر از لحاظ شغلی با محدودیت های بیشتری رو به رو هستند، از این رو بیشتر این افراد پشتوانه مالی جهت خرید سمعک ندارند و به همین دلیل از این کار امتناع می ورزند. خدمات درمانی و بیمه می توانند در کمک به این قشر جهت خرید سمعک که لازمه زندگی هر فرد ناشنوا و نیمه شنواست و دیگر وسایل مؤثر در توان افزایی ناشنوایان، نقش مؤثر و مفیدی داشته باشند.

۸. ضرورت از وسایل کامل توانبخشی

بیشتر افراد ناشنوا و نیمه شنوا از هر دو گوش دچار عارضه شنوایی هستند و پزشکان بر استفاده از دو سمعک برای ایشان تأکید دارند. اما همان طور که در بند قبل اشاره شد به دلیل فقدان امکانات مالی و کمبود توانایی مالی در تهیه سمعک و باتری این افراد از یک سمعک استفاده می کنند که این امر باعث تبلی و کاهش شنوایی آنان می گردد. استفاده از سمعک در همان مراحل اولیه تشخیص ناشنوایی در دوران کودکی بسیار مؤثر می باشد و نباید در استفاده از آن تأخیر داشت. همچنین وسایل توانبخشی و وسایل کمکی باید کامل و در زمان مقرر استفاده شود و تأکید می شود، هرگز ناقص از وسایل ضروری استفاده نشود.

۹. پیشگیری از عوامل ایجاد ناشنوایی

یکی از عوامل ایجاد ناشنوایی، ازدواج فامیلی و ژنتیک است. امروزه با پیشرفت های علمی - پزشکی و یک آزمایش کوچک می توان از ناشنوایی پیشگیری کرد. همچنین امروزه در بیمارستان ها پس از تولد، نوزاد را مورد آزمایش شنوایی سنجی قرار می دهند تا با اقدامات اولیه به بهبودی فرد کمک شود.

اگر چنانچه پزشک به وظیفه خود کاملاً متعهد بوده و اقدامات اصلی و اولیه شنوایی سنجی نوزاد و کودک را انجام دهد و خانواده را در جریان مشکل شنوایی فرزند خویش قرار دهد، بسیاری از مشکلات اولیه از بین می رود.

این ده دستورالعمل، به همه انجمن ها در شهرها توصیه شده تا در گسترش آنها کوشا باشد و در هر شهر بر اساس امکانات موجود و اقتضائات آن شهر اقدام خواهند کرد.

جایگاه در توسعه انجمن

رضا در تحکیم مبانی و گسترش فعالیت های انجمن خانواده ناشنوایان مؤثر بوده و در جلسات در شهرهای مختلف حضور داشته است. در سال های اخیر ایشان یکی از ارکان این انجمن می باشد و در تصمیم گیری ها و راهنمایی انجمن نقش اساسی بر عهده دارد. حکم ریاست او بر هیئت مدیره انجمن را برای نوبت دوم در سال ۱۳۹۲، توسط رئیس سازمان بهزیستی اعطا شده است. در متن انتصاب او به سمت ریاست هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران چنین آمده است:

رضا محمودی ریاست هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران: این پروانه در اجرای بند ۱۳ ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی و بر اساس مقررات سازمان بهزیستی کشور صادر و به آن مؤسسه اجازه داده می شود تا با رعایت قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و مفاد اساسنامه تأیید شده در کمیسیون عالی صدور پروانه های بهزیستی به صورت کشوری فعالیت نماید. بدیهی است فعالیت در زمینه بندهای ۱۲ گانه ماده ۲۶ پس از کسب پروانه فعالیت مطابق دستورالعمل های تخصصی مربوطه از سازمان بهزیستی امکان پذیر خواهد بود. این پروانه از تاریخ صدور به مدت ۳ سال اعتبار دارد و با رعایت مقررات سازمان بهزیستی مدت آن قابل تمدید می باشد و می بایست سه ماه قبل از اتمام مدت اعتبار پروانه جهت تمدید آن اقدام لازم صورت پذیرد.

اعضای هیئت مدیره: رضا محمودی - حامد عابدین زاده، محمدرضا تقوی - علیرضا حضرت قلی زاده - بهنام حائری هولیق.
مدیرعامل: اکرم سلیمی ساریقه

رضا به عنوان رئیس هیئت مدیره گواهی های شرکت در دوره ها را امضا می کرده است. موارد زیادی از گواهی ها به امضای ایشان با عنوان رئیس هیئت مدیره هست.

صورت حکم انتصاب رضا محمودی به ریاست هیئت مدیره اینگونه است:

رضا در سمت های مختلف از جمله ریاست هیئت مدیره در توسعه فعالیت های انجمن تأثیر داشته است؛ طرح ها، اقدامات و فعالیت هایش را در این دوره ها لازم است ثبت و کارنامه سازی گردد.

آموزش کارمندان بهزیستی

به منظور افزایش کارآمدی و توانایی و مهارت کارمندان بهزیستی، رضا قراردادی با سازمان بهزیستی منعقد کرد و بر اساس آن آموزش به کارمندان بهزیستی را شروع کرد. این قرارداد بین سازمان بهزیستی و انجمن خانواده ناشنوایان ایران به ریاست رضا محمودی منعقد شده بود.

فصل دوم: فعالیت ها و خدمات از منظر اسناد ۷۳

صورت حکم انتصاب رضا محمودی به ریاست هیئت مدیره اینگونه است:



پروانه تاسیس

تمدید نوبت اول

شماره - ۹۰۰/۹۳/۱۵۵۸۱۹

تاریخ ۹۳/۱۲/۲۳

آقای رضا محمودی

فرزند احسان اله

شماره شناسنامه ۱۲۹۴

ریاست هیات مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران

این پروانه در اجرای بند ۱۳ ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی و براساس مقررات سازمان بهزیستی کشور صادر و به آن موسسه اجازه داده می شود تا با رعایت قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و مفاد اساسنامه تأیید شده در کمیسیون عالی صدور پروانه های بهزیستی به صورت کشوری فعالیت نماید. بدیهی است فعالیت در زمینه بند های ۱۲ گانه ماده ۲۶ پس از کسب پروانه فعالیت مطابق دستورالعمل های تخصصی مربوطه از سازمان بهزیستی امکان پذیر خواهد بود. این پروانه از تاریخ صدور به مدت ۳ سال اعتبار دارد و با رعایت مقررات سازمان بهزیستی مدت آن قابل تمدید می باشد و می بایست سه ماه قبل از اتمام مدت اعتبار پروانه جهت تمدید آن اقدام لازم صورت پذیرد.

اعضای هیات مدیره: رضا محمودی - حامد عابدین زاده - محمدرضا تقوی - علیرضا حضرتقلی زاده - بهنام حاتری هولیق

مدیرعامل: اکرم سلیمی ساریقه

آدرس موسسه: استان تهران - شهرستان تهران - خیابان آزادی - بین نواب و اسکندری جنب ساختمان بانک تجارت - بین پست افروخته - پلاک ۲ - طبقه سوم

دکتر همایون هاشمی

رئیس سازمان بهزیستی کشور

مدارک و اسنادی هست که در سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ این قرارداد اجرایی شده است.

طراحی و مهندسی فعالیت های انجمن

یکی از فعالیت های رضا محمودی در انجمن مهندسی و طراحی برای حضور بهتر و بیشتر انجمن در سطح ملی است. تلاش می نمود اخبار انجمن را برجسته کند.

همچنین به عنوان طرح متفکر با مشاوره دادن به مدیران و راهنمایی آنان، نقش مهمی در گسترش این انجمن داشته است. تدوین مقاله بلندی درباره انجمن که به صورت جزوه درباره عموم قرار گرفته گویای اهتمام و تلاش های او در انجمن است. عنوان این جزوه چنین است:



انجمن خانواده ناسنویان ایران
کچین و مهمترین گزارش عملکرد سه ساله
از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۵

گردآورنده: رضا محمودی

با همکاری: رادیو ملی قرمز پش

انجمن خانواده ناسنویان ایران، گلچین و مهمترین گزارش عملکرد سه ساله از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۵، گردآورنده: رضا محمودی

رایزنی و ارتباط با مسئولان و مقامات

رضا در جایگاه رئیس هیئت مدیره به دلیل ارتباطات فعال با ناسنویان ایران اطلاعات کافی از مشکلات آنان داشت. از طرف دیگر با ارتباط با مقامات و مسئولان بالای نظام جمهوری اسلامی تلاش کرد، مشکلات آنان را منتقل کند و این مشکلات را رفع نماید. از این رو دارای فعالیت های گسترده و از طرف دیگر مقبولیت فراگیر بود. در همین زمان نامه ای به رهبری آیت الله خامنه ای نوشت و خواستار استفاده ناسنویان از تلویزیون به عنوان یک حق مشروع و ملی شد. در بین مدیران و مسئولین ناسنویان اولین کسی که دردها و موانع پیشرفت ناسنویان را مستقیماً با شخص اول مملکت در میان گذاشت. این نامه در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۹۴ برای رهبری ارسال شده و متن آن اینگونه است:

تبریکات صمیمانه ما به مناسبت ایام پیروزی انقلاب اسلامی که یادآور غلبه مستضعفان بر استکبار جهانی است را بپذیرید. از آنجا که حضرتعالی شخص عالم، بصیر، دلسوز برای تک تک مردم ایران اسلامی هستید. به خود جرأت دادیم تا تقاضایی به حق نمائیم.

با عنایت به الطاف حضرتعالی به قشر ناشنوایان که در سروده تان برای ما کاملاً مشهود است. جامعه ناشنوایان نیز مانند بقیه افراد جامعه نیاز به رشد فرهنگی و رشد اجتماعی دارد که مستلزم بهره مندی از رسانه به ویژه رسانه ملی است در اینجا لازم می دانیم از مسئولان دوره های قبل تا به امروز در بخش سیاسی بسیار قدردانی کنیم. اما متأسفانه در بخش سیما هر از گاهی به صورت سلیقه ای نه بنیادی در شبکه ۲ و ۵ سیما بخشی از برنامه ها برای ناشنوایان قابل استفاده می شد که با تغییر مدیریت این بخش حذف می گردید تا به امروز ما ناشنوایان با مکاتبات فراوان هنوز موفق نشدیم تا از برنامه های سیما جمهوری اسلامی ایران حتی به حداقل بتوانیم استفاده نماییم. در صورتی که در کشورهای منطقه، به ویژه جهانی اقدامات گسترده ای صورت گرفته است، ما می دانیم یکی از دغدغه های حضرتعالی نفوذ فرهنگی بیگانگان در جامعه اسلامی ماست که نگرانی به حقی است. با توجه به فرمایشات حضرتعالی اگر برای اوقات فراغت ناشنوایان توسط رسانه ملی برنامه ریزی نشود، متأسفانه این قشر که تعداد آنها بیش از یک میلیون نفر هم هستند به رسانه های بیگانه پناه برده و خدا می داند که دنیا و آخرتشان خراب خواهد شد و تابع شیطان می شوند. درخواست عاجزانه داریم که دستور فرمایید بخشی از فیلم ها، سریال ها و برنامه های آموزشی، فرهنگی، ورزشی، مذهبی و تاریخی سیما با افزودن زیرنویس در پایین صفحه برای ناشنوایان نیز قابل استفاده گردد.

این مرکز جهت همکاری برای این امر به صورت کارشناسانه مطاع فرمان حضرتعالی خواهد بود.

این نامه به امضای رضا محمودی به عنوان رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران است.

رضا از آن مدیرانی نبود که فقط به امضا و دستور و توصیه بپردازد بلکه تلاش های فراوان می نمود تا ناشنویان به زندگی بهتر برسند. یک نمونه از تلاش های او در نامه مدیر انجمن ناشنویان آذربایجان غربی آمده است:

۷۶ جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

حضرت آیت الله خامنه ای

رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران

با سلام و احترام

تبریکات صمیمانه ما به مناسبت ایام پیروزی انقلاب اسلامی که یادآور غلبه مستضعفان بر استکبار جهانی است را بپذیرید. از آنجا که حضرت تعالی شخص عالم ، بصیر ، دلسوز برای تک تک مردم ایران اسلامی هستید ، به خود جرات دادیم تا تقاضایی به حق نماییم.

با عنایت به الطاف حضرت تعالی به قشر ناشنویان که در سروده تان برای ما کاملاً مشهود است. جامعه ناشنویان نیز مانند بقیه افراد جامعه نیاز به رشد فرهنگی و رشد اجتماعی دارد که مستلزم بهره مندی از رسانه به ویژه رسانه ملی است در اینجا لازم می دانیم از مسئولان دوره های قبل تا به امروز در بخش سیاسی بسیار قدردانی کنیم. اما متأسفانه در بخش سیمای هرز گاهی بصورت سلیقه ای نه بنیادی در شبکه ۲ و ۵ سیمای بخشی از برنامه ها برای ناشنویان قابل استفاده می شد که با تغییر مدیریت این بخش حذف می گردید تا به امروز ما ناشنویان با مکاتبات فراوان هنوز موفق نشدیم تا از برنامه های سیمای جمهوری اسلامی ایران حتی به حداقل بتوانیم استفاده نماییم. در صورتیکه در کشورهای منطقه ، به ویژه جهانی اقدامات گسترده ای صورت گرفته است ، ما می دانیم یکی از دغدغه های حضرت تعالی نفوذ فرهنگی بیگانگان در جامعه اسلامی ماست که نگرانی به حقی است. با توجه به فرمایشات حضرت تعالی اگر برای اوقات فراغت ناشنویان توسط رسانه ملی برنامه ریزی نشود ، متأسفانه این قشر که تعداد آنها بیش از یک میلیون نفر هم هستند به رسانه های بیگانه پناه برده و خدای می داند که دنیا و آخرتشان خراب خواهد شد و تابع شیطان می شوند. درخواست عاجزانه داریم که دستور فرمائید بخشی از فیلمها ، سریالها و برنامه های آموزشی ، فرهنگی ، ورزشی ، مذهبی و تاریخی سیمای افزودن زیرنویس در پایین صفحه برای ناشنویان نیز قابل استفاده گردد. این مرکز جهت همکاری برای این امر بصورت کارشناسانه مطلع فرمان حضرت تعالی خواهد بود. ان شاء الله همیشه.

با سلامت و صلوات و اقتدار سایه تان مانند خورشید بر سرزمینمان بتابد.



گسترده‌گی ارتباطات

یکی از ویژگی های ذاتی رضا محمودی، روابط و ارتباط گسترده او با ناشنوایان ایران در تهران و در شهرهای مختلف است. با حوصله بسیار می نشیند و به درد و دل افراد و حرف های آنها گوش می دهد. در جلسات مختلف در شهرهای دور و نزدیک شرکت می کند و در برنامه های یک نشست حضور دارد و اظهار خستگی یا ناراحتی نمی کند. به آراء و عقاید افراد احترام می گذارد و در حل مشکلات افراد تلاش می کند. بی جهت مداحی کسی یا مذمت کسی را نمی کند.

این نکات را می توان از نامه هایی که خطاب به او نوشته اند، فهمید. به ویژه جوانان نامه های بسیار به او نوشته اند که به برخی از آنها اشاره می کنم.

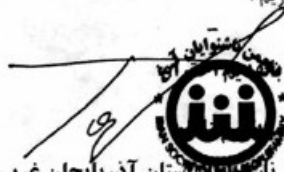
تعدادی از جوانان ناشنوا در ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ از رضا محمودی تشکر کرده اند. در این زمان ایشان رئیس هیئت مدیره یا معاون انجمن خانواده ناشنوایان بوده است.

جناب آقای رضا محمودی، معاون محترم انجمن خانواده ناشنوایان ایران

خدمت ریاست محترم انجمن ناشنوایان ایران برادر محمودی

سلام

احتراما به استحضار عالی می رساند که جناب آقای مهدی چنقلو صاحب امتیاز کارگاه تولیدی حمایتی ناشنوایان شهرستان ارومیه این کارگاه را در آذر ماه سال ۹۳ با هدف ایجاد اشتغال برای جوانان بیکار ناشنوا تأسیس نموده است در این کارگاه به تعداد ۲۶ نفر از عزیزان ناشنوا مشغول به کار می باشند و این عزیزان که آقای چنقلو کارفرمای ایشان می باشند بیمه تأمین اجتماعی (اجباری) می باشند و این امر سبب آسودگی خاطر این عزیزان گشته است. در کارگاه ناشنوایان دوخت انواع لباس یکبارمصرف بیمارستانی و لباس کار و طرف قرارداد با شرکت های شهرداری جهت دوخت انواع لباس کارگران زحمت کش شهرداری می باشد و این البسه ها با دقت زیاد و کیفیت عالی و در اسرع وقت در سطح شهر بخش می گردد. این کارگاه علاوه بر اینکه سبب کسب روزی و رزق حلال برای این عزیزان گردیده است از نظر روحی نیز برای این عزیزان مسرم نمر بوده است چرا که از اینکه توانسته اند خدمتی برای همشهریان خود نمایند و از این جهت خداوند منان را شاکریم و از برادر محمودی به خاطر کمک هایی که در این زمینه به ما رساندند نیز نهایت تقدیر و تشکر را داریم. قبلا از زحمات حضرت عالی نهایت تقدیر و تشکر را داریم.



مدیریت انجمن ناشنوایان استان آذربایجان غربی

۹۳/۱۱/۲۵

آن گاه که سرشار از شور زندگی می شوی و دل به رؤیاهای خلاقیت می بندی نوعی عشق را سهم خود ساخته ای و در لحظه ای پر هیجان نخستین نگاهت به دنیا باز می شود.

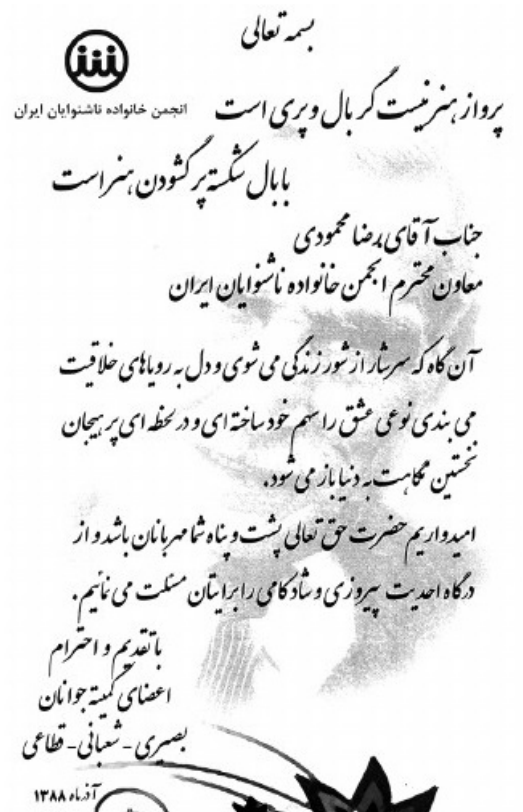
امیدواریم حضرت حق تعالی پشت و پناه شما مهربانان باشد و از درگاه احدیت پیروزی و شادکامی را برایتان مسئلت می نمایم.

تصویر این متن و تشکر محبت آمیز اینگونه بوده است:

محمد عباسی رئیس هیئت مدیره انجمن در مازندران از رضا محمودی به عنوان نایب رئیس انجمن خانواده ناشنوایان ایران در سال ۱۳۸۹ تشکر کرده و خطاب به او نوشته است:

جناب آقای رضا محمودی، نایب رئیس انجمن خانواده ناشنوایان ایران

بی شک توسعه پیشرفت همه جانبه کشور علی الخصوص انجمن خانواده ناشنوایان مازندران مرهون مساعی افراد متعهدی چون حضرت تعالی است که با در نظر داشتن و عنایت خداوند متعال گام های متعالی و ترقی را برای این انجمن برداشته در جهت خدمتگزاری به ناشنوایان از هیچ کوششی فروگذار ننموده اید ضمن تقدیر و تشکر از مشارکت مطلوب و صادقانه شما حضور گرم و صمیمانه جنابعالی را در دهمین همایش هفته جهانی ناشنوایان در مهرماه ۱۳۸۹ گرامی داشته و توفیقات روزافزون را از درگاه ایزد منان مسئلت می نمایم.



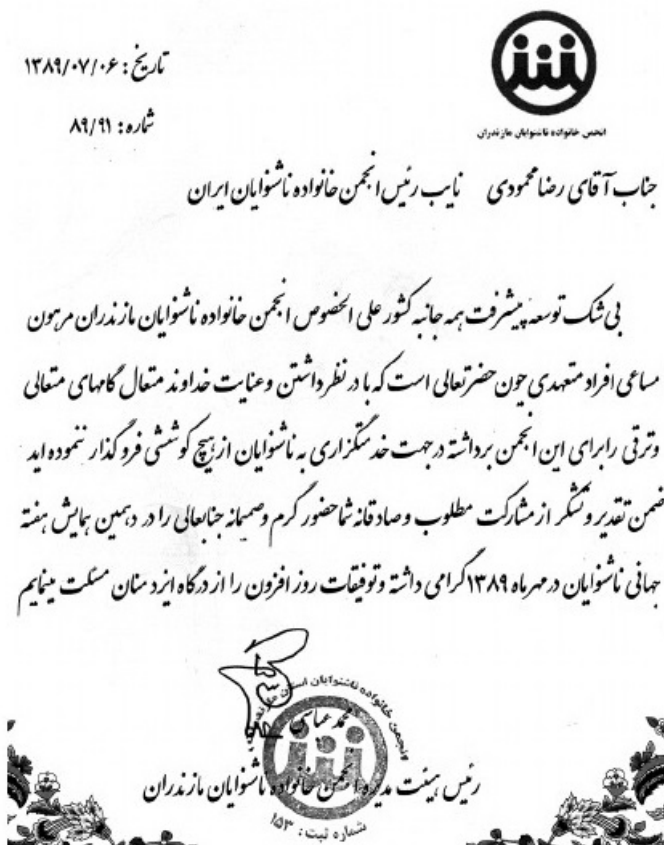
تصویر این نامه اینگونه است:

خانم لیلا اعتماد رئیس هیئت مدیره انجمن در تهران از رضا محمودی به عنوان نایب رئیس در سال ۱۳۹۰ تشکر کرده و متن آن اینگونه است:

نایب رئیس محترم هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران

اهتمام و تلاش های بی شائبه آن جنابعالی در راستای خدمت رسانی به ناشنوایان و خانواده هایشان و اعتلای نام و یاد این عزیزان با همراهی مجموعه «انجمن خانواده ناشنوایان ایران» مبین انگیزه مقدس شما در خدمت به این عزیزان و کمک به پرواز آنان با بال های شکسته شان بوده و شایسته همه گونه تقدیر و تشکر می باشد.

بدین وسیله با اهداء این لوح ناقابل از تلاش های مجدانه آن بزرگوار صمیمانه تشکر و قدردانی می شود، ان شاءالله در کلیه شئون زندگی و خدمت به ناشنوایان عزیز موفق و مؤید باشید.



تصویر این لوح محبت آمیز اینگونه است:

اینها نمونه هایی از صدها نامه و پیام و لوح تشکر و محبت از سراسر کشور به رضا محمودی است. خود این لوح های تشکر و نامه های پر از احساسات ناشنویان ایران یک جلد کتاب خواهد شد. اما اینها نشانگر این است که تلاش برای مردم هر چند ناشنوا یا نابینا باشند بدون پاسخ نمی ماند و در زمان مناسب جواب آن را خواهند داد.

آدرس

دفتر مرکزی این انجمن چند بار جا عوض کرد ولی چند سال است در محلی با آدرس زیر استقرار دارد:

تهران، خیابان آزادی، بین تقاطع نواب و اسکندری، جنب ساختمان بانک تجارت، کوچه افروخته، پلاک ۲، طبقه سوم.

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۴/۱۹
شماره: ۹۰/۰۱۷۵



لوح سپاس

لم یبکر الخلق ولم یبکر الخلق، وان کی که از مخلوق مگر می کند از خدا مگر کرده است.



سرور گرامی جناب آقای رضا محمودی

نائب رئیس محترم هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنویان ایران

باسلام و تحیت

اهتمام و تلاش بی نظیر آن جناب عالی در راستای خدمت رسانی به ناشنویان و خانواده ایشان و اعتدالی نام و یاد این عزیزان با همراهی محمود و انجمن خانواده ناشنویان ایران، همین انگیزه مقدس شما در خدمت به این عزیزان و کمک پرور از آنان با الهامی گشتن بوده و شایسته برگزیده تقدیر و تشکر می باشد. بدینوسیله با اهداء این لوح ناقابل از تلاشهای مجدانه آن بزرگوار سپاس شکر و قدردانی می شود، انشاء... در کلیه شئون زندگی و خدمت به ناشنویان عزیز موفق و امید باشید.

لیلا احمدی
رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنویان ایران



تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۱۹۰۷۷ - فاکس: ۰۲۱-۶۶۵۷۳۱۴۱

وب سایت: www.isdpf.ir

ایمیل: info@isdpf.ir

قابل توجه اینکه اسم دفتر مرکزی یک نام مصوب نیست. بلکه یک واقعیت است که مسئولین انجمن های شهرها آن را پذیرفته اند.

رضا محمودی در زمره معدود افرادی است که در ایران در همه عرصه های زبان اشاره کار کرده و تجارب سودمندی کسب کرده و سابقه دیرینه دارد.

سید رضاقلی شهیدی، محسن لوح موسوی، ایران بهادری، مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی زاده و رضا محمودی، شش نخبه زبان اشاره هستند که در این عرصه گوی سبقت را از دیگران ربوده اند. در واقع اینان اولین کسانی هستند که تلاش نمودند، زبان اشاره ضابطه مند و به صورت یک دانش عرضه گردد.

رضا در تدریس و آموزش زبان اشاره به ناشنوایان، مربیان، کارمندان، خانواده ها کوشا بوده و کارنامه وزینی از خود بر جای نهاده است. اکنون به مطالعه کارنامه او می پردازیم و پنج نوع فعالیت او در حوزه زبان اشاره را معرفی می کنیم. فعالیت های رضا در حوزه زبان اشاره شامل انواع فعالیت های زیر است:

- آموزش

- پژوهش مثل جمع آوری اشارات علمی

- تألیف کتاب

- خبر و اطلاع رسانی

- رابطه و ترجمه

در ایران کسی را نمی یابیم که مثل رضا در همه حوزه های زبان اشاره کوشا باشد و نیز سابقه و قدمت قابل توجه داشته باشد. فقط او در عرصه تصویرگری زبان اشاره یا بُعد هنری این زبان فعالیت نداشته است. ولی در همه گرایش ها و حوزه های دیگر فعال بوده است. تلاش می کنم فعالیت های او در عرصه زبان اشاره را توضیح دهم.

تدریس زبان اشاره

اشاره

رضا محمودی از ۱۳۵۷ به تدریس در آموزشگاه باغچه بان پرداخت. چون در همین آموزشگاه تحصیل کرده بود، مدیریت به ویژه ثمینه و پروانه باغچه بان به خوبی او را می شناختند و چون به کارش باور داشتند، مراحل گزینش را به سرعت طی کرد و مشغول تدریس شد. اما مدرک و سندی در این باره نداریم و ممکن است بعداً سند گزینش ایشان در سال ۱۳۵۷ برای تدریس زبان اشاره پیدا شود. اما خود ایشان در چند مصاحبه به گزینش ایشان در سال ۱۳۵۷ به عنوان معلم و مربی در مدرسه

باغچه بان اشاره کرده است.

تعلیم در آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد

سندی درباره گزینش او برای تدریس زبان اشاره در آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد در دست است که مربوط به ۲۸ تیرماه ۵۹ است. این سند توسط سرپرست سازمان رفاه ناشنوایان، احمد فتوحی صادر شده و قدیمی ترین سند مکتوب و کاغذی است که گویای تدریس زبان اشاره توسط رضا محمودی است. البته اسناد شفاهی هست که نشانگر گزینش رضا در سال ۵۷ برای معلمی است.

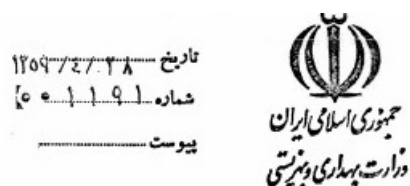
ص: ۸۱

در این زمان هنوز سازمان بهزیستی شکل نگرفته بود و «وزارت بهداری و بهزیستی» در سربرگ ها دیده می شود. انقلاب پیروز شده بود و مدیران ارشد پیشین عوض شده و مدیران جدید جای آنها را گرفته بودند. از این رو احمد فتوحی جای ثمینه باغچه بان را در ریاست سازمان رفاه ناشنوایان گرفته بود. در این سند چنین آمده است:

آقای رضا محمودی؛ به موجب این ابلاغ همه هفته روزهای شنبه از ساعت ۸ الی ۱۱ صبح و روزهای چهارشنبه از ساعت ۱۰ الی ۱۴ بعدازظهر در آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد به تعلیم زبان اشاره به کارمندان و مربیان و مددجویان آن مرکز پردازید. سرپرست سازمان رفاه ناشنوایان، احمد فتوحی.

اگر این سند را مبنا برای آغاز تدریس زبان اشاره او بدانیم، رضا ۳۸ سال سابقه تدریس و فعالیت در زمینه زبان اشاره دارد. در این سند، او مأموریت پیدا می کند در آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد به سه گروه، زبان اشاره تعلیم دهد: مددجویان، کارمندان و مربیان.

اما آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد که گاه به نام مرکز آموزش حرفه ای یوسف آباد نامیده می شود، وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان بود و در سال ۱۳۵۲ تأسیس شده و در تهران، یوسف آباد، خیابان مدبر قرار داشت.



آقای رضا محمودی

بموجب این ابلاغ همه هفته روزهای شنبه از ساعت

۸ الی ۱۱ صبح و روزهای چهارشنبه از ساعت ۱۰ الی ۱۴ بعد

ازظهر در آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد به تعلیم زبان اشاره

به کارمندان و مربیان و مددجویان آن مرکز پردازید

سرپرست سازمان رفاه ناشنوایان

احمد فتوحی

در این مرکز دختران و پسران ناشنوای کم سواد یا بی سواد که سن آنها بین ۱۳ تا ۳۰ سال بود، پذیرش شدند. هدف افزایش سواد و مهارت حرفه ای آنان بود تا پس از یک دوره آموزشی در یک رشته صنعتی مثل جوشکاری یا اجتماعی مثل خیاطی و پیراهن دوزی یا هنری مثل گلدوزی و نقاشی یا فرهنگی مثل سوادآموزی مهارت داشته و آماده اشتغال و خدمت باشند.

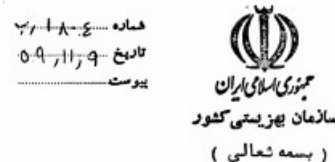
پس از ثبت نام توسط گروه ارزشیابی و راهنمای حرفه ای و چند کارشناس استعداد سنج دیگر، توانایی و استعداد های او بررسی شد، سپس او می توانست در رشته مورد علاقه تحصیل و مهارت آموزی داشته باشد. پس از اتمام دوره، گروه کاریاب موظف بود برای او شغل مناسب را پیدا کند. (۱)

رضا موظف شد در این آموزشگاه به معلمان (مربیان)، کارمندان و ناشنوایان (مددجویان) زبان اشاره یاد بدهد.

آموزش در اندرزگاه مادر

مدیرکل دفتر توانبخشی و آموزش در سازمان بهزیستی به نام مسعود کنزی در ۹ بهمن ماه ۱۳۵۹ از رضا می خواهد با این دفتر همکاری کند و در اندرزگاه مادر زبان اشاره تدریس نماید. او در نامه اش چنین نوشته است:

آقای رضا محمودی، بدین وسیله موافقت این دفتر را در مورد ضرورت ادامه همکاری در زمینه تدریس زبان اشاره در اندرزگاه مادر در روزهای سه شنبه هر هفته از ساعت ۱۱ لغایت ۱۴:۳۰ اعلام می دارد.



آقای رضا محمودی

بدینوسیله موافقت این دفتر را در مورد ضرورت ادامه همکاری در زمینه تدریس زبان اشاره در اندرزگاه مادر در روزهای سه شنبه هر هفته از ساعت ۱۱ لغایت ۱۴:۳۰ اعلام میدارد.

مسعود کنزی
مدیرکل دفتر توانبخشی و آموزش

از طرف مسعود کنزی، مدیرکل دفتر توانبخشی و آموزش

اندرزگاه مادر وابسته به کلینیک شنوایی و گفتار سازمان رفاه ناشنوایان بود. این اندرزگاه موظف بود مادران کودک ناشنوا را آماده کند تا به فرزندش لب خوانی، زبان اشاره، چگونگی تعامل و ارتباط با مردم را یاد بدهد. اما مادر باید خودش ابتدا این مهارت ها را فرا بگیرد. از این رو مادران توسط امدادگران اجتماعی آموزش داده می شدند. (۲)

ص: ۸۳

۱- بهره ناشنوایان، ص ۱۳۵-۱۳۸.

۲- بهره ناشنوایان، ص ۱۲۵-۱۲۸.

سند دیگری هست که رضا موظف شده به مربیان اندرزگاه، زبان اشاره را آموزش دهد. جلیل افسری مدیرکل دفتر آموزش و پرورش سازمان بهزیستی در ۱۰ آذرماه ۱۳۶۰ به او چنین مأموریت داده است:

برادر رضا محمودی، به موجب این ابلاغ، تعداد ۲۵ ساعت درس زبان اشاره در دوره تربیت مربیان اندرزگاهی ناشنوایان طبق برنامه تعیین شده به شما محول می شود.

شایسته است طبق برنامه تنظیمی، همکاری های لازم را معمول فرمایید. جلیل افسری، مدیرکل دفتر آموزش و پژوهش سازمان بهزیستی کشور.

آموزش شنوا سنج ها

رضا علاوه بر دانش آموزان، به کادرهای اداری و متخصصان هم زبان اشاره آموزش داده است. در سندی به ادیومتری یا شنوا سنج ها، زبان اشاره آموخته است. این سند مربوط به ۱۰ آذرماه ۱۳۶۰ است و توسط جلیل افسری، همان مدیرکل صادر شده است.

برادر محمودی

۸۴۴/۲۷۴۳
۶۰/۹/۱۰

«بسمه تعالی»

خودم...
برادر

بموجب این ابلاغ، تعداد ۲۵ ساعت درس زبان اشاره... در دوره تربیت مربیان اندرزگاهی ناشنوایان، برنا مه تعیین شده به شما محول میشود.
تا بسمه است، طبق برنا مه تنظیمی، همکاری لازم را معمول فرمایید.

جلیل افسری
مدیرکل دفتر آموزش و پژوهش سازمان بهزیستی
کشور

به خواست خداوند متعال اینک که ترم اول دوره تربیت تکنسین تجربی ادیومتری پایان پذیرفته است ضمن تشکر از همکاری مداوم و منظم شما که تدریس درس زبان اشاره را به عهده داشته اید امید است در آینده نیز بتوانیم از خدمات صادقانه شما در راه آموزش انسان ها بهره مند شویم. علی موسی رضا؛ معاون آموزش و پژوهش و هماهنگی مناطق.

آموزش زبان اشاره به ادیومتری توسط رضا محمودی در سال ۱۳۶۱ هم ادامه داشته و همان معاونت از رضا به عنوان کمک کارشناسی مرکز مطالعات و برنامه ریزی ناشنوایان نام برد و از تلاش های او در آموزش ادیومتری ها تشکر و تقدیر نموده است.

شماره: ۸۸۶۸۵۹۶
تاریخ: ۶۱/۳/۸۸

بسمه تعالی
برادر محمودی
بخواست خداوند متعال اینکه که اول دوره
. تربیت تکمیل تجربی ادیومتری پایان پذیرفته است ضمن
تشکر از همکاری و اوپون تنظیم شما که تدریس درس زبان اشاره
عهده داشته اید امید است در آینده نیز بتوانیم از خدمات صادقانه شما
در راه آموزش انسانها بهره مند شویم .
از خداوند متعال برای شما سلامت و موفقیت آرزوی نمایم .

علی موسی رضا
معاون آموزش و پژوهش و هماهنگی مناطق

برادر آقای رضا محمودی، کمک کارشناس مرکز مطالعات و برنامه ریزی ناشنوایان

ضمن تشکر از قبول دعوت این معاونت تدریس درس زبان اشاره در طول دوره دوم کلاس های تربیت مربی ادیومتری به مدت ۷۲ ساعت به عهده جنابعالی محول می گردد.

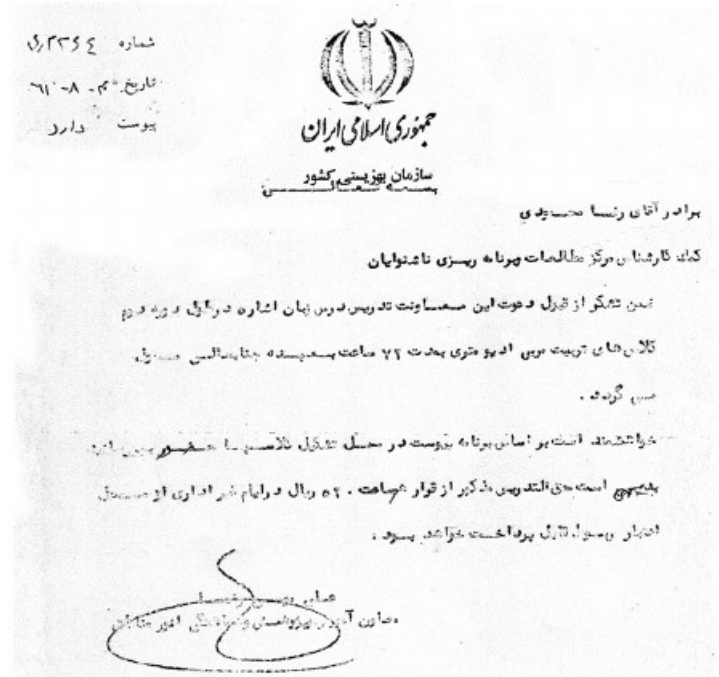
خواهشمند است بر اساس برنامه پیوست در محل تشکیل کلاس ها حضور به هم رسانید بدیهی است حق التدریس مذکور از قرار ساعت ۵۲۰ ریال در ایام غیر اداری از محل اعتبار مربوط قابل پرداخت خواهد بود. علی موسی رضا، معاون آموزش و پژوهش و هماهنگی امور مناطق.

ص: ۸۵

گسترش آموزش زبان اشاره

فعالیت آموزشی رضا محدود به تهران نبود و در شهرهای مختلف می رفت و به قشرهای مختلف زبان اشاره یاد می داد. به عنوان نمونه یک سند در دست است که مربوط به خرداد ۸۴ است و رئیس بهزیستی همدان از تلاش های آموزشی رضا در همدان تشکر کرده است.

جناب آقای رضا محمودی



با احترام بدین وسیله از دقت، نظم، مساعی و زحمات بی دریغ جنابعالی بابت آموزش زبان اشاره ناسنویان به کارشناسان ادارات مختلف استان، تشکر و قدردانی می گردد. دکتر حمید گل محمدی.

فعالیت رضا در حوزه زبان اشاره محدود به آموزش نمی شد و در سه زمینه دیگر هم کار کرده است: پژوهش، تألیف و اخبار گویی.

اصغر حمیدی معاون طرح و برنامه در سازمان بهزیستی کشور در شهریورماه ۶۴ از زحمات رضا در زمینه تدوین کتاب آشنایی با اشارات ناشنوایان تشکر کرده و این کتاب را عامل توانبخشی ناشنوایان توصیف می کند.

جناب آقای رضا محمودی

با احترام - بدینوسیله از دقت، نظم، مساعی و زحمات بیدریغ جنابعالی بابت آموزش زبان اشاره ناشنوایان به کارشناسان ادارات مختلف استان، تشکر و قدردانی میگردد.
امید است که در راه خدمت به جامعه معلولین در سنگر مقدس تعلیم و تربیت موفق و موید باشید.

دکتر حمید گلمحمدی

مدیر کل سازمان بهزیستی استان همدان

۲۲,۸۴۰,۸
۸۴,۳۰۲

برادر رضا محمودی، سلام علیکم بدین وسیله از زحمات شما در تدوین کتاب آشنایی با اشارات ناشنوایان که زمینه و پایه ای جهت توانبخشی هر چه بهتر ناشنوایان می باشد قدردانی می گردد و پیوست یک نسخه از کتاب فوق را تقدیم می دارد. اصغر حمیدی، معاون طرح و برنامه.

سند دیگری گویای این است که او در شهرهای مختلف و حتی روستاها در جستجوی اشارات بوده و با جمع آوری اشارات ناشنویان محلی، گنجینه اشارات ایرانی را تکمیل کند.

۸۸ جشن نامه فرهیخته ناشنوارضا محمودی

اشکال: ۸۸/۵۸۱/۹
تاریخ: ۱۳۵۷/۳/۴
پوست: دار

جمهوری اسلامی ایران
سازمان بزرگساز کشور
* بسمه تعالی *

خلعبر رضا محمودی
سرادر

بدینوسیله از زحمات شما در تدوین کتاب آشنائی با اشارات ناشنویان که زمینه و پایه‌های جهت توانبخشی هرچه بهتر ناشنویان می‌باشد قدردانی می‌گردد و بی‌شک یک نسخه از کتاب فوق را تقدیم می‌دارد.

اصغر حمیدی

معاون طرح و برنامه

سند دیگری گویای این است که او در شهرهای مختلف و حتی روستاها در جستجوی اشارات بوده و با جمع آوری اشارات ناشنویان محلی، گنجینه اشارات ایرانی را تکمیل کند.

۲۰- فوق العاده روزانه و سایر هزینه ها از محل : ۳۰۳۱۶ تأمین گردیده و پس از تایید قابل پرداخت است	۲- فصل : ۱۳۱۵۵ بهره‌بردار: علی
۲۱- نام و نام خانوادگی مسئول امور مالی : حسن گلشنی عنوان پست سازمانی : ذیحساب و مدیر کل امور مالی	۲۲- شماره و تاریخ : ۸۴۳۴ امضاء:
۲۳- نام و نام خانوادگی مسئول امور اداری : قاسم خسروی عنوان پست سازمانی : مدیر کل نیروی انسانی	۲۴- شماره و تاریخ صدور حکم : ۱۳۵۷/۳/۴ امضاء:
۲۵- گزارش مختصر مأموریت : - آموزش زبان اشاره به گروه (صبح و عصر) در صورت داشتن اجازت - بازدید از مراکز خدمت‌رسان ناشنویان که هنوز ناشنویان را در مراکز دولتی ناشنواراالین جهت جمع آوری اشارات ناشنویان محلی	

این سند گویای این است که رضا مأموریت داشته در لاله جین همدان اشارات محلی ناشنویان را شناسایی و جمع آوری کند.

ثمینه باغچه بان در سال ۱۳۵۷ به او توصیه می‌کند که در گروه تحقیقاتی زبان اشاره که در آموزشگاه باغچه بان مستقر بوده ملحق شود و از آن زمان در این زمینه حضور و مشارکت جدی داشت.

این سند گویای این است که رضا مأموریت داشته در لاله جین همدان اشارات محلی ناشنویان را شناسایی و جمع آوری کند.

ثمینه باغچه بان در سال ۱۳۵۷ به او توصیه می‌کند که در گروه تحقیقاتی زبان اشاره که در آموزشگاه باغچه بان مستقر بوده ملحق شود و از آن زمان در این زمینه حضور و مشارکت جدی داشت.

بعداً با تأسیس سازمان بهزیستی و راه اندازی گروه پژوهش و توسعه زبان اشاره در این سازمان، رضا محمودی، محسن لوح موسوی، سید رضاقلی شهیدی، ایران بهادری، حبیب تهرانی زاده و مرتضی پیروزی به این گروه پیوستند و هنوز فعالیت دارند. در واقع هویت زبان اشاره و سرنوشت آن به این گروه گره خورده است.

رابط و مترجم

اشاره

فرد عادی و فاقد معلولیت مشغول سخن گفتن برای مخاطبانی است که ناشنوا هستند. چون مخاطبان سخنان آن فرد را نمی شنوند، به ناچار واسطه ای که شنوایی داشته باشد و نیز به زبان اشاره مسلط باشد و بتواند گفته های سخنران را تبدیل به اشارات کند و برای مخاطبان بیان نماید. این فرد واسطه را رابط یا مفسر یا مترجم می نامند. در مورد دیگر فردی ناشنوا مطالبی را می خواهد برای افراد عادی بیان کند و به آنها بفهماند. یعنی گوینده ناشنوا و مخاطبان شنوا هستند. سخنان و مطالب گوینده با زبان اشاره یا حرکت لب ها و دهان تفهیم می شود. در این مورد واسطه ای نیاز است که لب خوانی کند و اشارات را بفهمد و همه اینها را تبدیل به صوت و صدا کند و با صدا و کلمات قابل شنیدن مطالب و مقاصد گوینده را به مخاطبان تفهیم نماید. این فرد را رابط یا مفسر یا مترجم می نامند. اما آیا رابط یا مترجم و این دو با مفسر تفاوت دارد و تفاوت ها و تمایزهای آنها چیست، آراء متعدد هست. (۱)

رضا از چه زمانی به رابط بودن روی آورد و چه خدماتی در این زمینه داشته است؟

پاسخ این پرسش مشکل است چون تاریخ تحولات رابط روشن نیست. البته در دهه پنجاه و شصت سازمان رفاه ناشنوایان در ایران گروه رابط و تربیت رابط راه اندازی کرد و تلاش کرد رابط را به عنوان یک ضرورت مطرح کند.

در کنوانسیون حقوق معلولین بر رابط تأکید شده، همچنین در قانون جامع معلولان مصوب ۸۳ و نیز مصوب ۹۶ آمده است.

تربیت رابط

در ایران اسناد و مدارک خاص درباره تاریخ شروع و تحولات تاریخی رابط نیست؛ اما آنچه مسلم است نوشته: آقایان رضاقلی شهیدی، کامران رحیمی، مرتضی پیروزی از کارمندان سازمان ملی رفاه ناشنوایان اولین کسانی بودند که به عنوان رابط معرفی شدند.

البته با توجه به شرایط توانایی دانشگاهی ایران و وضعیت نیروهای متخصص ویژه ناشنوایی و زبانشناسی استخدام شده در سازمان ملی رفاه ناشنوایان و همچنین وضعیت ناشنوایان ایرانی در آن روزگار، می توان با اطمینان گفت که قبل از انقلاب، هیچ دوره تربیت "رابط ناشنوا" در ایران برپا نشد. اما آقای رضاقلی شهیدی، هادی معیری، کامران رحیمی، مرتضی پیروزی و سایرین فقط با تکیه بر تجربیات خودشان به خدمات رابطی می پرداختند که شاید از لحاظ ضوابط قانونی زیاد پسندیده

۱- . دانشنامه ناشنویان، ص ۶۳۵-۶۳۶.

نباشد. چون احتمال خطای انسانی در همه آدمیان وجود دارد و به زیان یک مشتری ناشنوا تمام می شد که گاهی غیرقابل جبران است.

اما بعد از انقلاب، اولین دوره تربیت "رابط ناشنوا" توسط کانون ناشنوایان خراسان به تاریخ ۱۳۷۵ش در محل دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی مشهد برگزار شد. در این دوره آقایان محسن لوح موسوی، حبیب تهرانی زاده و رضا محمودی مسئولیت آموزش به اشخاص ناشنوا از جمله آقایان روزبه قهرمان و محمد سعیدی را به عهده داشتند.

دانشجویان اولین دوره فوق دیپلم آموزش ناشنوایان در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی مشهد در سال ۱۳۷۶ش این گونه اند:

سید رضا علوی (سبزوار)

علیرضا نجف پور (تهران)

سید هادی پورشمسیان (کرج)

کلارا بلیغی (کرج)

رابطان شنوا در این دوره عبارت اند از:

خدیدجه عزیزی (کرمانشاه)

سعیده سلطانی (اهواز)

در برنامه جدید دانشجویان خواهان رابط شدن، به صورت دو ترم تحصیلی متوالی (یک سال تحصیلی) سر کلاس زبان اشاره حضور می یافتند. استاد آقای روزبه قهرمان تدریس را بر عهده داشت. در آن کلاس، دانشجویان با ضوابط قانونی مربوط به "رابط ناشنوا" آشنا می شدند.

نیز کمیته توسعه و پژوهش زبان اشاره فارسی مستقر در کانون ناشنوایان ایران، آیین نامه شامل ضوابط قانونی ویژه "رابط ناشنوا" را تهیه کرد و علاوه بر برگزاری دوره های تربیت رابطان زبان اشاره فارسی، دوره های تربیت خاص "رابط ناشنوا" را هم برپا کرد. هدف برآورده ساختن نیازهای روز افزون جامعه ناشنوایان ایران بود چون جامعه از عارضه کمبود شدید رابطان رنج می برد. (۱)

ص: ۹۰

رضا محمودی شخصیتی است که نسبت به نسل جوان و فرهنگ مردم احساس مسئولیت و تعهد می کند. از این رو همواره در تلاش و فعالیت برای پیشبرد اهداف فرهنگی است. هم به فرهنگ ملی و ایرانی می اندیشد و هم فرهنگ مذهبی را مهم می داند و رشد و پیشرفت ناشنویان بدون این فرهنگ ها را ممکن نمی داند. به همین دلیل فعالانه در برپایی مسابقه قرآنی ناشنویان، برگزاری نشست ناشنویان در نمایشگاه قرآن و در برپایی جشنواره مهدویت کوشید.

بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم (مصلی تهران)
غرفه دفتر فرهنگ معلولین

قرآن کده توانمندان

گواهی مشارکت و فعالیت

فرهیخته گرامی رضا محمودی

با مشارکت در فعالیت های قرآن کده توانمندان در بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم (مصلی تهران، خرداد ۱۳۹۷ / رمضان ۱۴۳۹) موجب رشد و تعالی جامعه هدف شدید. بدین وسیله از تلاش های شما برای کسب معارف قرآنی و بهره گیری از معنویت قرآن تقدیر و تشکر می گردد.

دفتر فرهنگ معلولین

و جمعی از تشکل ها و انجمن های ویژه معلولیت

نور



انتشارات توانمندان
Noshan Publications



دفتر فرهنگ معلولین

www.iraniculturalcenter.com www.iranicalculturalcenter.com

او از فرصت های ملی و تاریخی استفاده کرده تا بتواند فرهنگ ناشنوایان را ارتقا و رشد بدهد. در مراسم روز جهانی معلولین یعنی ۱۲ آذر فعالانه کوشیده و مسئولین از خدماتش در این روز تشکر کرده اند:

۹۲ جشن نامه فرهیخته ناشنوا، رضا محمودی

نخستین جشنواره کشوری مهدی شناسی یا هدف آشنایی با مهدویت ناشنوایان سراسر کشور

شهر مقدس قم از ۱۹ الی ۲۲ اردیبهشت ۹۶

جناب آقای رضا محمودی

داور محترم جشنواره

سلام علیکم:

با تبریک ولادت حضرت قائم (عج) با تشریف فرمایی به بارگاه مقدس حضرت معصومه (س) و به پاس تلاش های شما در این جشنواره تقدیر و تشکر خود را اعلام می داریم .

این زحمات و همکاری شما را از درگاه خداوند متعال و نائب برحقش حضرت صاحب الزمان (عج) برای جنابعالی آرزوی توفیق و تندرستی مسئلت می نماید .

رئیس هیئت مذهبی

دبیر جشنواره

یا صاحب الزمان (عج) ناشنوایان قم

داوود خسروی نیا

بیزاد رحمانی دوست

او از فرصت های ملی و تاریخی استفاده کرده تا بتواند فرهنگ ناشنوایان را ارتقا و رشد بدهد. در مراسم روز جهانی معلولین یعنی ۱۲ آذر فعالانه کوشیده و مسئولین از خدماتش در این روز تشکر کرده اند:

بسمه تعالی

۸۸۰/۶۷۲۷

۸۰/۹/۱۲

جناب آقای محمودی

سلام علیکم

احتراماً سوم دسامبر مصادف با ۱۲ آذرماه به نام روز جهانی معلولین نام گذاری شده است روز جهانی افرادی که علیرغم محدودیت عضوی توانایی انجام کارهای بزرگ را دارند و می توانند مشارکت فعال در امور مختلف داشته باشند. فرا رسیدن این روز را به جنابعالی تبریک عرض می نمایم . ۹/۱۲

دکتر سید کاظم طباطبائی

معاون طرح و برنامه و رئیس ستاد

برنامه ریزی رفاه اجتماعی

هر سال در برگزاری مراسم به مناسبت هفته جهانی ناشنوایان و اقداماتی که برای رشد جامعه هدف سودمند باشد، کوشا بوده است از این رو مدیرکل از او تشکر کرده است:

جناب آقای رحیمی پور
مدیر کل محترم دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش

سلام علیکم:

احتراماً، با توجه به برگزاری هفته جهانی ناشنوایان (۲-۸ مهرماه) و توانمندی آقای رضا محمودی کمک کارشناس آن مدیریت محترم در خصوص همکاری نامبرده با ایندفتر برای برگزاری مراسم هفته جهانی ناشنوایان خواهشمند است دستور فرمایند بصورت مأمور از مورخ ۸۱/۶/۲۳ الی ۸۱/۷/۸ اقدام لازم معمول گردد.

شماره ۸۴۴/۴۴۸
تاریخ ۸۱/۶/۲۳
پوست

دکتر محمود توکلی
مدیر کل دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی
توکلی

جناب آقای کاشانی
اداره کل نیروی انسانی و خدمات پشتیبانی

سلام علیکم:

احتراماً، پیرو نامه شماره ۸۴۰/۴۱۷۲ مورخ ۸۱/۶/۱۹ در راستای برگزاری هفته جهانی ناشنوایان (۲-۸ مهرماه) که تأمین اعتبار گردیده است. خواهشمند است دستور فرمائید هدیه جهت ۴۵ نفر تا سقف حداکثر ۴/۵۰۰/۰۰۰ ریال از محل ماده ۱۷ برنامه ۳۰۴۰۵۰۰۰ تهیه گردد.
ضمناً آقای رضا محمودی نماینده این دفتر برای هماهنگی معرفی می گردد.

شماره ۸۴۴/۴۴۸
تاریخ ۸۱/۶/۲۳
پوست

دکتر محمود توکلی
مدیر کل دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی
توکلی

کیوان دواتگران از مدیران ارشد سازمان بهزیستی در همین راستا از او تشکر کرده است:



تحکیم زیرساخت ها: ناشنوایان با زبان اشاره، می توانند سواد دار شده و مهارت آموزی داشته باشند و روابط اجتماعی خود را گسترش دهند. از این رو زبان اشاره نقش اساسی و زیرساختی دارد. از این رو محمودی و هم فکرانش به فکر ایجاد نهادی جهت گسترش هم اندیشی افتادند و بالاخره کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره فارسی را تأسیس کردند.



به همین دلیل بوده که معاونت توانبخشی به رابطه توانمندی ناشنوایان با این کمیته اشاره کرده و از خدمات محمودی در این کمیته تشکر نموده است.

آقای رضا محمودی از سال ۱۳۵۷ با مدرسه باغچه بان همکاری دارشته و به تدریس زبان اشاره برای ناشنواین مشغول بوده است. در ۲۸ تیرماه ۱۳۵۹ احمد فتوحی سرپرست سازمان رفاه ناشنوایان در حکمی او را به تعلیم زبان اشاره به کارمندان و مربیان و مددجویان منصوب می کند. یعنی از چند دهه قبل ضرورت تعمیم و گسترش زبان اشاره به همه لایه های جامعه احساس می شده است.

زبان اشاره ویژه ناشنوایان نیست و مردم کوچه و بازار با آموختن آن، بسیاری از مشکلات ارتباطی خودشان را تسهیل می نمایند.

بنابراین همه اقشار و طبقات جامعه نیاز به زبان اشاره دارند و آقا محمودی چند دهه است کارش آموزش اقشار مختلف است. سند زیر گویای آموزش زبان اشاره به ناشنوایان است:

اما سندهای زیر گویای آموزش زبان اشاره به کارمندان است:

جناب آقای خسروی

مدیر کل محترم نیروی انسانی

سلام علیکم

احتراماً به پیوست نامه شماره ۸۵/۰۲۰۱ مورخ ۸۵/۳/۲۸ انجمن خانواده ناشنوایان ایران در خصوص ماموریت آقای رضا محمودی هفته ای یک روز تا مدت سه ماه جهت تدریس در کلاس آموزش زبان اشاره ارسال و بدینوسیله موافقت این دفتر اعلام میگردد. خواهشمند است با نظر مساعد اقدام لازم مبذول فرمایند. Z/4/12

رضا اصفهانی زاده

سرپرست دفتر بودجه، تحقیقات و آموزش

شماره ۸۵/۳/۲۸

تاریخ ۸۵/۳/۲۸

پیوست

و سند دیگر در زیر نشانگر آموزش به نیروی انتظامی است:

فصل دوم: فعالیت‌ها و خدمات از منظر اسناد ۹۷

جناب آقای محمودی

کمک کارشناس محترم امور آموزش

سلام علیکم

احتراماً، لازم میدانم از همکاری صادقانه و بسی شائبه ای که در امر آموزش با هدف ارتقاء هرچه بیشتر دانش کارکنان سازمان مبذول داشته‌اید صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم. از خداوند سبحان تندرستی و توفیقات بیشتر را برای شما آرزومندم.

شماره ۸۸۵۷/۴۳۴۹
تاریخ ۸۳/۷/۱
پیوست

جعفر رحیمی پور
مدیر کل دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش

آقای رضا محمودی - کمک کارشناس آموزش دفتر بودجه تشکیلات و آموزش

سلام علیکم

با توجه به نامه شماره ۸۴۴/۹۷۷۱ مورخ ۸۰/۱۱/۹ دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی و موافقت مدیرکل محترم دفتر بودجه تشکیلات و آموزش طی نامه شماره ۸۸۵/۷۴۵۳ مورخ ۸۰/۱۰/۲۳ به موجب این ابلاغ در روزهای چهارشنبه هر هفته تا پایان سال ۸۱ در دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی مامور به خدمت می گردید تا برابر مقررات و زیر نظر سرپرست مربوطه انجام وظیفه نمایند.

شماره ۸۶۸/۴۱۱۵
تاریخ ۸۰/۱۱/۱۷
پیوست

قاسم خسروی
مدیر کل نیروی انسانی

و سند دیگر در زیر نشانگر آموزش به نیروی انتظامی است:

آموزش زبان اشاره به معلمان و استادان دانشگاه بر اساس اسناد زیر اجرا شده است:

۹۸ جشن نامه فرهیخته ناشنوا، رضا محمودی

شماره نامه: ۱۷.۱۸.۱۱.۵۵٪ تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۱۹		بسمتعالی
دستورات:	<p>از: فرماندهی انتظامی تهران بزرگ - معاونت تربیت و آموزش به: سازمان آموزش و پرورش استثنائی کشور موضوع: گواهی تدریس جناب آقای رضا محمودی مدرس و محقق زبان اشاره</p> <p>سلام علیکم</p> <p>با احترام به آگاهی می رساند آقای رضا محمودی به عنوان مدرس و محقق زبان اشاره از مورخه ۱۳۹۷/۰۷/۲۳ الی ۱۳۹۷/۱۰/۰۳ در این فرماندهی به مدت ۳۶ ساعت زبان اشاره (سطح مقدماتی) را تدریس نموده اند. مراتب جهت بهره برداری به حضور ارسال می گردد.</p> <p>فرماندهی انتظامی تهران بزرگ سررتیب دوم پاسدار حسین رحیمی از طرف سرهنگ حمید ...</p>	
کد موضوع:	شماره برگ: / / صفحه	شماره برگ: / / صفحه تاریخ ثبت: / /

آموزش زبان اشاره به معلمان و استادان دانشگاه بر اساس اسناد زیر اجرا شده است:



شماره: ۹۷۰۰۰/۷۲۲۱

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۶/۰۴

شماره: ۶۰۲۲۵/۲۲۸
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۱/۲۷
مکان: تهران
پست:

جمهوری اسلامی ایران



گواهی شرکت در کارگاه آموزشی

گواهی می‌شود، آقای / خانم مهنا محمودی در کارگاه آموزشی "آشنایی با زبان اشاره ناشنوایان" که در تاریخ ۹۷/۱/۲۷ به مدت دو ساعت در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس برگزار گردیده، شرکت نموده است. *ا.ی.*

با آرزوی توفیق الهی
دکتر ارسلان کلغام
مدیر گروه زبان‌شناسی دانشکده علوم انسانی

برای تعمیم اجتماعی زبان اشاره از ابزارها و فناوری جدید استفاده شده و بسته های آموزشی چند رسانه ای توسط آقای محمودی تولید و به بازار آمده است:

نتیجه گیری

زبان اشاره نه تنها در رشد فرهنگ و رشد اجتماعی ناشنوایان مؤثر است و آقای محمودی از سال ۵۷ به آموزش این زبان در ناشنوایان مشغول بوده است. اما این زبان برای دیگر اقشار جامعه هم مهم و ضروری است و تقریباً همه گروه های جامعه به ویژه گروه های مرجع مثل استادان دانشگاه، بازاریان، روزنامه نگاران هم نیاز و ضرورت جدی است.



شماره: ۹۷۰۰۰/۹۸۹۸

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۲۹

از این رو لازم است در زمینه زبان اشاره، فرهنگ سازی جامع در جامعه جریان داشته باشد و کارشناسان دائم به بررسی جوانب آن اقدام نمایند و روش های تعمیم و گسترش آن را در جامعه بررسی کنند.

ص: ۱۰۰

اشاره

یکی از ابعاد فعالیت و خدمت رضا محمودی، تلاش های او در عرصه های اجتماعی ناشنوایان است. او از همه ظرفیت ها و استعدادها و توانایی هایش بهره می گرفته تا ناشنوایان در جامعه حضور پر رنگ تر و گسترده تر داشته باشند. برای نیل به این هدف، هر سال در برگزاری چندین نشست، همایش، نمایشگاه و جلسات هم اندیشی در تهران و دیگر شهرها مشارکت و حضور داشته است. اینجا بخشی از فعالیت هایش را در این زمینه گزارش می دهم.

استفاده از همه ظرفیت ها

رضا پس از بررسی ها و مشورت ها، وقتی به نتیجه رسید که کاری سودمند و مناسب است، از هم ظرفیت هایش برای تحقق آن استفاده می کند. با ارگان ها و نهادها ارتباط برقرار می کند. او در برگزاری همایش ها و نشست های هم اندیشی، در مسافرت به شهرهای مختلف جهت حضور در جلسات آنان، در برگزاری هفته و روز ناشنوایی فعالانه کوشیده است. او با بهزیستی و شهرداری و با تشکل های مردمی همکاری گسترده ای داشته است. سند زیر گویای همکاری او با شهرداری و انجمن خانواده ناشنوایان است.

تاریخ: ۱۳۸۹/۷/۲۲ شماره: ۸۹/۰۵۲۰

(برای) (نوع پاس)

انجمن خانواده ناشنوایان ایران

بنیاد جهانی ناشنوایان کرمانیاد (۸۶۲ شماره ۱۳۸۹)

شهری ۱۱

آموزش ناشنوایان Deaf Education

حضور ارجمند جناب آقای رضا محمودی
نائب رئیس محترم بنیاد جهانی خانواده ناشنوایان ایران
با اهداء سلام و عرض ادب:

گرامی وجودت، نگاه نغذت، کلام پر حرمت، نزهت های شاعرانه است، نواهایی عاشقانه است، دستهای نواز سحرآمیز است، ایمان راستینت، قدمهای استوارت و تلاشهای بی شکست است هر چه بسبب شدت که پروازهای شکست ناپذیر خود را با ایمان و باور کنیم و بیاموزیم که بر بزم با همین با همی شکست و پرواز کنیم تا انقضای دور دست و کرانه های آسمان بی کران را به طغیر خویش در پیاییم و در این باره و ایمان قلبی بریم که خواهش، توانستن است. آری تو با آموختنی که چگونه بر تنم و روی با پای خویش بایستیم و آموختنی چگونه بر زهن را چگونه پردازا کردن و اوج گرفتن را با همین با همی شکست. تو منم شوق و دوست داشتن را با یاد دادی، پس ما بستیم و می سازست با هم وجود تو را ای اوه اسادگی و مدارنه. ای کسب پس این هر خضات ثابیان تو به ساز روز جهانی ناشنوایان و یاد اهداء این لوح ناقابل از تلاشهای بی مثال شامزنگر و قدر دانی می کنیم. دوست دارم تا ابد، باقی نیابت.

مدی محمدی
معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری ۱۱

رئیس بنیاد جهانی خانواده ناشنوایان ایران

انجمن خانواده ناشنوایان ایران SOCIETY OF DEAF PEOPLE

کارنامه او در برگزاری نشست ها و همایش ها پر بار و زین است و فعالیت هایش در این زمینه خود کتاب مستقل و حجیمی است. اما به اختصار چند مورد از فعالیت هایش در این زمینه معرفی می گردد.

اهمیت جایگاه و نقش خانواده در جامعه ناشنوایی، در سال ۱۳۷۶ سمینار دو روزه ناشنوا در خانواده را برگزار کرد. زیرا در نگاه او خانواده رکن مهم جامعه ناشنوایان است و نخبگان باید به آن پردازند و آسیب های آن را برطرف سازند.

دبیر سمینار و مدیر سازمان فرهنگی شهرداری منطقه تهران و رضا صبور قائم مقام فرهنگی هنری شهرداری منطقه ۶ در تقدیر نامه ای خطاب به رضا محمودی از او به خاطر موفقیت اش در برگزاری این سمینار تشکر کرده اند. (۱)

نیز به منظور آشنا نمودن ناشنوایان، جامعه و مدیران با تأثیر توانبخشی در اصلاح امور ناشنوایان او در برگزاری کنفرانس علمی سیر تحولات و فن آوری توانبخشی مشارکت و حضور چشمگیر داشت.

سلام علیکم

احتراماً بدینوسیله گواهی می شود:

سرکار خانم / جناب آقای رضا محمودی

در همایش علمی "سیر تحولات و فن آوری توانبخشی" که در

تاریخ ۱۱ و ۱۲ آذرماه سالجاری بمدت ۲ روز در دانشگاه علوم

بهزیستی و توانبخشی برگزار گردید، مشارکت فعال داشته اند.

دکتر محمد تقی جعفری
رئیس دانشکده

دکتر علیرضا احمدیه
دبیر اجرایی همایش

سند زیر گویای مشارکت فعال او در این همایش است.

به منظور تبیین جایگاه معلولان در توسعه ملی، به ویژه نقش توانبخشی در توسعه، نشست با عنوان امور توانبخشی در برنامه ششم توسعه توسط بهزیستی و انجمن مددکاران اجتماعی ایران در آبان ۹۴ برگزار شد، رضا در این نشست شرکت و گواهی حضور او این گونه است:

ص: ۱۰۲

۱- . این سند در بخش انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق آمده است.

اینگونه نشست‌ها، همایش‌ها و سمینارها طی چند دهه اخیر فراوان بوده که رضا محمودی در آنها حضور داشته و تلاش کرده تجربه آموزی کند و علاوه بر ارتقای سطح دانش و تجربه فردی، به افزایش دانش و مهارت جامعه ناشنوایی هم بهره رساند.

هفته جهانی و روز جهانی ناشنوایان

رخدادهای ملی و جهانی مرتبط به ناشنوایان، زمینه خوبی برای فرهنگ سازی است. از این رو رضا محمودی هر سال در این رخدادها مشارکت و حضور می داشت. برای نمونه رضا در سال ۷۷ و ۷۸ هفته و روز جهانی را به خوبی برگزار کرد و تقدیرنامه هایی دریافت کرده است. رئیس انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق و مسئولین شهرداری تهران این اقدامات او را ستوده اند. (۱)

فصل دوم: فعالیت‌ها و خدمات از منظر اسناد ۱۰۳



شماره: ۹۴/۲۱۹/الف
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۸/۱۸

بسمه تعالی



بدینوسیله گواهی می شود:

جناب آقای / سرکار خانم:

در ششمین نشست گفتگوی اجتماعی که با موضوع "امور توانبخشی در برنامه ششم توسعه" در تاریخ ۹۴/۰۸/۱۸ در محل سازمان بهزیستی کشور برگزار شده، شرکت نموده اند.

سید حسن موسوی چنگ
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

دکتر حسین نعوی نژاد
مدیر امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور

www.socialwork.ir

اینگونه نشست‌ها، همایش‌ها و سمینارها طی چند دهه اخیر فراوان بوده که رضا محمودی در آنها حضور داشته و تلاش کرده تجربه آموزی کند و علاوه بر ارتقای سطح دانش و تجربه فردی، به افزایش دانش و مهارت جامعه ناشنوایی هم بهره رساند.

هفته جهانی و روز جهانی ناشنوایان

رخدادهای ملی و جهانی مرتبط به ناشنوایان، زمینه خوبی برای فرهنگ سازی است. از این رو رضا محمودی هر سال در این رخدادها مشارکت و حضور می داشت. برای نمونه رضا در سال ۷۷ و ۷۸ هفته و روز جهانی را به خوبی برگزار کرد و تقدیرنامه هایی دریافت کرده است. رئیس انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق و مسئولین شهرداری تهران این اقدامات او را ستوده اند.^۱
جعفر رحیمی پور مدیرکل دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش و محمود توکلی مدیرکل دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی در نامه های زیر از زحمات و تلاش های رضا محمودی تشکر کرده اند.

جعفر رحیمی پور مدیرکل دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش و محمود توکلی مدیرکل دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی در نامه های زیر از زحمات و تلاش های رضا محمودی تشکر کرده اند.

۱- این اسناد در انجمن فرهنگی ناشنویان شفق آمده است.



بسته

شماره شماره ۸۸۵۰۶۶۱۴
تاریخ تاریخ ۸۱/۶/۲۵
پوست

جناب آقای رضا محمودی
کمک کارشناس آموزش

باتوجه به درخواست شماره ۸۲۴/۲۲۱۰ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۰ مدیرکل
محترم دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی، بدینوسیله از تساریخ
۱۳۸۱/۶/۲۵ لغایت ۱۳۸۱/۷/۸ در ارتباط با برگزاری مراسم هفته جهانی
ناشنوایان در آن دفتر مامور به خدمت میشوید.
امیدوار است همواره در جهت خدمت به معلولین جامعه موفق و مؤید
باشید. 624

جعفر رحیمی پور
مدیرکل دفتر بودجه، پشتیبانی و آموزش

سلام علیکم:

احتراماً، به استحضار میرساند آقای رضا محمودی کارشناس محترم آن
دفتر از مورخ ۸۱/۶/۲۵ لغایت ۸۱/۷/۸ جهت برگزاری مراسم هفته جهانی
ناشنوایان با این دفتر همکاری مؤثری داشته‌اند که از عنایت و مساعدت جنابعالی
سپاسگزاریم.

دکتر محمود توکلی
مدیرکل دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی

سازمان بهزیستی به رضا مأموریت مختلف می داد و او در زمینه های گوناگون با سازمان بهزیستی همکاری داشت. نمونه هایی از همکاری های او را اینجا گزارش می دهیم. در سال ۷۹ به عنوان خدمات رفاهی توانبخشی به کار گمارده شد. سند زیر مربوط به ۹ مهرماه ۸۱ است و گویای فعالیت او در زمینه همکاری مؤثر او با خدمات رفاهی توانبخشی است.

فصل دوم: فعالیت ها و خدمات از منظر اسناد ۱۰۵

مأموریت های بهزیستی

سازمان بهزیستی به رضا مأموریت مختلف می داد و او در زمینه های گوناگون با سازمان بهزیستی همکاری داشت. نمونه هایی از همکاری های او را اینجا گزارش می دهیم. در سال ۷۹ به عنوان خدمات رفاهی توانبخشی به کار گمارده شد. سند زیر مربوط به ۹ مهرماه ۸۱ است و گویای فعالیت او در زمینه همکاری مؤثر او با خدمات رفاهی توانبخشی است.

شماره ۸۸۵۴۱۸۹
تاریخ ۷۹/۶/۲۶
پیوست

بسته



جناب آقای اعتمادی

مدیرکل محترم دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی

سلام علیکم

بازگشت به نامه شماره ۸۴۴/۵۵۴۰ مورخ ۷۹/۶/۲۱ باطالع

میرساند با همکاری آقای رضا محمودی از تاریخ ۷۹/۶/۲۶ لغایت

۷۹/۷/۶ در آن دفتر موافقت میگردد. ۶/۲۶

سپهرتضی فتحی
مدیرکل دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش

به منظور توسعه فرهنگ ارتباطی و زبان اشاره، بهزیستی حکمی درباره فراگیری زبان اشاره و تلاش های محمودی در این زمینه اعطا کرده است. این حکم توسط معاون دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی امضاء شده است. عبدالحسین عربان معاون دفتر امور خدمات می نویسد رضا محمودی دارای تجربه ارزشمند در زمینه زبان اشاره است. نامه زیر به تاریخ ۸ دی ماه ۱۳۸۰ صادر شده است.

۱۰۶ جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

جناب آقای فتحی
مدیر کل محترم دفتر برنامه، تشکیلات و آموزش

سلام علیکم:

احتراماً، با توجه به نیاز و درخواست سازمانهای مرتبط با آموزش ناشنوایان به فراگیری زبان اشاره، خواهشمند است دستور فرمائید آقای رضا محمودی که دارای تجربه ارزشمندی در زمینه فوق می‌باشند هفته‌ای یک روز از بهمن‌ماه سال جاری با ایندفتر همکاری نمائید. پیشاپیش از عنایت جنابعالی سپاسگزام.

عبدالحسین عربان
معاون دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی



او در سال ۱۳۸۲ به عنوان کمک کارشناس آموزشی با بهزیستی همکاری کرد و با آموزش نیروی انسانی و کارمندان، نقش مؤثری در ارتقای نیروی داشت.

شماره ۵۵۵۹۱۷۷
تاریخ ۸۲/۱۲/۱۰
پوست

بسته



جناب آقای رضا محمودی
کمک کارشناس محترم آموزش

سلام علیکم

باتوجه به روند اجرایی مطلوب آموزش و تلاش چشم گیر شما در این امر بدینوسیله از جنابعالی قدردانی می‌گردد.
از خداوند یکتا موفقیت روزافزون شما را در امر خطیر برنامه ریزی آموزشی نیروی انسانی خواستارم.
0.82.12.6

جعفر رحیمی پور
مدیر کل دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش

او در سال ۱۳۸۲ به عنوان کمک کارشناس آموزشی با بهزیستی همکاری کرد و با آموزش نیروی انسانی و کارمندان، نقش مؤثری در ارتقای نیروی داشت.

فصل دوم: فعالیت‌ها و خدمات از منظر اسناد ۱۰۷

همچنین سند زیر هم که در مرداد ۱۳۸۲ صادر شده گویای خدماتش در بخش آموزش و ارتقای نیروی انسانی سازمان و رضایت مدیریت بهزیستی از او است.

همکار ارجمند جناب آقای رضا محمودی

با سلام و تحیت

امج می‌نماید حضور شما را در همایش نظرارجمند

آموزش کارکنان دولت، پاس می‌دارم و تلاش‌تان را

در خصوص ارتقا، دانش و آگاهی همکاران و نیاپیش

می‌نمایم و همواره از آمودن‌های‌تان در مسیر خدمت به افراد

جامعه، سپاس بی‌پایان. E-4-39

جعفر رحیمی پور

مدیر کل دفتر بودجه، تشکیل و آموزش

در سال ۸۳، رضا همچون سال قبل به عنوان کارشناس آموزشی فعالیت داشت و به پودمانی آموزش‌های کارمندان پرداخت.

شماره ۸۸۵۹۸۷۷۰

تاریخ ۸۳/۱۲/۱۳

پوست



جمهوری اسلامی ایران
سازمان بهزیستی کشور

همکار ارجمند جناب آقای رضا محمودی

کارشناس محترم آموزش

با سلام و تحیت

احتراماً، از تلاش صادقانه و بی‌شائبه‌ای که در امر پودمانی نمودن آموزش‌های

مشاغل تخصصی سازمان بهزیستی در رشته‌های شغلی امور بهزیستی،

کودگیری، امور روانی و امر توانبخشی صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

از خداوند سبحان تندرستی و توفیقات بیشتر را برای شما آرزومندم. E-11-26

اصغر باقری

مدیر کل دفتر بودجه، تشکیل و آموزش

همچنین سند زیر هم که در مرداد ۱۳۸۲ صادر شده گویای خدماتش در بخش آموزش و ارتقای نیروی انسانی سازمان و رضایت مدیریت بهزیستی از او است.

در سال ۸۳، رضا همچون سال قبل به عنوان کارشناس آموزشی فعالیت داشت و به پودمانی آموزش‌های کارمندان پرداخت.

۱۰۸ جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

در همین سال در برگزاری جلسات کنکور دانش آموختگان ناشنوا کمک کرد.

شماره ۸۴۴۳۵۳۱
تاریخ ۱۵/۱۲/۸۳
پست

بسم الله



جناب آقای رحیمی پور
مدیر کل محترم دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش

سلام علیکم

احتراما بدینوسیله از زحمات جناب آقای رضا محمودی کارشناس محترم آن دفتر برای همکاری در برگزاری جلسات کنکور کارشناسی ارشد، کارشناسی و کاردانی سازمان سنجش آموزش کشور و دانشگاه آزاد اسلامی، تقدیر و تشکر بعمل می‌آید. خواهشمند است دستور فرمایید به نحو مقتضی از ایشان قدردانی شود. ۸۳/۶/۱ خ

دکتر مجتبی فتاحی

مدیر کل دفتر امور توانبخشی

معاونین جسمی اجرایی و حسی

در همین سال در برگزاری جلسات کنکور دانش آموختگان ناشنوا کمک کرد.

رئیس سازمان بهزیستی دکتر راه چمنی به توانمندی های رضا اقرار کرده و متن زیر را منتشر کرد.

فصل دوم: فعالیت ها و خدمات از منظر اسناد ۱۰۹

رئیس سازمان بهزیستی دکتر راه چمنی به توانمندی های رضا اقرار کرده و متن زیر را منتشر کرد.

شماره ۱۰-۸۰۰/۵۷۳۰۰

تاریخ ۱۳۸۳/۵/۵

پست

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران
سازمان بهزیستی کشور
دفتر رئیس

ریاست محترم سازمان بهزیستی استان

سلام علیکم

نظر به اینکه یکی از مشکلاتی که افراد ناشنوا و کم شنوا در دستگاه های دولتی و خدماتی با آن روبرو هستند، عدم آشنائی کارکنان واحدهای نظامی، انتظامی، قضائی، اداری، آموزشی، بهداشتی، درمانی و خدماتی شهرستانها و استانها به زبان ویژه ناشنوایان (زبان اشاره) می باشد بطوریکه ناشنوایان قادر نیستند به تنهایی امور خود را در واحدهای مذکور انجام و خدمات لازم را دریافت نمایند. لذا با توجه به ضرورت آشنائی تعدادی از کارکنان دستگاه های دولتی به زبان اشاره و مسئولیت قانونی که سازمان بهزیستی در ارائه خدمات به معلولان از جمله ناشنوایان دارد مقتضی است ترتیبی اتخاذ شود تا کلاسهای ویژه آشنائی با زبان اشاره برای نماینده یا نمایندگان معرفی شده از سوی واحدهای اداری، بهداشتی، درمانی، آموزشی، نظامی و انتظامی و قضائی، خدماتی (۱-۳ نفر از کارکنان هر واحد) در شهرستانهای تابعه استان برگزار گردد. *Trn-88*



دکتر محمد رضا راه چمنی

رئیس سازمان بهزیستی کشور

در سال ۸۴، اصغر باقری مدیرکل دفتر بودجه سازمان بهزیستی از تلاش های رضا در توسعه دانش و ارتقای سطح توانمندی منابع انسانی تشکر کرده است.

در سال ۸۴، اصغر باقری مدیرکل دفتر بودجه سازمان بهزیستی از تلاش های رضا در توسعه دانش و ارتقای سطح توانمندی منابع انسانی تشکر کرده است.

۱۱۰ جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

۱۱۵/۳۳۳۷

۸۴/۵/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای رضا محمودی
کارشناس محترم آموزش دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش

سلام علیکم

از همکاری ارزشمند حضرت تعالی در امر توسعه دانش و
ارتقای سطح توانمندی منابع انسانی این سازمان قدردانی
نموده و از درگاه ایزد منان، سلامتی و بهروزی پایدار را
برایتان آرزو می نمایم.

اصغر یاقری
مدیر کل دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش

در همین سال رضا به عنوان رابط و ناظر در جلسات آزمون از طرف بهزیستی شرکت می کند.

شماره ۸۴۸۸۹

تاریخ ۸۴/۵/۱۲

پیوست

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران
مازادان بهزیستی کشور

جناب آقای محمودی

سلام علیکم

احتراماً، از شما درخواست می شود تا در جلسات آزمون سراسری
کارشناسی ناپیوسته و کاردانی ناپیوسته دانشگاه دولتی مورخ ۸۴/۵/۲۱
بعنوان ناظر سازمان بهزیستی کشور و رابط ناشنوایان شرکت نمائید. از
همکاری جنابعالی کمال تشکر را داریم، فرهادی

ابوالقاسم نجفی
مدیر کل دفتر امور توانبخشی معلولین ذهنی

در همین سال رضا به عنوان رابط و ناظر در جلسات آزمون از طرف بهزیستی شرکت می کند.

از دیگر همکاری های رضا با سازمان بهزیستی، کمک به بهزیستی های شهرها است. برای مثال او هر هفته در سال ۱۳۸۴ هفته به همدان می رفت و به آموزش پرسنل و کارمندان بهزیستی، آموزش ناشنوایان و شرکت در جلسات امتحانی به عنوان رابط و انجام دیگر مأموریت های محوله می پرداخت. سند زیر گویای تلاش های ایشان در همدان و همکاری با بهزیستی همدان است.

نتیجه گیری

رضا محمودی به منظور توسعه فرهنگ و جامعه ناشنوایان و رساندن آنان به شاخص های مطلوب رفاه و معیشت و دانش، با بهزیستی مرکز و بهزیستی در شهرهای مختلف، با شهرداری مرکز و شهرداری در مناطق تهران و با تشکل های مردمی ارتباطات گسترده ای برقرار کرد. اسناد در این بخش گویای این است که رضا اهل عافیت طلبی و تن آسایی نیست و همواره در سفر و تلاش و کوشش بوده است و به شهرهای دور دست مسافرت کرده تا با آموزش اشاره به ناشنوایان یا کارمندان یا خانواده ها بتواند در پیشرفت جامعه هدف سهمی برای خود کسب کند.

تاریخ: ۱۳۸۴/۲/۲۵
شماره: ۴۳۲۸۸۷
پرست:

بیشک

جمهوری اسلامی ایران
سازمان بهزیستی کشور
سازمان بهزیستی استان همدان

مدیرکل محترم دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش سازمان بهزیستی کشور
سلام علیکم

احتراما: با توجه به نامه شماره ۱۵/۸۰۰/۵۷۳۰ مورخ ۸۳/۵/۵ رئیس محترم سازمان بهزیستی کشور در خصوص برگزاری دوره آموزشی (زبان اشاره) جهت دستگاهاهی اجرائی استان و نیز هماهنگی به عمل آمده با سرکار خانم سعیدی مسئول محترم دفتر آموزش، خواهشمند است موافقت فرمائید آقای محمودی کارشناس آن دفتر تدریس دوره آموزشی فوق را به عهده گیرند، ضمناً آقای مرادی به عنوان کارشناس آموزش استان جهت هماهنگی بیشتر معرفی حضور میگردد.
(تلفن تماس: ۸۲۶۹۰۰۵)

دکتر حمید گل محمادی
از طرف سرپرست
مدیرکل سازمان بهزیستی استان همدان

فعالیت رضا محمودی در زمینه اطلاع رسانی و خبرگویی در سیمای جمهوری اسلامی ایران قابل توجه است. او بیش از دو دهه از عمرش (یعنی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۳) آن هم بهترین سال های جوانی اش را در بخش خبر ناشنوایان گذاشت. اما اینکه نتیجه و ثمره تلاش های او و همکارانش چیست؟ و چقدر در فرهنگ و زندگی ناشنوایان مؤثر بوده اند، هنوز نمی توان پاسخ قطعی داد و باید سال ها بگذرد و پیامدهای چنین اقداماتی روشن و شفاف شود تا بر مبنای آن بتوان داوری نمود. اما آنچه قطعی است این است که با تلاش های او و همکارانش چون فاطمه آقامحمد، وضعیت خبر ناشنوایی در سیمای جمهوری اسلامی تثبیت و نهادینه شد؛ دارای سبک و سیاق و ضوابط گردید و پایداری و تداوم آن حتمی شد.

رضا حداقل بیست و سه سال در این بخش کار کرد و این سال ها کم نیست و بایست تجارب بسیاری کسب کرده باشد. البته اسناد و مدارک یا گفته ها و اظهارات محمودی در این باره زیاد و جامع نیست.

تاریخ و فرهنگ ناشنوایی نیاز مبرم و جدی به اطلاعات مرتبط به این دوره دارد؛ زیرا بدون چنین اطلاعاتی نمی توان تاریخ این دوره را نوشت. در صورتی که اسناد مکتوب و کاغذی اندک باشد لاجرم باید به سراغ شیوه گفت و گو و تحقیق میدانی و موردی رفت. به نظر می رسد اگر افراد شاغل در بخش خبر ناشنوایی چند جلسه به صورت میزگرد تجمع نمایند می توان با پرسش های چالشی آنان را به سخن واداشت. اما تأثیر خبر و اطلاعات در زندگی ناشنوایان بسیار زیاد است. زیرا ارتباط آنان با جهان و با محیط و با جامعه قطع است. و خبر دادن به آنها موجب می شود اطلاعات درست از محیط پیدا کنند و بتوانند با اطرافیان و با جامعه ارتباط سازنده و مؤثر داشته باشند.

بنابراین فعالیت های رضا در این بخش بسیار مهم و قابل توجه است و نیاز است از منظرهای مختلف جامعه شناسی و دانش ارتباطات قابل بررسی است. لازم است کارشناسان علوم مختلف از زوایای تخصصی به جوانب آن بپردازند.

نگاهی به مدارک و اسناد

درباره خبر ناشنوایی در شبکه دو سیما و فعالیت های رضا در رسانه ملی تنها یک مدرک مکتوب در اختیار دارم. یکی هم مصاحبه رضا با روزنامه جام جم است که در فرازی از آن به مسئله خبر ناشنوایی پرداخته است. البته خانم فاطمه آقامحمد همکار رضا در بخش خبر ناشنوایی، اسناد بیشتری دارد و در کتاب ایشان مفصل تر به این موضوع پرداخته ام.

از عجایب و شگفتی های روزگار است که یک فرد ۲۳ سال در یک دستگاه فعالیت می نماید ولی در پایان هیچ تشکر و تقدیری از او توسط ریاست آن دستگاه نشده، هیچ نشستی در تکریم از او و تجلیل از فعالیت هایش نشده است. یا اگر شده بازتاب نداشته و اخبار آن در سطح عموم پخش نشده است.

یک سند در اختیارم است که مربوط به اسفندماه ۱۳۹۳ است. یعنی پس از بازنشسته شدن رضا از بخش خبر نوشته شده است. این سند به امضای مدیرکل اخبار سیما آقای شهرام وثوقی راد است. در

این سند آمده که سال ها تلاش بی وقفه و خدمت صادقانه جنابعالی در رسانه ملی بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است. تصویر این سند اینگونه است.

این سند گویای نکات زیر است:

۱- به صفا و صداقت رضا محمودی و ماندگاری آن در خاطر کارمندان بخش اخبار سیما، اشاره کرده است.

۲- تأیید کرده که رضا سال ها تلاش بی وقفه و خدمت صادقانه به رسانه ملی داشته است.

۳- تلاش های رضا قابلیت تقدیر و ارزشمند است.

۴- بر صبر و شکیبایی خانواده محترم رضا اشاره و از این خانواده تشکر کرده است.

۵- هیچ اشاره به ناشنوایان و اهمیت اخبار ناشنوایی در زندگی و فرهنگ ناشنوایان نکرده است.

۶- هیچ اشاره به تفاوت خبر برای ناشنوایان و مشکلات و سختی های این کار با خبرگویی برای عموم مردم نکرده است.

شیوه اجرای اخبار ناشنوایان

رضا محمودی در مصاحبه ای با مهراوه فردوسی که در روزنامه جام جم در چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۱ با عنوان «سهم ناشنوایان از تلویزیون» منتشر شد و نیز در مصاحبه با زهره حاجیان که با عنوان «زبان

بکارگرمی

جناب آقای رضا محمودی

سلام علیکم

سألتا تلاش بی وقفه و خدمت صادقانه جنابعالی در رسانه ملی بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است و این صفا و صداقت یقیناً در خاطر خانواده بزرگ اخبار سیما یادگار خواهد ماند. با احترام از باب وظیفه و به نمایندگی از اداره کل اخبار سیما از شما و صبر و شکیبایی خانواده محترم پاسگزاری می کنم. موفق

و مؤید باشید. اسنند

شهرام وثوقی راد
مدیرکل اخبار سیما

ما را لطفاً بیاموزید: لحظاتی همراه با رضا محمودی گوینده اخبار ناشنویان» در مجله مهرنو در ۳۰ دی ماه ۱۳۸۶ منتشر شد، نکات مهم و کلیدی درباره خبر ناشنوایی در سیمای جمهوری اسلامی گفته است. مطالبی که در هیچ جای دیگر پیدا نمی شود. تلاش می کنم خلاصه ای از این دو مصاحبه که مرتبط با موضوع خبر ناشنوایی هم باشد بیاورم.

رضا درباره تاریخچه گویندگی به زبان اشاره چنین گفته است: محمدباقر جعفری نیا گفتار درمان و مدیرکل توان بخشی اسبق سازمان بهزیستی در سال ۱۳۶۲ «اخبار ناشنویان» در سیمای پایه گذاری و دایر شد. البته بدون ضابطه و بدون مبانی و آیین نامه خاص.

ده سال بعد یعنی در سال ۱۳۷۳ من به عنوان گوینده تصویری این برنامه انتخاب شدم و از بهزیستی و آموزش و پرورش مأمور به خدمت در سیمای شدم. فاطمه آقامحمد به عنوان سردبیر این برنامه خبرها را در یک هفته جمع آوری می کرد، سپس غربال و مهم ترین آنها را ساده سازی و ساده نگاری و خلاصه می کرد. این اخبار در اختیار من و مرتضی پیروزی (گوینده دوم اخبار ناشنویان) قرار می گرفت.

روزهای پنجشنبه برنامه ضبط می شد. یعنی اخبار را من به زبان اشاره بیان می کردم، فردی دیگری با صدای خودش می خواند چون من و مرتضی صدا نداریم و نمی توانیم واضح صحبت کنیم. روز جمعه بعد از اذان ظهر این برنامه به مدت ۱۵ دقیقه پخش می شد. (۱)

اهمیت اطلاعات و خبر

ناشنویان بیش از افراد عادی نیاز به اطلاعات و خبر دارند تا نقص و مشکل آنان در مورد فقدان ارتباط با جامعه و با محیط برطرف و ترمیم گردد. از این رو برنامه اخبار ناشنویان تأثیر عمیق و گسترده بر جامعه ناشنوایی داشته است. دیدگاه های رضا محمودی که در مصاحبه با روزنامه جام جم آمده به طور خلاصه اینجا می آورم.

رسانه های جمعی به خوبی توانسته اند جای خالی ناآگاهی را - که یکی از مسائل گریبان گیر نسل کهن بود - پر کنند جوامع بشری نیز با استفاده از این امکانات در عصر اطلاعات موفق به بالا بردن ناآگاهی خود از دنیای پیرامون شدند. بسیاری از مردم با دیدن تلویزیون و شنیدن رادیو خود را در معرض ناآگاهی از محیط اطراف قرار می دهند و با این کار وجود خود را در جامعه تثبیت و جایگاه خود را در اجتماع پیدا می کنند.

ناشنویان نیز جزو افراد یک جامعه هستند که با توجه به نقص فیزیکی خود مجبورند تلاش بیشتری برای ورود به جامعه و تبدیل شدن به عنصری مفید بکنند و از آنجا که ورود به جامعه نیازمند بهره بردن از امکانات رفاهی، سرگرم کننده و ناآگاهی دهنده است، این قشر از افراد جامعه خواه ناخواه از یکی از اصلی ترین امکاناتی که برای دیگر مردم در یک جامعه فراهم است محروم اند. استفاده از تلویزیون و رادیو به عنوان اصلی ترین و فراگیرترین وسایل ارتباط جمعی از جمله این امکانات است. از آنجا که رادیو اصولاً بر پایه حس شنوایی اختراع شده، این رسانه عملاً برای ناشنویان بی استفاده

می شود. با این حساب، تلویزیون تنها وسیله ای است که می تواند حس دیداری ناشنویان را ارضا کرده و برای آنها کارکرد مثبتی ایفا کند.

اما ناگفته پیداست اگر ناشنویان نتوانند با شخصیت های اصلی سریال ها یا مجریان اخبار گو و محتوای چیزی که می گویند ارتباط برقرار کنند. برنامه های تلویزیون برای آنها بی معنی و این موضوع در نهایت باعث دلزدگی آنها از این رسانه می شود. این موضوع وقتی اهمیت پیدا می کند که بدانیم تلویزیون نقش مهمی در زندگی افراد دارد و با اهمیت ندادن به ناشنویان در استفاده از تلویزیون، عملاً این افراد را از گردونه چرخ بزرگ جامعه حذف می کنیم. اما تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در دهه ۷۰ به این فکر افتاد در برنامه های خود امکانی را ایجاد کند که این برنامه ها برای ناشنویان نیز قابل استفاده شود.

بخش تازه نفسی به نام اخبار ویژه ناشنویان در سال ۱۳۶۲ در شبکه دو سیما راه اندازی شد و چند رابط خبری از جمله رضا محمودی اجرای این بخش را به عهده گرفتند. بعد از گذشت چند سال این بخش خبری در برخی مواقع تبدیل به باکس کوچکی شد که در گوشه سمت چپ تلویزیون، رابطان خبری را نشان می داد که اخبار را برای ناشنویان با زبان اشاره ترجمه می کردند. این گونه بود که اخبار ناشنویان به عنوان بخش ثابت برخی از بخش های خبری در شبکه های مختلف تلویزیونی تبدیل شد.

شبکه تهران در زمان پخش سریال «روزگار جوانی» مخاطبان ناشنوا را هم در نظر گرفت و در زمان پخش این سریال، یک رابط، دیالوگ های این سریال را برای ناشنویان معنا می کرد. این روش در چند سریال و در سال های بعد ادامه یافت، اما به مرور دیگر ادامه نیافت.

اخبار ناشنویان و باکس ترجمه ناشنوایی دو برنامه بود که در سیما برای ناشنویان راه اندازی شد و تأثیر بسیار در ارتقا و دانش و تجارب و مهارت های آنها داشت. این برنامه ها تلویزیون را برای ناشنویان آشنا و همدم نمود و این رسانه را به خانه آنها آورد. به مرور وقتی اطلاعات ناشنویان افزایش یافت. با دیدن برنامه های سیما بدون آن باکس و بدون ترجمه به زبان اشاره، درصد بالایی از پیام ها را متوجه می شدند.^(۱)

نتیجه گیری

فعالیت رضا محمودی در خبر ناشنوایی صرف حضور او در میان خبرها با زبان اشاره نبود بلکه نقش او گسترده تر و عمیق تر است. چرا که بر اساس اسنادی که در دست است از سال راه اندازی خبر ناشنوایی در سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۷۳ که محمودی به این برنامه ملحق شد و همکاری سازنده با فاطمه آقامحمد و مرتضی پیروزی را آغاز کردند، تحول آن چنان در این برنامه نمی بینیم. اما از سال ۱۳۷۳ این برنامه تقویت شد. خبر ناشنوایی تبدیل به یک برنامه جا افتاده به نام «اخبار ناشنویان» با آرم و موزیک و ساختار خاص خود شد برای این برنامه ضوابط و آیین نامه تدوین شد. تجارب جمع آوری و چرخه کاری کارآمد و دقیقی برای این برنامه، تثبیت گردید.

۱- روزنامه جام جم، ۱۲ مهرماه ۱۳۹۱.

سپس شیوه و پیام اخبار ناشنوایان به دیگر قسمت ها به ویژه سریال ها تسری و تعمیم داده شد و باکس ترجمه محتوای برنامه ها با زبان اشاره برای ناشنوایان اجرا گردید. هر چند برخی مدیران سیما با این باکس مشکل داشتند ولی این شیوه کما بیش در سیمای جمهوری اسلامی جا افتاد.

نیز اجرای زیرنویس مکتوب برای همه برنامه ها تثبیت گردید. به هر حال از ۷۳ تا ۹۳ یعنی طی بیست سال تیم فاطمه آقامحمد و رضا محمودی و مرتضی پیروزی و دیگر همراهانشان توانستند تحولات ژرف و اساسی در سیما برای ناشنوایان ایجاد کنند. و تلویزیون را برای این قشر آشنا و بومی سازی نمایند و این رسانه را در همه خانه های ناشنوایان محبوب و مقبول گردانند. این خدمت رضا نه فقط به ایران بلکه به منطقه و به جهان و به بشریت بوده است. چون دیگر کشورهای منطقه از ایران اقتباس کردند و به تدریج به عنوان یک تجربه جهانی مطرح شد.

ص: ۱۱۶

اشاره

فعالیت های رضا محمودی محدود به تهران یا منحصر به شهر خاصی نشده و او در شهرهای مختلف به خدمت مشغول بوده است. هم اکنون در چند شهر در هیئت امنای یا هیئت مدیره چند انجمن خانواده حضور دارد.

حضور او در شهرها فقط به خاطر دعوت تشکل های مردمی نبود. بلکه نهادها و ادارات دولتی هم از او دعوت کرده اند. اما فعالیت هایش هم گسترده وسیعی را شامل می شود؛ از آموزش کارمندان و تعلیم زبان اشاره به آنها تا برگزاری نشست ها و حضور در همایش ها تا آموزش زبان اشاره به ناشنوایان تا تربیت رابط و مترجم همگی در حیطه وظایف او در شهرهای دور و نزدیک است.

این مبحث به معرفی پاره ای از فعالیت های او در چند شهر بر اساس اسناد موجود و در دسترس می پردازد. امید است بعداً با دسترسی بیشتر به اسناد جدید زوایای دیگر خدمات رضا در شهرهای دیگر را بتوانیم گزارش نماییم.


آذربایجان شرقی

رضا محمودی در سال ۱۳۸۵ از طرف مدیرکل بهزیستی استان آذربایجان شرقی به منظور آموزش مددجویان و افزایش مهارت های آنان دعوت شد. در اسفندماه این سال مدیرکل متنی خطاب به او اهداء کرد و از زحمات ایشان تشکر نمود.

برادر بزرگوار رضا محمودی

با سلام و احترام

از آنجائیکه جنابعالی در مدت مسئولیت اینجانب در بهزیستی استان آذربایجان شرقی نهایت همکاری با این استان را مبذول داشته اید و این همکاری از هر نظر قابل مشهود می باشد بدینوسیله از الطاف و تلاش صمیمانه آن جناب تقدیر و تشکر می نمایم .


مدیرکل بهزیستی استان آذربایجان شرقی

حسین معتمدنیا مدیرکل بهزیستی آذربایجان شرقی لوح تقدیر زیر را خطاب به او نوشته است.



سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی ایران
سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی

باسمه تعالی

شماره : ۱۰۱۳۵۵۲۶

تاریخ : ۸۶/۱۲/۲۸

جناب آقای محمودی

با سلام و احترام

با عنایت به اینکه جنابعالی در طول سال ۸۶ نهایت همکاری با این سازمان را مبذول داشته اید بر خود فرض می دانم تا مراتب تقدیر و تشکر خود را نثار نمایم .
امید است که مساعدتتان در جهت یاری رساندن به مددجویان خانواده بهزیستی مستدام و دعای خیر ، نویدبخش زندگی شما در رسیدن به شادکامی و موفقیت باشد .

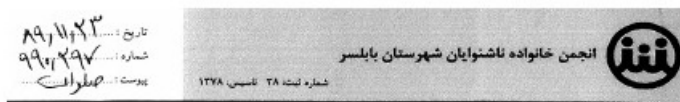
حسین محمدنیا

مدیرکل بهزیستی استان آذربایجان شرقی

این متن به تاریخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۸۵ عرضه شده است و گویای رضایت مدیریت بهزیستی این استان از تلاش ها و خدمات رضا محمودی است. همچنین در سال ۱۳۸۶ توسط همان مدیر دعوت به همکاری شد و در ۲۸ اسفندماه ۱۳۸۶ سپاس زیر برای رضا ارسال شد:

ص: ۱۱۸

حسن حاجی تبار رئیس انجمن خانواده ناشنوایان بابلسر برای رضا تقدیرنامه فرستاده، و از تلاش های او در سال ۸۹ در همکاری با آن انجمن در راستای آموزش زبان اشاره ناشنوایان تشکر کرده است:



بسمه تعالی

جناب آقای رضا محمودی

باسلام

احتراما بدینوسیله مراتب تقدیر و تشکر خود را از تلاش و عملکرد موثر حضرت عالی در راستای آموزش زبان اشاره ناشنوایان اعلام کرده و از زحمات گرانقدر جنابعالی خصوصا از همکاری همکاران عزیز کمان تشکر را دارم و توفیق روز افزون حضرت عالی را از درگاه ایزدمنان مسئلت می نمایم

باتشکر

حسن حاجی تبار

رئیس انجمن خانواده ناشنوایان



متن سپاس نامه مزبور در ۲۳ بهمن ماه ۱۳۸۹ برای رضا محمودی ارسال شده است.

خانم لیلا اعتماد رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران در ۷ مهرماه ۱۳۸۶ از خدمات ارزشمند رضا محمودی که تأثیر بسزایی در تحقق اهداف جامعه ناشنوایان ایران داشته و تلاش های خستگی ناپذیر او تشکر کرده و متن سپاس زیر را برایش ارسال نموده است:

جناب آقای رضا محمودی

باسلام و تحیت

بدون تردید خدمات ارزشمند جنابعالی سهم بسزایی در تحقق اهداف جامعه ناشنوایان ایران داشته است. و غینده خود می دانیم از تلاش خستگی ناپذیر و سعی وافر شما که همواره متعین مصداق آیه شریفه «من لم یسکر الخلق من لم یسکر الخلق» است. صیماً تقدیر و قدر دانی می گردد. امید است که با بهره گیری از الطاف خداوند نشان شاد و رشد و پیشرفت بیشتر شما در ارائه خدمات به ناشنوایان عزیز باشیم.



فعالیت های رضا در سال ۱۳۸۸ در استان های دور از تهران افزایش یافت و در استان ها و شهرهای دور دست به آموزش کارمندان و ناشنوایان و خانواده آنها می پرداخت. سید غلامعلی جعفری معاون امور توانبخشی بهزیستی خوزستان از رضا تشکر کرده است.

بسمه تعالی

جناب آقای رضا محمودی
کارشناس محترم انجمن خانواده ناشنوایان ایران
سلام علیکم؛

احتراماً به حکم حدیث شریف « لم یشکر المخلوق
لم یشکر الخالق از تلاش و کوشش شما در تدریس زبان
اشاره به مددکاران شاغل در این سازمان بمنظور ارتقاء
کیفیت خدمات دهی به معلولین ناشنوا و خانواده شان
در سطح استان تقدیر تشکر بعمل می آید. امید است
همواره موفق وموید باشید.

سید غلامعلی جعفری
معاون امور توانبخشی بهزیستی خوزستان

۸۸ / ۸ / ۲۷

مدیرکل سازمان بهزیستی استان همدان حمید گل محمدی از حضور رضا محمودی در همدان و همکاری او با ادارات مختلف استان در آموزش زبان اشاره به کارشناسان استان و نیز آموزش به ناشنوایان و نیز از دقت، نظم، مساعی و زحمات ایشان تشکر کرده است. سپاس زیر در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۴ اهداء شده است.

۲۲۸۴ / ۲ / ۲۶
۲۱،۵۶۰۸

«فرانسوی»

روان آدمی زنده به علم است

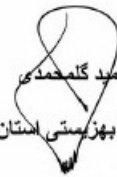
همان علمی که او را بهره ، حلم است

جناب آقای رضا محمودی

با احترام - بدینوسیله از دقت ، نظم ، مساعی و زحمات بیدریغ جنابعالی بابت آموزش زبان اشاره ناشنوایان به کارشناسان ادارات مختلف استان ، تشکرو قدردانی میگردد.

امید است که در راه خدمت به جامعه معلولین در

سنگر مقدس تعلیم و تربیت موفق و موید باشید./



دکتر حمید گل محمدی

مدیرکل سازمان بهزیستی استان همدان

حضور رضا محمودی در همدان منحصر به همین یک سال نبوده و در سنوات دیگر هم به همدان می رفته و خدماتی داشته است. بر اساس سند دیگری که در اختیار داریم. مدیرکل بهزیستی همدان در سال ۱۳۸۸ از مدیرکل دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش در بهزیستی مرکز، درخواست اعزام رضا به همدان را کرده است. متن این سند گویای نکات مهمی است:

همان طور که از اسناد مزبور پیدا است، رضا محمودی در سال های متمادی، در سراسر ایران حضور فعال داشته است از جنوب تا غرب و شرق و شمال ایران به ترویج فرهنگ ناشنوایی و انتقال تجارب و دستاوردهای جدید پرداخته است. اگر او را عامل انتقال فرهنگ بدانیم دور از واقعیت نیست. او به تنهایی نقش یک رسانه سراسری را ایفاء کرده؛ چون تجارب و دستاوردها را از یک منطقه اخذ کرده و در مناطق دیگر ترویج نموده است. خلاصه اینکه از نظر گستره فعالیت هایش که در سراسر ایران جریان دارد، عنصری کم نظیر است.

فصل دوم: فعالیت ها و خدمات از منظر اسناد ۱۲۳



جناب آقای دکتر گل محمدی

مدیر کل محترم سازمان بهزیستی استان همدان

سلام علیکم

احتراماً در پاسخ به نامه شماره ۳۲/۲۸۸۷ مورخ ۸۴/۲/۲۵

بدینوسیله موافقت خود را مبنی بر حضور جناب آقای رضا محمودی به

عنوان مدرس در هفته آخر خرداد ماه (۲۶-۲۱) اعلام می نمایم. B/3/2

اصغر باقری

مدیر کل دفتر بودجه، تشکیلات و آموزش

اشاره

جاذبه های یک شخص به عملکرد مثبت، اخلاقیات و رفتار فردی او بستگی دارد؛ اما یک شاخص دیگر برای سنجش مقبولیت یک فرد، ابراز دوستی و اظهار محبت دیگران نسبت به او است. اگر همکاران دائم نسبت به یک فرد بدگویی داشته باشد. یا مردم یک محله نسبت به یک کاسب دائم بدگویی کنند، معلوم است این فرد، مقبولیت ندارد، اما اگر خوبی او را بگویند و او را مدح کنند معلوم است او را دوست می دارند. کارمندانی هستند در طول سی سال کار، یک لوح که به خوبی های او اعتراف کرده و از خدماتش تشکر کرده باشد، ندارند اما کارمندانی هستند که ده ها و صدها تقدیرنامه، سپاس نامه، لوح محبت آمیز دارند. برخی کارشناسان اجتماعی همین را یک شاخص برای سنجش محبت ها و برای مقبولیت دانسته اند.

نسبت به رضا محمودی هم اظهار محبت ها و ابراز مقبولیت فراوان شده و الواح بسیار به او اهداء شده است. در این مبحث بخشی از این لوح ها و اظهار محبت ها را معرفی کنیم.

تشکل های مردمی

رضا محمودی با تشکل های مردمی بسیار همکاری کرده است. فقط با تشکل های ناشنوایی نبوده بلکه با تشکل های عمومی و معلولین هم همکاری داشته است. به پاس این همکاری ها رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان استان فارس لوح تقدیر زیر را تقدیم ایشان کرده است:

ص: ۱۲۴

دیگر تقدیر نامه های که اسناد آن در دست است عبارت اند از:

فصل دوم: فعالیت ها و خدمات از منظر اسناد ۱۲۵



لوح تقدیر

تاریخ: ۱۳۸۹/۶/۳۰

شماره: ۸۹/۰۸۰

انجمن خانواده ناشنوایان استان فارس

حضورگرامی جناب آقای رضا محمودی

داور محترم جشنواره سراسری سرود ناشنوایان کتور- کهواز

باسلام و تحیت

احتراماً، ضمن عرض تبریک و تسلیت برنا سبت هفتجانی ناشنوایان در ۸-۲۰مهرماه سالجاری، بدینوسیله انجمن خانواده ناشنوایان استان فارس بر حسب وظیفه شرمی خویش از زحمات و تلاش های وافر جنابعالی و همکاران محترمان در راستای بستن و باسکوه تر برگزار نمودن اولین جشنواره سرود ناشنوایان سراسر کشور را تسلیت نموده اید، نهایت تشکر و قدردانی فراوان را با ابدایی لوح تقدیر تقدیم حضورتان می نمایم و از نگاه احدیث سیروزی و موفقیت آن انجمن در راستای پیشبرد اهداف ناشنوایان را برای جنابعالی و هیات مدیره محترم آرزو مندیم.



باتقدیم احترام
کامل فیصلی

رئیس، هیات مدیره انجمن خانواده ناشنوایان استان فارس

- تقدیر و تشکر مرتضی کامل نواب سرپرست فرهنگ سرای شفق، ۹ مهرماه ۱۳۹۱

- سپاس نامه واحد ناشنوایان مؤسسه آموزش عالی خاتم النبیین، ۸ دی ماه ۱۳۹۴

- تقدیرنامه مؤسسه خیریه خانه ناشنوایان اعظم، بدون تاریخ

مراکز دولتی

رضا محمودی با مراکز و سازمان های دولتی هم همکاری داشته و در چند زمینه به یاری آنها شتافته است.

مهم ترین همکاری های او با سازمان بهزیستی و با سازمان آموزش و پرورش استثنایی بوده است. ابتدا بر اساس اسناد موجود و در دسترس گزارشی از همکاری های رضا با سازمان بهزیستی و سپس با سازمان استثنایی می آورم.

همکاری های رضا با بهزیستی به اوایل دهه هفتاد باز می گردد. در سال ۶۴، یکی از معاونان سازمان از همکاری های رضا در جهت تألیف کتاب آشنایی با اشارات ناشنوایان و تأثیر این اثر در توان بخشی ناشنوایان تشکر کرده است:

۱۲۶ جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

همکاری های رضا با بهزیستی به اوایل دهه هفتاد باز می گردد. در سال ۶۴، یکی از معاونان سازمان از همکاری های رضا در جهت تألیف کتاب آشنایی با اشارات ناشنوایان و تأثیر این اثر در توان بخشی ناشنوایان تشکر کرده است:

خواهر رضا محمودی
برادر

بدینوسیله از زحمات شما در تدوین کتاب آشنایی با اشارات ناشنوایان که زمینه و پایه ای جهت توان بخشی هرچه بهتر ناشنوایان می باشد قدر دانی می گردد و پیوست یک نسخه از کتاب فوق را تقدیم می دارد.

اصغر حمیدی
معاون طرح و برنامه
تاریخ: ۸۸/۵/۱۹
پوست: ۴۴۳۳۴۳

آقای محتشمی معاون بعدی طرح و برنامه از تداوم همکاری های رضا با سازمان بهزیستی تشکر کرده و این همکاری ها را بی شک گام ارزنده در جهت توان بخشی و حل مشکلات ارتباطی ناشنوایان می داند.

برادر رضا محمودی

کلمه کارشناس مطالعات و پژوهش های توان بخشی

بدینوسیله از تلاش ها و کوشش های مستمر و صمیمانه شما که در تهیه و تألیف کتاب مجموعه اشارات ناشنوایان مبدول داشته اید تشکر و قدر دانی می شود. تدوین این کتاب بی شک گام ارزنده و امید بخشی در جهت توان بخشی و حل مشکلات ارتباطی ناشنوایان عزیز خواهد بود.

از خداوند متعال سلامت و توفیق بیشتر شما را در راه خدمت به معلولین و توسعه اینگونه خدمات سازنده خواستارم. /ح

مهدی محتشمی
معاون طرح و برنامه

شماره: ۸۸۰/۱۱۷۹
تاریخ: ۵۸/۱/۱۹
پوست: —

آقای محتشمی معاون بعدی طرح و برنامه از تداوم همکاری های رضا با سازمان بهزیستی تشکر کرده و این همکاری ها را بی شک گام ارزنده در جهت توان بخشی و حل مشکلات ارتباطی ناشنوایان می داند.

همو مجدداً به خاطر اقدام و فعالیت دیگر رضا تقدیر کرده است:

فعالیت های رضا در بهزیستی گسترده اما تماماً در جهت رشد و ارتقاء پیشرفت ناشنویان بوده است. آن هم فعالیت هایی که زیربنایی است و تأثیر اساسی و بنیادین در جامعه هدف دارد. یکی از فعالیت های مهم رضا توسعه زبان اشاره و تحکیم مبانی و شالوده های زیربنایی آن بوده است. برای نمونه در کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره در چند دهه فعالانه کوشیده است:

فصل دوم: فعالیت ها و خدمات از منظر اسناد ۱۲۷

همو مجدداً به خاطر اقدام و فعالیت دیگر رضا تقدیر کرده است:

برادر رضا محمودی

بدینوسیله، از کوشش شما در مورد همکاری برای تهیه کتاب
«آیا کودک شما نمیتواند بشنود» که خدمتی ارزنده می باشد
تشکر و سپاسگزاری می شود. و بپیوست یک نسخه از کتاب مذکور
بشما ارسال می گردد. امید است
همچنان در راه خدمت به ناشنویان کشور موفق باشید. / پ

شماره ۱۸۲۸۴/۱۸۱۰

تاریخ ۸۶/۲/۲۳

پیوست: یک جلد کتاب

مهدی محتشمی
معاون طرح و برنامه

فعالیت های رضا در بهزیستی گسترده اما تماماً در جهت رشد و ارتقاء پیشرفت ناشنویان بوده است. آن هم فعالیت هایی که زیربنایی است و تأثیر اساسی و بنیادین در جامعه هدف دارد. یکی از فعالیت های مهم رضا توسعه زبان اشاره و تحکیم مبانی و شالوده های زیربنایی آن بوده است. برای نمونه در کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره در چند دهه فعالانه کوشیده است:



شماره: ۹۰۰۹۶/۸۳۵۶۶
تاریخ: ۱۳۹۶/۶/۸

بسمتعالی

برادر گرامی جناب آقای رضا محمودی

بموجب این حکم جناب عالی را بمنون یکی از اعضای کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره فارسی ناشنویان منسوب نامید چنانچه شرح وظایف

ابلاغی انجام پذیرد.

ایستاد با تجربه توانمندی، شایستگی و سابقه طولانی جناب عالی در امور ناشنویان علی الخصوص ستود زبان اشاره و با توجه به ایزدستان و همکاری سینه در انجام امور محوله موفق و مؤید باشید.

دکتر حسین نعیمی نژاد

معاون امور توانبخشی سازمان

بهرتسلی کشور

پژوهش های او همواره در اختیار ناشنویان بوده و جامعه ناشنویان کشور، همیشه از آثار و تلاش های او در زمینه اشاره بهره مند بوده است، به خاطر همین از او تشکر شده است.

ص: ۱۲۷



دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی

تاریخ: ۱۳۹۷، ۹، ۲۵
شماره: ۱۷۷۵۹، ۱، ۱۸۰۱، ۹۷

جناب آقای رضا محمودی

بزرگداشت هفتاد و پنجمین فرصت برای ارج نهادن به دانایی، خردورزی و حیات علمی انسانهای
فرهنگت است. در این راستا امتیازات دانشگاه تدوین کتاب ارزنده بنام **اماره قدسی چهار
جلدی** را شایسته تقدیر می داند.

امید است «سایه الطاف پروردگار» در مسیر خدمت به جامعه علمی و کلیه شئونات زندگی موفق و

سربلند باشید.

دکتر محمد رضا خدائی اردکانی

معاون تحقیقات و فناوری
۱۳۹۸

دکتر کیانوش محمدی

مدیر اطلاع رسانی پزشکی و ارتباطات

ابوالحسن فقیه رئیس سازمان بهزیستی کشور در ۱۱ آذرماه ۱۳۸۵ لوح سپاس زیر را برای او
فرستاده است:

ابوالحسن فقیه رئیس سازمان بهزیستی کشور در ۱۱ آذرماه ۱۳۸۵ لوح سپاس زیر را برای او فرستاده است:

- اظهار محبت های سازمان های دیگر که اسناد آن در اختیار است عبارت اند از:

- تقدیرنامه سید محمد طباطبایی رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور، ۷ مهرماه ۱۳۷۶

- تشکر از خدمات شهرام وثوقی راد مدیرکل اخبار سیما، اسفند ۱۳۹۳

فصل دوم: فعالیتها و خدمات از منظر اسناد ۱۲۹



نوح سپاس

برادر ارجمند جناب آقای رضا محمودی

با سلام و تحیت

شکوه پیروزی انسان بر مشکلات و زیبایی استیلای نیروی اراده
بر ناملازمات حلاوتی بی حد و نشانه‌ای از مقام والای انسان به عنوان خلیفه
الهی است.

اینک که به فضل خداوند متان و در سایه الطاف حضرت حق، با پشتکار
تحسین برانگیز و همت سترگ خویش توانسته‌اید به عنوان الگویی برتر
از عزم و همت توانایی‌های خود را علی‌رغم محدودیتهای جسمی به منصه
ظهور برسانیده این توفیق را تبریک گفته و سلامتی، بهروزی و موفقیت
روزافزون شما را در سایه الطاف حضرت ولی عصر (ارواحنا لله) از
خداوند سبحان مسئلت می نمایم.

دکتر ابوالحسن فقیه
رئیس سازمان بهزیستی کشور

شماره: ۱۶۶۷/۸۰۰/۱۱
تاریخ: ۸۵/۹/۱۱

غیر از موارد فوق همکاران رضا به هنگام بازنشستگی او از سازمان بهزیستی متن زیبایی خطاب به او نوشتند که در بین متون
جالب تر است:

ص: ۱۲۹

همچنین ده ها تقدیرنامه، سپاس نامه و متن تشکر از رضا محمودی وجود دارد که تعدادی اندکی از آنها را آوردم و معرفی کردم ولی همین تعداد هم گویای مقبولیت اجتماعی و جذابیت ایشان است.

۱۳۰ جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

بِسْمِ تَعَالَى

جناب آقای رضا محمودی

بیمکار محترم دفتر آموزش

سلام علیکم

نیکو زمانی است که در سایه الطاف خداوند توفیقی حاصل شد تا با فعالیت در سازمان بهرستی در خدمت محرومان جامعه باشیم و بر این باور که علاوه بر رضایتمندی خویش رضایت حق تعالی را به همراه دارد، بیایم. اکنون پس از گذشت سالیان و پس از تلاش و کوشش بی پایان که حاصل آن کوله باری از تجربه است به افتخار بازنگستی نائل خواهید شد، امیدواریم که همانند دوران بیماری، از رهنمودهای ارزنده جنابعالی بهره مند گردیم، انشاء... در سایه مهربانی ایزدی همواره سر بلند و موفق باشید.

از طرف، بکاران شما

- | | |
|----------------------|---------------------|
| ۱- خانم شیشه غلامی | ۴- خانم مرضیه وکیل |
| ۲- خانم مصومه رضائی | ۵- خانم زکریا حسینی |
| ۳- خانم کامیلا افضلی | ۶- آقای حمام محمدی |

اما همکاری های رضا با سازمان آموزش و پرورش استثنایی در سال های اخیر زیادتر شده است. چون این سازمان خط مشی و سیاست نفی زبان اشاره را کنار گذاشت از این رو درصدد برآمد از رضا در جهت ارتقای مربیان و معلمان و کادر اداری و آموزشی و نیز دانش آموزان استفاده کند.

در حکم زیر معاون سازمان رضا را به عنوان مدرس درس آموزش زبان اشاره مفاهیم و واژگان تعیین کرده است:
در سال های بعد هم ادامه یافته است.

فصل دوم: فعالیت ها و خدمات از منظر اسناد ۱۳۱

در حکم زیر معاون سازمان رضا را به عنوان مدرس درس آموزش زبان اشاره مفاهیم و واژگان تعیین کرده است:

شماره: ۹۷۰۰۰/۱۲۸۱۱

بسمه تعالی

تاریخ: ۱۳۹۶/۱۰/۰۹

پوست:



جناب آقای رضا محمودی

با سلام و احترام

بنا به پیشنهاد معاون محترم برنامه ریزی آموزشی و توانبخشی و به موجب این ابلاغ به عنوان مدرس درس "آموزش زبان اشاره مفاهیم و واژگان" در کارگاه زبان اشاره که از تاریخ ۹۶/۱۰/۱۲ لغایت ۹۶/۱۰/۱۳ برگزار خواهد شد، منصوب می شوید. میزان تدریس این درس برای شما ۱۴ ساعت می باشد که امید است با تلاش شما و همراهی همکاران محترم این دوره به بهترین نحو ممکن انجام شود. بدیهی است حق الزحمه شما پس از تایید و گزارش مسئول محترم مرکز آموزش طبق مقررات پرداخت خواهد شد.

محسن غفوریان
معاون سازمان



در سال های بعد هم ادامه یافته است.
در زمینه ارتقای تجارب و دانش مدرسان و مربیان زبان اشاره با برگزاری کارگاه در کردستان از آقای محمودی استفاده کرده و حکم زیر برای ایشان ارسال شده است:

در زمینه ارتقای تجارب و دانش مدرسان و مربیان زبان اشاره با برگزاری کارگاه در کردستان از آقای محمودی استفاده کرده و حکم زیر برای ایشان ارسال شده است:

ص: ۱۳۱

شماره: ۹۷۰۰۰/۷۲۲۱

بسمه تعالی

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۶/۰۴

پست:



جناب آقای رضا محمودی

با سلام و احترام

با توجه به تجربیات جنابعالی در خصوص دانش آموزان آسیب دیده شنوایی، به شما ماموریت داده می شود تا به عنوان مدرس کارگاه آموزشی تربیت مدرس روش های نوین آموزش و ارزشیابی دانش آموزان با نیازهای ویژه (معلمان با مهارت های چندگانه) در اولین کارگاه که در ۱۰ تا ۱۴ شهریور ماه به میزان ۴ ساعت تدریس در استان کردستان شهر سنندج برگزار می گردد، حضور بهم رسانید. بلیط رفت و برگشت و حق الزحمه شما توسط این سازمان از محل اعتبارات مربوطه پس از تأمین آن پرداخت خواهد شد.



همین برنامه را در استان های دیگر هم برگزار کرده اند. برای نمونه سازمان استثنایی در ۵ آبان ۹۷ مثل همین حکم را برای استان گلستان به محمودی داده است.

سازمان آموزش استثنایی در سال ۹۷ تصمیم گرفت بسته های آموزشی چند رسانه ای تولید کند از این رو از آقای محمودی کمک خواست:

فصل دوم: فعالیت‌ها و خدمات از منظر اسناد ۱۳۳

شماره: ۹۷۰۰۰/۹۸۹۸

بسمتعالی

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱

پوسته



جناب آقای رضا محمودی

با سلام و احترام

به استناد بند « ۹ » ماده‌ی ۶۸ قانون خدمات کشوری و به پیشنهاد مدیر محترم ، به موجب این ابلاغ، به عنوان عضوگروه تحقیق، تولید، تدوین و تولید بسته آموزشی چند رسانه‌ای واژگان کتاب فارسی پایه اول ابتدایی با بهره گیری از تصاویر زبان اشاره" با کد برنامه ۹۷-۱۱۲-۰۲ منصوب می‌شوید. انتظار می‌رود با هماهنگی گروه، امور محوله را از تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۱ تا تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۰ زیر نظر پیشنهاد دهنده‌ی خدمت و با رعایت کلیه ضوابط و مقررات در زمان مقرر و به نحو شایسته‌ای به انجام برسانید.

در ضمن حق الزحمه‌ی متعلقه پس از تأمین و تخصیص اعتبار برنامه و نیز تأیید و گزارش مقام گیرنده‌ی خدمت، برابر ضوابط و مقررات پرداخت می‌شود.



آقای محمودی هر هفته چندین ساعت با سازمان استثنایی همکاری دارد و در حال انجام برنامه‌های زیربنای است.

آقای محمودی هر هفته چندین ساعت با سازمان استثنایی همکاری دارد و در حال انجام برنامه های زیربنای است.

فصل سوم: گفت و گو

اشاره

ص: ۱۳۵

چند مصاحبه تا کنون با رضا محمودی انجام شده و منتشر گردیده است. مطالب گفته شده در این گفت و گوها گویای تحولات تاریخی، وضعیت اجتماعی و مشکلات فرهنگی ناشنوایان است. چون از زبان خود آقای رضا محمودی است. بنابراین اطلاعات دست اول محسوب می شود. نیز ایشان در چند نشست و میزگرد حضور داشت، از جمله در نشست نمایندگان فرهنگی ناشنوایان ایران (دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۶)؛ نشست به مناسبت رونمایی از کتاب ثمینه باغچه بان (دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۷)؛ نشست با موضوع کاستی ها و قوت های زبان اشاره فارسی و ایرانی (دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵)؛ نیز چند نشست در جمع ناشنوایان نخبه در بررسی مسائل روز ناشنوایان و ناشنوایی (تهران، نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، ۱۳۹۷) حضور داشت.

متن برخی از این نشست ها ضبط نشده و از دست رفته است؛ اما مواردی که ضبط شده را می آوریم.

متن سه گفت و گو با مجله توان نامه، مجله مهر نو و روزنامه جام جم در اینجا آمده است.

ص: ۱۳۶

جهت بازدید از انجمن خانواده ناشنوایان و گفت و گو با آقای رضا محمودی در تاریخ ۲۸ دی ماه ۱۳۹۵ به دفتر این انجمن واقع در خیابان آزادی رفتیم. گروه اعزامی از مجله توان نامه عبارت بودند از علی نوری، عبدالله امینی پور و محمد نوری. مباحث مهمی با آقای محمودی مطرح شد که ذیلاً می آوریم.

* جناب آقای محمودی شما فرمودید زندگی نامه ای از شما در روزنامه جام جم چاپ شده، اکنون به موضوعات زندگی نامه نمی پردازیم و از همان زندگی نامه جام جم استفاده می کنیم. این مصاحبه را اختصاص می دهیم به موضوعات حاد و بحرانی در جامعه و فرهنگ ناشنوایان. در واقع قرارمان این بود که بیایم یک گفت و گوی اولیه داشته باشیم تا معارفه عمومی انجام شود؛ سپس پردازیم به تألیف دو کتاب یکی درباره انجمن خانواده و دوم درباره شخص شما. اما از تحصیلات خود بگویید؛ چه رشته ای را به پایان رساندید؟

- پس از دیپلم در دانشگاه هنر در تهران تحصیل کردم و لیسانس هنر در رشته صنایع دستی، گرایش قالیبافی، از همان دانشگاه هنر گرفتم.

اما به خاطر کار زیاد و سن بالا عملاً نتوانستم ادامه بدهم. من در ۲۴ سالگی فوق دیپلم گرفتم؛ یعنی در سال ۱۳۶۱. و تا سال ۷۳ دیگر درس را ادامه ندادم. ولی در سال ۷۳ تصمیم گرفتم درس را ادامه بدهم و به رشته صنایع دستی گرایش قالیبافی رفتم و شروع کردم. ظاهراً مرتبط کار نکردم و مدرک قبل را کنار گذاشتم و رشته جدید شروع کردم.

البته این ظاهر قضیه است اما در واقع چنین نیست؛ در آن زمان یعنی در سال ۱۳۷۳ جنگ عراق و ایران تمام شده و دوره سازندگی آغاز شده بود و بحث اشتغال ناشنوایان جدی بود. من بسیار فکر کردم که چه راه کاری برای اشتغال این قشر هست. به فکر افتادم نخست باید اینان توان افزایی و مهارت آموزی داشته باشند؛ یعنی کار و حرفه ای را یاد بگیرند، در این صورت مراکز تولیدی، کارخانجات و شرکت ها به سراغشان می آیند. از این رو بررسی کردم دیدم برای ناشنوایان بهترین مشاغل، صنایع دستی و در بین اینها قالی بافی است.

چون ناشنوایان، باید به سراغ کارها و مشاغلی بروند که نیاز چندان به ارتباط با مردم نداشته باشند، چون مشکل اصلی آنها ارتباط است. در صنایع دستی ناشنوا، چندان نیاز به ارتباط ندارد. دوم اینکه ناشنوایان از نظر خلاقیت و ابتکار و نیز پشتکار در سطح مطلوب اند و این ویژگی ها برای صنایع دستی

خوب است. اگر پایان نامه من را ببینید دقیقاً در راستای ایجاد اشتغال برای ناشنوایان است. عنوان پایان نامه من «آموزش قالبیابی به ناشنوایان با زبان اشاره» است. یعنی می خواستم زبان اشاره را در حوزه قالبیابی در ناشنوایان گسترش دهم و با اشاره به آنان آموزش داده شود به عبارت دیگر درصدد بودم فناوری تولید قالی را در این جامعه مطرح کنم و جذابیت ایجاد کنم و ناشنوایان را با این فناوری آشنا سازم.

پایان نامه خوبی شد و یک جلسه باید درباره ابعاد آن و تأثیر آن در حرفه های دیگر بحث کنم.

به هر حال با اینکه ظاهراً هنر و رشته صنایع دستی و قالبیابی غیر مرتبط با تحصیلات پیشین من است ولی در واقع چنین نیست و در امتداد مسیری است که آگاهانه انتخاب کرده بودم و در سال ۷۳ بر اثر پختگی افزون تر این رشته را برگزیدم.

* شما از سال ۱۳۶۱ یعنی دو یا سه سال بعد از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تا ۱۳۷۳ درس را رها کردید؛ چرا؟

- چند علت داشت، یعنی هم علت فردی و هم علت اجتماعی دارد. از نظر فردی بیشتر به فکر خانواده و کسب درآمد بودم و فکر می کردم به سراغ کار بروم بهتر است. سنی هم از من گذشته بود. اما مهم تر رخدادهای و شرایط اجتماعی بود. انقلاب شده بود، مراکز ناشنوایی پیشین تعطیل شده بود، جنگ تحمیلی شروع شده بود و حواس ها به طرف جنگ بود. مهم تر اینکه انقلاب فرهنگی شده و مراکز آموزش عالی تعطیل شده بود. همه اینها را کنار هم بگذاریم نتیجه آن عدم تداوم تحصیل بود.

* آقای محمودی ناشنوایان و کلاً معلولین در سال های ۵۸ تا ۶۷ چه وضعی داشتند یعنی چه دسته بندی می توانیم اعمال کنیم؟

- عده ای انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی را آخر خط دانسته و جایی برای ادامه فعالیت و کار در ایران نداشتند. مثلاً سازمان برخی کلاً تعطیل و ملغا شده بود. خوب اینها یک دسته بودند که اغلب کوچ کردند. و بسیاری از آنها در اروپا یا آمریکا، تحصیلات عالی خود را ادامه دادند و دکترا گرفتند و به مشاغل عالی هم رسیدند.

دسته دوم کسانی بودند که مثل اکثر مردم منتظر بودند ایران از هر نظر به ویژه از نظر رفاه و فرهنگ پیشرفت چشمگیر داشته باشد. شاه و خاندان سلطنت را مانع پیشرفت می دانستند. اما با شروع فشارهای بین المللی و با جنگ این اهداف تحقق نیافت. بیشتر از همه معلولین و در معلولین بیشتر از همه ناشنوایان از نظر شاخص های مدنی و فرهنگی مثل رفاه، سواد و این گونه امور روز به روز ضعیف تر شدند و این سیر هنوز ادامه دارد.

دسته سومی بوده اند که بسیار اندک اند تلاش کردند به اقدامات و روش های نامشروع و غیر مطلوب روی آوردند و از این طریق به ثروت و مکتب برسند.

دسته اول و سوم بسیار اندک و کم هستند و اکثریت ناشنوایان را طبقه دوم تشکیل می دهند. من هم از همین طبقه هستم؛ گاهی اسم ما را نسل فدا شده یا گاه ما را نسل فداکار و گاه نسل سوخته می نامند.

* چرا اکثر ناشنوایان مدرکشان با کارشان متفاوت است؟ و به اصطلاح در یک راستا نیست؟

- من خیلی دوست داشتم رشته مدیریت بخوانم چون با کارم تناسب داشت. اما چون آن موقع برای رابط حق الزحمه نداشتم، بدهم و بهزیستی هم کمک نمی کرد و نمی کند، به سراغ رشته هنر رفتم؛ البته بعداً متوجه شدم این رشته بهتر بوده است. همه بچه ها کارهای متفاوت با رشته تحصیلی دارند. مثلاً یکی از بچه ها رشته کارشناسی الکترونیک قدرت خوانده، ولی معلم ورزش در مدرسه بچه های عقب مانده ذهنی شده است و این مشکل عمومی است.

* آن دسته بندی که کردید و دسته دومی ها را اکثریت دانستید، به نظر می رسد ریشه بسیاری از مشکلات همان نکاتی است که گفتید؛ درست است؟

- به نظرم فقدان یا ضعف مالی و رفاهی ریشه بسیاری از اختلالات و مشکلات است. این را بارها من و همه تجربه کرده اند. کسی که امکانات مالی دارد، بهترین رشته تحصیلی می رود و در داخل یا خارج ادامه می دهد، بهترین مربی ها را استخدام می کند. اما فردی که ندارد، مجبور است تن به هر شرایطی بدهد.

* آقای محمودی شما به کشورهای مختلف مثل ژاپن رفته اید و از نزدیک دیده اید، آنان چه کار کرده اند؟

- بسیاری از کشورها در ابتدا مثل ما بوده اند؛ یعنی هیچ کشوری نبوده که از ابتدا، ناشنوایانش بهترین ها را داشته باشند، اما با تمهیدات و یک برنامه ریزی صحیح به تدریج به وضعیت مطلوب رسیدند. دولت نقش کلیدی بر عهده دارد و با ایجاد سامانه هایی به کمک ناشنوایان آمده و حساب شده آنها را به سمت زندگی بهتر سوق می دهد. اگر دولت به هر دلیل نتواند، NGOها این وظیفه را بر عهده می گیرند.

اما در ایران هنوز دولت و NGOها نتوانسته اند مسیر حرکت را مثبت کنند و هنوز ناشنوایان، شاخص های منفی تر را دارند تجربه می کنند.

اما اینکه چرا دولت نتوانسته بحث آن مفصل است. ولی بسیاری از کشورها مسیری را آغاز کردند و الآن در شرایط خوبی هستند، پس دستیابی به زندگی و رفاه خوب امکان پذیر است.

* مقایسه دو دوره پیش و بعد از انقلاب اسلامی از نظر پیشرفت شاخص ها آیا ممکن است؛ به عبارت دیگر آیا بعد از انقلاب ناشنوایان در راستای فعالیت های پیش از انقلاب بودند؟ یا نه این دوره در دو جهت متضاد است؟

- ما آن زمان در خاورمیانه اول بودیم. از سوریه، افغانستان و عراق می آمدند ایران و دوره می دیدند. استادان از ایران به آمریکا می رفتند و درس می دادند. ولی همه اینها تمام شد. من رفتم ژاپن، دوره

مدیریت دیدم. بچه ها را آنجا دیدم و تجارب را گرفتیم و آوردیم برای پیاده کردن و فکر می کردیم تا چند سال بعد از ژاپن جلو می افتم.

من در سال ۱۳۸۷ پیش آقای هاشمی رفسنجانی رفتم و به ایشان گفتم وضع ناشنوایان خیلی بد و بحرانی است. آموزش زبان اشاره تعطیل شده است. به مؤسسات کمک نمی شود. به ایشان خواسته ها را گفتیم. در آخر به او گفتیم مکان برای انجمن نداریم و جایی می خواهیم. به ما گفت این خواسته ها کوچک هست. خواسته های کلان بگویید. نامه نوشت گفت بروید بنیاد مسکن امام. بعد ما رفتیم مسئولش به ما گفت چرا خودش نمی دهد، چرا ما بدهیم. این ساختمان که ما داریم سازمان دیگری به ما داده است. بالاخره پس از چند سال به هیچ نتیجه ای نرسیدیم.

این را نقل کردم تا بگویم پیش از انقلاب دستگاه های دولتی، جرأت مخالفت نداشتند و به بسیاری از مراکز ناشنوایان مثل مدرسه باغچه بان در بهترین مناطق تهران ساختمان داده شد و همه گونه امکانات در اختیارشان می گذاشتند. اما پس از انقلاب مراکز دولتی و مدیران رسماً از دستورات مافوق سرپیچی می نمایند.

* گویا انجمن خانواده ناشنوایان اساساً برای ارتقای خانواده ها و آموزش آنها و تعلیم بزرگسالان تأسیس شده است؟

- محمودی تا اوایل انقلاب، سازمان ملی ناشنوایان کلاس های سوادآموزی ناشنوایان را به عهده گرفته بود. بزرگسالان ناشنوا هم در کلاس دیگر تحصیل می کردند. اما کسانی که از تحصیل افتاده بودند یا در شهرستان بوده، برای آنها در مرکز آیت کلاس سوادآموزی گذاشته شد. بعد از انقلاب تا حدود ۱۵ سال پیش ادامه دادند. اما بعداً مراکز ناشنوایان در بهزیستی ادغام شدند؛ مراکز آموزش حرفه ای و سوادآموزی هم انجام شدند. مرکز آیت تحت نظر بهزیستی اداره می شد. ولی یک روز رئیس بهزیستی استان تهران آقای یونس لطفی، آموزش فنی و حرفه ای و سوادآموزی را منحل کرد. به او گفتیم چرا منحل کردی و این کلاس ها لازم است؟ گفت اگر کسی می خواهد حرفه ای یاد بگیرد، به مرکز آموزش فنی و حرفه ای بروند برای سوادآموزی هم سازمان نهضت سوادآموزی بروند.

همچنین یونس لطفی از وقتی مدیرکل بهزیستی استان تهران شد، همه خدمات برای ناشنوایان را به هم ریخت. الآن اگر به مرکز آیت بروید، می بینید اصلاً جایی برای ناشنوایان نیست. اما انجمن خانواده، ۸ سال است که دارد کار می کند؛ با همین کتاب های سازمان نهضت سوادآموزی می خواهیم، ناشنوایان را باسواد کنیم. اما عملاً نمی شود و ممکن نیست. چون حجمش زیاد است و اساساً برای این گروه تألیف نشده است. تا سال ۹۲ کار کردیم و با اصرار ما منابع و روش تعدیل شد.

در مرکز آیت سوادآموزی، دو کتاب مخصوص سوادآموزی ناشنوایان نوشته ثمنه باغچه بان، داریم. خانم ثمنه باغچه بان سال های بسیار با ناشنوایان کار کرده و نزد پدرش چند دهه تجربه آموخته است و می داند برای بزرگسالان چه بنویسد. اما یک جوان کم تجربه ولی مدعی آمده و کتاب نپخته ای آورده و اصرار هم دارد همین کتاب برای بزرگسالان تدریس شود. بالاخره وضع سوادآموزی به بزرگسالان ناشنوا هنوز مشکلات بسیار دارد. برنامه ای که نهضت دارد شامل کتاب قرآن، کتاب عربی، کتاب فارسی و غیره است. یک ناشنوا که مفاهیم را به درستی نمی داند چگونه اینها را یاد بگیرد. او اول باید

خوب فارسی را یاد بگیرد، بعد به سراغ عربی برود. یاد گرفتن فارسی، دو سال طول می کشد؛ شاید هم بیشتر. ولی هفته ای ۲ روز برنامه دارد. به خاطر همین گفتیم تدریس برنامه و کتب نهضت سوادآموزی ممکن نیست. و خودمان شروع به برنامه ریزی کردیم.

* یک نکته مهم من حدود سی سال است در جامعه معلولین و ناشنوایان کار پژوهشی می کنم ولی این خبرهایی که راجع به نهضت و سوادآموزی ناشنوایان گفتید نمی دانستم. شما و امثال شما چرا اطلاع رسانی نمی کنید.

مرحوم باغچه بان در کتاب خاطراتش می نویسد که من دو سال آخر عمرم فهمیدم که چه اشتباهی کردم که تاریخ مسائل، حوادث ناشنوایی را ننوشتم و شروع به نگارش می کنند و کتابی را مختصر در تاریخ ناشنوایی نوشته است. شما و ما هم باید همین کار را بکنیم. مثلاً کسی مانند آقای یونس لطفی کار اشتباهی انجام داده یا فرد دیگری خیانت کرده، باید این موارد را در تاریخ بنویسیم. تا آیندگان بدانند.

- درست است باید نوشته و اطلاع رسانی شود تا نسل های حال و آینده حداقل فکر نکنند، همه این مشکلات بر گردن ما بوده که مسئولیت داشته ایم.

* فعالیت در جامعه ناشنوایی را از چه زمانی شروع کردید؟

- از جوانی وقتی که در سال ۱۳۵۷ دیپلم گرفتم یعنی اوایل انقلاب وارد خانه فرهنگی جوانان ناشنوایان شدم. آنجا به عنوان رئیس هیئت مدیره بودم. از وقتی دیپلم گرفتم در جاهای مختلف کار کردم. در خانه فرهنگ ناشنوایان، کانون ناشنوایان، خانه فرهنگی شفق و همین انجمن خانواده ناشنوایان.

* چند تا از مراکز را خودتان تأسیس کردید؟

- فقط خانه فرهنگی شفق را می توان گفت من بنیانگذارش بودم و سریع هم تعطیل شد.

* چرا تعطیل شد؟

- چون مکان ثابت نداشتیم و اختلاف نظرهایی که بین هیئت مدیره بود باعث شد. دیگر ادامه ندادند. کانون شفق در پارک شفق در یوسف آباد نزدیک مدرسه باغچه بان شود.

* فعالیت های شما در جامعه ناشنوایان بیشتر فرهنگی یا مدیریتی یا علمی بوده است؟

- همه این فعالیت ها بوده است. ولی بیشتر روی آموزش زبان اشاره کار می کنم ولی مدیریت هم داشته ام. فعالیت های من دوره ای بوده، یعنی در هر دوره بیشتر فعالیتیم در زمینه ای بوده است.

ابتدا بیشتر کارهای مدیریتی و اجرایی را تقبل می کردند، بعداً به امور فرهنگی مثل اجرای خبر ناشنوایی در سیما را شروع کردم و بالاخره به زبان اشاره علاقه مند شدم و به فعالیت های علمی و پژوهشی رو آوردم.

* به عنوان یک ناشنوا آیا از این سیر کاری و از این مجموعه فعالیت که انجام داده اید راضی هستید؟ یا قابل نقد می دانید؟

- قطعاً اشکالاتی داشته ایم و نقدهایی در کارمان هست. اما مهم ترین نکته این است که تمام امور و عوامل در اختیار ما نبوده تا بتوانیم برنامه ریزی کنیم و بر اساس یک طرح حساب شده عمل کنیم. من و دیگر افراد مثل من تابع ده ها اقتضاء اجتماعی، مدیریتی و سیاسی هستیم و در واقع دیگران تصمیم می گیرند و ما باید عمل می کردیم. در خیلی از موارد، حق اعتراض هم نداشتیم.

* اجازه بدهید به زبان اشاره که مورد علاقه شما هم هست پردازیم؛ چرا آموزش زبان اشاره در مدارس استثنایی تعطیل شد و دیگر آموزش نمی دهند؟

- من قبل از انقلاب یعنی سال ۵۶ در مدرسه ناشنوایان باغچه بان استخدام شدم. یعنی همان زمان که دیپلم گرفتم به پیشنهاد ثمینه باغچه بان شروع به کار کردم. ایشان گفتند معلم نیست بیا تدریس کن. فکر کنم کمیته توسعه زبان اشاره در سال ۱۳۵۴ در آموزشگاه باغچه بان و سازمان ملی رفاه ناشنوایان تأسیس شده بود. بعد خانم باغچه بان پیشنهاد داد، علاوه بر آموزگار در این کمیته هم کار کنم. سال ۵۷ وارد کمیته توسعه شدم.

* آن زمان در کمیته چند نفر بودید؟

- من وقتی وارد شدم فکر کنم حدود ۸ نفر می شدیم، البته با خودم، یعنی محسن لوح موسوی، مرتضی پیروزی، سید رضا شهیدی، کامران رحیمی، حبیب تهرانی زاده و خانم ها ایران بهادری، فاطمه آقامحمد.

خانم ثمینه باغچه بان در مدرسه باغچه بان در خیابان دولت گفتند، فقط زبان اشاره در مدرسه باغچه بان به صورت آزمایشی، کار کنند اگر نتیجه داد و بچه ها موفق شدند در جاهای دیگر گسترش بدهند. آقای جبار باغچه بان تأکید می کرد، ناشنوایان باید حرف زدن را یاد بگیرند اما با کمک اشاره، آن هم اشاره الفبا نه اشاره کلمات.

لب خوانی و اشاره الفبا را یاد بگیرند. بعد از وفات باغچه بان، خانم باغچه بان مدیریت می کرد و گفتن: زبان اشاره را باید امتحان کنیم. در خیابان دولت خیلی موفق بودند. اما در مدرسه باغچه بان قبلاً روش ارتباط کلی را به بچه ها آموزش می دادند.

وقتی که سازمان ملی رفاه ناشنوایان با بهزیستی ادغام شد، این کمیته به سازمان بهزیستی منتقل شد. و بعد از مدتی به دست دانشگاه علوم بهزیستی افتاد. آنجا ۴ عنوان کتاب چاپ شد؛ بعداً دو کتاب دیگر، دانشگاه علوم بهزیستی چاپ کرد. من به خاطر اینکه می خواستم پست کارم را عوض کنم از کمیته بیرون آمدم. البته اختلاف نظرها هم زیاد بود.

* این مهم است که در تاریخ بیاوریم. این کمیته توسعه زبان اشاره سال ۵۹ به بهزیستی منتقل می شود، ولی در آن زمان، بهزیستی گویا علاقه به این بحث نداشت و اتاق و تابلو به کمیته نداد. از این رو کمیته منحل شد.

- بله. به خاطر اینکه آقای موسوی، پیروزی و تهرانی زاده بازنشست شدند. وقتی این افراد بازنشسته شدند نیروی جدید را قبول نکردند تا کمیته را گسترش دهند و کمیته را عملاً منحل کردند.

* بهزیستی اگر می خواست می توانست افراد جدیدی را بیاورد. آقای محمودی شما نگویید تقصیر آقای موسوی و دیگران بوده، بگویید تقصیر بهزیستی بوده که این کمیته منحل شده است. بهزیستی نیرو نگرفت. و در واقع رکن زبان اشاره منحل شد و یک ضربه مهلک وارد شد؟

- بله، آن زمانی که دکتر یونس لطفی زبان اشاره را به دست می گیرد و بعداً تعطیل می کند، خودش یک لغت اشاره بلد نیست. و تجربه ای هم نداشت و بسیاری از مشکلات در دوره مدیریت او به وجود آمد.

* دکتر یونس لطفی نهادهای دیگر ناشنایی را هم تعطیل کرد؟

- مرکز آموزش فنی و حرفه ای و مرکز نهضت سوادآموزی را هم تعطیل کرد.

* بعد سال ۷۵ ضربه نهایی وارد شد و مدارس استثنایی را وادار کردند که لب خوانی کار کنند و عملاً زبان اشاره را تعطیل کردند.

- وقتی کارشناسان استثنایی وارد اداره استثنایی شدند، به عنوان کارشناس به رئیس اداره خط دادند و گفتند ناشنوا نباید اشاره حرف بزند. زیرا کارشناسان زبان اشاره نمی دانستند و چون خودشان نمی فهمیدند، ناشنویان را هم فقط می خواستند لب خوانی کنند.

* در واقع اداره آموزش و پرورش استثنایی به جای تأمین معلم و تربیت معلم به بهانه نداشتن معلم، زبان اشاره را تعطیل کرد. باید معلم می گذاشتند تا آنها هم اشاره یاد بگیرند. مثل خانم ثمینه باغچه بان که این کار را می کرد؟

- البته بعداً به اسم گسترش زبان اشاره، یک پژوهشکده تأسیس کردند، اما مسئول آن پژوهشکده آقای جویباری بود که مخالف زبان اشاره بود. از این رو اسماً در راستای زبان اشاره کار می کردند ولی در واقع در مسیر مخالف آن.

* چرا مخالف بودند؟

- چون اسمشان کارشناس یا مدیر بود ولی زبان اشاره بلد نبودند. این گونه افراد اگر بخواهند هم در عمل نمی توانند چون از قدیم گفته اند فاقد چیزی نمی تواند معطی آن باشد.

* این افراد که مخالف زبان اشاره بودند، چه انگیزه و دلیلی داشتند؟

- اولاً- چون بلد نیستند، می خواهند ناشنوا را وارد جامعه کند. ولی راهش این نیست. مثل اینکه از نابینا عصا را بگیری و بگویی برو. ما ناشنوایان اعتقاد داریم برای ورود به جامعه باید زبان اشاره یاد بگیریم و مفهومی را بفهمیم وقتی ناشنوا مفهوم را بفهمد می تواند ارتباط برقرار کند. اما ما می گوئیم زبان اشاره همراه با گفتار یعنی تا جایی که می تواند گفتارش را هم اصلاح کند و تکامل بدهد؛ بلکه بعضی دستگاه گفتاری آنها طوری است که نمی توانند، از آنها نمی خواهیم. یعنی همه را با یک چوب نمی توان حرکت داد.

* درباره علل مخالفت وزارت آموزش و پرورش با آموزش زبان اشاره و علل حذف آن تا جایی که وزیر هم گاه با زبان اشاره مخالفت کرده، تحلیل شما چیست؟

- من نمی دانم. چون در آموزش و پرورش نبودم و ارتباط چندانی با آنها ندارم نمی دانم و باید از خودشان پرسید.

* به نظر شما از چه کسی پرسیم؟

- اتفاقاً مرداد یا خرداد با جمعی از هیئت مدیره رفتیم دیدن رئیس آموزش و پرورش استثنایی آقای مجید قدمی. ایشان قبلاً معلم بوده است. در زبان اشاره یکی از بهترین افراد است و تسلط بسیار عالی به زبان اشاره دارد.

کسانی که با او هستند و در کنارش هستند مخالف زبان اشاره اند. چون می خواهند کار اداری انجام بدهند و به امور زبان اشاره نمی رسند. من به او گفتم چرا در مدارس اشاره آموزش نمی دهند؛ حتی معلم ها با دانش آموزان اشاره کار نمی کنند.

گفت این طور نیست. کدام معلم بوده من بروم پدرش را در بیاورم. گفتم ما بریم بازدید مدارس؟ گفت: بروید من با زبان اشاره موافقم. اما به نظر می رسد آقای قدمی فقط در حرف با زبان اشاره موافق است ولی اقدام عملی و اجرایی نداشته است. یا نتوانسته نظام را جوری درست کند که زبان اشاره پیشرفت کند.

* به نظر می رسد مسئولین و مدیران آموزش و پرورش وقتی استقبال عمومی از زبان اشاره و کارآیی مثبت این زبان را متوجه شدند، مخالفت های خود را پنهان کردند. یعنی در ظاهر خودشان را همراه خواست عمومی نشان می دهند ولی در واقع کار خودشان را انجام می دهند. اما آیا راهی هست که بتوان متوجه شد که نیت و خواست واقعی این مدیران چیست؟

- به نظرم بهترین راه برای تشخیص، تفکر یک نفر، عمل و کارنامه عملی است. باید بررسی کنیم که آموزش و پرورش از سال ۵۹ تا الآن در زمینه زبان اشاره چه اقداماتی داشته و چه کتاب هایی منتشر

کرده، چند همایش گذاشته، چند دوره کارگاهی برای تربیت مربیان برگزار کرده است؟ اگر پاسخ این پرسش ها منفی باشد پس معلوم می شود فکر و خواست مدیران تقویت و ترویج زبان اشاره نیست.

* اما در زمینه کاشت حلزون چه نظری دارید؟

- همین دیروز یک نفر دو تا بچه ناشنوا دارد. بچه اول را کاشت حلزون انجام داده ولی بچه دوم را اجازه ندادند و گفتند باید سمعک بگذارند. پدر و مادرها اطلاع ندارند. اولاً اطلاع ندارند؛ دوم تحت تأثیر تبلیغات به کاشت سودمند است قرار می گیرند و اصرار به کاشت دارند ولی پس از مدتی به اشتباه خود پی می برند.

* در اخبار سایت ها و اینترنت مقاله ای یا مطلبی از مشکلات بعد از کاشت یا عدم موفقیت آن نیامده است. یعنی آگاهی دهی به مردم وجود ندارد برعکس تبلیغات زیاد هست که بچه ها با کاشت شنوا می شوند. باید از یکی از پزشکان بخواهید مقاله ای در این باره بنویسد. کلی هزینه آن زیاد است و نهایتاً ۳۰ تا ۲۰ درصد شنوا می شوند ولی مشکلات و پیامدهای بعد از کاشت، بسیار است. چرا شما مصاحبه نمی کنید در سایت خودتان یا دیگران که این مشکلات را اطلاع رسانی کنند؟

- من در این مورد با ناشنوایانی که کاشت حلزون کرده اند مصاحبه کرده ام و فیلم هایش موجود است. انجمن خانواده هم با کاشت حلزون مخالفت هستند.

* ما می توانیم اینها را در سایت یا مجله انعکاس بدهیم و اطلاع رسانی کنیم و می توانیم این فیلم ها را هم برای شما پیاده سازی کنیم. همچنین می توانیم همایش برگزار کنیم و نخبگان از مخالف و موافق نظراتشان را بگویند؛ خانم ها موللی، سلیمی و دیگران؛ با حضور خبرنگاران فقط در مورد کاشت حلزون صحبت کنند؛ چگونه؟

- خیلی خوب است نمی دانم چرا تاکنون درباره کاشت حلزون همایش و نشست جدی نبوده است. و اقدام علمی جدی در این باره نشده است.

* آمریکا و اروپا هم برای ناشنوایان و هم برای عموم مردم زبان اشاره دارند. مثلاً راننده تاکسی فارسی بلد نیست یا من آلمانی بلد نیستم، با زبان اشاره می گویم که من می خواهم بروم کتابخانه. یعنی همه مردم زبان اشاره بلد هستند، ناشنوا هم بلد هست. اگر این ایده را می پسندید در ایران هم مطرح بشود؟

- من سفری به ژاپن برای گذراندن دوره مدیریت رفتم. ما را چند جا بردند. یک جایی بود به اسم مرکز نگهداری سالمندان ناشنوا. از نگهبان تا مدیر همه زبان اشاره بلد هستند، حتی آشپزی که می خواهد غذا بدهد و راحت ارتباط برقرار می کنند. در آمریکا بودم با دو تا از دوستان ناشنوا و یک سگ رفتیم از یک موزه بازدید کردیم. سگ پارس می کرد من نفهمیدم، دوستای ناشنوا هم نفهمیدند.

آقایی که راهنما بود، آمد جلو و صحبت کرد، متوجه نشدیم چند دقیقه بعد یک خانم آمد و با اشاره صحبت کرد و گفت مواظب سگ تان باشید. همه افراد باید زبان اشاره را بلد باشند. ولی نه مثل یک رابط، حداقل در حدی که بتوانند یک ارتباط اولیه داشته باشند زبان اشاره را بلد باشند.

* با اینکه در قرآن، در سیره معصومین علیهم السلام، زبان اشاره مطرح است و آن را درست و مشروع دانسته اند و با اشاره با مردم تعامل داشته اند، اما چرا در نظام اسلامی ایران با آن مخالفت می شود؟

پیغمبر و امام ها با زبان اشاره حرف می زدند، در قرآن هم آمده زکریا چند هزار سال قبل از پیغمبر اسلام بوده است و اشاره را می دانسته و به آن عمل کرده است.

بله درست است. من یک کتاب دارم به نام آموزش قرآن به زبان اشاره برای کودکان شنوا و ناشنوا. یعنی نه فقط برای افراد ناشنوا بلکه به افراد شنوا هم آموزش قرآن می دهد.

* به نظر شما، سازمان بهزیستی چه موضعی درباره زبان اشاره دارد؟

- اخیراً سازمان بهزیستی، زبان اشاره را به رسمیت شناخته ولی کتباً این را اعلام نکرده است. زبان اشاره به عنوان یک مسئله آموزشی باید در آموزش و پرورش حل شود. ولی به عنوان یک مسئله توان بخشی و یک موضوع اجتماعی باید بهزیستی نظر بدهد.

* ناشنویان تاکنون نتوانسته اند مشکلاتشان را اطلاع رسانند و جامعه را با خودشان همراه کنند. فرهنگ سازی کنند و از این طریق جامعه را در راستای اهداف خودشان بسیج کنند؟

- درست است ناشنویان روش و ابزار ارتباط با جامعه و بسیج افکار عمومی را ندارد. اگر جامعه ناشنوایی می توانست کتاب هایی درباره مشکلاتش تألیف و منتشر کند خیلی مؤثر می شد. ولی نویسندگانی که داریم، ادبیات آنها فرق دارد. مثلاً خانم موللی خودشان کتاب می نویسند ولی مخالف زبان اشاره است. چون خودشان زبان دیگری را کار می کنند. و با کاشت حلزون موافق است و برای آن تبلیغ هم می کند. آقای پاکزاد قبلاً کتاب می نوشت ولی دیگر نمی نویسند.

* به نظر می رسد اختلاف و تشتت در جامعه ناشنوایی بیشتر است، چرا؟

- این اختلاف در ناشنویان علت دارد. در جامعه نابینایان شاید اختلاف دارند ولی نشان نمی دهند. در جمع تشکل های معلولین که من هستم اگر اختلاف هم داشته باشند ولی در ظاهر با هم متحد هستند. ناشنواها یک کم تحت تأثیر افراد شنوا هستند. مثلاً من اینجا نشسته ام، من نمی فهمم بیرون چه خبر است، خانم سالاری به عنوان رابط خبرها را از بیرون به من می گوید. هر آنچه خودش از مطالب درک کرده به من می گوید. در همین زمان رابط دیگری این خبر را جور دیگر بیان کند.

مشکل این است که رابط ها هر آنچه از یک مطلب درک می کنند را به ناشنوا انتقال می دهند. و شاید آن برداشتی که از یک مطلب دارد، اشتباه باشد. و رابط دیگر مطلب را به طریق دیگر به ناشنوا گفته باشد و اینجا هست که سوء تفاهم و اختلاف پیش می آید. ولی یک نابینا به دلیل شنوایی که دارد. درک درستی از مطالب و اتفاقات اطراف خود دارد.

* دلیل مهم همین است. آن کانال که به شما اطلاعات را می دهد مشکل است شما چه راه حلی پیشنهاد می کنید. در خارج کشور چه کار کرده اند؟

- در خارج هم اختلاف هست؛ ولی مثل ایران نیست. مثلاً در آلمان دیدم همه جمع می شوند و گفت و گو دارند و سعی می کنند با گفت و گو، مشکلات را حل کنند. دومین مشکل هم ناآگاهی است. مثلاً من در مورد قانون آگاهی کمی دارم. و چون دایره لغات یک ناشنوا کم هست حتی کتاب هایی را هم که می خوانند شاید متوجه نشوند. چون برخی مطالب را متوجه نمی شوند.

* راه حل این مشکل چیست؟

- شاید چاپ کتاب هایی که به زبان ساده تر نوشته شود و ویژه افراد ناشنوا باشد. مثلاً شما اخبار ناشنوایان را در روز جمعه نگاه کنید متوجه می شوید که چقدر ساده شده است و همه ناشنوایان متوجه می شوند. ما باید چند کتاب به این صورت ساده چاپ کنیم تا ناشنوایان اطلاعاتشان بالا برود و متوجه شوند.

* آن دانشنامه ای که در مورد ناشنوایان کار شد تأثیرش چه بوده است؟ منظورم دانشنامه ناشنوایان است.

- این کتاب افتخار جامعه ناشنوایی ایران است. هیچ کشوری جزء ایران و آمریکا این نوع دایره المعارف را ندارد. ناشنوایان ایران به مرور با این دانشنامه آشنا می شوند و متقاضی این کتاب زیادتر شده است. به هر حال هر مقدار کتاب و فرهنگ در ناشنوایان بیشتر شود و آگاهی آنان بالا برود مشکلات کمتر می شود.

* خود ناشنوایان باید وارد نویسندگی، گزارش نویسی، روزنامه نگاری شوند و با افزایش این مشاغل در جامعه هدف بسیار از مشکلات رفع می شود؛ نظر شما چیست؟

- رسیدن به این هدف که ناشنوایان بتوانند مشاغل علمی و فرهنگی داشته باشند، مقبول و مورد علاقه همگان است. اما چگونه؟ رسیدن به این هدف چگونه ممکن است؟

یک راه آموزش است، راه دیگر معرفی چهره ها و شخصیت ها به عنوان الگو است. مثلاً باغچه بان یا ثمین باغچه بان را باید به عنوان الگو معرفی کنیم. چون اینها نویسنده و هنرمند هم بوده اند.

* در پایان تشکر می‌کنم از جناب آقای محمودی که در این مصاحبه شرکت کردند. این گفت‌وگو گام اول برای شروع کتابی درباره خود آقای محمودی است. و کار تألیف را شروع می‌کنیم. البته یک کتاب آن هم درباره شخصیت‌هایی مثل آقای محمودی که اسناد و مدارک بسیار دارد و پراکنده است و در واقع یک عمر را باید نوشت، کار بسیار دشواری است و فقط با کمک خود ایشان و نیز دیگر ناشنوایان نخبه امکان پذیر است.

ص: ۱۴۸

مصاحبه با روزنامه جام جم

اشاره

نوشتار حاضر گویای دیدگاه‌های رضا محمودی در زمینه نقش و جایگاه سیما و تلویزیون در زندگی ناشنوایان در ایران است. در اصل مصاحبه‌ای با آقای محمودی بوده که توسط مهراوه فردوسی آماده و در روزنامه جام جم (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۱، صفحه ۹) با عنوان «سهم ناشنوایان از تلویزیون چقدر است؟: بخش خبری ناشنوایان شبکه دو سیما یکی از قدیمی‌ترین برنامه‌های مخصوص این قشر در تلویزیون است»، منتشر گردید. اکنون همان مطلب را در اینجا بدون کم و کاست می‌آورم.

* نقش و تأثیر رسانه ملی در زندگی ناشنوایان چیست؟ توضیح بدهید؟

رسانه‌های جمعی به خوبی توانسته‌اند جای خالی ناآگاهی‌ها را - که یکی از مسائل گریبان‌گیر نسل کهن بود - پر کنند. جوامع بشری نیز با استفاده از این امکانات در عصر اطلاعات موفق به بالا بردن ناآگاهی خود از دنیای پیرامون شدند. بسیاری از مردم با دیدن تلویزیون و شنیدن رادیو خود را در معرض ناآگاهی از محیط اطراف قرار می‌دهند و با این کار وجود خود را در جامعه تثبیت و جایگاه خود را در اجتماع پیدا می‌کنند.

ناشنوایان نیز جزو افراد یک جامعه هستند که با توجه به نقص فیزیکی خود مجبورند تلاش بیشتری برای ورود به جامعه و تبدیل شدن به عنصری مفید بکنند و از آنجا که ورود به جامعه نیازمند بهره‌بردن از امکانات رفاهی، سرگرم‌کننده و ناآگاهی‌دهنده است، این قشر از افراد جامعه خواه ناخواه از یکی از اصلی‌ترین امکاناتی که برای دیگر مردم در یک جامعه فراهم است محروم‌اند. استفاده از تلویزیون و رادیو به عنوان اصلی‌ترین و فراگیرترین وسایل ارتباط جمعی از جمله این امکانات است. از آنجا که رادیو اصولاً بر پایه حس شنوایی اختراع شده، این رسانه عملاً برای ناشنوایان بی‌استفاده می‌شود. با این حساب، تلویزیون تنها وسیله‌ای است که می‌تواند حس دیداری ناشنوایان را ارضا کرده و برای آنها کارکرد مثبتی ایفا کند.

اما ناگفته پیداست اگر ناشنوایان نتوانند با شخصیت‌های اصلی سریال‌ها یا مجریان اخبار گو و محتوای چیزی که می‌گویند ارتباط برقرار کنند. برنامه‌های تلویزیون برای آنها بی‌معنی و این موضوع در نهایت باعث دلزدگی آنها از این رسانه می‌شود. این موضوع وقتی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم تلویزیون نقش مهمی در زندگی افراد دارد و با اهمیت ندادن به ناشنوایان در استفاده از تلویزیون، عملاً این افراد را از گردونه چرخ بزرگ جامعه حذف می‌کنیم. اما تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در دهه ۷۰ به این فکر افتاد در برنامه‌های خود امکانی را ایجاد کند که این برنامه‌ها برای ناشنوایان نیز قابل استفاده شود.

* از چه زمانی اخبار‌گویی در تلویزیون را آغاز کردید؟

- سال ۶۴ بخش تازه نفسی به نام اخبار ویژه ناشنویان در شبکه دو سیما راه اندازی شد و چند رابط خبری از جمله رضا محمودی اجرای این بخش را به عهده گرفتند. بعد از گذشت چند سال این بخش خبری در برخی مواقع تبدیل به باکس کوچکی شد که در گوشه سمت چپ تلویزیون، رابطان خبری را نشان می‌داد که اخبار را برای ناشنویان با زبان اشاره ترجمه می‌کردند. این گونه بود که اخبار ناشنویان به عنوان بخش ثابت برخی از بخش‌های خبری در شبکه‌های مختلف تلویزیونی تبدیل شد.

شبکه تهران در زمان پخش سریال «روزگار جوانی» مخاطبان ناشنوا را هم در نظر گرفت و در زمان پخش این سریال، یک رابط، دیالوگ‌های این سریال را برای ناشنویان معنا می‌کرد. این روش در چند سریال و در سال‌های بعد ادامه یافت، اما به مرور دیگر ادامه نیافت.

* ورود فعالانه ناشنویان به جامعه با رسانه ملی امکان‌پذیر است؟

- من محمودی جزو اولین کسانی بودم که به عنوان رابط ناشنویان در بخش‌های مختلف مربوط به آنان در تلویزیون مشغول به کار شدم. او ناشنوا و محقق و مدرس زبان اشاره ناشنویان نیز است. اکنون در مرکز غیر دولتی انجمن خانواده ناشنویان ایران در زمینه آموزش زبان اشاره و توانبخشی ناشنویان فعالیت می‌کنم. البته بیش از او فاطمه آقامحمد، سردبیر فعلی بخش خبری مربوط به ناشنویان اولین رابط خبری این اخبار بود.

او درباره چگونگی شکل‌گیری اخبار ناشنویان به «جام جم» گفت: فاطمه آقامحمد به عنوان کارشناس و رابط ناشنویان و همچنین سردبیر این بخش خبری مهم‌ترین خبرهای هفته را جمع‌آوری می‌کند و با نظارت کارشناسان، این اخبار را برای ناشنویان قابل استفاده و آنها را ویرایش می‌کند. این اخبار به دست مجریان می‌رسد و با تبدیل به زبان اشاره برای ناشنویان پخش می‌شود.

وی با اشاره به اینکه این بخش خبری برای بینندگان از جذابیت بالایی برخوردار است، گفت: از آنجا که این بخش همه‌گیر و هم برای شنوایان و هم ناشنویان قابل استفاده است، کارکرد بسیار مثبتی دارد. همچنین اگر به دلیلی یک ناشنوا نتواند از سایر منابع خبری هفته استفاده کند. در این بخش مهم‌ترین خبرهای یک هفته را می‌بیند.

خبری برای ناشنویان را به عهده می‌گیرند نیاز به آموزش دارند و آموزش این افراد به عهده حوزه توانبخشی سازمان بهزیستی و مراکز غیر دولتی ویژه آموزش ناشنویان است. انجمن خانواده ناشنویان ایران نیز در این امر نقش مهمی ایفا می‌کند.

وی درباره ضرورت وجود بخش خبری مربوط به ناشنویان افزود: در تمام دنیا افراد یک جامعه در کنار هم می‌توانند به رشد و اعتلای یک جامعه کمک کنند. پس این تکلیف به عهده مسئولان مملکتی است که با حداقل هزینه‌های مادی و انسانی زمینه ورود فعالانه همه اقشار جامعه از جمله ناشنویان را به اجتماع فراهم کنند.

وی ادامه داد: خوشبختانه با ایجاد بخش های مربوط به زبان اشاره ناشنوایان در برنامه های مختلف تلویزیونی این امکان برای این قشر از جامعه پیدا شد که در کنار سایر شهروندان از برنامه های تلویزیون استفاده کنند. همچنین ترجمه اخبار مربوط به حوزه های اقتصادی، سیاسی، ورزشی و...

ص: ۱۵۰

قدم مثبتی در زمینه اعتلای آگاهی عمومی ناشنویان است. چرا که یک ناشنوا می تواند با دیدن یک بخش خبری، فرهنگی را برطرف کند.

محمودی گفت: در بخش خبری ناشنویان، همه افراد از جمله ناشنوا و شنوا با هم همکاری می کنند و بیشتر کسانی که برنامه را اجرا می کنند دچار اختلال ناشنوایی هستند.

* درباره تداخل زیرنویس هم توضیح بدهید؟

- از آنجا که اتحادیه رادیو و تلویزیون های آسیا و اقیانوسیه (ABU) و همچنین اتحادیه رادیو و تلویزیون های اروپا (EBU) بر استفاده از رابط ناشنویان و زیرنویس در تلویزیون های دولتی تأکید دارند، توجه به این بخش از برنامه های تلویزیون و نهادینه کردن آن اهمیت بالایی دارد. در حال حاضر نیز اکثر شبکه های تلویزیونی دنیا برای برخی بخش های خبری از رابط ناشنویان استفاده می کنند، کشور ایران نیز در بین کشورهای همسایه در این زمینه پیشتاز است.

شبکه تهران نیز از جمله شبکه هایی است که برای اولین بار به این قشر از بینندگان تلویزیون توجه ویژه ای کرد. این شبکه در مقطعی، دیالوگ های تمام آثار نمایشی خود را به صورت زیرنویس برای بینندگان ناشنوا ترجمه می کرد.

علیرضا نیک اندیش، مدیر تأمین شبکه تهران در رابطه با این موضوع گفت: زمانی مسئولان بهزیستی با جلسه ای که با مدیران شبکه داشتند درخواست کردند آثار نمایشی این شبکه نیز به صورتی برای ناشنویان قابل دیدن شود. ما هم دیالوگ های سریال ها را در زمان تکرار آنها به صورت زیرنویس پخش می کردیم. این موضوع بسیار مورد استقبال قرار گرفت. بسیاری از مدیران بهزیستی معتقد بودند زیرنویس ها غیر از دیدنی تر کردن سریال ها برای بینندگان ناشنوا، به رشد فرهنگ مکتوب آنها نیز کمک می کند.

وی در مورد اینکه چرا این زیرنویس ها در حال حاضر برای آثار نمایشی وجود ندارد، گفت: این روش ادامه داشت، اما در مواقعی زیرنویس های سریال ها با تبلیغات و اطلاع رسانی هایی که به صورت زیرنویس به نمایش درآمد، تداخل پیدا می کرد و این موضوع باعث به هم ریختگی ظاهری قاب تصویر می شد. به همین دلیل از شش ماه پیش زیرنویس سریال ها و فیلم های نمایشی را متوقف کردیم، اما اگر این مشکلات رفع شود و سازمان بهزیستی ضرورت و لزوم ایجاد چنین بخشی را با مدیران مطرح کند حتماً این موضوع را دوباره مورد توجه قرار می دهیم. (۱)

ص: ۱۵۱

این نوشتار در اصل مصاحبه زهره حاجیان با رضا محمودی است که با عنوان «زبان ما را لطفاً بیاموزید: لحظاتی همراه با رضا محمودی گوینده اخبار ناشنوایان» در مجله مهر نو وابسته به سازمان بهزیستی کشور منتشر شده است.

خانم حاجیان تلاش کرده ابعاد زندگی و فعالیت های آقای محمودی را به اجمال معرفی کند تا جنبه اخبار گویی او جذاب تر باشد. این مطلب بدون حذف و افزوده می آورم.

انگشت سبابه اش را برد بالا نگاه داشت به خدا اشاره می کرد دستش را روی سینه گذاشت و سلام کرد. یک لحظه به دوربین و لحظه ای به کاغذهایی که روی میزش بود نگاه کرد. لب و دست هایش هماهنگ بود. زن، روبه روی صفحه تلویزیونی نشست و چشم دوخت به حرکات گوینده اخبار.

مرد با زبان اشاره اخبار می گفت صدای حرکات دست و لب مرد را همراهی می کرد. زن، با دقت به کلمات و نحوه اشاره گوینده نگاه می کرد. برایش جالب بود دوست داشت این زبان را یاد بگیرد. از وقتی که در پارک محله آن زن جوان را دیده بود که سهمی از صداهای اطرافش نداشت و سعی می کرد منظورش را با حرکات لب و دست به طرف مقابلش نشان دهد، به فکر افتاده بود این زبان را یاد بگیرد. گوینده اخبار، خبر از بارش برف می داد. دستانش را به طرف سر می برد و انگشتانش را به حالت بارش برف پایین می آمد. زن دستانش را بالا برد و حرکات مرد را تقلید کرد. با خودش فکر کرد کجا می تواند زبان اشاره را یاد بگیرد. سؤالش بی جواب ماند.

* درباره اولین کتاب به زبان اشاره توضیح دهید.

- اولین کتاب فرهنگ زبان اشاره فارسی برای ناشنوایان در سال ۵۹ توسط انتشارات سازمان رفاه ناشنوایان ایران به چاپ رسید.

فاطمه آقامحمد، الهه افضلی، مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی، رضا محمودی، رضا قلی شهیدی و محسن لوح موسوی تنظیم و تألیف این کتاب را به عهده داشتند.

پشت جلد این کتاب ۱۱ تومانی آمده بود: «کتاب حاضر اولین فرهنگ لغات است که به صورت اشارات و حرکات برای ایجاد ارتباط بین ناشنوایان و شنوایان تهیه و تنظیم شده است به مناسبت سال جهانی کودک.»

محمودی علاوه بر مشارکت در تحقیق و تألیف ۱۱ کتاب با زبان اشاره، نایب رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران و مدرس زبان اشاره در دوره های تربیت مربیان سوادآموزی ناشنوایان

و آموزش مادران و کودکان ناشنوای زیر هفت سال و دانشجویان دوره گفتار درمانی و شنوایی شناسی دانشکده های علوم توانبخشی است.

* شما به عنوان مدرس آموزش زبان اشاره و تربیت رابط در انجمن خانواده ناشنوایان چکار می کنید؟

- «ناشنوایی ام مادرزادی است و با حمایت و زحمات پدر و مادرم در آموزشگاه ناشنوایان باغچه بان تحت نظر ثمین باغچه بان درس خواندم و موفق به دریافت مدرک کاردانی معماری و کارشناسی صنایع دستی از دانشگاه هنر شدم.»

او ادامه می دهد: «سال ۵۷ در سازمان ملی رفاه ناشنوایان که بعدها با سازمان بهزیستی ادغام شد به عنوان رابط ناشنوایان و عضو گروه توسعه زبان اشاره استخدام شدم.»

رضا محمودی بارها به عنوان نماینده ناشنوایان در کنفرانس های ناشنوایان در کشورهای هند، کره جنوبی و در دوره تربیت مدیریت جامعه ناشنوایان در ژاپن شرکت کرده است.

او درباره گویندگی اخبار در صدا و سیما می گوید: «سال ۶۴ اخبار ناشنوایان توسط محمدباقر جعفری نیا، گفتار درمان و مدیرکل توانبخشی قبلی سازمان پایه گذاری شد و من در سال ۷۰ به عنوان گوینده تصویری این برنامه انتخاب شدم. او ادامه می دهد: «فاطمه آقامحمد کارشناس و رابط ناشنوایان سردبیر این برنامه خبرهای یک هفته را جمع آوری کرده و مهم ترین آنها را انتخاب و به صورت ساده و خلاصه تنظیم می کند و در اختیار من و مرتضی پیروزی (گوینده دوم اخبار ناشنوایان) قرار می دهد. این برنامه روزهای پنجشنبه ضبط می شود و چون گفتار ما واضح و کامل نیست از گوینده صدا استفاده می کنیم اخبار ناشنوایان جمعه ها بعد از اذان ظهر از شبکه دوم سیما پخش می شود. محمودی در جریان قرار گرفتن ناشنوایان از اخبار روز را مهم و ضروری می داند و می گوید: «این برنامه بازتاب خوبی بین بینندگان ناشنوا و حتی شنوا داشته و تلفن ها و درخواست های زیادی برای اضافه کردن زمان پخش اخبار شده است.» اخبار ناشنوایان یک روز در هفته و به مدت ۱۵ دقیقه پخش می شود. به نظر گوینده اخبار ناشنوایان، زبان اشاره هم مانند زبان هر کشوری معیارهای خاص خود را دارد. این زبان مخصوص کشور ایران است. و بعضی از لغات زبان اشاره با زبان اشاره کشورهای دیگر مشترک است. یادگیری زبان اشاره نه تنها سخت نیست بلکه بسیار شیرین است. محمودی با بیان این مطلب می گوید: «یاد گرفتن زبان اشاره برای افراد عادی بستگی به میزان علاقه فرد و همچنین تمرین زیاد و اجرا کردن عملی آن دارد ولی یادگیری آن برای افراد ناشنوا و کم شنوا برای یکسان کردن لازم ضروری است.»

* درباره موفقیت ناشنوایان بگویید؟

- ناشنوایانی که معلولیت دیگری هم دارند، می توانند آموزش تلفیقی ویژه ای ببینند. من کسی را می شناسم که نابینا و ناشنواست. در حالی که فرد بسیار موفقی است. برای ارتباط با او باید کلمات را روی کف دست یا حتی سر او با انگشت بنویسیم. او بعد از اینکه متوجه شد با زبان اشاره و گفتاری جواب می دهد.»

ناشنوایان چند دسته اند: «یک گروه که مشکل سنگینی گوش دارند و با کمک سمعک می توانند بشنوند. گروه دوم افراد کم شنوا و نیمه شنوا هستند که حتی با کمک سمعک هم نمی توانند به خوبی بشنوند و تا حدودی صداها را تشخیص می دهند. این گروه حدود ۷۰ درصد از جمعیت ناشنوای کشور را تشکیل می دهند. و با کمک زبان اشاره لب خوانی، گفتار خوانی و استفاده از باقی مانده شنوایی و علایم و حالت صورت و نوشتار با دیگران ارتباط برقرار می کنند. محمودی معتقد است برای ارتباط افراد ناشنوا با محیط، تعداد زیادی رابط ویژه نیاز داریم که در تهران فقط سه رابط ورزیده و چند نفر رابط که تا حدودی می توانند ارتباط برقرار کنند فعالیت می کنند. او از سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش و سازمان های مربوطه انتظار دارد که در آموزش زبان اشاره و گسترش آن و اجرای دوره تربیت رابط با انجمن های ناشنوایان همکاری بیشتری کنند و همچنین از برنامه های صدا و سیما که در خدمت جامعه ناشنوایان است حمایت شود.

* نقش و جایگاه رابط چیست؟

- آرزوی او شاید آرزوی خیلی از ناشنوایان است او آرزو دارد روزی برسد که تعداد رابط ها با تعداد افراد ناشنوا برابر شود و مشکلات آنها به حداقل برسد. از نظر او رابط مدافع حقوق ناشنوایان است. محمودی یک فرزند ۲۵ ساله به نام پویان دارد و همسرش مرجانه جلالت، نیمه شنوا و مشاور خانواده انجمن ناشنوایان ایران است که به صورت افتخاری فعالیت می کند. در پایان، محمودی از قول ناشنوایان کشور می گوید: «ما تلاش می کنیم به زبان شما سخن بگوییم، شما نیز به زبان ما آشنا شوید.»(۱)

ص: ۱۵۴

اشاره

۷ آذرماه ۱۳۹۵ نشست تخصصی وضعیت زبان اشاره در ایران و جهان "با حضور ۲۰ ناشنوا نخبه در دفتر فرهنگ معلولین برگزار شد.

این نشست به مدیریت خانم دکتر زهره قاری برگزار شد. ایشان متخصص زبان اشاره و دارای دکتری این رشته از استرالیا است. و جزء معدود ایرانیانی است که به دلیل علاقه ذاتی و شخصی به جامعه و فرهنگ ناشنویان در این رشته ورود پیدا کرده است.

هدف اصلی دفتر فرهنگ معلولین انتقال تجارب خارج از کشور به داخل و ایجاد دیالوگ و گفتگوی منطقی بین داخل و خارج است. از این رو درصدد است از همه کارشناسان بهره گرفته و با برگزاری نشست و انتشار دیدگاه های استادان محترم زمینه گره گشایی از مشکلات و یافتن راه کار مناسب را به وجود آورد.

افراد حاضر در این نشست عبارت بودند از نخبگان ناشنوا از کانون ناشنویان قم، هیئت مذهبی یا صاحب الزمان ناشنویان و مؤسسه ناشنویان وفاداران کربلا قم و شخصیت های مستقل مثل آقای رضا محمودی.

مباحث مهم و سودمندی در این جلسه توسط آقایان رضا محمودی، ناصر خانزاده، میثم اخوان و محمد نوری و خانم ها زهره قاری و سلیمی بیان شد. متن صحبت ها پیاده و در مجموعه مباحث درباره زبان اشاره می آید. اما در پایان جلسه گفت و گویی کوتاهی با آقای رضا محمودی داشتیم. زیرا ایشان در جلسه فرصت نیافت همه حرف هایش را مطرح کند.

* جناب آقای محمودی زبان اشاره در ایران ابعاد گسترده دارد اما به نظر شما کدام بُعد آن مهم تر است؟ یعنی به عنوان یک پژوهشگر چه جنبه ای از زبان اشاره به دلیل تأثیر و اهمیت باید زودتر به آن پرداخت؟

- بله زبان اشاره در ایران تبدیل به یک موضوع بحرانی شده است، به نظر من مهم ترین مبحث این است که نهادهای کلان در ایران مثل وزارت آموزش و پرورش و سازمان آموزش استثنایی و سازمان بهزیستی باید در سطح ملی تدبیر و برنامه ریزی کند و برنامه ای را برای کل کشور اعلام کند. هم اکنون به صورت جزیره ای کار می شود و هر گروه یا مراکز، در منطقه ای به گوشه ای از زبان اشاره می پردازند ولی اقدام ملی وجود ندارد. مثلاً در شیراز، در تبریز، در مشهد، در اهواز و در تهران اقداماتی در حال جریان است؛ ولی اینها از یکدیگر خبر ندارند و با هم هماهنگی ندارند و ممکن است کارهای آنها تعارض و تضاد با یکدیگر باشد. البته می گویم ممکن است و شاید با هم وحدت رویه داشته باشند.

۱- . هم اندیشی تا هم سخنی، به کوشش علی نوری، دفتر فرهنگ معلولین، ص ۱۶۷.

* چرا زبان اشاره مثل غذا خوردن یا لباس پوشیدن نباشد که هر شهر و هر منطقه در ایران یا هر فرد به سلیقه خود عمل کند و چرا شما بر وحدت رویه در سطح ملی تأکید می کنید؟

- زبان مثل لباس پوشیدن یا مثل تغذیه نیست که جنبه فردی دارد. زبان جنبه اجتماعی دارد. یعنی یک فرد نمی تواند بگوید من هر جور خواستم حرف می زنم و هر اصطلاح و کلمه ای را خواستم به کار می برم، شنوندگان باید خودشان را با من هماهنگ کنند. این استدلال صحیح نیست، چون خود آن فردی که این گونه استدلال می کند، در مقام شنونده هم قرار می گیرد و گوینده به او می گوید خودت را هماهنگ کن.

زبان عنصری است که همگان با آن در ارتباط هستند و همه آن را در زندگی روزمره به کار می برند و اساس زندگی و اساس فعالیت های یک جامعه به ارتباطاتی بستگی دارد که با تفهیم و تفاهم، گفتن و شنیدن پدید می آید. و همه آحاد یک جامعه باید در گفتن و شنیدن وحدت رویه داشته باشند. تصور کنید اگر من به رستوران بروم و بگویم آب می خواهم ولی گارسون فهم دیگری از گفته من داشته باشد. یعنی آب را آتش قلیان فرض کند یعنی روی آب وحدت رویه و تفهیم و تفاهم یکسان نداشته باشیم. لذا به جای آب، زغال و آتش می آورد.

انسان موجودی اجتماعی است و اجتماعی بودن با ارتباطات بین انسان ها شکل می گیرد و ارتباطات متکی بر گفتن و شنیدن و وحدت رویه در این زمینه است. باید انسان های یک جامعه روی واژه هایی که به کار می برند توافق و فهم مشترک داشته باشند. زبان اشاره هم همین گونه است باید بین ناشنوایان در درجه اول و بعداً کل جامعه در زمینه اشارات فهم مشترک و توافق باشد. اگر توافق نباشد اساساً ناشنوایان اجتماعی بودنشان آسیب می پذیرد و مشکلات جدی پیدا می کنند اما چه کسی باید وفاق و توافق را در سطح ملی در زمینه زبان اشاره ایجاد کند. به نظرم افراد یا تشکل ها نمی توانند و ابتدا باید نهادهای متصدی امور کلان اجتماعی اراده کنند و با برنامه ریزی دقیق زبان اشاره را در سطح ملی سامان دهی کنند.

* البته خود ناشنوایان و مردم هم نقش دارند؟

- درست است بدون ناشنوایان و آحاد مردم نمی توان به نتیجه رسید ولی عموم افراد پس از تصمیم گیری نهادها به میدان آمده و مجری اوامر آن نهادها می شوند. آموزش و پرورش و بهزیستی قواعد و قوانین کلان برای کل کشور وضع می کنند؛ سپس ناشنوایان و مردم مجری آن قواعد و قوانین هستند.

* اما چرا سازمان بهزیستی با سازمان استثنایی ورود جدی در زبان اشاره ندارند؟

سازمان آموزش و پرورش استثنایی از اواسط دهه هشتاد به این نتیجه رسید که زبان اشاره برای ناشنوایان مفیدیت ندارد یا حداقل اولویت ندارد و اولویت با لب خوانی و گفتار است. از این رو مانع زبان اشاره شد و از آموزش آن جلوگیری می کرد. ولی در یکی دو سال اخیر گویا از سیاست و خط مشی سابق را تغییر داده و بر زبان اشاره تأکید می کنند. اما سازمان بهزیستی یک نهاد اجرایی است و چون

یک نهاد علمی و فرهنگی نیست اقداماتش محدود به اجرائیات است و نمی تواند بُرد ملی در عرصه فرهنگ ایجاد کند.

* به هر حال در شرایطی که همه جهان روی زبان اشاره تمرکز و تأکید دارند و آن را یک روش خوب برای پیشرفت ناشنوایان می دانند چرا نهادهایی مثل آموزش و پرورش که باید خودشان پیشتاز باشند ولی نه تنها پیشتاز نبوده بلکه مانع تراشی هم می کرده اند؟ چرا؟

- به نظر من علت را باید در شک عمومی دانست که بعد از پیروزی انقلاب ۵۷ در ایران نسبت به جهان پدید آمده است. نسبت به بسیاری از اموری که در جهان خوب و ایده آل تصور می شد، رهبران ایران با تردید و شک به آنها می نگریستند. و روحیه نفی جهان مدرن و تکنولوژی مدرن و تمدن غرب یک ذهنیت فراگیر در ایران بوده است.

بعضی از مدیران میانی ابتدا به دلیل عدم اطلاع و ناآگاهی نسبت به زبان اشاره موضع گرفتند. اما برای تحکیم موضع خود، برای آن توجیه های امنیتی یافتند و به مسئولین و مقامات ارشد تحمیل کردند که زبان اشاره یک مشکل امنیتی است و مثلاً غرب می خواهد از این طریق مقدساتی مثل روحانیت را به مسخره گرفته و در انظار مردم این مقدمات را ملوکوک سازد.

چون در سال های نخست پیروزی انقلاب زبان اشاره به صورت خودجوش در بین مردم رشد کرده بود و در این دوره غیبت نهادهای ناظر و نیز گسترش آزادی های اجتماعی و فرهنگی اشاراتی ناسازگار و متعارض هم پدید آمده و رواج یافته بود. اما این تعداد اندک اشاره بهانه شده بود و تبلیغ می شد که اینها مشت نمونه خروار است و اشارات ذاتاً مشکل دارند.

این گونه تحلیل ها ابتدا آموزش و پرورش را مجاب کرد که جلو آموزش زبان اشاره بگیرد. چون خود را نهاد فرهنگی و انقلابی می دانست برخلاف سازمان بهزیستی که اولاً ریشه در سازمان های پیشین داشت که بعضاً توسط دربار پهلوی ایجاد شده بودند و دوم ذهنیت پزشکی که با سکولاریسم و تمدن غرب تناسب دارد بر آن سیطره داشت. چنین سازمانی می توانست زبان اشاره را تحمل کند ولی آموزش و پرورش که خود را متعهد به حفاظت از انقلاب می دانست، نمی توانست اجازه بدهد که مظاهر غرب در مدارس گسترش یابد و زبان اشاره را یکی از این مظاهر می دانستند.

* اما زبان اشاره در قرآن و روایات آمده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام به زبان اشاره تفهیم و تفاهم ایجاد می کردند؟

- گفتم که ابتدا این مسئله را مدیران میانی شروع کردند و آنان نه از فرهنگ ملی و نه از فرهنگ دینی اطلاع نداشتند. و بعداً هم کاملاً امنیتی شد و هر مسئله دینی اگر تعارض با یک مقوله امنیتی پیدا کند باید کنار رود حفظ نظام اگر با توحید تعارض پیدا کند حفظ نظام اولویت دارد.

* با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید.

سومین مجمع ۵ و ۶ خردادماه ۱۳۹۴ در قزوین ساعت ۳۰/۱۰ صبح با حضور ۶۴ تشکل ویژه معلولین و حدود یکصد نفر شروع شد. نخست مجری برنامه (آقای سید اکبر حسینی) توضیحاتی داد و آقای سید محمد موسوی دبیر هیئت هفت نفره مجمع هم اندیشی سازمان ها و رئیس هیئت مدیره کانون توانای قزوین شروع به صحبت کرد و گفت: «خدایا، در شرایطی که همه به فکر مادیات اند و یهود پشت دیوار وال استریت به فکر ربودن سرمایه های جهان است ولی حلاوت خدمت به معلولین بسیار شیرین تر است و هیچ مادیاتی به پای آن نمی رسد. ما معلولین نخست عنان و مدیریت خود را به دست عزیزان دولتی سپردیم ولی آنان یا ضرورت کار را درست درک نکردند یا دغدغه و وقت کافی نداشتند و نتوانستند مدیریت کنند. مجبور شدیم خودمان جمع بشویم و تشکل ایجاد کنیم. در جلسات قبلی هفت نفر به نمایندگی از مراکز انتخاب شدند. آقایان علی ضرابی، کاظم البرز کوهی، رحمان دلاوری، علی اکبر جمالی، سهیل معینی، مهدی قنبری موحد و سید محمد موسوی و قرار شد خودم دبیر مجموعه باشم و آقای سهیل معینی نماینده هیئت در دولت برای تصویب قانون جامع است.»

در این جلسه حدود پنجاه نفر از تشکل های مردمی از سراسر ایران حضور داشتند و همه دور یک میز بزرگ نشسته بودند و به نوبت نظریات خود را می گفتند. آقای رضا محمودی هم از طرف انجمن خانواده ناشنوایان حضور داشت. ایشان حدود یک ربع ساعت نکاتی را گفت و متوجه همراهش مطالبش را برگردان می نمود.

او درباره حقوق ناشنوایان گفت؛ لازم است به ناشنوایان به عنوان یک گروه از معلولین که از نظر آماری قابل توجه اند و به لحاظ معلولیتی، بدترین نوع معلولیت را دارند. چون ارتباط آنان با محیط پیرامون قطع است. در این گونه جلسات تعداد بیشتری از تشکل های ناشنوایان دعوت شوند. و در جلسه امکاناتی مثل رابط پیش بینی شود.

ناشنوایان به رغم داشتن معلولیت با تأثیر منفی بسیار، اما افرادی کوشا هستند و ثابت کرده اند در ورزش، در هنر و انواع رشته ها، برای کشور ایران افتخار آفرین بوده اند.

محمد نوری از دفتر فرهنگ معلولین گفت: «نخست از آقای موسوی و آقای هادی پور و دیگر مدیران کانون توانا تشکر کرد و تشکیل این جلسه را نوعی احترام و تکریم معلولین دانست در شرایطی که بهزیستی کشور حتی یک بار حاضر نشده نهادهای مردمی را جامع و از سراسر ایران دعوت کند و آزادانه نظریات آنها را گوش دهد. معلولین انسان های شریفی هستند که در پست های عالی ملی و مذهبی مشغول می باشند. استاد دانشگاه، وکیل، نویسنده و پژوهشگر، روزنامه نگار، قاری و حافظ قرآن، کارشناس و مشاور امور دینی فعالیت می نمایند. دعوت از تشکل های آنها تکریم آنها است. اما در باب قانون جامع نظرات خود را قبلاً برای ریاست محترم جمهوری و آقای معینی ارسال کرده ایم. نیز طرح بدیل آماده کرده ایم. چون معتقدیم این قانون اگر تصویب هم بشود پاسخگو و حلال همه

مشکلات معلولین نیست. آقای افشار (رئیس بهزیستی قزوین) هم گفت اگر تصویب هم بشود معلوم نیست تا چه حد اجرا بشود. بالاخره غیر از فعالیت برای تصویب و اجرای قانون جامع، لازم است همه تخم مرغ ها را در یک سبد نچیده و یک خط دیگر راه اندازی شود. یعنی اتاق فکری تعیین شود و خط مشی پنج ساله برای حل مشکلات معلولین تعیین گردد. از تجارب کشورهای منطقه و جهان هم استفاده شود. بسیاری از کشورها نه قانون جامع، نه پول نفت در اختیار معلولین نبود ولی با تدبیر و عقلانیت، مشکلاتشان را حل کردند. ما هم در ایران می توانیم. ما در دفتر فرهنگ معلولین طرح پیشنهادی تألیف کردیم در این طرح نوشته شده که از طریق فرهنگ سازی و اطلاع رسانی می توان اکثر مشکلات را رفع کرد.»

ملاحظات: ۱- نشست های متعدد معلولین از سال ۱۳۷۰ تاکنون را شرکت کرده ایم ولی نشست امروز نسبتاً بهتر و پربارتر و مؤثرتر بود. البته می توانستند بهتر مدیریت کنند و تأثیر آن را نیز افزایش دهند. ۲- استفاده محیطی نشست بسیار کم بود یعنی می توانستند تدبیرهایی برای فرهنگ سازی و معارفه مراکز در محوطه داشته باشند. مثلاً نمایشگاهی از آثار و تولیدات مراکز شرکت کننده در حاشیه همایش برپا کنند، همچنین تاریخ تأسیس هر مؤسسه و فعالیت های آن را در صفحه بزرگ نمایش دهند. ۳- اطلاع رسانی نسبت به اقدامات و فعالیت های هیئت هفت نفره بسیار ضعیف بود. می توانستند با ایجاد نمایشگاه یا انتشار یک ویژه نامه یا یک جلد کتاب فعالیت ها و چهره ها را معرفی کنند. مثلاً بسیاری با اعضای هفت نفره آشنا نبودند و کارنامه آنها را نمی دانستند. همچنین ملاقات ها، ابتکارات و ده ها نوع فعالیت هیئت و دبیر مجمع را می توانستند معرفی نمایند. ۴- بازتاب و انعکاس رسانه ای نشست نسبتاً خوب بود یعنی اولین مباحث و گفت و گوها روی سایت کانون توانا اطلاع رسانی می شد. ولی متن گزارش وقایع بسیار کم و ناکافی بود و گزارش ها چندان حرفه ای نبود. همچنین جا داشت آلبوم عکس مفصل و قطعات فیلم از همایش حداقل بر روی سایت کانون توانا درج می شد. ۵- برخی موارد مهم اعلام شده اجرایی نشد یکی انتخابات و دوم رونمایی از شبکه مجازی بود. ۶- بالاخره این نشست از وقایعی است که در تاریخ معلولین ایران ماندگار خواهد شد. سخنان افراد، تعاملات، دیالوگ ها همه اسناد مهمی است که در حوادث آتی معلولین تأثیر جدی دارد. (۱)

ص: ۱۵۹

مقدمات نخستین مسابقه قرآنی ناشنوایان در بهار سال ۹۶ آغاز شد و در بهمن ۱۳۹۶ برگزار گردید. این مسابقه توسط دفتر فرهنگ معلولین مدیریت گردید و یک تیم از افراد خبره امور مختلف مسابقه را در اختیار داشتند. از جمله آقای رضا محمودی که برای این مسابقه زحمات فراوان کشید. گزارش جامع این مسابقه در کتاب بارش رحمت آمده است.

اکنون خدمت آقای محمودی هستیم تا درباره این مسابقه نظراتش را بگیریم.

* جناب آقای رضا محمودی هر جا فعالیتی هست، شما هم حضور دارید، به دلیل همین خدمات است که نزد ناشنوایان و نیز در چشم جامعه ما عزیز هستید؛ اما مسابقه قرآنی چه زمانی برگزار شد؟

- مسابقه روز ۲۷ بهمن ماه ۹۶ در دفتر فرهنگ معلولین (قم) برگزار شد. اعلام شده بود ساعت ۲ تا ۳۰/۲ بعدازظهر متسابقین حاضر باشند و ساعت ۳۰/۲ درب سالن ها بسته شد.

همان روز اوراق تصحیح شد و همان روز به ۱۲ نفر برگزیده سکه تمام بهار آزادی و نیم بهار آزادی تقدیم شد.

* ناشنوایان چه احساسی داشتند؟

- بسیار خوشحال بودند؛ نه فقط از بابت جایزه بلکه از بابت اینکه به آنها بها داده شده و اولین بار مسابقه قرآنی داشتند. چون حدود چهل سال، نابینایان و معلولین حرکتی مسابقه قرآنی داشتند ولی ناشنوایان نداشتند. و تمام آنها حتی آنهایی که برنده نشده بودند بسیار شاد و مشعوف بودند.

* شما در این مسابقه چه سمت و مسئولیتی داشتید؟

- این مسابقه از اواخر بهار ۹۶ شروع شد و تا ۲۷ بهمن ۹۶ یعنی حدود ۹ ماه تداوم داشت. مقدمات بسیاری باید فراهم می شد، چون برای اولین بار می خواستیم این کار را انجام دهیم، لذا باید کارهای زیادی انجام می شد و من در هر شرایط مسئولیتی داشتم. روز شروع فعالیت ها و شکل گیری شورای علمی و سیاست گذاری که خدمت حاج آقا سید جواد شهرستانی هم رفتیم. من آنجا سخنرانی کردم و گفتم این مسابقه تدبیر بسیار مهمی است و ما ناشنوایان تمام قد در خدمت آن هستیم.

بالاخره در آغاز من مسئول شناسایی نیروها و شناسایی ناشنوایانی که در قرآن توانایی دارند بودم. بعداً بحث متن مسابقه پیش آمد و قرار شد متنی فراهم شود و رایگان در اختیار متسابقین گذاشته شود؛ من در تدوین این کتاب کمک کردم.

سپس باید سؤالات را آماده می کردیم و من مسئول تهیه سؤالات شدم؛ چند ماه قرار شد ناشنوایانی که ثبت نام کرده اند، توجیه شوند و برای آنها کلاس و کارگاه آموزشی گذاشته شود و من در اینجا بودم و فعالیت می کردم. پس از آن روز مسابقه از یک طرف خانواده ها آمده بودند و در یک سالن بودند و برای آنها سخنرانی کردم، سپس در سالن متسابقین و نظار را نظارت می کردم و مهم تر مسئول کمیته تصحیح اوراق بودم. و بعداً جزء افرادی که جوایز را اعطا می کردیم.

* این خدمت بزرگ در کارنامه شما ثبت و درج است و خداوند عوض و اجر و پاداش آن را حتماً اعطا خواهد کرد.

- من از نوزده سالگی همواره در تلاش بوده ام و قلباً می خواسته ام ناشنوایان پیشرفت کنند؛ به ویژه در قرآن. من معتقدم هر قشری در قرآن تلاش کند، پیشرفت و رسیدنش به اهداف عالی، حتمی است و ناشنوایان هم باید در زمینه قرآن تلاش کنند. و افتخاری برای من بود که در خدمت این مسابقه بودم.

* شما عضو شورای علمی و سیاست گذاری بودید و خدمت حاج آقا شهرستانی رسیدید، تلقی شما از شخصیت ایشان چیست؟

- شنیده بودم که حاج آقا سید جواد شهرستانی خدمات بزرگی انجام داده و بی نظیر است ولی از نزدیک او را ندیده بودم، خیلی علاقه داشتم از نزدیک او را زیارت کنم. به هنگام ملاقات حدود یک ساعت طول کشید بعضی اعضای شورا سخن گفتند از جمله من نکاتی را گفتم. ولی خود حاج آقا نکات مهمی را گفت که گویای درایت، اطلاع و آگاهی ایشان است. به مسائل معلولین تسلط کافی دارد. خیلی خوشحال شدم که ایشان را دیدم.

* با توجه به اینکه در کشورهای مختلف برای ناشنوایان فعالیت های گوناگون قرآنی هست ولی در ایران چرا نهادهای رسمی در این زمینه اهتمام ندارند؟

- برای همه تعجب برانگیز است که بهزیستی و اوقاف حدود چهار سال برای نابینایان مسابقه داشته ولی حتی یک مسابقه برای ناشنوایان برگزار نکرده اند. این نشانگر اوج مظلومیت ناشنوایان است.

* شما سال ها مدیر امور ناشنوایان در تشکل ها و در بهزیستی بوده اید، به نظر شما چه اقداماتی می توان انجام داد؟

- در رشته های مختلف قرآنی می توان برنامه ریزی کرد و استعداد های ناشنوایان را شکوفا نمود؛ مثلاً در بیان قرآن با زبان اشاره، تفسیر قرآن، تجلید و صحافی قرآن، قصه نگاری بر اساس قصص قرآنی، شخصیت شناسی قرآن، خطاطی قرآن و غیره.

من از مسئولین محترم استدعا دارم حمایت کنید تا هر سال این مسابقه برگزار گردد و حتی مسابقه جهانی قرآن کریم در ایران برگزار شود.

* به نظر شما تأثیر این مسابقات در جامعه ناشنوایان چیست؟

- تأثیر و کارکرد آن فوق العاده زیاد است، اولاً- می فهمند که مورد توجه بوده و به آنان بها داده شده است؛ دیگر اینکه استعدادهای هنری، علمی و فرهنگی آنان شکوفا می گردد و در آینده خواهند توانست به عنوان هنرمند قرآنی یا داستان نگار قرآن یا حافظ یا قرآن شناس در ایران و در دیگر کشورها، خدمات داشته باشند.

* با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید.

ص: ۱۶۲

نشست ناشنویان در نمایشگاه قرآن

سال ۱۳۹۷ برای اولین بار به دعوت معاونت قرآن و عترت، معلولین در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم حضور یافتند. غرفه بزرگی به نام قرآن کده توانمندان دایر کردند و روزانه برنامه های متنوعی داشتند. مسئول بخش ناشنویان آقای رضا محمودی بود. ایشان در ۷ خرداد ماه ۹۷ یک نشست عمومی برای ناشنویان گذاشت که اکنون به معرفی آن می پردازم.

حدود ساعت ۳۰/۶ عصر نشست ناشنویان در غرفه قرآن کده توانمندان آغاز شد. نخست آقای محمد نوری خطاب به جمع، از حضور آنان در غرفه خودشان تشکر کرد و گفت: ناشنویان بیش از دیگر گروه ها نیاز به دیالوگ و گفت و گو دارند. آنان در خانه یا در محیط کار یا در دیگر محل هایی که حضور دارند معمولاً و اغلب خاموش هستند چون همزمان ندارند و کسی نیست که با آنان همدلی و همزبانی کند. از طرف دیگر انسان یک موجود اجتماعی است و باید جمع زندگی کردن و با افرادی گفت و گو داشتن، درد دل کردن و گفتن مشکلات و شنیدن نظرات ممنوع در ذات انسان است؛ فرقی بین ناشنوا و شنوا نیست و همه انسان ها نمی توانند به دور از جمع باشند. البته با جمع بودن به معنای حضور فیزیکی نیست بلکه انسان نیاز به حضور روحی و روانی دارد یعنی با گفت و شنود و با ارتباطات تفهیم و تفاهمی، حضور انسانی خواهد داشت. مهم ترین ابزار حضور و ارتباط انسان زبانش است. از طریق زبان و با گفت و شنود ارتباطات انسانی شکل می گیرد و زندگی جمعی و اجتماعی زیستن معنا پیدا می کند.

اما ناشنویان چون فاقد گفتار هستند و باید ارتباط خود با دیگران را با زبان اشاره یا دیگر روش های جایگزین انجام دهند و در محیط های کاری یا خانه کمتر از این شیوه ها استفاده می کنند، از این رو ناشنویان احساس تنهایی و انزوا می کنند. اما وقتی به ناشنویان می رسد مثل ماهی است که به آب رسیده و احساس حیات و زندگی می کند. از این رو گفت و گو برای ناشنویان یک ضرورت جدی است.

قرآن کده توانمندان در نمایشگاه قرآن ایجاد شده تا همه اقشار دارای انواع معلولیت ها و به ویژه ناشنویان اینجا تجمع کنند و به گفت و گو پردازند.

اما جلسه امروز را به خود شما می سپاریم و خود شما فردی را به عنوان رئیس انتخاب کنید و درخواستی که داشتید که بحث آزاد داشته باشید، انجام دهید. گویا همه روی آقای رضا محمودی به عنوان رئیس توافق دارند.

از نظر ما هم مشکلی نیست و از ایشان تمنا می کنیم مدیریت جلسه را بر عهده بگیرد.

رضا محمودی: با تشکر از شما و با تشکر از آقای نوری که با زحمت فراوان این غرفه را برپا کرده است. جمع علاقه دارند به بحث آزاد پردازند البته بر محور زبان اشاره. ابتدا از آقای مطهری دعوت می کنم تا نکاتی پیرامون سماوات بفرماید.

اگر خوب تلاش کنیم و از وقت کمال استفاده را بنماییم امشب می توانیم به نتایج سودمندی برسیم؛ می دانید کمتر از این فرصت ها پیش می آید و این جلسه تاریخی است، شخصیت هایی که

دورهم جمع شده اند، بعید است بتوانیم مجدداً جمع کنیم، تقریباً همه نخبگان جمع شده اند. خواهش می کنم، سخنان خود را کوتاه و پر استفاده انجام دهید.

سید ساعد مطهری، مدیرعامل سماوات

سماوات NGO شامل چندین تشکل در شهرهای مختلف است. در واقع سماوات شبکه ای بیش از سی NGO کوچک تر است که در تهران، اصفهان، شیراز، رشت، کاشان و دیگر شهرها استقرار دارند.

مطهری درباره ضرورت تشکیلات برای معلولین سخن گفت و از ناشنوایان خواست که با پیوستن به یکدیگر و ایجاد تشکل فعالیت کنند. صداهای فردی و انفرادی امروزه شنیده نمی شود ولی وقتی پنجاه نفر یا بیشتر کنار هم تجمع می کنند و با هم اندیشی درصدد بر می آیند تا مشکلات را حل کرده و موانع را برطرف کنند، در واقع به طرح و برنامه می رسند، این طرح در واقع صدای جمع است که بهتر و زودتر شنیده می شود و مسئولین به آن توجه می کنند.

محسن لوح موسوی، رئیس کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره

سپس آقای رضا محمودی به عنوان رئیس جلسه از آقای موسوی دعوت کرد، نظرات خود را بفرماید. آقای موسوی از شخصیت های مؤثر و پایه گذار زبان اشاره در ایران است. ایشان دارای تجارب گرانها است و لازم است نسل جوان از این معدن پر تجربه استفاده کند.

آقای موسوی سخنان خود را درباره ضرورت ارتباط ناشنوایان و نقش زبان اشاره در زندگی آنان شروع کرد و گفت:

به نظرم زبان اشاره را باید از کودکی آغاز کرد؛ مثل زبان معمولی که از دو سالگی و سه سالگی آموختن واژه ها و بعد جملات به کودک آغاز می شود و کودکان وقتی به مدرسه پا می گذرانند، صدها و هزاران واژه را می شناسند، کودک ناشنوا هم پس از کشف ناشنوایی اش، باید آموزش اشارات را آغاز کند. مهم ترین نقش و وظیفه بر عهده والدین است. آنان باید دوره زبان اشاره بگذرانند و با کودک خود زبان اشاره کار کنند. به طوری که در شش و هفت سالگی صدها اشاره را بشناسد.

اما کم شنوایان می توانند به مدارس عادی بروند ولی ناشنوا اگر به مدرسه عادی برود به دلیل جو مدرسه و کم تجربه بودن عموم معلمان و مربی ها، حتماً با مشکلات متعدد روحی و اجتماعی مواجه خواهند شد. ناشنوا در کلاس درس مورد تمسخر و انواع برخوردهای آزار دهنده قرار خواهد گرفت و از درس و مدرسه متنفر خواهد شد و حتی تا پایان عمر، تأثیرات سال اول مدرسه را با خود خواهد داشت. از این رو از والدین استدعا می کنم دلسوزی بی جهت نداشته باشند و بر رفتن کودکان به مدرسه عادی پافشاری و اصرار نکنند.

از سنین کودکی توصیه های دیگر هم هست: مثل کار روی ارتقای گفتار و بردن به مشاوره و گفتار درمانی؛ افزایش ارتباطات اجتماعی جهت تکمیل شخصیت اجتماعی کودک، تربیت شنوایی

نکته مهم دیگر اینکه زبان اشاره از ضرورت های زندگی ناشنویان است و هم خود ناشنویان و هم مدارس و هم والدین و خانواده باید با جدیت زبان اشاره را یاد بگیرند و آموزش دهند، چون ارتباط و اجتماعی شدن و حتی فراگیری سواد و دانش یک ناشنوا تا حد زیاد به زبان اشاره بستگی دارد. بنابراین اگر در زبان اشاره مشکلی داشته باشد یعنی ارتباط او با دیگران مشکل دارد و در جامعه نمی تواند فرد موفق باشد.

ص: ۱۶۴

رضا ذبیحی عضو هیئت مدیره سابق کانون ناشنوایان ایران و عضو کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره

خوشبختانه در حقوق معلولین زبان اشاره به رسمیت شناخته شده است. منظورم «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» است که در ماده ۲۱ آن آمده است:

دولت های عضو می بایست تمام اقدامات لازم را به عمل آورند تا اطمینان حاصل شود که افراد معلول می توانند حق آزادی بیان و ابراز عقیده شامل جستجو، دریافت و تبادل اطلاعات و نظرات مساوی با دیگران و از طریق زبان های اشاره، بریل و غیره شامل موارد زیر را به انتخاب خود کسب نمایند:

الف - اطلاعات مورد نیاز معلولین در دسترسی آنان قرار داده شود بدون هزینه اضافی.

ب - پذیرش و آسان سازی زبان اشاره و دیگر روش های ارتباطی

پ - در اختیار گذاشتن خدمات اطلاع رسانی مثل اینترنت

ث - به رسمیت شناختن و ترویج زبان اشاره

در این ماده قانونی سه بار از زبان اشاره سخن به میان آورده است و دولت هایی که این کنوانسیون را پذیرفته اند ملزم نموده تا دسترسی به اطلاعات برای ناشنوایان از طریق زبان اشاره را فراهم آورد. از دولت ها می خواهد زبان اشاره را ترویج کنند و منابع لازم اطلاعاتی مثل اینترنت از طریق زبان اشاره را در اختیار ناشنوایان قرار داده و با آسان سازی زبان اشاره، ارتباطات ناشنوایان را سامان دهی نماید.

شما می دانید جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۷ کنوانسیون را پذیرفت و مجلس شورای اسلامی به الحاق به کنوانسیون رأی مثبت داد. از این رو این ماده و مواد دیگر کنوانسیون جزء حقوق ناشنوایان است و باید مطالبه گردد.

برای اینکه بدانید حقوق ما چیست بندها و مواد دیگر کنوانسیون که مرتبط به ناشنوایان است برای شما مطرح می کنیم: «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» که عنوانش به انگلیسی به این صورت است: **Convention on the Rights of persons with disabilities** از مهم ترین اسناد بین المللی در زمینه حقوق معلولین است. این سند توسط سازمان ملل متحد تصویب شده و بسیاری از دولت های عضو سازمان ملل هم آن را پذیرفتند و بر آن ملحق شده اند. از جمله ایران رسماً آن را پذیرفت و به آن ملحق شد. از این رو این قانون با رأی معلولین و ناشنوایان لازم الاجرا است.

متأسفانه در قانون حمایت از حقوق معلولین مصوب سال ۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی سخن در مورد زبان اشاره و حقوق خاص ناشنوایان ساکت است و هیچ نکته ای ندارد البته عموماً ماتی دارد که از نظر حقوقی شامل ناشنوایان هم می شود اما خاص ناشنوایان چیزی در آن نیست. اما کنوانسیون در جاهای متعدد به حقوق ناشنوایان پرداخته است. خلاصه ای از این نکات را می آورم:

ماده ۲- به زبان اشاره تصریح شده و گفته شده معلولانی که با اشاره کار می کنند نباید مورد تبعیض قرار گیرند بلکه اینان هم حق دارند از امکانات مساوی بهره مند باشند.

ص: ۱۶۵

ماده ۹- این ماده تصریح و تأکید می کند که دولت ها باید امکانات و مقدمات دسترسی آسان و بدون هزینه معلولان و ناشنوایان به اطلاعات را فراهم آورند در بند ث این ماده می نویسد:

رابطین

راهنما و رابط حرفه ای زبان اشاره در مکان های عمومی حضور داشته باشند تا دسترسی ناشنوایان و تأمین نیازهای اطلاعاتی آنها آسان گردد.

ماده ۲۴: درباره تحصیلات است. در ابتدا تأکید می کند معلولین باید حق تحصیل تا مراحل عالی را بدون تبعیض داشته باشند. نیز باید از فرصت های مساوی برخوردار شوند. این ماده شامل ۵ قسمت و هر قسمت شامل چند بند است. قسمت ۳ درباره پیشرفت و مهارت آموزی است و در بندهای ب و پ می نویسد:

ب - تسهیل یادگیری زبان اشاره و ارتقای هویت جمعیت ناشنوایان

پ - حصول اطمینان از تحصیل کودکان ناشنوا و آموزش روش های ارتباطی مناسب به آنها.

در قسمت ۴ همین ماده می نویسد:

دولت های

عضو باید اقدامات مناسب برای استخدام معلمان واجد شرایط مثل تبحر در زبان اشاره و آموزگاران حرفه آموزی فراهم آورند.

ماده

۳۰: این ماده دولت را موظف کرده تا امکانات فرهنگی، تفریحی و ورزشی برای معلولین فراهم آورد و آنان بدون دغدغه باید بتوانند به فیلم های مورد نیاز، محصولات فرهنگی مورد نیاز، برنامه های تلویزیونی و غیره دسترسی داشته باشند.

در یک بند از این ماده درباره ناشنوایان نوشته است:

«هویت

فرهنگی و زبانی ناشنوایان در زبان اشاره و فرهنگ ناشنوایی محترم دانسته شود و مورد حمایت باشند»

این بند به این معنا است که ناشنوایان حق دارند سرود به زبان اشاره اجرا کنند، تئاتر اجرا کنند و دولت هم باید نه تنها از آنها ممانعت نکند بلکه زمینه های فعالیت آنها را فراهم آورد.

ماده

۳۲: درباره همکاری های بین المللی معلولین است و دولت را موظف کرده تا زمینه های فعالیت معلولین در دیگر کشورها را شناسایی کرده و شرایط و امکانات حضور آنان را در عرصه های بین المللی فراهم آورد.

مثلاً

برای تحصیل در رشته زبان، ناشنوایی می خواهد به فرانسه برود و زبان اشاره در مقطع دکترا تحصیل کند، یا در رشته studies

Deaf (مطالعات ناشنوایی) تحصیل کند دولت باید شرایط آن را فراهم آورد.

البته

این ماده مفصل است و شامل زمینه های تحقیقاتی، فنی، علمی، تبادل اطلاعات، انتقال تکنولوژی و غیره می شود.

خلاصه

اینکه کنوانسیون ۵۰۰ ماده دارد و در لابلای این مواد به حقوق و شئون ناشنوایان تصریح و تأکید شده است. امید است سازمان بهزیستی و نهادهای دولتی در اجرای این قانون کوشا باشند.

ص: ۱۶۶

نوری: با تشکر از آقای ذبیحی که درباره حقوق ناشنوایان و زبان اشاره نکات سودمندی گفتند؛ در تکمیل سخنان ایشان باید گفت نکاتی مثل نفی تبعیض و ضرورت مساوات، دسترسی همگانی، آموزش همگانی و تعهدات دولت در معارف اسلامی و در قرآن و احادیث هم آمده است. لازم است در این باره پژوهشی انجام شود و متون دینی در مقایسه با قوانین آورده شود. در این صورت معلوم خواهد شد پیش از سازمان ملل، معصومین علیهم السلام حقوق معلولین را مطرح کرده اند. مثلاً روایتی هست که امام صادق علیه السلام می گوید:

اسماع

الاصم غیر تضجر صدقه هنیئه (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۸۸)

یعنی

فهماندن به ناشنوا بدون ناراحتی شیوه مطلوبی است.

چند

نکته در مورد این گونه روایات باید در نظر گرفت:

۱-

رهبران اسلام در چارچوب فرهنگ زمان خودش با مردم سخن می گفتند و اگر در این دوره بودند، قطعاً واژه ها و عبارات متناسب با مردم این دوره بود.

لذا

باید سخنان آنان را متناسب با این دوره ترجمه نمود.

۲- در این روایت واژه اسماع آمده که در لغت یعنی شنواندن یا سخنی را به گوش کسی رساندن. اما کسی که شنوایی ندارد و نمی تواند بشنود، اسماع به معنای فهماندن و مطلبی و نکته ای را به ناشنوا تفهیم کردن است. یعنی با زبان اشاره یا کتابت یا هر روش دیگر نکته ای را به ناشنوا فهماند و تفهیم کردن.

از این رو واژه اسماع نشان دهنده این است که در آن زمان تفهیم به ناشنوایان با زبان اشاره یا شیوه های دیگر متداول بوده است.

۳- واژه «غیر تضجر» گویای این است که آموزش و آموختن به ناشنوایان، آسان نیست و با سختی هایی همراه است و مربی و

آموزگار باید صبور باشد و ناراحت نشود.

از طرف دیگر چه بسیار ناشنوایانی که درس و مدرسه را کنار گذاشته اند چون آموزگار با ناراحتی و عصبانیت خواسته به آنها تفهیم کند و روح لطیف و ظریف ناشنوا این روش نامطلوب را نپذیرفته و کنار گذاشته است. بنابراین «غیر تضجر» می گوید مواظب روحیه ناشنوایان باشید و به هنگام آموزش با اخلاق خوش به آنها آموزش دهید.

۴- واژه «صدقه هنیئه» به معنای پرداخت پول و صدقه نیست بلکه به معنای روش درست و مطلوب است. نباید این روایت را اینگونه معنا و تفسیر کنیم که ناشنوایان متکدیانی هستند که مستحق صدقه می باشند و به جای پرداخت صدقه مالی به آنها آموزش داده شود، زیرا در روایت هیچ قرینه ای نیست که مؤید این تفسیر باشد. در واقع امام می خواهد بگوید آموزش ناشنوایان لازم و ضروری است، مثل صدقه که پرداخت آن لازم است. از این رو ترجمه صحیح این روایت اینگونه است:

«آموزش

غیر خشونت آمیز ناشنوایان شیوه مطلوب و درست است.»

به هر حال ضروری است روایات متناسب با فرهنگ زمانه تفسیر و ترجمه گردد تا معلوم شود معارف اسلامی درباره معلولین بسیار غنی است.

ص: ۱۶۷

یکی از مباحث ما امروز، اظهار نظر پیرامون واژه های مذهبی و چگونگی تبدیل آنها به اشارات در زبان اشاره است. توضیحاتی که گفته شد در این زمینه راهگشا است و متوجه می شویم که واژه ای مثل صدقه را چگونه معنا کنیم.

فاطمه

آقا محمد؛ رابط ناشنوایان در تلویزیون

ابتدا

لازم است از دفتر فرهنگ معلولین و آقای نوری تشکر کنم که با تلاش های خود ما را دور هم آورد و جلسه حاضر مدیون زحمات او است. من تازه بازنشست شده و چند دهه در زمینه زبان اشاره کوشیدم. به قول آقای نوری نیم قرن تلاش کرده و تجارب زیادی جمع آوری کرده ام. مهم ترین تجربه ام این است که در اشارات باید به عرف و استعمالات خود جامعه هدف، نظر و التزام داشت. همانطور که در لغات یک زبان مثل فارسی، دانشمندان لغت و ادبیات از خودشان چیزی اختراع و ابداع نمی کنند و لغات را حق ندارند بسازند بلکه فقط به دهان مردم نگاه می کنند و آنچه به کار می برند و استعمال می کنند را ثبت و ضبط می کنند؛ در اشارات هم باید بینیم ناشنوایان مثلاً، مادر را با چه علامتی نشان می دهند، بشقاب، قاشق، پدر، فرش و قالی، آسمان، خدا و صدها مفهوم دیگر را با چه اشاراتی می فهمانند، آنگاه اینها را ضبط کنیم و ترویج دهیم. ما حق نداریم اشاره ای را بسازیم بلکه باید اشارات ناشنوایان را ثبت و ضبط و به نوآموزان یاد دهیم تا آنها را به کار ببرند. بنابراین جای خالی افرادی که اشارات را گردآوری کنند و کتاب دیکشنری اشارات تدوین کنند خالی است و مشکل اصلی در همین مسئله است. فرض کنید در فارسی علی اکبر دهخدا یا محمد معین نبودند و لغات فارسی ثبت و ضبط نمی شد و کتاب هایی مثل لغت نامه دهخدا یا فرهنگ فارسی معین تألیف و عرضه نمی شد. در این صورت نسل های جدید و آموزگاران چگونه می توانستند به لغات و معانی آنها دسترسی داشته باشند؟ و اساساً انتقال واژه ها و مفاهیم چگونه میسر و ممکن می شد؟

بنابراین

وضعیت هر زبان از جمله زبان اشاره اینگونه است که مفاهیمی را جامعه هدف بر اساس عادات و آموخته های دوره کودکی به کار می برد. سپس عده دیگر این واژگان یا اشارات را گردآوری و در قالب یک لغت نامه و فرهنگ نامه عرضه می کنند. آنگاه نسل های بعد با الگوگیری از این منابع زبان خود را پی ریزی و سامان دهی می نمایند. اما در ناشنوایان چنین چرخه ای فعال نیست و بعضی حلقه ها مفقود است یا کم کار است. به همین دلیل کارکرد زبان اشاره در ایران مختل است. ناشنوایان و تشکل های ناشنوایی باید تلاش کنند چرخه مزبور را تکمیل و فعال کنند.

نکته

دیگر این است که کودک شش ساله سالم وقتی پا به مدرسه می‌گذارد، هزاران مفهوم را می‌شناسد و به کار می‌برد. غذا، بابا، مامان، کتاب، دفتر، مداد، قلم، کاغذ، نقاشی، داستان و غیره را می‌شناسد و در محاورات روزمره به کار می‌برد. اما یک ناشنوا چند مفهوم را می‌شناسد و به صورت اشاره به کار می‌برد؟ بر اساس برخی آمارها به پانصد مفهوم نمی‌رسد و البته آراء و آمارها در این زمینه متفاوت است ولی مسلماً به اندازه یک کودک عادی واژه و مفهوم نمی‌شناسد.

ص: ۱۶۸

لازم است دامنه و تعداد مفاهیم و اشارات را گسترش دهیم و به والدین، معلمان و مربیان آموزش داده شود. قطعاً اگر دامنه اشارات والدین توسعه یابد، دامنه اشارات کودک ناشنوا هم افزایش می یابد.

با یک مثال اهمیت این مسئله را نشان بدهم. هر مقدار یک علم پیشرفته تر باشد، دامنه واژگانش بیشتر است. مثلاً دانش پزشکی در آمریکا پیشرفته تر از ایران است، از این رو دیکشنری اصطلاحات و لغات پزشکی در آمریکا چندین برابر لغت نامه پزشکی در ایران است. نتیجه می گیریم که پیشرفت علمی و فرهنگی بستگی به آمار لغات و تعداد لغاتی که می شناسیم، دارد. کودکی که مثلاً ۱۰۰ لغت می داند با کودکی که ۱۰۰۰ لغت می داند، دو سطح از دانش و معلومات را دارند. موفقیت کودکی که معلومات بیشتر دارد در مدرسه و در کلاس درس و در جامعه بیشتر است.

بنابراین

باید بکوشیم دامنه لغات ناشنوایان را افزایش دهیم. اما چگونه؟ این مسئله تا اندازه زیاد به نهادهای مثل فرهنگستان ادب فارسی، وزارت فرهنگ و ارشاد بستگی دارد و اینان باید اراده پیدا کنند در این زمینه گام های عملی و جدی بردارند.

رضا

محمودی

همانطور

که خانم آقا محمد گفت باید دامنه اشارات را در ذهن ناشنوایان گسترش داد. یکی از ضرورت ها در این باره واژه ها و اشارات معنوی، اخلاقی و مذهبی است. امروزه در جهان اخلاق و مذهب به عنوان عامل ضد افسردگی و عامل توانبخشی به ویژه برای معلولین شناخته شده است. اما دانش و اطلاعات ناشنوایان در این عرصه کم است چون کار جدی درباره اشارات قرآنی و معارفی و مذهبی نشده است. من درصدد هستم اشارات مذهبی و قرآنی را جمع آوری کنم و به صورت یک کتاب منتشر نمایم ولی نیاز به مساعدت انسانی و مالی دارم.

مرضیه

آقاخان؛ ناشنوا، دبیر مدرسه استثنایی، عضو هیئت مدیره سابق کانون ناشنوایان ایران و عضو کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره

ناشنوایان

از کودکی مجبور هستند به کلاس های گفتار درمانی، تربیت شنوایی بروند تا خوب حرف بزنند و خوب بشنوند و خوب با مردم ارتباط برقرار کنند. همه ناشنوایان از جمله من بسیار تلاش کردیم و کوشیدیم تا روش ارتباط با جامعه را فرا گرفته و به کار ببریم. البته ما ناشنوایان با زبان اشاره، راحت تر با جامعه ارتباط برقرار می کنیم و تلاش کردیم تا اشارات را یاد بگیریم.

اما آیا جامعه یعنی مخاطبان ما در جامعه مثل راننده اتوبوس و تاکسی، کاسب و مغازه دار، مدیران ادارات و صدها فرد دیگر هم کوشیده اند تا زبان اشاره یاد بگیرند تا به هنگام برخورد با یک ناشنوا بتوانند با او ارتباط برقرار کنند؟ پاسخ منفی است. یعنی در ایران فقط ناشنوایان را ملزم و مجبور به فراگیری اشارات می کنند، اما آحاد و اصناف جامعه مجبور و ملزم نیستند.

نتیجه

اینکه ما ناشنوایان در تاکسی و در مغازه و بازار و در ادارات نمی توانیم مقاصد و ذهنیات خود را انتقال دهیم چون طرف مقابل مشکل دارد، نه ما.

ص: ۱۶۹

در

بسیاری از کشورها، کسانی که مرتبط با مردم هستند مثل رانندگان تاکسی ملزم شده اند زبان اشاره را یاد بگیرند. برای آنان مشوق هایی هم در نظر گرفته اند و آنان را وادار به فراگیری زبان اشاره کرده و از این طریق مشکل مزبور را برطرف کرده اند.

در بعضی کشورها همه دانش آموزان چند ساعت در سال زبان اشاره یاد می گیرند. با این روش هم مشکل ناشنوایان و هم مشکل خارجی هایی که زبان آن کشور را نمی دانند برطرف می شود. مثلاً یک نفر آلمانی وقتی به دبی می رود و عربی یا انگلیسی نمی داند و نیز راننده تاکسی آلمانی نمی داند، دو نفری با زبان اشاره، منظور خود را تفهیم می کنند. از این رو زبان اشاره بسیار کارگشا است و باید در ایران هم به رسمیت شناخته شود.

راه کاری

که می توانیم عرضه کنیم این است که وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی در برنامه های آموزشی، زبان اشاره را در نظر گیرد. نیز سازمان جهانگردی و گردشگری برای آموزش عواملی که با جهانگردان ارتباط دارند، آموزش زبان اشاره داشته باشد.

در

نمایشگاه قرآن هستیم و لازم است بگویم مدیریت نمایشگاه خوب بود یک کارگاه زبان اشاره برای آموزش قرآن می گذاشت. نیز مبلغان و واعظان مذهبی را باید ملزم کنند زبان اشاره یاد بگیرند و با استفاده از این زبان، ناشنوایان را راهنمایی کنند.

مهدیه

مهدویانی؛ کارشناس و مدیر بخشی از سازمان آموزش و پرورش استثنایی در تهران

اینکه

گفته شد عموم مردم باید زبان اشاره بدانند درست است. یک ناشنوا اگر بخواهد با شنوایان ارتباط بگیرد باید مفاهیم و واژگان آنان را بشناسد، نیز یک شنوا وقتی ارتباطش با یک ناشنوا موفق است که اشارات را بشناسد و بتواند به کار ببرد و مقاصد خود را با اشارات بفهماند. من هم معتقدم آموزش و پرورش می تواند نقش مهم و اساسی در این زمینه داشته باشد. اما باید از بالا و در شورای عالی آموزش و پرورش تصمیم گیری شود. لازم است ناشنوایان دائم درخواست کنند و طرح بدهند تا این مهم به نتیجه برسد و برآورده گردد.

آموزش و پرورش استثنایی بیشتر بر لب خوانی تمرکز دارد ولی ناشنوایان و تشکل های مردمی بر زبان اشاره اصرار و تمرکز

دارند؛ البته خواست خود ناشنویان رو به گسترش بوده است.

اما به نظر می‌رسد طرح جامع و خط مشی فراگیر هنوز وجود ندارد و به همین دلیل مشکلاتی مشاهده می‌شود.

زهره

قاری، شنوا، استاد دانشگاه، دارای دکترای در رشته مطالعات ناشنوایی از استرالیا

زبان

اشاره واقعاً یک زبان است یا راهکار و شیوه ای برای ارتباط؟ آخرین تحقیقات در جهان در نهادهای پژوهشی و در دانشگاه‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که ناشنویان یک اقلیت اجتماعی با زبان و فرهنگ خاص‌اند. و زبان اشاره یک زبان برای این اقلیت است.

وقتی

اشاره یک زبان باشد، باید ضوابط زبان را در مورد آن اجرا کرد و به مثابه یک زبان با آن برخورد نمود. یعنی:

- زبان اشاره قابل انتقال و آموزش است و لازم است تدابیر آموزشی برای آن داشت.

ص: ۱۷۰

- زبان اشاره نیاز به متون آموزشی دارد.

- زبان اشاره قابلیت گسترش و بسط دارد.

- زبان اشاره نیاز به آموزگاران مجرب دارد.

- زبان اشاره نیاز به بررسی های میدانی و نظری نیاز دارد تا به آسیب شناسی یا شناسایی علل پیشرفت آن پردازد.

- زبان اشاره با خود فرهنگ یعنی باورها و آداب و رسوم دارد.

متأسفانه

هنوز زبان اشاره در ایران به عنوان یک رشته دانشگاهی راه اندازی نشده است و افراد متخصص در این زمینه بسیار اندک هستند. با اینکه به لحاظ کثرت آماری ناشنویان در ایران، این رشته یکی از ضرورت ها است.

اصغر

احمدی، کارشناس حقوقی

اینجا

درباره مسائل فرهنگی و زبان اشاره بسیار گفتند، اما یک جنبه از زندگی ناشنویان نیازها و مسائل حقوقی آنها است. ناشنویان دعوی حقوقی دارند و گاه به دادگستری و قوه قضائیه مراجعه می کنند. من شغلم در قوه قضائیه است و سه فرزند ناشنوا دارم و مشکلات شما را می شناسم. با مسئولین قضایی و با مسئول کانون و کلا صحبت کردم و قرار شد هر مشکلی دارید به من بگویید و راه درست را به شما نشان دهیم.

مدتی

باید به این روش کار کنیم و به تدریج پست کارشناسی و استشاری یا مشورتی در قوه قضائیه برای همه معلولین یا برای ناشنویان راه اندازی شود. این مسئله نیاز به دستور ریاست قوه قضائیه دارد ولی فکر کنم شدنی است.

اما

الآن هر کس کاری در حد گرفتن وکیل دارد می تواند به من مراجعه کند.

عباس

نظری، معاون سازمان ها و نهادها در نمایشگاه قرآن و عترت

من به سهم خود از شما عزیزان تشکر می نمایم، متأسف هستم که جای شما کوچک است و ان شاءالله سال آینده جای بزرگ تر به شما می دهیم. من شاهد تلاش های شما بودم و دیدم با چه شور و حرارتی بحث می کنید و نظر می دهید. امیدوارم موفق تر باشید و در پناه قرآن کریم بتوانید پیشرفت های بهتر داشته باشید.

رضا

محمودی

با تشکر از آقای احمدی که به فکر ناشنوایان است. اگر هر کس گوشه ای از کار را بگیرد، همه مشکلات رفع می گردد. از مردم نیکوکار استدعا داریم به این قشر کمک کنند.

اما

امشب مباحث خوبی مطرح شد. قرار است این بحث ها پیاده و پس از ویرایش کتاب شود.

من

خلاصه مباحث را عرض می کنم:

۱- زبان اشاره حق مسلم ناشنوایان است.

۲- زبان اشاره باید به رسمیت شناخته شود و در آموزش و پرورش و دیگر نهادها قابل احترام باشد و به خواست ناشنوایان توجه کنند.

ص: ۱۷۱

۳- مدیران و مسئولین باید یک دوره معلولیت شناسی و ناشنوا شناسی بگذرانند تا بدانند با معلولین و ناشنوایان چگونه تعامل و برخورد داشته باشند.

۴-

ناشنوایان نباید سر و اثره‌ها اختلاف و منازعه داشته باشند، بلکه باید به دنبال واقعیت‌ها بروند. مثلاً سال‌ها است برخی رابط و برخی مترجم می‌گویند و چقدر بر سر آن اختلاف شده است.

به

جای این اختلافات همانطور که خانم ثمینه باغچه بان راهنمایی کرده، ناشنوایان باید خواستار به رسمیت شناختن پست سازمانی راهنما (چه به نام رابط یا به نام مترجم) باشند.

سازمان

برنامه و بودجه باید لایحه این پست سازمان را آماده و برای تصویب به مجلس بفرستد.

۵-

ناشنوایان باید اختلافات خود را کنار گذاشته و متحد شوند و با اتحاد خواستار به دست آوردن حقوق اجتماعی، آموزشی و فرهنگی خود باشند. (۱)

ص: ۱۷۲

۱- قرآن کده توانمندان، علی نوری، قم، توانمندان، ۱۳۹۷، ص ۱۴۶-۱۵۷.

یکی از فعالیت های قابل توجه رضا محمودی، پژوهش و تدوین کتاب و مقاله بوده است. به ویژه در زمینه تألیف کتاب درباره زبان اشاره فعال تر بوده و تلاش های گسترده تر داشته است. از نظر کثرت و تعداد عناوین تألیفی و تعداد صفحات درباره زبان اشاره گوی سبقت را از دیگران ربوده است. همچنین از نظر نوآوری و تولید آثار جدید هم از دیگر ناشنویان جلوتر است.

این فصل به فعالیت های رضا در عرصه پژوهش گری و تحقیقات و نیز تألیف و نویسندگی می پردازد و فعالیت هایش را به ترتیب تاریخ عرضه، معرفی می کند. همه آثار مثل کتاب و مقاله و پایان نامه در این فصل یک حکم دارند و بدون تمایز بین آنها، در سه بخش معرفی می شوند. همچنین تفاوتی بین نوع فعالیت نیست یعنی آثاری که به تنهایی تألیف کرده با آثاری که جمعی تألیف شده و رضا یکی از تولیدکنندگان است و آثاری که در بخشی از آن مشارکت داشته بدون تمایز معرفی می شوند.

رضا چند مصاحبه و میزگرد دارد که متن آنها در فصل سوم (گفت و گو) آورده شد ولی در اینجا فقط مشخصات آنها می آید. بنابراین این فصل شامل این بخش ها است:

- کتاب

- مقاله

- پایان نامه، از ایشان یک پایان نامه داریم که به معرفی آن می پردازم.

- مصاحبه و میزگرد، متن مصاحبه ها در فصل قبل آورده شد.

- دستنوشته های منتشر نشده

مجموعه گزارش ها و مقالاتی به صورت دست نوشته یا تاییپی ولی چاپ و منتشر نشده دارد که در اینجا معرفی می شود. اما مجموعه گزارش های سفرهای ایشان در یک جلد به نام سفرنامه منتشر خواهد شد.

اما رضا در همایش ها، نشست ها و میزگردها بسیار مشارکت و حضور داشته است ولی نه خودش چیزی نوشته و نه گزارشگران و خبرنگاران چیزی نوشته اند. یا گزارش تدریس ها و کلاس های ایشان ثبت نشده است.

ص: ۱۷۴

رضا وقتی ۲۲ ساله بود نامش در کتاب فرهنگ زبان اشاره فارسی به عنوان همکاران تألیف کننده درج شد و تاکنون حدود ۱۶ اثر مکتوب و منتشر شده از او می‌شناسیم. البته آثاری که من رصد کرده‌ام و شاید آمار من اشتباه داشته باشد.

من فکر می‌کنم اگر دستنوشته‌های رضا که به عنوان سفرنامه یا گزارش نوشته آماده چاپ و نشر شود و به چاپ سپرده شود، آثارش به حدود ۲۵ اثر می‌رسد. از سال ۱۳۵۹ به عنوان مبدأ نویسندگی رضا تا الآن (۱۳۹۷)، ۳۸ سال می‌گذرد و اگر ملاک را ۲۵ اثر بگیریم، او در هر سال ۶۵ صدم کتاب نوشته است.

به هر حال هرگونه آمارگیری کنیم، رضا از چهره‌های فعال در عرصه پژوهش و نویسندگی در جامعه ناشنویان در طول تاریخ ایران است. اگر کسی فرد دیگری سراغ دارد، معرفی کند. ولی من بسیار جستجو کردم و در ناشنویان کسی را با این اندازه آثار پیدا نکردم. آن هم آثاری که فقط در حوزه ناشنوایی باشد.

اولین اثر کتاب فرهنگ زبان اشاره فارسی است که در سال ۱۳۵۹ تألیف و منتشر شده و آخرین اثر در سال ۱۳۹۷ و درباره ثمینه باغچه بان است.

فرهنگ زبان اشاره فارسی – ۱۳۵۹

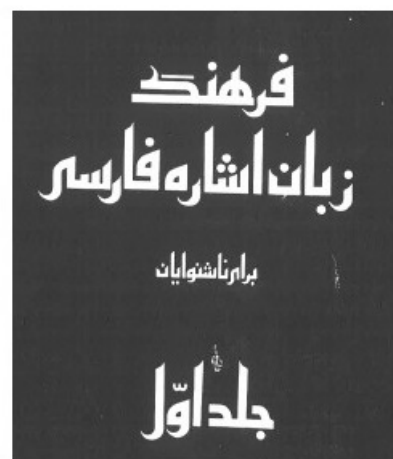
سازمان رفاه ناشنویان ایران به مدیریت ثمینه باغچه بان، در دهه پنجاه و شصت، برنامه‌های گسترده برای پیشرفت و رفاه ناشنویان پی‌ریزی کرد. از جمله به تألیف و تدوین کتب مورد نیاز ناشنویان اقدام نمود.

نیاز ناشنویان مثل دیگر معلولان به کتب مرجع همواره حادتر و ضروری‌تر بوده است. البته همه اقشار جامعه برای پیشرفت نیاز مبرم به کتاب‌های مرجع دارند ولی این مسئله در معلولین و در ناشنویان مشهودتر و عیان‌تر است. زیرا قشرهای دیگر از طریق کتب مرتبط یا عمومی نیازهای خود را به کتب مرجع برآورده می‌کنند اما در مورد ناشنویان هیچ کتاب مرتبط یا عمومی وجود ندارد که بتواند جای کتاب مرجع ناشنوایی را پر کند. اساساً فقر کتاب در جامعه ناشنوایی فراگیرتر است؛ چون تألیفات در این باره کمتر است. به هر حال سازمان رفاه ناشنویان ایران درصدد برآمد کتب مرجع را اولویت بدهد و اولین کتاب مرجع در زمینه زبان اشاره کتابی با عنوان فرهنگ زبان اشاره فارسی برای ناشنویان است.

این کتاب مثل فرهنگنامه دو زبانه است که یک طرف لغت زبان مبدأ و روبروی آن لغت زبان مقصد است. در اینجا لغت فارسی یک طرف و در مقابل آن علامت اشاره آمده است. البته اشاره‌های معادل کلمات، از کاربردهای ناشنویان در ایران اخذ شده است. درست مانند معانی کلمات که به اصطلاح معروف سماعی نه قیاسی است. یعنی لغت نویس به سراغ مردم رفته می‌شنود که مردم نخر را الاغ

می دانند و این دو را به معنای یکدیگر به کار می برند، از این رو در لغت نامه خود می نویسد خر: الاغ. در مورد اشاره هم، کارشناس مربوط می بیند که ناشنوا منظورش از سلام، بالا- بردن دست و نزدیک سر بردن، می رساند و در کتابش جلوی سلام، شکل این حرکت را می آورد.

افراد زیر در تولید این اثر مشارکت داشته اند:



تألیف و تنظیم: فاطمه آقامحمد، الهه افضلی، مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی، رضاقلی شهیدی، محسن لوح موسوی، رضا محمودی

عکاسی: محمود حاج محمدی، محسن منوچهری

تایپوگرافی: روشنگر رضا خانلو

مشخصات مأخذشناسی این اثر چنین است:

فرهنگ زبان اشاره فارسی برای ناشنوایان، تهران، انتشارات سازمان رفاه ناشنوایان ایران، ۱۳۵۹، جلد اول.

فقط جلد اول این اثر منتشر شد و دیگر مجلدات منتشر نشده است. رضا محمودی یکی از مؤلفین این اثر است.

ص: ۱۷۶

در سال با حکم و رأی شورای انقلاب همه نهادهای مرتبط به امور معلولین منحل و در سازمان بهزیستی ادغام و این سازمان تأسیس شد. از اولین آثار سازمان بهزیستی، همین اثر بود که در سال ۱۳۶۳ منتشر گردید.

افراد زیر در تولید این اثر مشارکت و همکاری داشتند:

تألیف و تنظیم اشارات: مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی زاده، الهه قاسمی شاد، محسن لوح موسوی، رضا محمودی

با همکاری: فاطمه آقامحمد، الهه افضلی، ایران بهادری، مهوش گلبدن، طاهره محمدپور، بهناز نسوادرانی

مشاوره ادبی: منصور استخری

فرهنگ زبان اشاره فارسی

برای ناشنوایان

جلد اول

تألیف و تنظیم از گروه زبان اشاره:

فاطمه آقامحمد، الهه افضلی، مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی،

رضاقلی شهیدی، محسن لوح موسوی،

رضامحمودی

عکاسی: محمودحاج محمدی، محسن منوچهری

تایپوگرافی: روشنگ رضاخانلو

۱۳۵۹

انتشارات سازمان رفاه ناشنوایان ایران

چاپ سپهر

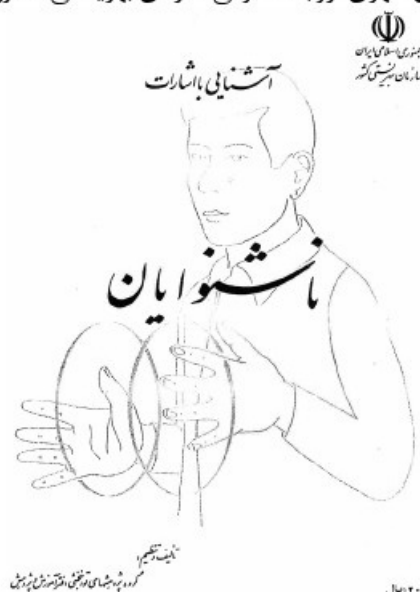
طراحان: شعله نواب تهرانی، قاسم بخشش

بنابراین رضا محمودی جزء مؤلفین است.

مشخصات مأخذشناسی این اثر چنین است:

۱۷۸ جشن نامه فرهیخته ناشنوا، رضا محمودی

آشنایی با اشارات ناشنویان، تهران، روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۶۳.



نام کتاب	آشنایی با اشارات ناشنویان
تألیف و تنظیم	گروه پژوهشهای توانبخشی ناشنویان فراسورنژاد و پژوهش
مشاور ادبی	منصور اسکندری
طراحان	شعله نواب تهرانی - کاسم جلیلی
تألیف و تنظیم اشارات توسط	مرضی پردزی - حبیب تهرانی زاده - الهه قاسمی شاد - محسن لوح موسوی - رضا محمودی
بازنگاری	فاطمه آقا محمد - الهه فضل - ایران بصادی - موش گلبدن - طاهره محمدپور - بنیاد نوا ادانی
چاپ نشرا	روابط عمومی و ارشاد سازمان بهزیستی کشور
تعداد نشر	۲۰۰۰ نسخه
	چاپ اول: تابستان ۱۳۶۳
	چاپخانه سازمان بهزیستی کشور

آشنایی با اشارات ناشنویان، تهران، روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۶۳.

معاون طرح و برنامه طی نامه ای به رضا محمودی از زحمات ایشان تشکر کرده و این کتاب در توان بخشی ناشنوایان مؤثر می داند:

آیا کودک شما نمی تواند بشنود؟ - ۱۳۶۷

این کتاب توسط سه نویسنده خارجی تألیف شده؛ سپس توسط طاهره محمدپور به فارسی برگردان شده است. رضا محمودی و الهه قاسمی شاد در آماده سازی این اثر نقش و مسئولیت داشته اند. به طوری که معاون طرح و برنامه سازمان بهزیستی خطاب به رضا محمودی می نویسد از کوشش شما در همکاری برای تهیه این کتاب سپاسگزاری کرد.

فصل چهارم: میراث مکتوب ۱۷۹

معاون طرح و برنامه طی نامه ای به رضا محمودی از زحمات ایشان تشکر کرده و این کتاب در توان بخشی ناشنوایان مؤثر می داند:



خیلهر
برادر

سلامتکم
بدینوسیله از زحمات شما در تدوین کتاب آشنائی با اشارات ناشنوایان که زمینه و پایه ای جهت توان بخشی هرچه بهتر ناشنوایان می باشد قدر دانی میگردم و بهیوست یک نسخه از کتاب فوق را تقدیم میدارد.

اصغر حمید
معاون طرح و برنامه

شماره ۱۸۴۸۴ / ۱۸۷

تاریخ ۳ / ۲ / ۸۷

پوست سبز جلد قرمز



جمهوری اسلامی ایران

سازمان مجسمه سازی کشور

بسمه تعالی

بسراد رضا محمودی

بدینوسیله از کوشش شما در مورد همکاری برای تهیه کتاب
« آیا کودک شما نمیتواند بشنود » که خدمت می ارزنده می باشد
تشکر و ستیاسگزار می شوم . و بپیوست یک نسخه از کتاب مذکور
بشما برای استفاده شما ارسال می گردد . امید است
همچنان در راه خدمت به ناشنویان کشور موفق باشید . / پ

مهدی حداد شمس

معاون طرح و برنامه

جمهوری اسلامی ایران
سازمان مجسمه سازی کشور
معاونت طرح و برنامه

آیا کودک شما نمیتواند بشنود؟

تألیف:
رابرت د. فریزن
کلینتن اف. کاربین
رابرت جی. بوس

ترجمه:
ظاهره محمدپور



دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۶۷

گروه پژوهشی توانبخشی

پس از تأسیس سازمان بهزیستی، کمیته توسعه زبان اشاره در آنجا شکل گرفت و تیمی از نخبگان زبان اشاره و ناشنوایی در این کمیته اقدام به برنامه ریزی پرداختند. از جمله آقای محمودی در مؤلفین این اثر بوده است. معاون بهزیستی در نامه زیر از کوشش محمودی تشکر کرده و این کتاب را در توانبخشی ناشنوایان مؤثر است.

فصل چهارم: میراث مکتوب ۱۸۱

فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه مترجم

بخش اول

آیا ناشنوایی را

- مقدمه

- بحث وجدل

- اهمیت نقش وا

- مباحثه و مجادله

- واقعیت ناشنو

- دیدگاه‌های ما

- تعریف ناشنوا

- هدفهای مطلوب

- هدفهای
شده است

- هدفهای
مورد نظر

- هدفهای

- نتیجه‌گیری

- خلاصه مطالب

آیا کودک شما نمیتواند بشنود؟

مؤلفان: راجر د. فریمن،

کلیفتن اف. کاربین،

رابرت جی. بوس

مترجم: طاهره محمد پسرور

صفحه آرایان: الهه قاسمی شاد، رضا محمودی

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۶۷

ناشر: سازمان بهزیستی کشور

چاپ: افست. چاپخانه سازمان بهزیستی کشور

صفحه عنوان و روی جلد و نیز شناسنامه این کتاب این گونه است:

۱۸۲ جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی



جمهوری اسلامی ایران

سازمان بهزیستی کشور

* بسمه تعالی *

برادر رضا محمودی

کک کارشناس مطالعات و پژوهشهای توانبخشی

بدینوسیله از تلاشها و کوششهای مستمر و همیانه شما که در تهیه و تألیف کتاب مجموعه اشارات ناشنویان بذول داشته اید تشکر و قدر را این می شود . تدوین این کتاب پس از گام ارزنده و امیدبخش در جهت توانبخشی و حل مشکلات ارتباطی ناشنویان عزیز خواهد بود .

از خداوند تعالی سلامت و توفیق بیشتر شما را در راه خدمت به معلولین و توسعه اینگونه خدمات سازنده خواستارم . / ح

مهدی منتظری
معاون طرح و برنامه

صفحه عنوان و روی جلد و نیز شناسنامه این کتاب این گونه است:



رضا محمودی در آماده و نهایی سازی کتاب بررسی موانع موجود در کاریابی و اشتغال معلولین همکاری و مشارکت داشته است.

سازمان بهزیستی به ویژه معاونت های توانبخشی و طرح و برنامه با اخذ و جمع آوری طرح های معلولیتی از سراسر در زمینه اشتغال و موانع کاریابی، کتاب حاضر را منتشر کرده اند.

نام کتاب :	مجموعه اشارات ناشنویان
تهیه و تالیف :	کمیته توسعه زبان اشاره : ایران بهادری - مرتضی پیروزی - حبیب تهرانی زاده اللهه قاسمی شاد - محسن لوح موسوی - رضا محمودی
با همکاری :	طاهره محمدپور - بهنا زنسودرانی
طراحی اشارات :	شعله نواب تهرانی
طراحان فلش :	مرتضی پیروزی - رضا محمودی
زیرنظر :	ایران بهادری - محسن لوح موسوی
مشاور ادبی :	منصور استخری
مشاوران اجرایی :	نقی ناصر شریعتی - عطا الله مثنوی
صفحه بندی کتاب :	کمیته توسعه زبان اشاره
ناشر :	سازمان بهزیستی کشور
چاپ اول :	۱۳۶۸ تهران
چاپ دوم :	۱۳۷۵ تهران
تیراژ :	۵۰۰۰ نسخه
چاپخانه :	آفرین

صفحات روی جلد و صفحه پدید آورندگان که گویای جنبه های مختلف این کتاب است را می آورم.

کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره که در سازمان بهزیستی تشکیل شده بود با جمع آوری اشارات کتاب حاضر را تدوین و منتشر کرد. زیرا ناشنویان نیاز به منابع جدید داشتند و اشارات نسبت به سابق تحول یافته بود. از این رو برای ارتباطات نیاز به منبع جدید داشتند.

این کتاب توسط رضا محمودی، محسن لوح موسوی، ایران بهادری، مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی زاده تهیه و تدوین شده است. برای معرفی ابعاد این اثر، عکس روی جلد و شناسنامه را می آورم.





HV	۳۳۸۰
زبان اشاره فارسی / تهیه و تدوین کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره ایران بهادری ... [و دیگران] : طراحی اشارات شمله نواب تهرانی ؛ مترجم عربی علی زنجانی ، علی رضوی ؛ مترجم انگلیسی ایران بهادری. تهران : دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی ، ۱۳۷۴ . ۲۰۲ ص . ؛ تصویر .	۲۲ ز / ۱۳۷۴
۱. گر و لایها - روشهای ارتباطی . الف. بهادری . ایران . تهیه کننده . ب. نواب تهرانی ، شمله ، طراح . ج. زنجانی ، علی ، مترجم . د. رضوی ، علی . مترجم . ح. بهادری . ایران . مترجم . و. دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی	



نام کتاب	: زبان اشاره فارسی
تهیه و تدوین	: کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره: ایران بهادری - مرتضی پیروزی - حبیب تهرانی زاده
طراحی اشارات	: شعله نواب تهرانی با همکاری رضا نبوی
زیر نظر	: ایران بهادری - محسن لوح موسوی
طرح روی جلد	: پریسا کرمانی زاده
صفحه آرایی	: مرجان ساجدی
مشاور اجرایی	: عطالله مثنوی ، سرپرست گروه پژوهش‌های توان‌بخشی
مترجم عربی	: علی زنجانی - علی رضوی
مترجم انگلیسی	: ایران بهادری
ناشر	: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی
چاپ اول	: ۱۳۷۴ آبان
تیراژ	: ۵۰۰۰ نسخه

دیگر جلدها و نکات: کتاب زبان اشاره فارسی شامل چهار جلد است. در چاپ جدید جلد اول آمده است:

چاپ نخست این اثر در سال ۱۳۶۸ و چاپ چهارم آن در سال ۱۳۸۹ بوده است. ولی در چاپ قبلی چاپ اول را ۱۳۷۴ ثبت کرده است.

جلد دوم در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ منتشر شده؛ جلد سوم در ۱۳۷۸ و ۱۳۸۹ منتشر شده است. نکته دیگر اینکه اسم رضا محمودی در سه جلد نخست آمده ولی در جلد چهارم نیامده است. در جلد چهارم اسم یونس لطفی روی جلد ثبت شده است.



دانشگاه علوم پزشکی تهران

شماره: ۹۲۲۵، ۱۳۱۷
تاریخ: ۱۷۷۵۹، ۱۸۰۱، ۹۷

جناب آقای رضا محمودی

بزرگداشت هفتاد و پنج فرصتی برای ارج نهادن به توانایی، خردورزی و حیات علمی انسانی
فریخته است. در این راستا انتشارات دانشگاه تدوین کتاب ارزنده **زبان اشاره فارسی (جلد
جلدی)** را شایسته تقدیر می داند.

امید است در سایه الطاف پروردگار، در مسیر خدمت به جامعه علمی و کلیه شئون زندگی موفق و
سربلند باشید.

دکتر محمد رضا خدائی اردکانی

معاون تحقیقات و فناوری
۱۳۸۸

دکتر گیتا موللی

مدیر اطلاع رسانی پزشکی و ارتباطات

خانم گیتا موللی به عنوان مدیر اطلاع رسانی پزشکی و ارتباطات و محمدرضا خدائی اردکانی به عنوان معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم بهزیستی در آذرماه ۹۷ تألیف این کتاب را برای محمودی شایسته تقدیر دانسته اند:

ص: ۱۸۶

رضا محمودی با خلاقیت و ابتکار سالنامه (تقویم) برای سال ۷۶ تهیه و در قطع جیبی کوچک منتشر کرده است. این سالنامه زیر نظر کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهیه شده است.



بهار، فروردین، روزهای بهار

در ابتدای آن الفبای دستی فارسی آمده است و در ادامه فصل بهار و ماه فروردین و روزهای فروردین با اشاره معرفی شده است و در صفحه آخر زمستان، اسفند ۱۳۷۶ و روزهای این ماه معرفی شده است. این دو صفحه را می آورم تا با سبک این کتاب آشنا شوید:

بهار، فروردین، روزهای بهار

آموزش خیاطی برای ناشنوایان

جامعه ناشنوایان دارای تکثر و گستردگی است. زنان ناشنوا نیازهای ویژه دارند؛ نیز ناشنوایان فعال در عرصه حرفه های مختلف، اشارات و فرهنگ خاص خود را دارند و لازم است برای آنان متون ویژه خودشان تهیه شود. البته حرفه ها هم متنوع اند و دامنه وسیع دارند. یکی از حرفه های مورد علاقه ناشنوایان به ویژه زنان ناشنوا خیاطی است. خیاطی چون مورد نیاز عموم انسان ها از بزرگ و کوچک، زن و مرد و ... است، از این رو از نظر کسب درآمد خوب است.

اما برای آموزش خیاطی و ارتباطات خیاطان ناشنوا با مردم، نیاز به سامان دهی اشارات خیاطی داشت. بنابراین یک جلد کتاب با مشخصات زیر در این باره تدوین و منتشر گردید:

آموزش خیاطی برای ناشنوایان، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۷، ۵۸۲ص.

مدیریت این پروژه بر عهده الهه قاسمی شاد و طاهره محمدپور بود، اما رضا محمودی، ایران بهادری، محسن لوح موسوی، حبیب تهرانی زاده، مرتضی پیروزی و افراد دیگر در این پروژه مشارکت داشتند.



اکنون عکس روی جلد و شناسنامه و پدیدآورندگان را می آورم تا ابعاد این پروژه معرفی شود.

قاسمی شاه، الهه، ۱۳۳۷-
آموزش خیاطی برای ناشنوایان/ الهه قاسمی شاه، طاهره محمدپور؛
[برای] گروه پژوهش‌های توانبخشی، - [تهران]؛ دانشگاه علوم بهزیستی
و توانبخشی، ۱۳۷۷
۵۸۲ ص. : مصور
ISBN 964-6518-06-0
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار)
بر اساس طرح پژوهش جمع‌آوری و استاندارد نمودن اشارات مورد
استفاده در کارگاه‌های حرفه‌آموزی ناشنوایان- بخش خیاطی.»
کتابخانه ملی ایران ۳۴۶۹-۷۷م

قاسمی شاه، الهه..... آموزش خیاطی برای ناشنوایان..... ۱۳۷۷.
واژه نامه
کتابنامه : ص. ۵۸۲
۱. خیاطی- راهنمای آموزشی، ۲. پوشاک- الگوها، ۳. کمر و لاله‌ها-
آموزش الف. محمدپور، طاهره، ۱۳۲۰- ب. دانشگاه علوم بهزیستی و
توانبخشی. گروه پژوهش‌های توانبخشی، ج. دانشگاه علوم بهزیستی و
توانبخشی، د. عنوان.
۶۴۶/۴۰۰۷ T T ۵۰۸/ ق ۲۲۸
کتابخانه ملی ایران ۳۴۶۹-۷۷م

نام کتاب: آموزش خیاطی برای ناشنوایان
مؤلف: الهه قاسمی شاه - طاهره محمدپور
ناظر چاپ: ابوالفضل نوروز
چاپ از مؤسسه مبین: لیتوگرافی سعیدی
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: بهار ۱۳۷۷
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه
ناشر: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
آدرس: اویسن- رویروی دانشگاه شهید بهشتی- دانشگاه علوم
بهزیستی و توانبخشی صندوق پستی: ۱۵۴-۱۵۶۵۵
شماره شابک: ۶-۰-۶۵۱۸-۹۶۴

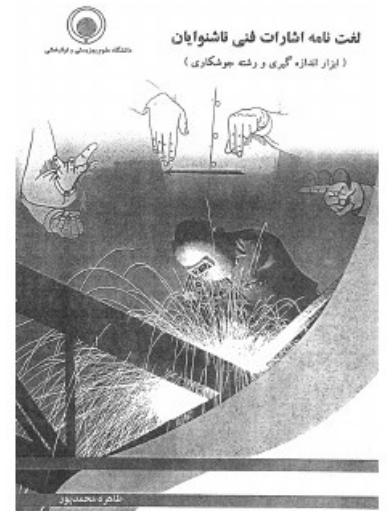
اهمیت یاد دادن شیوه ارتباطات و چگونگی بیان خواسته ها توسط کودک به کسی پوشیده نیست. کتاب حاضر که به مدیریت ایران بهادری و مهروش کوشا در سال ۱۳۷۷ تدوین شد، در آماده سازی آن افراد خبره بسیار مثل رضا محمودی مشارکت داشتند. اسامی این افراد ابتدای کتاب آمده است:



نام کتاب :	زبان آموزی به کودک ناشنوا
افرادی که در تهیه و تدوین این کتاب همکاری کرده‌اند:	
ایران بهادری :	مجری طرح، تألیف متون و همکاری در جمع آوری اشارات
مهروش کوشا :	تألیف متون
محسن لوح موسوی:	کارشناس فنی طرح و نظارت بر جمع آوری اشارات
رضا محمودی :	صفحه‌آرایی و همکاری در جمع آوری اشارات
حبیب تهرانی‌زاده :	همکاری در جمع آوری اشارات
مرتضی پیروزی :	همکاری در جمع آوری اشارات
پریسا کرمانی‌زاده :	طراحی اشارات و روی جلد
سیما کرمانی‌زاده :	همکاری در صفحه‌آرایی
مرضیه آقاخانی :	همکاری در آماده‌سازی کتاب برای چاپ
اکرم خاج علی‌اکبر :	ویرایش متون
محبوبه ولی‌اللهی :	امور کامپیوتری
ابوالفضل نوروز :	ناظر چاپ
چاپ اول :	۱۳۷۷
چاپ :	آبان
لیتوگرافی :	
تیراژ :	۵۰۰۰ نسخه
ناشر :	انتشارات سازمان بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی
شماره شابک :	۹۶۴-۶۵۱۸-۰۸-۷ / 964-6518-08-7

اشارات ابزار اندازه گیری و جوشکاری - ۱۳۷۷

طاهره محمدپور کتابی با عنوان لغت نامه اشارات فنی ناشنوایان: ابزار اندازه گیری و رشته جوشکاری با مساعدت و کمک رضا محمودی و جمع دیگری از متخصصان زبان اشاره تألیف و منتشر کرد. مشخصات این کتاب و افرادی که در تألیف آن مشارکت داشته اند، در سندهای زیر مشخص شده است.



ص: ۱۹۲

اشارات سیم کشی برق ساختمان و تراشکاری - ۱۳۸۳

طاهره محمدپور با همکاری رضا محمودی جمعی دیگر از متخصصان زبان اشاره کتاب لغت نامه اشارات فنی ناشنوایان: سیم کشی برق ساختمان و تراشکاری را تألیف و منتشر کردند.



با انتشار این کتاب در سال ۱۳۸۳، نیاز ناشنوایانی که در حرفه برق ساختمان و تراشکاری فعال بودند، مرتفع گردید.

ص: ۱۹۳

رضا محمودی و محمد نوری این کتاب را با مساعدت یکدیگر تألیف کرده اند. رضا در هر شرایطی به نیکی از ثمینه به عنوان استادش یاد کرده است. رضا در اول این کتاب مقدمه ای نوشته است که جالب است. او می نویسد:

«خانم ثمینه باغچه بان به رغم اینکه نود و چند بهار از عمرش می گذرد اما هنوز شادابی و سرزندگی ویژه خود را دارد و هنوز فعالیت های روزانه اش برقرار و مشغول آموزش ادب فارسی است.



خانم باغچه بان یک سرمایه بزرگ ملی است؛ زیرا تجارب فراوانی با خود دارد. امید است در این سال ها مجالی پیدا کند و این تجربه ها و درس های تاریخی را ثبت و ضبط نماید. در ایران هم ضروری است جوانان به ویژه ناشنویان با تحولات زندگی ایشان آشنا شوند. این مجموعه صرفاً جمع آوری اطلاعات موجود است و هدف این است که با تجمیع مطالب مرتبط به ثمینه خانم، مانع از بین رفتن آنها شویم. همچنین با دسته بندی و طبقه بندی این متون، کاربران و پژوهشگران زودتر به آنها دسترسی داشته و به راحتی از آنها استفاده کنند. اما ارزیابی کارنامه و نقد میراث ثمینه را به نوبت دیگر موقوف می نمایم.

نسل کنونی ایران زمین مخصوصاً ناشنویان و کم شنوایان عزیز باید بدانند که فرهنگ موجود دستاورد و دست رنج انسان های بزرگی چون جبار باغچه بان و ثمینه باغچه بان است. البته نباید از تلاش های دیگر اعضای این خانواده مثل صفیه همسر جبار باغچه بان و پروانه دختر دیگر جبار باغچه بان غفلت کرد اینان هم بسیار کوشا بوده و همواره در سختی ها، کمبودها و ناملایمات در کنار بزرگ خانواده تلاش می کردند. در مجموع این خانواده برای سواددار شدن و برای پیشرفت مردم ایران از هیچ خدمتی مضایقه نکرده اند و خدماتشان در بسیاری از زمینه ها بی نظیر است. در مقابل انتظار هست مردم ایران قدرشناس و متشکر آنان باشند و نگذارند به فراموشی سپرده شوند.

در پایان از همه اشخاصی که در تألیف این اثر همراهی نمودند تشکر می کنم، به ویژه از خود خانم باغچه بان تشکر ویژه دارم. رضا محمودی»

از رضا یک مقاله و پنج جزوه سراغ داریم، که عناوین آنها اینگونه است:

- مشکلات جوانان ناشنوا (مقاله)

- گزارش عملکرد سه ساله انجمن خانواده ناشنوایان (جزوه)

- فعالیت گروهی و بهبود کیفیت زبان اشاره (جزوه)

- تاریخ پنجاه ساله ما و فدراسیون ناشنوایان ژاپن (جزوه)

- گزارش عملکرد آموزش زبان اشاره (جزوه)

- گزارش مأموریت به شیراز جهت آموزش زبان اشاره (جزوه)

مشکلات جوانان ناشنوا: ضرورت خانه فرهنگی

این مقاله گویا انتشار عمومی ندارد و فقط به همایش عرضه شده است. رضا مقاله مشکلات جوانان ناشنوا را در سال ۱۳۶۶ نوشت و به سمینار بررسی مسائل ناشنوایان عرضه کرد. به دلیل اهمیت مباحثی که مطرح کرده اکنون متن این مقاله را می آورم.

همایشی به نام سمینار بررسی مسائل ناشنوایان در تهران در سال ۱۳۶۶ توسط معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی برگزار شد. رضا محمودی مقاله ای درباره آسیب ها و مشکلات ناشنوایان جوان و ضرورت ایجاد خانه فرهنگی برای آنان به عنوان یک راه کار خودی و عاجل نوشت و به آن همایش عرضه کرد. اکنون متن این مقاله تقدیم می گردد.

نامه به معاونت توانبخشی

اما در بین اسناد، نامه ای از رضا محمودی خطاب به میرخانی معاون توانبخشی به دست آمد که جالب است.

متن این مقاله با سخنی از امام خمینی شروع شده است.

برادر میرحاجتی
معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی کشور
سلام علیکم
با احترام: بنابه درخواست نامه شماره ۸۴۰/۱۱۷۳۵ مورخ ۶۶/۴/۱۸ متن
سخنرانی ایراد شده در سمینار بررسی مسائل ناشنوایان در مورد مشکلات
جوانان ناشنوا و نیاز آنها به مرکز مناسب و هدف از تاسیس خانه فرهنگی جوانان
ناشنوا جهت اطلاع ابلاغ میگردد .
موقتیست روز آئین کلیه خدمتگزاران به محرومین و معلولین را از عید
متعال مصلحتست دارد .
رئیس محسودی

خدمت به معلولین خدمت به نبی اکرم است. (امام خمینی)

ص: ۱۹۵

من از طرف جامعه ناشنوایان به خصوص جوانان ناشنوا از تمام افرادی که در برگزاری این سمینار زحمت کشیدند و همچنین از تمام مربیان و معلمان و افرادی که در خدمت ناشنوایان بودند و هستند تشکر و قدردانی می‌کنم. و می‌خواهم درباره یک مشکل مهم با شما صحبت کنم.

اهمیت توجه به اوقات فراغت: من می‌خواهم درباره اوقات فراغت جوانان ناشنوا و نیاز آنها به مرکز ویژه صحبت کنم.

اوقات فراغت مجموعه زمانی است که انسان پس از انجام دادن کار روزانه، تحصیل، امور خانواده نیازهای طبیعی و اضطراری برایش باقی می‌ماند و همچنین برای رفع خستگی و کسالت به فعالیت‌های انتخابی برای رشد و توسعه ظرفیت‌های جسمی و روحی خود می‌پردازد.

جوانان ناشنوا که به دلیل نقص شنوایی قادر به استفاده از رادیو، تلویزیون، وسایل ارتباطی و مجامع عمومی نمی‌باشند اکثراً از اخبار و وقایع جاری سیاسی و اقتصادی کشور دور بوده و این عدم آگاهی صدمات زیادی به زندگی خصوصی و اجتماعی آنها وارد کرده و محدودیت‌ها و سرخوردگی‌های بی‌شماری، را به آنها تحمیل می‌کند.

گروهی از جوانان ناشنوا که در کارخانجات و جاهای دیگر مشغول به کار هستند از رفتار کارفرمایان و همکاران خود ناراضی هستند و گروهی دیگر که در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند از رفتار معلمان و هم شاگردان خود ناراضی هستند. جوانان ناشنوا به علت بی‌اطلاعی از محیط اطراف خود و نداشتن ارتباط خوب با سایرین و نداشتن مشاور ویژه احساس گوشه نشینی را می‌کنند و از محل کار یا مدرسه فرار می‌کنند که به سرگردانی دچار می‌شوند.

گروهی از جوانان ناشنوا به علت بی‌اطلاعی از قوانین به آسانی فریب افراد نابکار را خورده و دست به کارهای خلاف قانون می‌زنند و این کارها خطر بزرگی برای خانواده‌های خود و همچنین اجتماعی به شمار می‌روند.

گروه دیگری بعد از فارغ شدن از کارهای روزانه به دلیل نداشتن ارتباط قابل فهم با شنوایان، نمی‌توانند وقت آزاد خود را در آموزشگاه‌های عادی از قبیل حرفه‌ای، هنری و همچنین در مراکز فرهنگی هنری، ورزشی و مراکز مذهبی صرف نمایند بنابراین وقت خود را در قهوه‌خانه‌ها، خیابان‌ها، جاهای نامساعد و نامناسب و یا در گوشه‌ها می‌گذرانند و مقدار زیادی از نیروی انسانی، فکری و مادی خود را به هدر می‌دهند و گاهی به کج روی‌ها و کج رفتاری‌ها و بزهکاری و گاهی هم به اعتیادات مضر دست می‌زنند.

بزرگترین مشکلات و ناراحتی‌های جوانان ناشنوا عدم وجود مراکز فرهنگی و سرگرمی‌های آموزنده و تفریحات سالم مخصوص به خود است.

با توجه به افزایش تعداد جوانان ناشنوا و تأثیر آنها در سازندگی جامعه با سازمان دادن و برنامه ریزی صحیح در چهارچوب موازین قانونی و شرعی جوانان ناشنوا را می‌تواند از بسیاری از کج رفتاری‌ها و ناسازگاری‌ها دور نگهداشت و جوانان ناشنوا را افراد مبتکر و سازنده بار آورد.

بنابراین بهترین زمان آموزش و تربیت جوانان ناشنوا در اموری که به طور مستقیم و غیر مستقیم به مسائل جامعه مربوط می شود در زمان فراغت و بیکاری آنها است.

ص: ۱۹۶

از این رو با توجه به لزوم یک مرکز ویژه برای جوانان ناشنوا، مرکزی به نام خانه فرهنگی جوانان ناشنوا در سال ۱۳۵۰ در آموزشگاه باغچه بان به طور موقت با حضور گروهی از جوانان ناشنوا بنیان یافت و در سال ۱۳۵۳ این خانه فرهنگی به همت جوانان ناشنوا و حمایت افراد نیکوکار و والدین ناشنوا و همچنین کمک های مالی سازمان ملی رفاه ناشنوایان به محل جدید خود واقع در خیابان فلسطین منتقل گردید.

هدف: تأسیس خانه فرهنگی جوانان ناشنوا تابع این اهداف است:

- بالا بردن سطح آگاهی و پرورش جسم و روح نوجوان و جوانان ناشنوا

- آگاه نمودن آنها به مسائل اجتماعی و اقتصادی و قوانین کشور

- آشنایی به امور مذهبی و شناخت شرعیان اسلام.

- ایجاد دوستی، رفاقت، تفاهم و برداشتن شکاف بین جوانان ناشنوا با جامعه

- از بین بردن ناسازگاری های عمده و ایجاد سازگاری با محیط.

- ایجاد حس اعتماد به نفس و امنیت خاطر و جلوگیری از کناره گیری جوانان ناشنوا از اجتماع.

- حل مشکلات فردی و اجتماعی به کمک مشاورین با تجربه.

- آموزش کارهای مفید و رفتارهای پسندیده.

- حل مشکلات جوانان ناشنوا در مورد مسئله ازدواج.

- تجمع جوانان ناشنوا در محیطی سالم و دور از تشریفات و ایجاد موقعیتی مناسب برای تبادل نظر با هموعان و همدردان خود.

ساختار مالی و اداری: اعضای هیئت مدیره توسط جوانان ناشنوا انتخاب شده بودند به فعالیت های مربوطه نظارت داشتند خانه فرهنگی جوانان ناشنوا به خاطر اینکه همیشه از نظر مالی در مضیقه بوده، هیئت مدیره و سایر افراد همواره به خاطر رضای خدا و بدون چشم داشت مالی فعالیت خود را افتخاری در این خانه انجام می دادند.

تعداد اعضای خانه فرهنگی اعم از برادران و خواهران از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ بیش از (۲۰۰) نفر بوده که شرایط سنی آنها از ۱۴ تا ۳۰ سال می باشد.

هزینه اجاره، آب، برق، سوخت و تعمیرات کلی ساختمان خانه فرهنگی قبل از انقلاب اسلامی به عهده سازمان ملی رفاه ناشنوایان سابق بوده و بعد از انقلاب اسلامی پس از ادغام در سازمان بهزیستی به عهده سازمان بهزیستی کشور قرار گرفت.

بودجه خانه فرهنگی از کمک های ناچیز سازمان بهزیستی کشور و حق عضویت اعضا تأمین می شد و قابل ذکر است که چون یک سوم اعضا محصل و یا بیکار بودند اکثراً قادر به پرداخت حق عضویت خود نبودند.

فعالیت ها: فعالیت هایی که در خانه فرهنگی جوانان ناشنوا انجام می گرفت عبارتند از:

۱- تشکیل کلاس های عکاسی و نقاشی و کمک های اولیه پزشکی.

۲- ایجاد کتابخانه جهت بالا بردن سطح آگاهی و علمی جوانان ناشنوا

۳- نمایش فیلم و اسلایدهای آموزشی، علمی، فرهنگی، سینمایی و اجرای برنامه های پانتومیم و تئاتر.

ص: ۱۹۷

۴- تشکیل جلسات سخنرانی و بحث های اجتماعی و مذهبی با شرکت صاحب نظران.

۵- اقدام در جهت ایجاد گردش های علمی و ورزشی و بازدید از مراکز تولیدی و آموزشی.

۶- جمع آوری نظریات در امور مربوط به جوانان ناشنوا و بهره گیری از استعداد های هنری و فکری آنان.

۷- راهنمایی جهت انتخاب رشته های تحصیلی و همچنین حرفه های مناسب.

۸- اقدام در جهت تشویق جوانان ناشنوا برای ایجاد ارتباط بیشتر با ناشنوایان.

۹- طرح مسئله ازدواج و انتخاب همسر مناسب به کمک مددکاران و مشاوران که از عمده ترین مشکلات جوانان ناشنوا بوده و هست.

این خانه از بدو تأسیس گام های مثبتی در راه ایجاد رفاه و حل مشکلات جوانان ناشنوا به سوی خودکفایی برداشته است و این اقدامات در باز توانی اجتماعی و فرهنگی جوانان ناشنوا بسیار مؤثر و مورد تأیید سازمان بهزیستی کشور بوده و می باشد.

این فعالیت ها تا اوایل تابستان سال ۶۴ ادامه داشت تا اینکه سازمان بهزیستی کشور به دلیل نیاز به محل خانه فرهنگی جوانان ناشنوا بدون اطلاع کتبی یا شفاهی اقدام به تخلیه محل نموده و اموال خانه را که توسط جوانان ناشنوا خریداری و یا به وسیله والدین ناشنوا و افراد نیکوکار به خانه فرهنگی هدیه شده بود ضبط کرده و در مراکز مختلف پخش نمودند.

در حال حاضر خانه فرهنگی فاقد محلی جهت ادامه فعالیت های خود بوده و به دلیل نداشتن توان مالی درخواست استرداد محل مناسب و بازگرداندن اموال مربوطه می نماید.

ان شاء الله سازمان بهزیستی کشور با آغوش باز در تأسیس مرکز ویژه بپذیرد، محلی مناسب در اختیار خانه فرهنگی جوانان ناشنوا قرار داده و این خواسته های به حق جوانان ناشنوا تحقق بخشد.

"به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی"

گزارش عملکرد انجمن خانواده ناشنوایان ایران

رضا محمودی جزوه درباره عملکرد انجمن خانواده بین سال های ۹۳ تا ۹۵ نوشته است. روی جلد آن اینگونه است:

این جزوه شامل تاریخ شکل گیری و تأسیس انجمن، اهداف و خط مشی، تأکید بر زبان اشاره و توسعه آن، فهرست کلاس های آموزشی برگزار شده، فهرست خدمات به ناشنوایان، برگزاری مراسم به مناسبت های مختلف، کارنامه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی، فهرست اردوهای سیاحتی و زیارتی، اسامی هیئت مدیره، اسامی اعضاء در تهران و در دیگر شهرها، خلاصه آقای محمودی تلاش کرده گزارش کاملی از این سه سال عرضه کند.

دو صفحه اول از این گزارش را عیناً می آورم:

تاریخچه تأسیس



انجمن خانواده ناشنوایان ایران

کتابچین و مهمترین گزارش عملکرد سه ساله

از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۵

گردآورنده: رضا محمودی

بازنگاری: راوریلایی فرزانه

قبل از تأسیس انجمن، خانواده های ناشنوا محل مناسبی نداشتند که بتوانند همانند مردم عادی از امکانات اجتماعی، تفریحی، فرهنگی و ... به صورت فردی و گروهی بهره مند شوند و علاوه بر این نبود محلی مناسب برای فعالیت بانوان ناشنوا که از نظر اجتماعی با محرومیت بیشتری مواجه بودند و همچنین مسائل و عوامل مختلف مربوط به ناشنوایان، زمینه را برای تأسیس انجمن خانواده ناشنوایان ایران فراهم ساخت.

این انجمن با پیشنهاد گروهی از خانواده های ناشنوا و حمایت سرکار خانم ثمینه باغچه بان دختر گرانقدر زنده یاد استاد جبار باغچه بان مدیرعامل وقت سازمان ملی رفاه ناشنوایان (انجمن خانواده ناشنوایان ایران) بنیان نهاده شد و مورد استقبال پرشور کلیه خانواده های ناشنوا قرار گرفت.

اساسنامه این انجمن پس از بحث و تبادل، به اتفاق آراء تصویب و سپس به معرفی و انتخاب اعضای هیئت مدیره پرداخت که با اکثریت آراء آقایان: سید رضا قلی شهیدی، حسن تقوی و خانم نسرين ظلی به عنوان اعضای هیئت مدیره انجمن برگزیده شدند. بدین صورت انجمن به عنوان سازمان غیر دولتی، غیر سیاسی، غیر انتفاعی و عام المنفعه شکل گرفت و در اداره کل ثبت شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری به شماره ۱۷۲۱ به ثبت رسید.

اولین جلسه مجمع عمومی انجمن خانواده ناشنویان ایران در تاریخ ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۱ با حضور اعضا و کلیه خانواده های ناشنوا (در حدود ۵۰ نفر) تشکیل گردید و اکنون بیش از ۴۰۰۰ نفر به عضویت پرداختند.

به طور خلاصه اهداف تأسیس انجمن خانواده ناشنویان به شرح ذیل است:

اهداف انجمن عبارتند از:

۱. کوشش در جهت بالا بردن سطح فرهنگ و بینش اسلامی و احیای حقوق شهروندی افراد ناشنوا.
۲. تلاش در جهت بر خورداری افراد ناشنوا از امکانات تکنولوژی پیشرفته و تحقق اصل تساوی با افراد جامعه در همه زمینه ها از جمله آموزش، اشتغال، بهداشت، درمان، بیمه و سایر موارد توانبخشی و توانمندسازی در کلیه شئون اجتماعی.
۳. آموزش نیروی انسانی مرتبط به امور ناشنویان با همکاری سازمان های ذیربط.
- ۴- برگزاری همایش های علمی و اردوهای تفریحی، سیاحتی، زیارتی و گردشگری جهت آشنا ساختن افراد ناشنوا با فرهنگ مردم درون و برون مرزی پس از کسب مجوز از مراجع ذیصلاح.
۵. توسعه ارتباطات علمی و فرهنگی با سازمان های غیر دولتی ناشنویان جهان و خصوصاً فدراسیون جهانی ناشنویان.
۶. ارائه آموزش های ازدواج، پیشگیری و مشاوره خانواده به افراد ناشنوا با هماهنگی سازمان های ذیربط.
۷. تأسیس بانک اطلاعاتی، ایجاد شرکت های تعاونی چند منظوره (اشتغال زایی)، تهیه سایت روزآمد و نشریه انجمن، ایجاد نمایشگاه های در ارتباط با دستاوردهای علمی، فرهنگی و هنری و ارائه طرح هایی خدمات توانبخشی ناشنویان پس از هماهنگی با سازمان های ذیربط.
۸. ایجاد کمیته های مختلف زیر نظر انجمن و تلاش و برنامه ریزی در جهت تأمین منابع مالی در راستای اهداف مورد نظر انجمن.

روش اجرایی اهداف:

۱. تهیه آمار و جمع آوری اطلاعات در همه زمینه ها از افراد ناشنوا (بانک اطلاعات).

۲. مشارکت و همکاری در گسترش فعالیت های علمی، فرهنگی، آموزشی، هنری و غیره.

۳. ایجاد سایت روزآمد و فراگیری به عنوان منبع اطلاعاتی انجمن و داشتن فصلنامه خبری، فرهنگی، هنری و آموزشی پس از کسب مجوز از مراجع ذیصلاح.

ص: ۲۰۰

۴. تعامل، همکاری و ارتباط مستمر با شعبات انجمن های خانواده ناشنوایان سراسر کشور در جهت کمک به افزایش دانش و مهارت، اطلاع رسانی و برگزاری همایش سالانه و آموزش مدیریت در جهت بهبودی وضعیت انجمن ها.

۵. ایجاد تفاهم و وحدت و همکاری بین تشکل های فعال غیر دولتی در سطح منطقه و بین المللی به منظور تبادل اطلاعات و استفاده از تجربیات مشترک و عضویت در آنها.

۶. همکاری و تفاهم کامل با سازمان بهزیستی کشور و استان ها در جهت توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و تحقق زندگی بهتر برای قشر ناشنوا.

۷. فراهم ساختن شرایط و بهره گیری بهینه از امکانات و تلاش در جهت افزایش و تقویت منابع مالی در راستای اهداف مورد نظر انجمن.

۸. ایجاد شعبات و دفاتر نمایندگی در مراکز استان و شهرها به منظور اجرای اهداف و حمایت از افراد ناشنوای محروم سراسر کشور.

فعالیت گروهی و بهبود کیفیت زبان اشاره

او جزوه ای درباره زبان اشاره و فعالیت گروهی در زمانی که برای گذراندن یک دوره آموزشی در سال ۱۳۷۹ به ژاپن رفته بود، نوشته است. روی جلد آن این گونه است:

ص: ۲۰۱

فهرست مطالب این نوشتار این گونه است:

- تلاش در ایجاد موقعیت های بهتر برای رابطان زبان اشاره در ژاپن

- پیشگفتار

- سه هدف کلی از نوشتن این جزوه

- ایجاد یک ارتباط قابل اعتماد ما بین فرد ناشنوا و رابط

- آسیب حرکت مکرر (RMI)

الف. خط مشی های عمده برای به کارگیری قرار دادن یک رابط

۱- توصیه به متقاضیان خدمات ارتباط گری

۲. توصیه برای مراجعه کنندگان ناشنوا

۳. توصیه به رابطان زبان اشاره

۴. مراقبت از اندام خود (رابطان)

ب. مکان برای رابطان زبان اشاره

موارد پزشکی

ملاقات ها (جلسات)

جلسات بزرگ

موارد آموزشی

مکالمات تلفنی

س. برقرار نمودن یک محیط مناسب برای رابطان

معیارهایی برای برخورد با یک رابط مشغول به کار

برنامه ریزی بهترین طرح رفاهی برای رابطان زبان اشاره

دو صفحه نخست این جزوه را می آورم:

اینجانب ناشنوا، معلم، رابط، محقق زبان اشاره، یکی از مؤلفان کتب زبان اشاره فارسی، افتخار خدمت به ناشنوایان و همنوعانم را در کانون ها و انجمن های ناشنوایان ایران و در حال حاضر با عنوان کمک کارشناس آموزی در سازمان بهزیستی مشغول به کار می باشم.

در تاریخ اول اکتبر ۲۰۰۰ میلادی مصادف با دهم مهرماه سال ۱۳۷۹ با دعوت فدراسیون ناشنوایان ژاپن «JFD» و آژانس همکاری های بین المللی ژاپن «JICA» در ششمین دوره آموزشی «سرپرستی افراد ناشنوی آسیا و اقیانوسیه» (اسکاپ پذیرفته شدم).

کتابچه حاضر «فعالیت گروهی باعث بهبود کیفیت زبان اشاره و ارائه هرچه بهتر و سالم تر خدمات ارتباط گری خواهد بود» که یکی از دستاوردهای اینجانب در این سفر بوده که با همت و مساعدت همکارم ترجمه و تنظیم نموده ام امیدوارم این توشه ناچیز رهنمودهای باشد برای دیگر خدمتگزاران به جامعه ناشنوایان.

تلاش در ایجاد موقعیت های بهتر برای رابطان زبان اشاره در ژاپن

ص: ۲۰۲

در ژاپن، سال هاست که همراه با ایجاد کلاس های زبان اشاره برای جامعه ناشنوا، انجمن هایی هم برای یادگیرندگان عادی تشکیل شده است تا در آنجا علائم اشاره را با یکدیگر و با افراد ناشنوا تمرین کنند. در نتیجه، بسیاری از یادگیرندگان عادی به رابطان حرفه ای تبدیل شده اند. همزمان با افزایش شرکت افراد ناشنوا در جامعه به تعداد متقاضی برای خدمات ارتباط گری نیز افزایش یافته است. افزایش سالانه تقاضای خدمات ارتباط گری، باعث یک کمبود جدی در تعداد رابطان زبان اشاره شده است.

بر اساس تجربیات عملی، فدراسیون ناشنوایان ژاپن، همراه با انجمن تحقیقات ملی ارتباط گری زبان اشاره، بیش از دو سال در حال بررسی این مشکلات بوده است. هر دو سازمان به این نتیجه رسیده اند که باید برای حل این مشکلات، تمام گروه های مربوطه را به همکاری تشویق کنند تا آنان در محیطی سالم به کار پردازند. افراد ناشنوا، رابطان، سازمان های درخواست کننده خدمات ارتباط گری و سایر گروه های علاقمند، همگی باید تلاش کنند که موقعیت های مناسبی را برای رابطان زبان اشاره ایجاد کنند تا سیستم خدمات ارتباط گری خرسندی طرف های مربوطه را جلب نماید.

ما امیدوار هستیم که افراد ناشنوا در هر زمان و در هر کجا به خدمات ارتباط گری به راحتی دسترسی داشته و همچنین رابطان بتوانند به فعالیت های ارتباط گری در دراز مدت ادامه دهند، در ضمن اینکه سلامت خود را نیز حفظ نمایند. اما قبل از رسیدن به این اهداف با مشکلات زیادی روبرو هستیم.

ارتباط گری زبان اشاره دیگر مسئله ای فقط برای افراد ناشنوا و رابطان نیست بلکه جامعه آن را به عنوان یک ارتباط جمعی می بایست، آموزش ارتباط گری زبان اشاره را مورد آزمایش قرار دهد و چنان عمل کند که محیط های ارتباط سالمی را ارائه دهد، در ضمن اینکه یک سیستم بهتر را نیز برای خدمات ارتباط گری زبان اشاره ارائه نماید. در زمینه این اهداف، در سال ۱۹۹۴، ۲۰۰/۰۰۰ جزوه منتشر کرده ایم که مرجع مهمی برای مردم علاقه مند بوده اند.

تاریخ پنجاه ساله ما و آینده فدراسیون

رضا محمودی در سال ۱۳۷۹ به منظور گذراندن یک دوره آموزشی به ژاپن رفت. یک روز به جزوه ای برخورد می کند که ایچی تاکادا رئیس فدراسیون ناشنوایان ژاپن نوشته بود و تصمیم می گیرد این جزوه را ترجمه کند. این جزوه درباره تاریخ تحولات ناشنوایان ژاپن است. محمودی معتقد است ما در ایران باید همان مسیر را طی کنیم، لذا لازم است نسبت به تاریخ تحولات ژاپن مطلع گردیم. روی جلد این جزوه این گونه است:

دو صفحه اول این جزوه را می آورم:

خوش آمدید

چگونه می توانیم دوره ای را که به آن رسیده ایم برایتان شرح دهیم؟

شاید همان تاریخی باشد که خود ساخته ایم. بشریت به سطحی از پیشرفت رسیده است که در تاریخ زمین هیچ گاه سابقه نداشته است. حتی از دیدگاهی دیگر، ما به دوره ای وارد می شویم که بی سابقه است؛ اما هر جهش افقی به همراه دارد. خیلی عجیب نیست، اگر این ترقی روزافزون ما، بعد از آنکه به نقطه اوج برسد پایین بریزد و فرو پاشد.

در این صورت، چه بر سر ناشنویان ما خواهد آمد؟ با توجه به تاریخ گذشته خود در همان زمان که ما از بعضی حقوق بشری محروم بودیم، و با تبعیضات زیادی مواجه می شدیم، مجبور بودیم، به قوانین اجتماعی خود استناد کنیم قدم به قدم. به هر حال این یک پروسه طبیعی نبود؛ اما حاصل سعی ها و مبارزات و بغضی که در گلو داشتیم.

جایی که امروز، در نتیجه مبارزات (زحمات) خود در گذشته به آن رسیده ایم. این بسیار ضروری است که هرگز تاریخ گذشته خود را از یاد نبریم.

ما وارث جاه طلبی های گذشتگان هستیم و تلاش می کنیم تا آینده ای بهتر برای تمام افراد ناشنوا بسازیم. با یاری از همه و کمک هر کسی که مایل است، ما کوشش خواهیم کرد، تا بیشترین بهره را در پیشرفت انسان به دست آوریم.

حقوقی که ما برای به دست آوردنش سعی کرده ایم، خود بهترین دلیل برای کوشش ماست.

ایچی تاکادا

نگاهی به تاریخ پنجاه ساله ما و آینده

فدراسیون ناشنویان ژاپن
(JFD)

ره آورد و گردآورنده: رضا محمودی
ترجمه: محمد محمودی
نویسنده: ایچی تاکادا
زمستان ۱۳۷۹

رئیس فدراسیون، ناشنویان ژاپن

۱- دورنمای پنجاه ساله ما:

در ۲۵ می سال ۱۹۴۷ فدراسیون ناشنویان ژاپن تأسیس گردید.

ص: ۲۰۴

در حین جنگ پر آشوب گذشته، تمام افراد ناشنوا از تمام قومیت ها در بهار گرم ایکاهو (Ikaho) در استان گونما (Gunma) گرد آمدند، تا به دست ناشنویان یک ارگان بین المللی برای ناشنویان را تأسیس کنند.

بعد از پنجاه سال از آن تاریخ (JFD) فدراسیون ناشنویان ژاپن بسیار رشد کرده، و بالغ بر ۲۷۰۰۰ عضو دارد. ما در تمام ۴۷ استان ژاپن، انجمن هایی برای جوانان ناشنوا، زنان ناشنوا، سالمندان ناشنوا تأسیس کرده ایم، (J.F.D) کوشش خستگی ناپذیر برای استقلال ناشنویان و فعالیت هایشان در اجتماع را شروع کرده است.

بیا بید نگاهی به تاریخ پنجاه ساله خود بیاندازیم، به پیشرفت ها و دست آوردهایی که به دست آورده ایم توجه کنیم جزء به جزء و با دقت و آنگاه ببینیم که چگونه می توانیم برای آینده ناشنویان تصمیم گیری کنیم.

گزارش عملکرد آموزش زبان اشاره

رضا محمودی سال هایی از عمرش را در انجمن خانواده ناشنویان ایران گذراند. این انجمن یکی از تشکل های مهم و اصلی ناشنویان در ایران است و تأثیر اساسی و فراگیر در فرهنگ و جامعه ناشنویان داشته است.

رضا در این انجمن فعالیت های مختلف و متنوع داشت. یکی از فعالیت هایش آموزش زبان اشاره بوده است. او در سال ۱۳۹۵ تصمیم گرفت فعالیت هایش در این زمینه در انجمن را تدوین کند. تمامی اسناد و مدارک را جمع آوری کرد و جزوه ای ساخت و نام آن را «گزارش عملکرد آموزش زبان اشاره» نهاد. این جزوه در مهرماه ۱۳۹۵ آماده تکثیر گردید.

روی جلد این جزوه این گونه است:



انجمن خانواده ناشنویان ایران

گزارش عملکرد آموزش زبان اشاره

رضا محمودی

مهرماه ۹۵

متن کامل این جزوه در مجموعه مکتوبات ایشان که به نام «میراث ماندگار» است، درج خواهد شد؛ اما اینجا فقط سرفصل های این جزوه را معرفی می کنم.

ص: ۲۰۵

این جزوه در واقع دو بخش دارد در بخش اول گزارش مکتوب درباره فعالیت های رضا درباره زبان اشاره آمده و دارای این فصل ها است:

استهزاء و مشکلات روانی ناشنوایان و ضرورت توسعه ارتباطات آنان با جامعه؛ گروه سرود آوای نگاه و زبان اشاره؛ آموزش زبان اشاره به سوادآموزان ناشنوا؛ محتوای آموزشی زبان اشاره و متون آموزشی؛ آموزش زبان اشاره به کارکنان بهزیستی؛ آموزش زبان اشاره در سال ۹۴ و ۹۵؛ زبان اشاره به عنوان راه ارتباطی ناشنوا با خانواده و جامعه؛ اهمیت و کاربرد زبان اشاره؛ اطلاعاتی آموزش زبان اشاره؛ چگونه با ناشنوایان ارتباط برقرار کنیم.

بخش دوم این جزوه، گزارش تصویری است یعنی در زمینه های مختلف عکس هایی آورده و فعالیت های آقای محمودی را با عکس گزارش کرده است. سرفصل هایی که ذیل آنها عکس آمده عبارت اند از:

کلاس های زبان اشاره، کلاس آموزش فرهنگ و هویت ناشنوایان؛ کارگاه رابطی و اجرای تمرین رابطی؛ ترجمه زبان گفتاری به زبان اشاره؛ ترجمه زبان اشاره به گفتاری؛ آموزش ارتباطات اولیه به کارکنان بهزیستی؛ آموزش سوادآموزی به بزرگسالان؛ جلسات توجیه مربیان؛ برگزاری مراسم و اجرای برنامه؛ معرفی منابع و کتب؛ پوسترهای زبان اشاره.

گزارش مأموریت به شیراز جهت آموزش زبان اشاره

رضا محمودی ۱۹ تا ۲۱ تیرماه ۱۳۹۶ از طرف انجمن خانواده ناشنوایان ایران به شیراز رفت تا در زمینه اشاره فعالیت های فرهنگ سازی و آموزشی و توجیهی انجام دهد. مجموعه کارهایش در این سه روز را مکتوب و تدوین و سپس تنظیم کرد و به صورت یک جزوه ارائه نمود.

قبل از هر چیز باید گفت این اقدام آقای محمودی، نشانگر روحیه نوآورانه و خلاقیت او است. چون ناشنوایان ایران عادت کرده اند مطلبی هر چند در چند سطر ننویسند. نوشتن برای آنان بسیار سخت است؛ و فعالیت هایشان را با تصویر و عکس اطلاع رسانی می کنند. امروز با موبایل به راحتی می توان عکس گرفت و به سرعت ارسال کرد و دسترسی به این فناوری موجب تنبلی آنان در نوشتن شده است؛ اما محمودی از چندین سال قبل برخلاف عادت ناشنوایان و با تحمل سختی، می نوشت و به همین دلیل چند صد صفحه مطلب درباره سفرها و درباره فعالیت هایش به میراث گذاشته است اینها مطالبی است که خودش نوشته یا نت نویسی و نزدیکانش نهایی سازی کرده اند. امید است دیگر ناشنوایان از او یاد بگیرند و نوشتن را برای خود یک ضرورت بدانند. مرحوم جبار باغچه بان که توانست در زمینه فرهنگ ناشنوایی پیشرفت کند و موفقیت های بزرگ کسب کند چون اهل نوشتن بود و چندین عنوان کتاب به یادگار گذاشت. ناشنوایان در چند دهه اخیر که دائماً عقب گرد داشته و رشد کافی فرهنگی نداشته اند یک دلیل مهم آن دوری و بیگانگی آنان از نوشتن و کتاب است.

اما آقای محمودی در این جزوه فعالیت های خود در شیراز را با نوشتار و عکس معرفی کرده است و اجمالی از آن را می آورم. روی جلد آن این گونه است:

اکنون دو صفحه اول را عیناً می آورم:

اینجانب رضا محمودی محقق و مدرس زبان اشاره و رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران بنا بر درخواست نامه اداره کل بهزیستی استان فارس و مکاتبات با معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی کشور در خصوص گسترش زبان اشاره و تربیت رابط طبق بخشنامه سازمان بهزیستی کشور به شماره ۱۹۲۱۸۲/۹۴/۷۰۰ مورخ ۲۶/۱۲/۹۴ طی برگزاری کلاس های آموزش زبان اشاره جهت کارشناسان، مددکاران توانبخشی، مشاوران بهزیستی و دانش آموختگان شیراز و شهرستان های استان فارس در تاریخ ۱۹/۴/۹۵ به شهر شیراز عزیمت نمودم. طبق برنامه های پیش بینی شده مأموریت خود را به شرح ذیل گذراندم:

در روز سه شنبه بیستم تیرماه، در سالن کنفرانس مرکز آموزش علمی - کاربردی بهزیستی فارس کارگاه آموزش زبان اشاره با حضور ۳۷ نفر از کارکنان بهزیستی شیراز و شهرستان های استان فارس برگزار شد.



انجمن خانواده ناشنوایان ایران

گزارش مأموریت به شیراز جهت آموزش زبان اشاره

از ۱۹ الی ۲۱ تیر ماه ۹۵



محقق و مدرس: رضا محمودی

در این کارگاه آموزشی ابتدای برنامه با قرائت قرآن آغاز شد. سپس مجری ضمن خوش آمد گویی به حضار و تشریف فرمایی مهمانان و شرکت کنندگان، برنامه ها را اعلام نمود، در ادامه آقای

ص: ۲۰۷

دکتر حمید گودرزی سرپرست معاونت امور توانبخشی اداره کل بهزیستی استان فارس در رابطه با ضرورت یادگیری زبان اشاره جهت ارتباط نزدیک تر با افراد ناشنوا در قالب اداره بهزیستی به ایراد سخنرانی پرداخت.

سپس به دعوت از اینجانب، سخنرانی کوتاهی در مورد چگونگی برقراری ارتباط با افراد ناشنوا، نیازهای آنان (افراد ناشنوا)، آموزش مقدماتی مکالمات اولیه و آشنایی با کاربرد زبان اشاره به نکته های مهمی اشاره نمودم و گسترش زبان اشاره، خدمت به ناشنوایان و ارتباط با آنان را قدمی مثبت برشمردم.

خانم لاله مجاهد نقی کارشناس توانبخشی بهزیستی استان فارس نیز در خصوص ساعات آموزش و اسکان و پذیرایی توضیحات لازم را ارائه نمود و ساعات کلاس های آموزشی ۳۰/۸ الی ۳۰/۱۰، ۱۱ الی ۱۳ و ۱۴ الی ۱۶ عنوان گردید.

کلاس های آموزشی طبق ساعات تعیین شده از ساعت ۹ صبح آغاز شد، آموزش الفبای گویای باغچه بان، اعداد، کلمات و جملات ارتباط اولیه و ساده به زبان اشاره توسط اینجانب تدریس گردید و آقای محمدرضا جعفری همکار دفتر روابط عمومی بهزیستی شیراز فیلم برداری از تمامی صحنه های آموزشی و توضیحات ارائه شده دروس به حاضرین در کلاس های فوق فیلم برداری نمودند.

در پایان کلاس ها نیز جهت تسهیل در آموزش و یادگیری شرکت کنندگان و دانش آموختگان، به علت زمان فشرده، اصطلاحات جزوه ها به طور کامل به زبان اشاره و بدون حضور شرکت کنندگان از بنده فیلم برداری گردید تا با در اختیار نهادن آن به صورت تصویری سی دی در بین شرکت کنندگان، آموزش به نحو احسن انجام پذیرد و جای هیچ گونه ابهامی باقی نماند.

در ادامه و روز چهارشنبه (۲۱ تیر) تصاویر جزوه زبان اشاره و کتب چهار جلدی آموزش داده شد. در ادامه، روز پنجشنبه به تدریس و آموزش زبان اشاره ادامه داد و پس از آماده سازی سی دی تصویر زبان اشاره که در روز سه شنبه فیلم برداری شده بود، بین شرکت کنندگان پخش شد.

استقبال شرکت کنندگان در شیراز زیاد بود چون احساس نیاز می کردند و قرار شد این دوره ها ادامه پیدا کند.

محمودی تا پاسی از شب روز پنجشنبه به فعالیت های خود ادامه داد و ساعت دو شب به تهران بازگشت.

لازم به یادآوری است متن کامل این جزوات در کتاب میراث ماندگار، رضا محمودی، جلد اول آمده است.

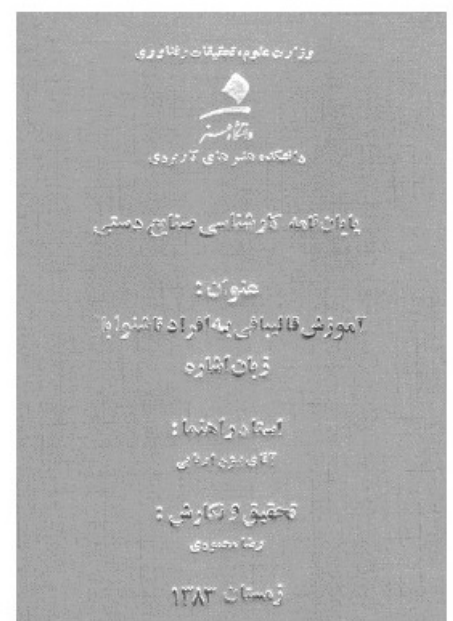
رضا پایان نامه اش را در موضوعی گرفت که مشکلی از مشکلات ناشنوایان بگشاید. مهم این است که موضوع ناشنوایی انتخاب کرد. بعضی از نابینایان یا ناشنوایان موضوعات غیر مرتبط به معلولیت و معلولان می گیرند و وقتی از آنها پرسیده می شود چرا درباره مشکلات جامعه خودتان موضوع نگرفتید، پاسخ های عجیبی می دهند که حاکی از خود کم بینی و خدای ناکرده حقارت است. اما رضا با کمال شجاعت موضوعی مرتبط به جامعه ناشنوایی گرفت. دو اینکه موضوعی گرفت که تاکنون کار نشده و کاملاً ابتکاری است و حتی مسبق به سابقه نیست. از این رو بسیار از او کار و انرژی گرفت.

محتوای پایان نامه اش یاد دادن و تعلیم قالبی بافی به ناشنوایان با زبان اشاره است. یعنی نزد ناشنوایان قالبیاف یا ماهر در این حرفه رفته و اشاره مرتبط به قالبیافی را از آنها دیده و شنیده و در این کتاب جمع آوری کرده است.

با توجه به اینکه ناشنوایان بسیاری در روستاها و شهرهای دور هستند که بیکار می باشند. و می توان با آموزش این مهارت به آنان راه اشتغال پایدار را برای آنها گشود. به نظر بنده، این خدمت کم نظیر رضا به ناشنوایان لازم بود توسط سازمان بهزیستی برجسته می شد یا توسط وزارت آموزش و پرورش یا آموزش عالی و الگوسازی می شد تا دیگر معلولین هم همین مسیر را بروند اما متأسفانه هیچ بهایی داده نشد.

آموزش قالبیافی - ۱۳۸۳

رضا محمودی پس از تحصیل در دانشگاه هنر، دانشکده هنرهای کاربردی در مقطع کارشناسی، رشته صنایع دستی، پایان نامه ای را با مشخصات زیر در زمستان ۱۳۸۳ دفاع کرد.



آموزش قالبیافی به افراد ناشنوا با زبان اشاره، رضا محمودی، استاد راهنما بیژن اربابی، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۸۳، ۱۲+۶۰ص.

این پایان نامه ابتکاری است و اقدامی در راستای گسترش زبان اشاره می باشد. عنوان و مقدمه و صفحه نخست که عنوان پایان نامه اش را با تصاویر اشاره ای معرفی کرده را می آورم:

ص: ۲۰۹



به نظر می‌رسد رضا گنجینه از تجربه و مخزنی از دانش‌های ناشنوایی است اما متأسفانه رسانه‌ها کمتر تلاش می‌کنند اینگونه افراد را رصد کنند و به سراغ آنها بروند. حتی اگر بروند هم کمتر می‌توانند با آنان ارتباط برقرار کنند و تجارب آنها را منتقل کنند. چون خبرنگاران آموزش لازم برای چگونگی ارتباط با معلولین را ندیده‌اند.

در مجموع سه مصاحبه و چهار میزگرد و نشست از رضا در اختیار است که مشخصات آنها را اینجا می‌آورم ولی متن آنها در فصل سوم آمده است:

- وضعیت ناشنوایان ایران، مصاحبه با مجله توان نامه، ۲۸ دی ماه ۱۳۹۵.

- سهم ناشنوایان از تلویزیون چقدر است؟، مصاحبه با روزنامه جام جم، چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۱، ص ۹.

- زبان ما را لطفاً بیاموزید، مصاحبه با مجله مهرنو، سال دوم، شماره ۴۷، ۳۰ دی ماه ۱۳۸۶، ص ۱۱.

- وضعیت زبان اشاره در ایران و جهان، آذر ۹۵

- مجمع هم‌اندیشی سازمان‌های مردم‌نهاد، خرداد ۹۴

- مسابقه قرآنی ناشنوایان، ۱۳۹۶

- نشست ناشنوایان در نمایشگاه قرآن، خرداد ۹۷

مجدداً یادآوری می‌کنم که متن این هفت اثر در فصل سوم آمده است.

رضا در مدیریت چند نشریه حضور داشته است. آوای سکوت در سال های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷ توسط کانون ناشنوایان ایران منتشر می شد. سردبیر آن محمود پاکزاد بود و هیئت تحریریه آن عبارت بودند از: رضا محمودی، مرتضی پیروزی، روزیک شهربازیان، هادی معیری، حبیب مهدوی نوشهر و حبیب تهرانی زاده. (۱)

آوای نگاه توسط انجمن خانواده ناشنوایان ایران منتشر می شده است. اولین شماره این نشریه در بهار ۱۳۸۴ منتشر شد. مدیرمسئول آن از بهار ۱۳۸۴ تا پاییز ۱۳۹۳ بر عهده لیلا اعتماد و از پاییز ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ به عهده رضا محمودی بود.

دست نوشته های غیر منتشره

رضا محمودی هشت عنوان در زندگی نامه خودش به عنوان دست نوشته هایی که هنوز منتشر نشده آورده است. چهار عنوان از اینها گزارش سفرهای خارجی ایشان است که در کتاب سفرنامه آورده ام. البته در کتاب سفرنامه شش دست نوشته آمده است.

نیز دو عنوان از این دست نوشته ها یعنی «تاریخ پنجاه ساله» و «فعالیت گروهی و بهبود کیفیت» را در «مقاله و جزوه» آورده ام و دو عنوان دیگر را نیافتم. این دو عنوان را در زندگی نامه خودنوشت اینگونه معرفی کرده است:

- جمع آوری اطلاعات و مجلات محصولات توانبخشی ناشنوایان

- تهیه جزوات دوره آموزش زبان اشاره کوتاه مدت و بلند مدت

ص: ۲۱۲

رضا محمودی از طرف جامعه ناشنویان، به چند سفر خارجی اعزام شده است. مأمورین در سفرهای خارجی چندگونه عمل کرده اند، برخی با دلسوزی تمام به مطالعه و شناسایی محیط کشور میزبان و یافتن تجارب و دستاوردهای مهم و انتقال آنها به ایران مبادرت و اقدام می کرده اند. ولی برخی به گشت و گذار و تفریح می پرداخته اند.

گزارش های رضا گویای این است که ایشان در گروه اول جای دارد و با دلسوزی از این سفرها برای جامعه هدف ایران استفاده می کرده و گزارش های نسبتاً جامعی از سفرهایش نوشته و عرضه کرده است.

در اینجا گزارش اجمالی از سفرنامه هایش را عرضه می کنیم، و گزارش تفصیلی همراه با نقد و بررسی این سفرنامه ها در یک کتاب مستقل به نام میراث ماندگار رضا محمودی عرضه می شود.

ص: ۲۱۴

رضا محمودی شش سفر خارجی به شش کشور به عنوان مأموریت برای امور ناشنویان ایران داشته است:

- کره جنوبی، ۱۳۷۲/۱۹۹۲م

- هندوستان، ۱۳۷۳/۱۹۹۴م

- ژاپن، ۱۳۷۹/۲۰۰۰م

- سنگاپور، ۱۳۸۹/۲۰۱۰م

- ایالات متحده امریکا، ۱۳۹۲-۱۳۹۳

- ترکیه ۱۳۹۴/۲۰۱۵م

مأموریت های او در این سفرها یکسان نبوده و گاه برای شرکت در همایش ناشنویان و گاه برای گذراندن دوره آموزشی و گاه به عنوان رابط و مترجم همراه تیم ورزشی رفته است.

رضا خود را موظف می دانست گزارش مبسوط هر سفر را بنویسد و تجارب و دستاوردهای سفرش را ثبت نماید و در اختیار ناشنویان و مدیران و عموم مردم قرار دهد.

او مقاله ای درباره حضور هیئت های ایرانی در مجامع بین المللی ناشنویان نوشته و گزارشی جامعی به صورت یک مقاله عرضه کرده است. به منظور آشنایی با سیر حضور ایران و همکاری ناشنویان با مراکز بین المللی، نخست این مقاله را می آورم. سپس گزارشی از هر یک از سفرهای آقای محمودی می آورم. در این گزارش ها از، مطالب مندرج در گزارش های آقای محمودی هم استفاده می گردد.

تاریخچه حضور ایران در مجامع بین المللی ناشنویان

اشاره

پس از جنگ جهانی اول و افزایش ناشنویان جهان، جلساتی جهت هم فکری و تبادل نظر بین ناشنویان کشورهای اروپایی و چند کشور از مناطق دیگر جهان برگزار می شد. در این جلسات فکر تأسیس مرکزی برای ناشنویان جهان مطرح شد و بحث شد که چنین مرکزی می تواند پشتوانه بین المللی و حامی جهانی خوبی برای اقدامات ناشنویان باشد.

ابتدا ناشنویان به فکر افتادند کنگره های جهانی برپا کنند و در این کنگره ها، فدراسیون جهانی را پایه ریزی نمایند. نخستین کنگره جهانی پس از جنگ جهانی دوم در ۱۹ تا ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۱ در رم (ایتالیا) برگزار شد. تشکل های شانزده کشور در این کنگره شرکت کردند. البته کشورهای هم به عنوان ناظر شرکت کردند و نمایندگان شنوای خود را به این کنگره

فرستادند.

در نخستین مجمع، نمایندگان در مورد تأسیس سازمان بین‌المللی با عنوان فدراسیون جهانی کر و لال‌ها (World Federation of the Deaf) (WFD) به توافق رسیدند. از این رو سال تأسیس فدراسیون را ۱۹۵۱م ثبت کرده‌اند.

ص: ۲۱۵

عضویت ایران

فدراسیون هر چهار سال یکبار کنگره در سطح جهان برگزار می کند که به اسم کنگره جهانی فدراسیون جهانی ناشنوایان معروف است. تا سال ۲۰۱۵، هفده کنگره برگزار شده است.

ایران در سال ۱۹۵۹م/۱۳۳۸ در کنگره سوم فدراسیون شرکت کرد، البته رئیس فدراسیون ورزشی ناشنوایان به نام شورابی به عنوان نماینده ایران شرکت کرد. و درخواست عضویت ایران در فدراسیون را هم عرضه کرد ولی به دلایل ناگفته درخواست ایران رد شد.

کانون ناشنوایان ایران در سال ۱۳۳۸/۱۹۵۹م تأسیس شد و اولین گروه از کانون ناشنوایان ایران در سال ۱۹۶۳م/۱۳۴۲ش به کنگره رفتند.

اما درخواست ایران برای عضویت در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۲ مطرح و تصویب شد و ایران عضو WFD گردید. البته زمانی هم که عضو نبود همکاری داشته و در کنگره ها شرکت می کرده است. (۱)

انواع جلسه های فدراسیون

فدراسیون جهانی ناشنوایان چند گونه جلسه و نشست دارد:

کنگره فدراسیون جهانی ناشنوایان

مجمع عمومی فدراسیون جهانی ناشنوایان

مجمع نمایندگان در یک منطقه یا قاره خاص

اردوی بین المللی جوانان فدراسیون جهانی

اردوی جوانان ناشنوا در یک منطقه خاص

کنگره های فدراسیون و حضور ایران

ایران مثل دیگر کشورها نتوانسته در همه جلسات کنگره های فدراسیون جهانی ناشنوایان حضور و مشارکت داشته ولی در بعضی در کنگره حضور داشته است. اکنون فهرستی از کنگره ها را می آورم و حضور ایران را معرفی می کنم.

۱۹۵۱ اولین کنگره جهانی ناشنوایان در ایتالیا

۱۹۵۵ دومین کنگره جهانی ناشنوایان در یوگسلاوی

۱۹۵۹ سومین کنگره جهانی ناشنوایان در آلمان/ آقای شورابی (شنوا)، رئیس فدراسیون ورزشی ناشنوایان ایران شرکت کرد. اولین بار بود که ایران در کنگره فدراسیون حاضر می شد.

۱۹۶۳ چهارمین کنگره جهانی ناشنوایان در سوئد/ آقای رضاقلی شهیدی (ناشنوا) و خانم ثمینه باغچه بان (شنوا) از ایران در این کنگره از طرف کانون ناشنوایان و دیگر تشکل ها حضور داشتند.

ص: ۲۱۶

۱- . دانشنامه ناشنوایان، محمد نوری، ص ۵۸۰-۵۸۶.

۱۹۶۷ پنجمین کنگره جهانی ناشنویان در لهستان/ آقای رضاقلی شهیدی (ناشنوا) و خانم ثمینه باغچه بان (شنوا) از طرف کانون ناشنویان و مدرسه باغچه بان و دیگر تشکل ها حضور داشتند.

۱۹۷۱ ششمین کنگره جهانی ناشنویان در فرانسه/ آقای رضاقلی شهیدی و کامران رحیمی (هر دو ناشنوا)

۱۹۷۵ هفتمین کنگره جهانی ناشنویان در آمریکا/ آقایان رضاقلی شهیدی، هادی معیری، کامران رحیمی، محسن موسوی (همگی ناشنوا) و آقایان دکتر بشمی و دکتر جمشید پیر نظر و خانم ها جولیا سمیعی و ثمینه باغچه بان (همگی شنوا) در این نشست حاضر بودند.

۱۹۷۹ هشتمین کنگره جهانی ناشنویان در بلغارستان

۱۹۸۳ نهمین کنگره جهانی ناشنویان در ایتالیا

۱۹۸۷ دهمین کنگره جهانی ناشنویان در فنلاند

۱۹۹۱ یازدهمین کنگره جهانی ناشنویان در ژاپن/ آقای مهدی ماهباز (ناشنوا) در این کنگره حضور داشت.

۱۹۹۵ دوازدهمین کنگره جهانی ناشنویان در اتریش/ آقای مهدی ماهباز، ناشنوا و خانم فاطمه صبور مهاجر، شنوا

۱۹۹۹ سیزدهمین کنگره جهانی ناشنویان در استرالیا

۲۰۰۳ چهاردهمین کنگره جهانی ناشنویان در کانادا/ آقایان مرتضی پیروزی، روزبه قهرمان، بهزاد اشتری، همگی ناشنوا به همراه چند نفر شنوا

۲۰۰۷ پانزدهمین کنگره جهانی ناشنویان در اسپانیا/ آقایان مجید زینعلی و محمدعلی چاسبی، ناشنوا

۲۰۱۱ شانزدهمین کنگره جهانی ناشنویان در آفریقای جنوبی/ آقای اردوان گیتی و خانم ها نرجس خرم جاه، لیلا اعتماد، پرستو فرمینی فراهانی همگی ناشنوا

مجمع عمومی فدراسیون

اما فدراسیون جهانی ناشنویان غیر از برگزاری کنگره مجمع عمومی هم برگزار می کند. مجمع عمومی گاه جهانی است و گاه متعلق به منطقه یا قاره خاصی است. این گونه نشست را ذیلاً معرفی می کنم:

۱۹۵۹ سومین مجمع عمومی در آلمان/ آقای شورابی (شنوا)، رئیس فدراسیون ورزشی ناشنویان ایران در این مجمع شرکت کرد.

۱۹۶۳ چهارمین مجمع عمومی در سوئد/ آقای رضاقلی شهیدی (ناشنوا) در این مجمع شرکت کرد.

۱۹۶۷ پنجمین مجمع عمومی در لهستان / آقای رضاقلی شهیدی (ناشنوا) در این مجمع شرکت کرد.

ص: ۲۱۷

۱۹۷۱ ششمین مجمع عمومی در فرانسه / آقای رضاقلی شهیدی و کامران رحیمی (هر دو ناشنوا) در این مجمع شرکت کردند.

۱۹۷۵ هفتمین مجمع عمومی در آمریکا / آقایان رضاقلی شهیدی و هادی معیری (هر دو ناشنوا) در این مجمع شرکت کردند.

۱۹۹۱ یازدهمین مجمع عمومی در ژاپن / آقای مهدی ماهباز (ناشنوا) در این مجمع شرکت کرد.

۱۹۹۵ دوازدهمین مجمع عمومی در اتریش / آقای مهدی ماهباز (ناشنوا) در این مجمع شرکت کرد.

۲۰۰۳ چهاردهمین مجمع عمومی در کانادا / آقای مرتضی پیروزی (ناشنوا) در این مجمع شرکت کرد.

۲۰۱۱ هجدهمین مجمع عمومی در آفریقای جنوبی / آقای اردوان گیتی و خانم نرجس خرم جاه (هر دو ناشنوا) در این مجمع شرکت کردند.

اما مجمع های منطقه ای و کشوری عبارت اند از:

۱۹۹۴ مجمع نمایندگان آسیا و اقیانوسیه در هند / آقای رضا محمودی (ناشنوا) و خانم ایران بهادری (شنوا) شرکت کردند.

۲۰۰۲ چهاردهمین مجمع نمایندگان در ژاپن / آقای روزبه قهرمان (ناشنوا) شرکت کرد.

۲۰۰۳ پانزدهمین مجمع نمایندگان در کانادا / آقای روزبه قهرمان (ناشنوا) شرکت کرد.

۲۰۰۴ شانزدهمین مجمع نمایندگان در اندونزی / آقایان بهروز مبشری و رضا آسائی (هر دو ناشنوا) شرکت کردند.

۲۰۱۱ بیست و سومین مجمع نمایندگان در آفریقای جنوبی / آقای اردوان گیتی و نرجس خرم جاه (هر دو ناشنوا) شرکت کردند.

نشست های جوانان ناشنوا

بخش جوانان فدراسیون جهانی ناشنویان فعال است و توانسته نشست های متعدد برای جوانان ناشنوا با انگیزه و به اسم اردو یا مجمع عمومی برگزار کند. فهرست این اقدامات به شرح زیر است:

۲۰۰۶ سومین اردوی جوانان ناشنوی آسیا، اقیانوسیه در ژاپن / آقایان محمد پرگر و اردوان گیتی و خانم ها کلارا بلیغی و مهرناز مقدم (همگی ناشنوا) از طرف ایران شرکت کردند.

۲۰۰۸ چهارمین اردوی جوانان ناشنوی آسیا / اقیانوسیه در اندونزی / آقای علی فریدی و خانم آرزو محمدی (هر دو ناشنوا) از طرف ایران شرکت کردند.

۲۰۱۱ پنجمین اردوی جوانان در آفریقای جنوبی / آقای اردوان گیتی و خانم نرجس خرم جاه (هر دو ناشنوا) از ایران شرکت

کردند.

۲۰۱۱ پنجمین مجمع عمومی جوانان در آفریقای جنوبی / آقای اردوان گیتی و خانم نرجس خرم جاه (هر دو ناشنوا) از طرف ایران شرکت کردند.

ص: ۲۱۸

فدراسیون جهانی ناشنوایان با ناشنوایان ایرانی و کانون ناشنوایان ایران روابط صمیمی و گرم دارد و رفت و آمدهایی بوده است. دو رئیس فدراسیون جهانی ناشنوایان تاکنون به تهران مسافرت کرده و با مسئولین ناشنوایان بحث و گفت و گو داشته اند. آقای دراکلجوب و وکوتیک (دومین رئیس فدراسیون جهانی ناشنوایان) در اولین همایش منطقه ای مسائل آموزشی و رفاهی ناشنوایان (سال ۱۹۷۷ - تهران) شرکت کرده؛ خانم لیزا کوبنین (چهارمین رئیس فدراسیون جهانی ناشنوایان) به اتفاق دبیر کل فدراسیون جهانی ناشنوایان در سمینار بین المللی «بررسی روش های مؤثر در آموزش ناشنوایان» (سال ۱۹۹۵ در تهران) شرکت کردند. (۱)

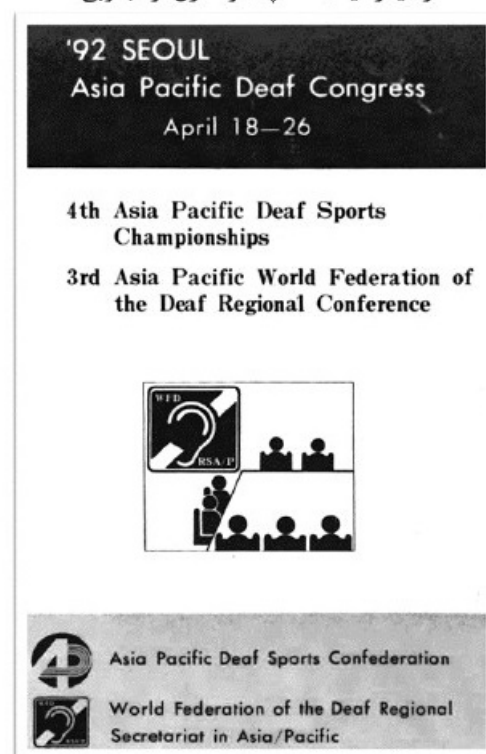
ص: ۲۱۹

۱- . مطالب این مقاله بر اساس منابع زیر تدوین شده است: مجله پیام ناشنوا (نشریه داخلی کانون ناشنوایان ایران پاییز و زمستان ۱۳۷۴)؛ مجله صدای ناشنوا (نشریه داخلی کانون ناشنوایان ایران ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶)؛ کتاب تاریخچه کانون ناشنوایان ایران و تاریخ فدراسیون جهانی ناشنوایان، ص ۳۳۶؛ سایت جوانان ناشنوی پیشتاز ایران، ۱۴ مرداد ۱۳۹۲

این سفر در ۱۳۷۱ش انجام یافت. گزارش آن را تدوین و به سازمان بهزیستی عرضه کرد. روی جلد این گزارش این گونه است:

سومین کنفرانس فدراسیون جهانی ناشنوایان در منطقه آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) از تاریخ ۱۸ لغایت ۲۶ آوریل ۱۹۹۲ مطابق با ۲۹ فروردین لغایت ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ در سئول پایتخت کره جنوبی برگزار گردید.

گزارش کنفرانس فدراسیون جهانی ناشنوایان در منطقه آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) در سئول کره جنوبی



در این کنفرانس آقای رضا محمودی "کارشناس زبان اشاره" و آقای احمد فتوحی "کارشناس مسئول معلولین جسمی - حرکتی"، آقای سید مصطفی پورناصر همدانی فر "تکنسین دفتر مهندسی" و خانم ایران بهادری "کارشناس پژوهش های توانبخشی" از طرف سازمان بهزیستی کشور جمهوری اسلامی ایران شرکت کردند.

همچنین در این کنفرانس نمایندگان از کشورهای کویت، مالزی، اندونزی، استرالیا، هند، هنگ کنگ، ژاپن، کره جنوبی و جمهوری اسلامی ایران شرکت کرده بودند.

در اولین روز ۱۸ آوریل مطابق ۲۹ فروردین ماه مراسم افتتاحیه سمینار و مراسم افتتاحیه چهارمین دوره مسابقات ورزشی ناشنوایان در سالن سرپوشیده دهکده المپیک ستول به طرز بسیار باشکوهی برگزار گردید و پیرترین مرد ناشنوی کره آقای Chang kim از طرف سازمان ناشنوایان آن کشور به میهمانان خوش آمد گفت.

سپس آقای Takeshima رئیس دبیرخانه ناشنوایان منطقه اسکاپ ضمن خوش آمد گویی به تاریخچه برگزاری کنفرانس های قبلی اشاره کرد و گفت جای خوشحالی است که از ۵۲ کشور شرکت کننده در یازدهمین کنگره جهانی ناشنوایان در توکیو ژاپن ۱۹۹۱، شانزده کشور از منطقه آسیا و اقیانوسیه بودند که فرصت مناسبی را برای دستیابی به تجربیات دیگر نقاط جهان پیدا کردند.

در روزهای ۱۹ و ۲۰ آوریل مطابق ۳۰ و ۳۱ فروردین ماه اجلاس عمومی ناشنوایان منطقه اسکاپ از ساعت ۹ صبح تا ۷ بعدازظهر تشکیل شد. در این اجلاس استفاده از زبان اشاره بین المللی Gestono به عنوان زبان اشاره منطقه به بحث گذاشته شد که افراد شرکت کننده نظرات موافق و مخالف خود را اعلام داشتند. آقای رضا محمودی به عنوان نماینده ناشنوایان جمهوری اسلامی ایران و نماینده ناشنوایان کشور مالزی به عنوان مخالف نظرات خود را بیان داشتند که علت مخالفت مغایرت بعضی از اشارات با فرهنگ اسلامی مسلمانان منطقه ذکر گردید که مقرر شد رئیس دبیرخانه ناشنوایان ضمن جمع آوری کلیه نظرات کشورهای منطقه موضوع را در فدراسیون جهانی ناشنوایان نیز مطرح نماید. ضمناً کشورهای شرکت کننده با مطالعه بیشتر بر روی زبان اشاره بین المللی نظرات قطعی خود را در اجلاس بعدی اعلام نمایند.

روزهای ۲۱ و ۲۲ آوریل مطابق ۱ و ۲ اردیبهشت ماه شرکت کنندگان در کنفرانس درباره اهمیت زبان اشاره و جایگاه آن در فرهنگ ناشنوایان و مستقل کردن آنها در جامعه سخنرانی کردند و در آغاز هر سخنرانی فرد سخنران می بایستی اشاره کشور خود را با ذکر دلیل آن اعلام کند و از شرکت کنندگان خواسته شد که با انتقال صحیح این اشارات به کشورشان برای اجرای صحیح آن و جلوگیری از هر نوع اشتباه در انجام آن تلاش نمایند. زیرا اشاره هر کشور سمبلی است از فرهنگ ناشنوایان آن کشور و اجرای ناصحیح آن به منزله بی تفاوتی نسبت به هموعان خود خواهد بود.

در روز ۲۳ آوریل مطابق ۳ اردیبهشت ماه کلیه شرکت کنندگان در کنفرانس از دو مدرسه ناشنوایان در ستول بازدید کردند. و در ستول چهار مدرسه ناشنوایان وجود دارد تا سه تای آن زیر نظر سازمان ناشنوایان و چهارمی زیر نظر آموزش و پرورش اداره می شود. این مدارس به صورت مجتمع از آموزش قبل از دبستان تا پایان دوره دبیرستان و حرفه آموزی در یک مکان قرار دارد. در این مدارس علاوه بر کادر آموزشی یک گفتار درمان، یک ادیولوژیست و یک مشاور به صورت تمام وقت با مدرسه همکاری دارند. در هر کلاس دو شاگرد با دو معلم آموزش می بینند. حرفه های منتخب برای ناشنوایان در این مدارس نقاشی، خیاطی، نجاری، سفالی، گلدوزی، کفش دوزی، خطاطی، مجسمه سازی و کامپیوتر می باشد. دوره آمادگی در این مدارس سه سال است و اولیاء کودکان ناشنوا نیز در کلاس های مخصوص آموزش می بینند.

روز ۲۴ آوریل مطابق ۴ اردیبهشت ماه کلیه شرکت کنندگان از دهکده سنتی کره جنوبی بازدید کردند. بازدیدکنندگان از این دهکده با زندگی بومی و هنرهای سنتی کره جنوبی آشنا می شوند.

در روز ۲۵ آوریل مطابق ۵ اردیبهشت ماه اجلاس جوانان ناشنوی ناشنوی منطقه اسکاپ برگزار گردید. در این اجلاس جوانان ناشنوی کمتر از ۳۰ سال در مورد مشکلات و مسائل مورد نیاز خود به بحث نشستند. بررسی پیشنهاد تأسیس انجمن جوانان ناشنوی منطقه اسکاپ از موضوعات مورد بحث در این اجلاس بود. اساسنامه تهیه شده این انجمن توسط کره به نظرخواهی گذاشته شد و مقرر گردید که نظرات قطعی هر کشور در اجلاس بعدی که در مالزی برگزار خواهد شد، ارائه گردد. در این اجلاس همچنین آقای Chough ناشنوی کره ای استاد دانشگاه گالات در آمریکا از ناشنوایان شرکت کننده در این اجلاس خواست تا در جهت تشویق ناشنوایان به فراگیری علوم و حرفه و فن تلاش کنند.

در روز ۲۶ آوریل مطابق ۶ اردیبهشت ماه کلیه شرکت کنندگان در فینال مسابقات فوتبال ناشنوایان شرکت کردند که در بازی فینال تیم ناشنوایان جمهوری اسلامی ایران با نتیجه ۲ بر ۱ تیم ناشنوایان کره جنوبی را شکست داد و به مقام قهرمانی این دوره مسابقات دست یافت.

روز ۲۷ آوریل ۱۹۹۱ مطابق ۷ اردیبهشت ۱۳۷۱ با دستان پر از مقالات علمی و تجربیات ارزنده به کشور خود برگشتند.

گزارش جامع این سفر و دیگر سفرهای رضا محمودی در کتاب سفرهای ایشان آورده می شود. اینجا صرفاً گزارش مختصر عرضه شد ولی در کتاب سفرنامه به تفصیل همراه با تصاویر منعکس خواهد شد. نیز در کتاب دیگر ایشان یعنی آلبوم تصاویر همه عکس های ایشان آورده خواهد شد.

هندوستان دارای جمعیت ناشنوای زیادی است و دولت و مردم این کشور اهتمام خاص به امور ناشنوایان می‌دول داشته‌اند. چند بار نشست‌های منطقه‌ای و جهانی در این کشور برگزار شده است.

مجمع عمومی ۱۳۷۳

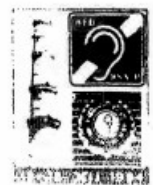
علاوه بر مجمع عمومی جهانی و کنگره جهانی که نمایندگان ناشنوایان از سراسر جهان شرکت می‌کنند، جلساتی هم بین نمایندگان ناشنوایان یک منطقه یا چند منطقه جهان برگزار و به هم‌اندیشی می‌پردازند.

مجمع عمومی ناشنوایان منطقه آسیا و اقیانوسیه از تاریخ ۲۵ آذرماه ۷۳ تا ۲۷ آذرماه ۷۳ با حضور نمایندگان از کشورهای جمهوری اسلامی ایران، مالزی، بنگلادش، هندوستان، ژاپن و استرالیا، زیر نظر خانم لیزا کوپنین دبیر کل فدراسیون جهانی ناشنوایان که از فنلاند آمده بود و آقای تاکادا رئیس دبیرخانه فدراسیون جهانی ناشنوایان در منطقه آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) که محل آن در ژاپن است. در دهلی نو پایتخت هندوستان و به میزبانی سازمان ناشنوایان هندوستان که یک مرکز غیر دولتی است برگزار گردید. اولین جلسه در ساعت ۲ بعدازظهر روز جمع ۲۵ آذرماه ۷۳ با مراسم دعا و نیایش و با اجرای سرودهای مذهبی آغاز گردید.

حضور و فعالیت نمایندگان ایران

سپس هر یک از نمایندگان کشورها در وقت مقرر به مسائل و مشکلات کشور خود پرداختند. پس از صحبت هر نماینده، ریاست جلسه به اظهار نظر می‌پرداخت و نظرش را بیان می‌کرد. از ایران رضا محمودی و خانم ایران بهادری با زبان اشاره مقاصد و دیدگاه‌های خود را بیان کردند. نمایندگان ایران (محمودی و بهادری) گزارشی درباره این مجمع عمومی نوشته‌اند که به صورت جزوه در اختیار عموم قرار گرفته است. روی جلد و صفحه نخست آن این گونه است:

6th World Federation of the Deaf
Asia - Pacific Representative Meeting



گروه پژوهش‌های توانبخشی

تنظیم کننده: ایران بهادری



جمهوری اسلامی ایران

سازمان بهزیستی کشور

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

گزارش مجمع عمومی نمایندگان ناشنوایان منطقه آسیا - اقیانوسیه (اسکاپ) در هندوستان



تهیه کننده: ایران بهادری

گروه پژوهشهای توانبخشی

رضا محمودی از ۱۰ تا ۲۰ آبان ۱۳۷۹ به یک دوره آموزشی اعزام شد. این دوره آموزشی درباره چگونگی اداره واحدهای ناشنوایی بود و بسیار بر تجارب او افزود. خودش درباره این دوره آموزشی چنین نوشته است:

اینجانب رضا محمودی، ناشنوا، معلم، رابط، کمک کارشناس آموزش سازمان بهزیستی کشور، محقق زبان اشاره، یکی از مؤلفان کتب زبان اشاره و افتخار فعالیت در انجمن های و کانون های ناشنوایان ایران را دارم.

با عنایت و توجه جناب آقای دکتر محمد کمالی معاون محترم امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور به این حقیر برای این مأموریت برگزیده و به روابط بین الملل ستاد بهزیستی معرفی شدم. با مکاتباتی که به همت دفتر روابط بین الملل با فدراسیون ناشنوایان ژاپن جهت شرکت در دوره آموزشی «آموزش سرپرستی افراد ناشنوی آسیا و اقیانوسیه» از سوی آژانس همکاری های بین المللی ژاپن (جایگاه JICA) پذیرفته شدم که در مورخ ۱۰/۷/۷۹ مصادف با (اول اکتبر) به شهر اوسا کا یکی از شهرهای مهم ژاپن عزیمت نمودم. پس از ورود به فرودگاه پس از انجام تشریفات به اقامتگاه مرکز بین المللی اوسا کا (OSIC) رسیدم همزمان با ورود اینجانب افراد ناشنوی دیگری که از سایر کشورهای آسیایی آمده بودند آشنا شدم که ارتباط اینجانب با آنان با بهره گرفتن از زبان اشاره بین المللی و آمریکایی میسر گردیده بود.

مجریان این دوره آموزش فدراسیون ناشنوایان ژاپن (JFD) با همکاری آژانس همکاری های بین المللی ژاپن (جایگاه JICA) هستند.

هدف از برگزاری این دوره، بالا بردن سطح آگاهی جوامع ناشنوایان کشورهای آسیایی نسبت به سرپرستی جامعه ناشنوایان و فعالیت های مربوط به جوامع ناشنوایان بوده است.

برگزاری اولین دوره آموزشی سال ۱۹۹۴ آغاز گردیده که همه ساله از اول اکتبر تا بیستم نوامبر به مدت ۵۰ روز می باشد.

در هر دوره فقط ۸ نفر ناشنوا از کشورهای مختلف آسیایی می توانند شرکت کنند آن هم باید مسلط به زبان اشاره آمریکایی یا بین المللی و همچنین زبان اشاره کشور خود باشند همچنین فعالیت هایی که در بخش های دولتی و غیر دولتی ناشنوایان کشور خود انجام می گیرد مطلع باشند که با بررسی و تأیید فدراسیون ناشنوایان ژاپن شرکت کنندگان گزینش می شوند. اینجانب در دوره ششم و در سال ۲۰۰۰، در این دوره شرکت کردم و اولین ایرانی بودم که در این دوره آموزشی شرکت می کردم. (۱)

رضا در این دوره علاوه بر شرکت در کلاس ها، توانست مطالعه سودمندی درباره ناشنوایی و ناشنوایان ژاپن داشته باشد و تجارب سودمندی به ایران منتقل کند. او یافته های خود را در دو نوشتار مفصل آورده است. امید است این نوشته ها به صورت کتاب منتشر و در اختیار عموم قرار گیرد.

اکنون روی جلد هر دو جزوه گزارش سفر به ژاپن را می آورم:

۱- جزوه گزارش سفر به کشور ژاپن، ص ۲.

گزارش سفر به کشور ژاپن جهت شرکت در دوره آموزشی «آموزش سرپرستی افراد ناشنوای آسیا و اقیانوسیه»

۱ نوامبر تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۰

۱۰ مهر تا ۳۰ آبان ۱۳۷۹



Japan International Cooperation Agency (JICA)



JAPANESE FEDERATION OF THE DEAF

تهیه شده توسط: رضا محمودی

فعالیت گروهی باعث بهبود کیفیت زبان اشاره و
ارائه هرچه بهتر و سالمتر خدمات ارتباط گری
(رابطی) خواهد بود.

ره آورد و گردآورنده: رضا محمودی
ترجمه: تهمنه مظفری
بهار ۱۳۸۰

فدراسیون ناشنویان ژاپن
موسسه ملی تحقیقات ارتباط گری زبان اشاره

اشاره

اولین دوره مسابقات قهرمانی فوتسال ناشنوایان آسیا و اقیانوسیه از ۲۱-۲۵ نوامبر ۲۰۱۰ مصادف با ۲۹ آبان تا ۳ آذر ۱۳۸۹ در سنگاپور برگزار شد.

آقای رضا محمودی محقق زبان اشاره ناشنوایان و نایب رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران با عنوان مترجم زبان اشاره بین المللی به دعوت آقای دکتر کاظم نظم ده رئیس فدراسیون ورزشی ناشنوایان ایران همراه با ۱۷ نفر از مربیان و بازیکنان تیم ملی فوتسال ناشنوایان ایران به کشور سنگاپور اعزام شدند.

گزارش سفر

قبل از سفر آقای دکتر اسفندیاری رئیس سازمان بهزیستی و همکارانشان جلسه ای برگزار کردند و مقرر گردید که در صورت کسب مقام به ورزشکاران و هیئت همراه جوایزی داده می شود.

در فرودگاه سنگاپور هیئت ایرانی مورد استقبال آقای دسینی رئیس اولین دوره مسابقات فوتسال ناشنوایان آسیا که اهل سنگاپور و ناشوا است و همکارانش قرار گرفتند.

پس از استقرار در هتل QUALITY در مورد برنامه های بعدی صحبت و برنامه ریزی شد. ۳ روز اول ورزشکاران کشورمان در ورزشگاه نزدیک به هتل به تمرین پرداختند.

ژاپن، عربستان، تایلند، سنگاپور و امارات کشورهایی بودند که در این مسابقات حضور داشتند.

روز ۲۹ آبان با حضور نمایندگان کشورهای شرکت کننده در همان هتل جلسه ای تشکیل شد در این جلسه درباره قوانین بازی و گروه بندی بازی ها بحث و تبادل شد و آقای محمودی صحبت های طرفین را ترجمه می کرد.

روز ۳۰ آبان همه هیئت های ورزشی کشورها در سالن فوتسال حضور داشته و در مراسم افتتاحیه این مسابقات شرکت کردند. در اولین بازی این مسابقات تیم ملی ایران مقابل تیم ملی سنگاپور با نتیجه ۷ بر صفر پیروز شد.

این مسابقات به مدت ۳ روز برگزار شد و تیم کشورمان مقام نایب قهرمانی را به دست آورد و مدال نقره دریافت کرد و می تواند در مسابقات جهانی فوتسال ناشنوایان که در مردادماه ۱۳۹۰ در سوئد برگزار می شود شرکت کند. تیم تایلند هم در این مسابقات قهرمان شد.

پس از اتمام مسابقه و مشخص شدن نتایج جهت برگزاری مراسم اختتامیه ضیافت شامی در همان هتل با حضور همه هیئت های ورزشی شرکت کننده برگزار شد.

آقای رضا محمودی در طول سفر و در همه جا همراه هیئت ورزشی ایرانی بود و کار ترجمه زبان اشاره بین المللی به زبان اشاره فارسی و بالعکس را بر عهده داشت.

روز ۵ آذر هیئت ورزشی ایران به وطن بازگشتند و هنگام ورود به فرودگاه امام خمینی مورد استقبال آقای اسفندیاری رئیس سازمان بهزیستی کشور و مسئولان فدراسیون ورزشی ناشنوایان و خانواده ورزشکاران و هیئت همراه قرار گرفتند.

آقای رضا محمودی دوره تکمیلی یادگیری زبان اشاره بین المللی را در دوره آموزش مدیریت جامعه ناشنوایان آسیا و اقیانوسیه که در ژاپن و در سال ۲۰۰۰ میلادی برگزار شد گذرانده و به کسانی که

ص: ۲۲۷

می خواهند در مجامع بین المللی ناشنوایان شرکت کنند پیشنهاد می کند زبان اشاره بین المللی و ASL را یاد بگیرند.

لیست اسامی تیم فوتسال ناشنوایان

۲۲۸ جشن نامه فرهیخته ناشنوارضا محمودی

می خواهند در مجامع بین المللی ناشنوایان شرکت کنند پیشنهاد می کند زبان اشاره بین المللی و ASL را یاد بگیرند.

لیست اسامی تیم فوتسال ناشنوایان

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	سمت
۱	کاظم نظم ده	فرخ اله	سرپرست
۲	رضا محمودی	احسان اله	مترجم
۳	محمد علی محمدی	محمد	نماینده سازمان
۴	اسماعیل محمدزاده	محسن	همراه
۵	علیرضا رعدی	غلامحسین	سرمری
۶	علی زندی پور	کاظم	مری
۷	رضا کیان نژاد	سبحان	کمک مری
۸	احمد رضا رضایی	حسن	بازیکن
۹	اکبر صادقی سروکلانی	رجب	بازیکن
۱۰	اسماعیل دژه	علی محمد	بازیکن
۱۱	مصطفی حیدری بندرآبادی	عباس	بازیکن
۱۲	علی اصغر محبوبی جوقان	جلیل	بازیکن
۱۳	مظاهر شیرزاد سبینی	کیومرث	بازیکن
۱۴	مصطفی رحیم فردوسی نژاد	محمد رضا	بازیکن
۱۵	محمد پرگر	جهان بخش	بازیکن
۱۶	رضا سلیمی هیزجی	محمد	بازیکن
۱۷	مهدی زارعی	فرج اله	بازیکن
۱۸	محمد علی گرایلی	نصراله	بازیکن
۱۹	سید امیر حسینی	سید جعفر	بازیکن

این سفر برای رضا تجارب جدیدی داشت اما گزارش مبسوط درباره این سفر تألیف نکرده است.

این سفر برای رضا تجارب جدیدی داشت اما گزارش مبسوط درباره این سفر تألیف نکرده است.

رضا محمودی به منظور دیدن خواهرش همراه خانواده اش در ۱۳۹۲ به آمریکا سفر کرد. اما در این سفر در زمینه ناشنوایی هم فعال بود و تجارب سودمندی آموخت. به مراکز ناشنوایی سر می زند و به مطالعه روش های آنها می پرداخت. گزارشی از این سفر خودش نوشته که عرضه می شود.

چند ماه همراه با همسرمرجانه جلالت و مادرم برای دیدن خواهرم به آمریکا رفتیم. خواهرم دارای همسر سیاه پوست مسلمان سنگالی "عبدالله" و دو فرزند سیاه پوست "مگو و شیوا" است. یکی از چیزها که در خیابان و محیط های عمومی توجه مرا به خود جلب کرد وجود تعداد زیاد معلولان نسبت به جمعیت بود، چیزی که در کشور ایران کمتر دیده می شود. این برای من سؤال برانگیز بود که چرا این کشور که جزو کشورهای پیشرفته دنیا است تا این اندازه معلول دارد. مدام این پرسش را از خودم می پرسیدم. هر چه زمان بیشتری از حضورم در آمریکا گذشت به وجود امکانات مناسب برای معلولان بیشتر پی می بردم و متوجه شدم تعداد بالای معلولان که به چشم می آید این است که آنها برای بیرون آمدن از خانه و زندگی روزمره با مشکلات بسیار کمتری نسبت به ایران مواجه هستند و از این رو بیرون آمدن از خانه را به خانه نشینی ترجیح می دهند.

یک روز وارد کلاس آموزش زبان عادی شدم و متوجه شدم که خانمی از همکلاس ها ناشنوا است. برای این که از درس های استاد استفاده کند سه نفر که مسلط به زبان اشاره در کلاس حضور داشتند و هر کدام از آنها یک به یک در کنار استاد می ایستند و هم زمان با استاد به ترجمه درس برای شاگرد ناشنوا به زبان اشاره می پردازند. اینها همه سخنان استاد حتی با حالت های بیانی او را نیز با چهره خود به شاگرد منتقل می کرد علاوه بر اینها هر سخنی که شاگردان کلاس می گویند و در یادگیری نیاز نیست را هم ترجمه می کرد همچنین حرف های شاگرد ناشنوا را برای استاد هم ترجمه می کرد. یکی از سه نفر از ابتدای شروع کلاس سخنان استاد را تایپ و یادداشت می کرد و در پایان کلاس در اختیار شاگرد ناشنوا می گذاشت. در اینجا استاد هیچ مشکل ارتباطی با شاگرد ناشنوا نداشت.

این سه نفر چند دقیقه به چند دقیقه جایشان را عوض می کرد تا فقط یک رابط نباشد که خسته بشود و از کیفیت کار کاسته بشود. در واقع این شاگرد ناشنوا برای فهم بهتر کلاس از طرف سازمان رفاه آن کشور سه نفر را در اختیار دارد.

یک روز با یکی از زوج های ناشنوای ایرانی مقیم آمریکا همراه با سگ خانگی ویژه ناشنوایان برای بازدید به موزه هنرهای تجسمی رفتیم. با اینکه ورود سگ به این موزه ممنوع بوده و با ارائه کارت ویژه ای همراه با افراد ناشنوا به طور آزاد وارد شد. در مدت بازدید سگ یکدفعه واق واق کرد و ما متوجه نشده بودیم. راهنمای موزه به ما تذکر داده باز هم متوجه حرف های او نشدیم. این زوج با اشاره گفتند ما ناشنوا هستیم راهنما فوراً رابط را صدا زده و رابط با زبان اشاره به ما گفت سگ شما واق واق می کند لطفاً آرامش کنید.

باز هم یک روز عصر با یکی از دوستان ناشنوای ایرانی مقیم آمریکا به یک رستوران رفتیم و غذایی را سفارش دادیم و با هم صحبت می کردیم. دوست یکدفعه یادش افتاد که فردای آن شب جایی کار

ضروری دارد و نمی تواند به محل کارش برود. گفته بودم چطوری به رئیس محل کار اطلاع می دهد. می دانید او چه کار کرد؟

او خیلی راحت و آسوده شماره تماس رئیسش را با گوشی خود گرفت و این شماره خود به خود به مرکز اپراتور رابطن وصل شده و به صورت تصویری و شنیداری تماس گرفت و مشکل کار خود را حل کرد.

حالا دیگر بهتر می توانم حضور فعال معلولان به خصوص ناشنوایان را در آن جامعه درک کنم.

ص: ۲۳۰

رضا محمودی با عنوان رئیس هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنویان ایران از طرف اعضا و عزیزان ناشنویان انجمن در طی مکاتبات با فدراسیون جهانی ناشنویان موفق به شرکت در هفدهمین کنگره بین المللی فدراسیون جهانی ناشنویان در شهر استانبول (ترکیه) در ۶ تا ۱۱ مرداد ۱۳۹۴ شد.

گزارش سفر

محمودی نتایج و دستاوردهای این سفر را نوشته و به صورت یک جزوه در اختیار عموم گذاشته است. عکس روی جلد این گزارش را می آورم.

او درباره فدراسیون جهانی ناشنویان و اهداف این دوره از کنگره چنین نوشته است:

فدراسیون جهانی ناشنویان (WFD) در سال ۱۹۵۱ در ایتالیا (روم) تأسیس گردیده و یکی از قدیمی ترین سازمان جهانی افراد معلول است. این فدراسیون یک سازمان غیر دولتی بین المللی به نمایندگی از ۱۳۳ انجمن های ناشنویان جهان و ۷۰ میلیون نفر ناشنوا در پنج قاره در سراسر جهان می باشد. همچنین دارای نه (۹) دبیرخانه منطقه ای / کاربران همکاری می باشد.

کاربرد فدراسیون جهانی ناشنویان (WFD) مقام مشورتی در سازمان ملل متحد (UN) است. در این نقش، از نزدیک با سازمان ملل متحد و سازمان های مختلف آن در ترویج حقوق بشر از افراد ناشنوا با توجه به اصول و اهداف منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و دیگر اقدامات عمومی و توصیه های سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی مثل: شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOS)، آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) سازمان ملل متحد، سازمان بین المللی کار (ILO)، بهداشت جهانی سازمان (WHO) و عضو اتحادیه بین المللی معلولان (IDA) در ارتباط دارد.

WFD در جهت دستیابی جهانی حقوق بشر برای همه افراد ناشنوا و توسعه فعالیت های خود را به سمت تساوی فرصت ها و مشارکت کامل در جامعه با افراد ناشنوا که هدف هر کشور است، توسعه می بخشد.

هدف WFD عبارتند از: حمایت از جامعه ناشنوا در دسترس، از جمله تنظیمات آموزشی دو زبانه، خدمات و اطلاعات ارائه شده در زبان اشاره، برخورداری افراد ناشنوا از حقوق بشر مانند تمام مردم دیگر.

کمک به استقرار سازمان های محلی، ملی و منطقه ای از افراد ناشنوا و برای هدایت و حمایت از فعالیت های مرتبط از همه اعضای آن.

پشتیبانی و اطمینان از افراد ناشنوا در هر کشور، حق ترویج و حفظ زبان اشاره برای پیشرفت و حفظ هویت فرهنگی و زبانی

خود.

هدف از برگزاری کنگره های بین المللی فدراسیون جهانی ناشنویان: فدراسیون هر چهار سال در یکی از شهرهای مختلف جهان و اجرای تصمیم گیری های مهم برای سیاست های ملی و برای سازمان ملل متحد از طریق پیشنهادات و ارائه علمی و راه های حل توسط متخصصان و محققان و شرکت کنندگان در مورد هر موضوع برای زندگی بهتر بشر به خصوص ناشنویان می باشد.

ص: ۲۳۱

همان طور که اطلاع دارید در شانزدهمین کنگره بین المللی فدراسیون جهانی ناشنویان سال ۲۰۱۱ در شهر دوربان (آفریقای جنوبی) با بیشترین رأی کلیه اعضای فدراسیون از جمله (اعضای ملی، عادی، افتخاری و...) شهر استانبول (ترکیه) برای میزبانی هفدهمین کنگره سال ۲۰۱۵ انتخاب شد.



انجمن فداووه ناشنویان ایران

گزارش ماموریت به استانبول
هفدهمین کنگره بین المللی فدراسیون جهانی ناشنویان
در استانبول ترکیه
۲۸ جولای تا ۱ آگوست سال ۲۰۱۵
۶ تا ۱۱ مرداد ۱۳۹۴



گزارشگر: رضا محمودی
صفحه آرایی و گرافیک: آیدین افشار فتوحی
پاییز ۹۴

هفدهمین کنگره بین المللی فدراسیون جهانی ناشنویان با مسئولیت رئیس فدراسیون ملی ناشنویان ترکیه و مدیرعامل کمیته سازماندهی این کنگره برگزار گردید.

موضوع اصلی این کنگره با عنوان «تقویت تنوع انسانی» تعریف شده از: به رسمیت شناختن و تقویت تنوع در جامعه ناشنویان در سطح جهان، از جمله کودکان، جوانان، سالمندان، زنان، ناشنویان دارای معلولیت دیگر و دو جنسیتی، در زمینه های زبان اشاره، تحقیقات ناشنوا، آموزش، اشتغال، دسترسی و فناوری، بهداشت و اخلاق زیستی است.

عکس روی جلد گزارش رضا محمودی چنین است:

تصاویر

اشاره

ص: ۲۳۳

ناشنوایان به ویژه در ایران با نوشتن و قلم و کتاب کمتر ارتباط دارند و بیشتر با تصویر و عکس مأنوس هستند. این روش از ابتدا در آموزش های آنها بوده و از کودکی با آن انس گرفته اند. البته رضا محمودی بر خلاف بسیاری از نخبگان ناشنوا از نوشتن گریزان نیست و تلاش کرده این مهارت را یاد بگیرد و اجرا کند.

هر یک از ناشنوایان به جای مجموعه ای از یادداشت ها و نوشته ها و مقالات، مجموعه هایی از عکس دارند. اما به دلیل اینکه در این زمینه آموزش های لازم را ندیده اند این میراث را هم به خوبی حفاظت و نگهداری نمی کنند.

رضا محمودی صدها تصویر دارد و تلاش کرده اینها را طبقه بندی کند و برای هر یک توضیحگر بنویسد. اما خبر مهم اینست که دفتر فرهنگ معلولین با ایشان به توافق رسید که کل آثارش را در سه جلد منتشر کند:

- جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی

- میراث ماندگار رضا محمودی، جلد نخست: آثار مکتوب

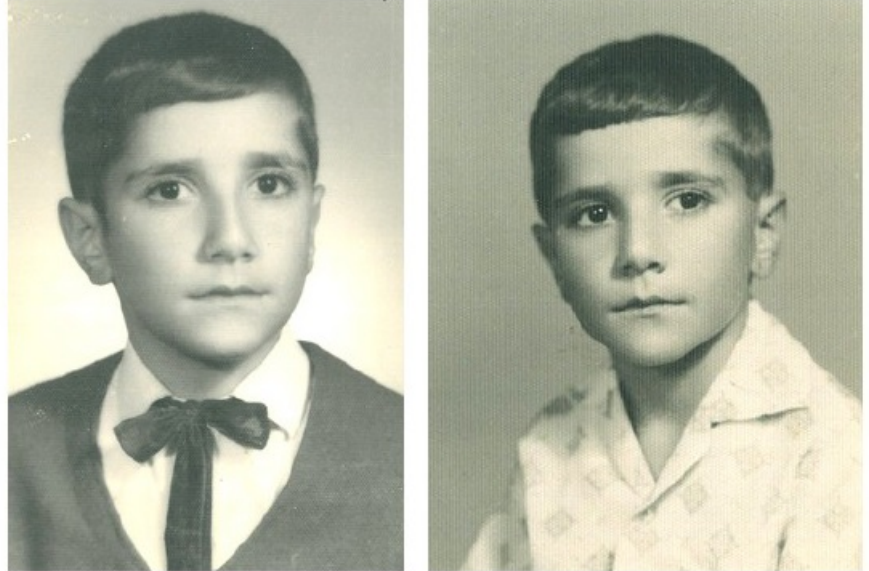
- میراث ماندگار رضا محمودی، جلد دوم: تصاویر

بنابراین درصدد هستیم برای اولین بار مجموعه تصاویر یک فرد ناشنوا را به روش علمی منتشر کنیم تا به عنوان یک الگوی آموزشی برای دیگر ناشنوایان قابل پیروی باشد. اما چند تصویر را به عنوان نمونه اینجا می آورم.

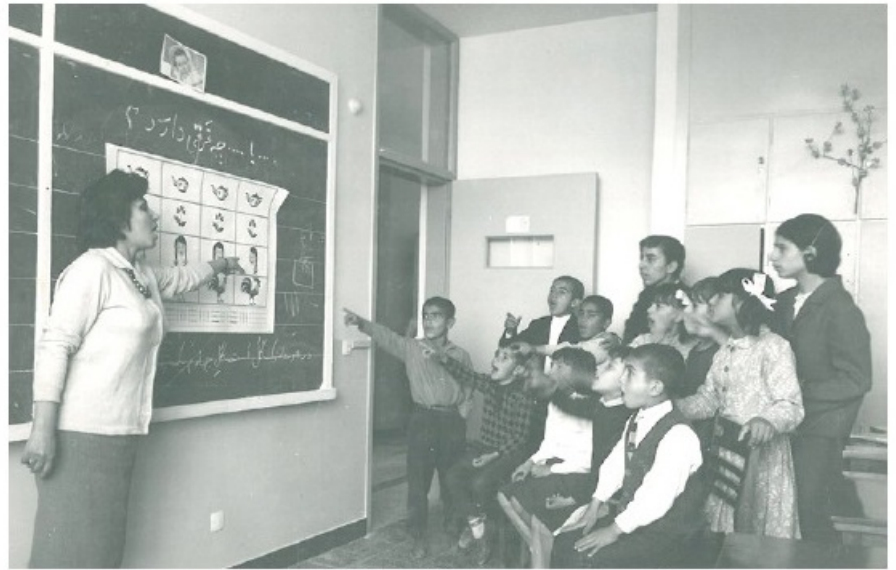
ص: ۲۳۴

تصاویر دوره نوجوانی رضا محمودی

سیر عمر



تصاویر دوره نوجوانی رضا محمودی



کلاس دوم دبستان در آموزشگاه کر و لال های باغچه بان

کلاس دوم دبستان در آموزشگاه کر و لال های باغچه بان



کلاس سوم ابتدایی در کنار همکلاسی ها و پدر



همراه همکلاسی ها در کلاس نهم، در کنار خانم ثمینة باغچه بان در آموزشگاه کر و لال های باغچه بان

همراه همکلاسی ها در کلاس نهم، در کنار خانم ثمینة باغچه بان در آموزشگاه کر و لال های باغچه بان

تصاویر ۲۳۷



رضا محمودی در دوره جوانی



از راست به چپ: حبیب تهرانی زاده، محسن لوح موسوی، مرتضی پیروزی، رضا محمودی
کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره

از راست به چپ: حبیب تهرانی زاده، محسن لوح موسوی، مرتضی پیروزی، رضا محمودی

کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره

از راست به چپ: رضا محمودی، حبیب تهرانی زاده، محسن لوح موسوی، فاطمه آقامحمد،

الهه افضلی، مرتضی پیروزی

۲۳۸ جشن نامه فرهیخته ناشنوا رضا محمودی



از راست به چپ: رضا محمودی، حبیب تهرانی زاده، محسن لوح موسوی، فاطمه آقامحمد،
الهه افضلی، مرتضی پیروزی



ایستاده: رضا محمودی، الهه افضلی، فاطمه آقامحمد، محسن لوح موسوی،
نشسته: شعله صداقت، الهه قاسمی شاد، رضاقلی شهیدی، محمد محمدی
در استودیو عکاسی جهت تهیه اولین کتاب زبان اشاره

ایستاده: رضا محمودی، الهه افضلی، فاطمه آقامحمد، محسن لوح موسوی،

نشسته: شعله صداقت، الهه قاسمی شاد، رضاقلی شهیدی، محمد محمدی

در استودیو عکاسی جهت تهیه اولین کتاب زبان اشاره

دریافت هدایا از دست مبارک محمود پاکزاد دبیرکل وقت کانون ناشنویان ایران

عوامل و فعالین اولین جشنواره فرهنگی هنری ناشنویان

تصاویر ۲۳۹



دریافت هدایا از دست مبارک محمود پاکزاد دبیرکل وقت کانون ناشنویان ایران



عوامل و فعالین اولین جشنواره فرهنگی هنری ناشنویان
در فرهنگسرای اندیشه به همت کانون ناشنویان ایران سال ۱۳۷۳

در فرهنگسرای اندیشه به همت کانون ناشنویان ایران سال ۱۳۷۳



مراسم اختتامیه دوره آموزشی مدیریت جامعه ناشنویان در ژاپن (اوساكا)



نمایندگان ۸ کشور در دوره آموزشی مدیریت جامعه ناشنویان در ژاپن (اوساكا)

از راست: راهنمای ژاپنی، نماینده ناشنویان کشورهای تایلند، پاکستان، نپال، میانمار، مالزی، لائوس، ایران و اندونزی

نمایندگان ۸ کشور در دوره آموزشی مدیریت جامعه ناشنویان در ژاپن (اوساكا)

از راست: راهنمای ژاپنی، نماینده ناشنویان کشورهای تایلند، پاکستان، نپال، میانمار، مالزی، لائوس، ایران و اندونزی



نمایندگان ناشنوایان مالزی و ایران در خانه سنتی ژاپن



دریافت هدایا توسط نمایندگان ناشنوایان هشت کشور از دست افراد ناشنوای ژاپن

دریافت هدایا توسط نمایندگان ناشنوایان هشت کشور از دست افراد ناشنوای ژاپن



رضا محمودی در دوره مدیریت انجمن خانواده ناشنوایان ایران



رضا محمودی در جلسه و گفت و گو با محمد نوری و عبدالله امینی پور
انجمن خانواده ناشنوایان ایران - ۱۳۹۵

رضا محمودی در جلسه و گفت و گو با محمد نوری و عبدالله امینی پور

انجمن خانواده ناشنوایان ایران - ۱۳۹۵

دیدار شورای مسابقه قرآنی ناشنویان با حجت الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی در قم - ۱۳۹۶

بازدید شورای مسابقه قرآنی ناشنویان از موزه امام علی (ع) - ۱۳۹۶

ص: ۲۴۳



رضا محمودی، سخنرانی در اولین مسابقات قرآنی، ناشنوایان استان قم - ۱۳۹۶



رضا محمودی، ارائه جوایز به برندگان اولین مسابقات قرآنی، ناشنوایان استان قم - ۱۳۹۶

تصاویر ۲۴۵



مراسم رونمایی کتاب ثمینه باغچه بان در سالن دفتر فرهنگ معلولین - قم، ۱۳۹۷



شرکت کنندگان در مراسم رونمایی کتاب ثمینه باغچه بان - قم، ۱۳۹۷

شرکت کنندگان در مراسم رونمایی کتاب ثمینه باغچه بان - قم، ۱۳۹۷



رضا محمودی و ثمینه باغچه بان



از چپ به راست: محمد نوری، پروانه باغچه بان (دختر کوچک جبار باغچه بان)، مرجان کریمی (نوه جبار باغچه بان)،
رضا محمودی در منزل خانم پروانه باغچه بان - تهران، ۱۳۹۷

از چپ به راست: محمد نوری، پروانه باغچه بان (دختر کوچک جبار باغچه بان)، مرجان کریمی (نوه جبار باغچه بان)، رضا محمودی در منزل خانم پروانه باغچه بان - تهران، ۱۳۹۷

نشست ناشنویان فرهیخته، به هنگام نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، مصلاى تهران - ۱۳۹۷

تصاویر ۲۴۷



نشست ناشنویان فرهیخته، به هنگام نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، مصلاى تهران - ۱۳۹۷



رضا محمودی و مرتضی پیروزی در کنار اعضای گروه سرود آوای داستان ناشنوا، به هنگام نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، مصلاى تهران - ۱۳۹۷

رضا محمودی و مرتضی پیروزی در کنار اعضای گروه سرود آوای داستان ناشنوا، به هنگام نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، مصلاى تهران - ۱۳۹۷

آقای سلطانی وزیر ورزش و جوانان همراه معاونان در جمع معلولان و ناشنوایان در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، مصلاى

تهران - ۱۳۹۷

۲۴۸ جشن نامه فرهیخته ناشنوایان رضا محمودی



آقای سلطانی وزیر ورزش و جوانان همراه معاونان در جمع معلولان و ناشنوایان در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، مصلاى تهران - ۱۳۹۷



رضا محمودی در جمع معلولان هنگام راهپیمایی به منظور معرفی حقوق معلولین به بازدیدکنندگان در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، مصلاى تهران - ۱۳۹۷

رضا محمودی در جمع معلولان هنگام راهپیمایی به منظور معرفی حقوق معلولین به بازدیدکنندگان در نمایشگاه بین المللی

قرآن کریم، مصلاى تهران - ۱۳۹۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

